

۴۹۴

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱۴۰۳ تا پنجشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۶۰

روزهای «آخر الزمانی» برای جمهوری اسلامی



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنججاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلیان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری



بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[@KayhanLife](https://twitter.com/KayhanLife)
[@kayhanlife](https://www.instagram.com/kayhanlife)
[@KayhanLife](https://www.facebook.com/KayhanLife)
<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

[@KayhanLondon](https://twitter.com/KayhanLondon)
[@kayhanlondon](https://www.instagram.com/kayhanlondon)
[@kayhanlondon](https://www.facebook.com/kayhanlondon)
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم
کیهان شماره ۱۹۶۰ (۴۹۴)

جمعه ۱۴ تا پنجشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۳
۳ تا ۹ ژانویه ۲۰۲۵



کیهان

* فهرست مطالب *

۴	سر مقاله - آزادی بدون مسئولیت وجود ندارد / الاهی بقراط
۴-۵	تیر هفته - روزهای «آخر زمانی» برای جمهوری اسلامی /
۶	شاهزاده رضا پهلوی در سال ۱۳۶۲: اگر جمهوری اسلامی ادامه پیدا کند، ایران به... /
۶	رویدادهای سال ۲۰۲۴ در گفتگو با شرلی شمسین سخنگوی فارسی زبان ارتش اسرائیل ... /
۷	گزارش بلومبرگ از نفوذ پسر شمشانی به نظام بانکی بین‌المللی ... /
۸-۹	کفگیر جمهوری اسلامی به ته دیگ خورده ... /
۹	جمهوری اسلامی به دنبال روزنه‌ای برای مذاکره با دولت دونالد ترامپ ... /
۱۰-۱۱	«پهلوی» گفتمان نیمه تمام انسان ایرانی؛ بازگشت به آینده! ... / جلال حیدری
۱۱	زیر همین گنبد و این بارگاه ... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	خلخال، جانوری که از نو باید شناخت (بخش ۲) ... /
۱۴-۱۵	بازخوانی انتقادی مقایسه فرح پهلوی و اسما اسد ... / حامد ابراهیمی
۱۶-۱۷	زمان انتخاب، شاهزاده رضا پهلوی و رهبری دوران گذار ... / کوروش زمانی
۱۷	هوای مرگ؛ چشم‌انداز این روزهای تهران ... / بهنام محمدی
۱۸-۱۹	تشدید حمله‌های اسرائیل به حوثی‌ها، زمینه‌سازی برای حمله به جمهوری اسلامی؟ ... / حنیف حیدر نژاد
۱۹	یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس: در صورت حمله اسرائیل، بمب اتمی می‌سازیم! ... /
۲۰	توس خا منه‌ای از سقوط و فرمان «لگد مال کردن» و «انتقام سخت» از مردم ... / حنیف حیدر نژاد
۲۱	افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر طی شش سال ... / طارق الحمید (الشرق الاوسط)
۲۲	ایتالیا در جستجوی راهی برای مبادله قاچاقچی اسلحه با روزنامه‌نگار ... / احمد رأفت
۲۳	روزنامه‌نگار ایتالیایی، گروگان جدید جمهوری اسلامی ... / احمد رأفت
۲۴-۲۵	دولت بزشکیان به دنبال «فدرالیسم معکوس» خاتمی ... / روشنگ آسترکی
۲۶-۲۷	سرنوشت قیمت دلار از دید خبرگزاری سپاه پاسداران و کارشناسان اقتصادی ... /
۲۷	غرب در سوریه دوباره اشتباه می‌کند ... / طارق الحمید (الشرق الاوسط)
۲۸	«هنرهای سنگین مسلمانی» بر دوش ملت ایران! ... / حامد محمدی
۲۹	رهبر جمهوری اسلامی و توجیه شکست‌هایش در سوریه ... / حسن فحص (ایندپندنت عربی)
۳۰	زندانی‌های بشار اسد از زمان پدرش برای سوریه ماند! ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۳۱	روابط به ظاهر تقویت‌کننده‌ای که سرانجام باعث سقوط ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۳۲	آیا دمشق مبتلا به عارضه‌ی ۱۹۷۹ شده است؟ ... / عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط)
۳۲-۳۳	ظهور «الشروع» در دمشق و جام زهر حکومت‌های روسیه و ایران ... / عسان شریل (الشرق الاوسط)
۳۴-۳۵	گفتگوی شکست‌خوردگان در نبرد سوریه و تاکتیک‌های ... / تونی فرانسیس (ایندپندنت عربی)
۳۵	سوریه و سوار کار بعدی! ... / بهنام محمدی
۳۶-۳۷	گزارش ویژه: پدیده «نوزاد فروشی» در ایران برای گذران زندگی ... / روشنگ آسترکی
۳۷	درباره حقایق سوریه ... / طارق الحمید (الشرق الاوسط)
۳۸-۳۹	نوپهلوی گرایبی و ایرانگرایبی؛ دوروی سکه‌ی پیشرفت ایران ... / سیاوش پندار
۴۰-۴۳	بازنشر؛ مستندسازی با جعل سند؛ رونمایی با لاپوشانی؟! ... / نازنین انصاری، الاهی بقراط، منوچهر هنرمند
۴۴-۴۷	۳۰ بهمن ۱۳۹۰ تأسیس دانشگاه تهران در دوره رضاشاه بزرگترین پروژه ... / حسین میرزانی
۴۸-۴۹	وعده‌ی بی‌عمل رفع فیلتر بنگ؛ اصلاح طلبان برای حمایت از بزشکیان به ... /
۴۹-۵۰	۱۶ درصد از مردم در ایران برای مهاجرت برنامه‌ریزی کرده و ۴۶/۵ درصد به مهاجرت ... /
۵۰	بازداشت چچیلیا سالار روزنامه‌نگار ایتالیایی در تهران ... /
۵۱	موج جدید افزایش قیمت مواد غذایی به علت افزایش قیمت ارز ... /
۵۲-۵۳	نصف شدن رشد اقتصادی؛ شکست سپردن حاکمیت اقتصاد نفتی ... / روشنگ آسترکی
۵۳	افزایش استخراج غیرقانونی بیت‌کوین در ایران ... /
۵۴	اورشلیم پست: مردم ایران رهبری را می‌خواهند که واقعا بازتاب‌دهنده اراده آنها باشد ... /
۵۵	منصور بر جی روحانی مسیحی؛ با ادامه این نظام از اسلام چیزی باقی نخواهد ماند ... /
۵۵	احضار سفیر سعودی در تهران به دنبال اعدام شش ایرانی در عربستان ... /
۵۶-۵۷	بازندگان در سوریه و شکست جبران‌ناپذیر رژیم ایران ... / خیرالله خیرالله (روزنامه‌اردنی الرأی)
۵۷-۵۸	چنگ قدرت در کرانه باختری میان تشکیلات خودگردان فلسطین با نیروهای «حماس» و ... /
۵۸-۵۹	طرح استیضاح همتی به جریان افتاد؛ قالیباف می‌گوید در مقطع فعلی خلاف منافع مردم است ... /
۶۰	۹۹ درصد تالاب گاوخونی خشک است؛ لزوم بازنگری در سند سازگاری با خشکسالی ... /
۶۱	نرخ فرسایش خاک در ایران، هفت برابر میانگین جهانی! ... /
۶۲	فیلم «ده» کیارستمی بر صحنه تئاتر در فرانسه ... / کتابیون حلاجان
۶۳	آثار کتابیون روچی؛ سفری از شیراز تا دمشق در کالری ... / کتابیون حلاجان
۶۴	صنعت ایران در کمنا؛ غیرفعال شدن نیمی از ظرفیت شهرک‌های صنعتی به علت قطع انرژی ... /
۶۵	تداوم بحران انرژی و خروج ۸۰۰ نیروگاه برق از مدار تولید ... /
۶۶	دولت بزشکیان با «افزایش قیمت» به فکر «قدرت خرید مردم» است! ... /
۶۷	خبری تکراری که باز هم تکذیب شد؛ لایحه حذف چهار صفر از پول ملی ایران ... /
۶۸-۶۹	در ساختار بهداشت و درمان ایران چه خبر است؟! ... /
۶۹	۲۰ درصد از جمعیت ایران بی‌سواد یا کم‌سواد هستند ... /
۷۰	کاهش بارندگی‌ها در ایران و تشدید بحران کم‌آبی ... /
۷۱	دفاع آموزش و پرورش از معدل ۱۰ دانش‌آموزان: «بحرانی نیست»! ... /
۷۲-۷۳	تصمیم جمهوری اسلامی رفع فیلتر «قطره چکانی» اینترنت است ... /
۷۳	خسرو علی کردی و کیل خانواددهای دادخواه و فاطمه سپهری بازداشت شدند ... /
۷۴-۷۵	خبرهای کوتاه ... /
۷۶	پشت جلد - عکس هفته / آخرین روزهای ریاست جمهوری جو بایدن

بازنشر
بازنشر

بازنشر



روزهای «آخرالزمانی» برای جمهوری اسلامی

سرمقاله

آزادی بدون مسئولیت وجود ندارد

یکی از مشکلات ذهنی و عینی در جامعه ایرانیان، عدم پذیرش مسئولیت فردی و جمعی است. ایرانیان نخواهند توانست کشورشان را بسازند اگر نقش خود را در تخریب آن نبینند! از انقلاب ۵۷ و امید بستن به سازندگی هاشمی رفسنجانی و اصلاحات خاتمی و صندوق انتخابات استصوابی و نمایشی تا امروز که برخی در داخل و خارج، بدون پذیرفتن مسئولیت در چنین روند تخریبی، با تبلیغات رسانه‌ای فارسی‌زبان‌ها و فرنگی‌زبان‌ها، به عنوان چهره‌هایی معرفی می‌شوند که بجای پیوستن به جنبش ملی‌آزادیخواهی ایرانیان گویا قرار است آنها



را نجات دهند بدون آنکه مشخص کنند بجز تکرار شعار «زن زندگی آزادی» که تازه دو سال است باب شده و تأکید بر آزادی پوشش که تا پیش از ۵۷ زنان ایران هم از آن و هم از حقوقی به مراتب بیش از آن برخوردار بودند و همچنین مفاهیم کلی مانند دموکراسی و حقوق بشر، با چه اهداف مشخص و کدام برنامه قرار است ملت را با خود همراه کنند!

اگر یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش از ۵۷، ناهمخوانی آرزوها و اهداف حکومت پهلوی با نیروهای ارتجاعی و سنتی درون جامعه و رهبران فکری آنها بود، همان ناهمخوانی مشکل کنونی نیز هست اما به شکل برعکس: ناهمخوانی آرزوها و اهداف نیروهای پیشرو و مدرن درون جامعه و رهبران فکری آنها با جمهوری اسلامی!

چنین واقعیتی اما نه حاصل تلاش افراد و جریان‌ها و وابسته به رژیم و یا همچنان دلبسته به ۵۷ بلکه ناشی از شکست‌های پی در پی حکومت به دلیل ناکارآمدی و ناهمخوانی آن با روح زمان و به میدان آمدن نسل‌هایی است که دموکراسی‌ها در جوامع باز در تنظیم روابط خود با آنها با مشکل روبرو هستند چه برسد به یک حکومت قرون وسطایی مانند آنچه ۴۶ سال بر ایران حاکم است.

در هر حال، آزادی بدون مسئولیت وجود ندارد و این دو در فلسفه سیاسی و قراردادهای اجتماعی در واقع همزاد یکدیگرند چرا که ترکیب و تناسب آزادی و مسئولیت با هم است که انسان منفرد را از وضعیت طبیعی یا «آزادی مطلق» خارج می‌کند تا زندگی جمعی و خیر همگانی را در هم‌زیستی انسان‌های منفرد ممکن سازد. عمدتاً دو گروه به هم‌زیستی دواطلبانه در آزادی ضربه می‌زنند. یکی، افراطیون سیاسی از راست تا چپ و دیگری افراد سیاسی که بدون پذیرفتن مسئولیت نقش و اعمال خود، به موج‌سواری می‌پردازند یا بازبچه‌ی حکومت می‌شوند تا از جمله با صفت‌بندی‌ها کاذب، جریان‌اتی را که با اقبال عمومی روبرو شده‌اند، خنثی کنند.

بی‌مسئولیتی افراطیون و موج‌سواران اما هرگز به آزادی و بازسازی هیچ کشوری منجر نمی‌شود زیرا هر دو با ابزار متفاوت از هر «دیگری» که مانند آنها نیست سلب آزادی می‌کنند. در حالی که افراطیون با اقتداء به یک فرد یا «مرجع»، از خود سلب می‌مسئولیت کنند، موج‌سواران یا بازبچه‌هایی که با انکار گفتار و رفتار خود در استمرار نظام، به دنبال نقش تازه‌ای هستند، همواره آماده‌اند تا نقش «مرجع» و «آقابالاسر» یا «خانم بالاسر» را بازی کنند! به این ترتیب هر دو، از هر نظام و سیاستی که دفاع کنند، خود به بخشی از مشکل تبدیل می‌شوند و دموکراسی به عنوان مدافع آزادی متکی بر مسئولیت، موظف به حل و طرد آنها به سود هم‌زیستی و خیر همگانی است.



● وضعیت در ایران جدی‌تر و حادثه از آنست که امید بستن به مذاکره با دولت دونالد ترامپ و تصویب لوایح FATF و خروج ایران از فهرست سیاه این نهاد بین‌المللی بتواند عبور جمهوری اسلامی از انواع مشکلات به ویژه بحران‌های اقتصادی را کاهش دهد چه برسد به آنکه بقای آن را «بیمه» کند!

جمهوری اسلامی شکننده‌ترین دوران حیات خود را سپری می‌کند. بحران‌های انباشته در کشور و مردمی که به عنوان مهم‌ترین مخالفان حکومت، جدی‌ترین تهدید علیه آن به شمار می‌روند، در کنار شکست توهم «جبهه مقاومت»، بسیاری از «خودی‌ها» را نیز با واقعیت «خطر سقوط» روبرو کرده و ایران را در یکی از مقاطع مهم تاریخ‌ساز قرار داده است.

انواع سوخت و انرژی از برق و گاز تا بنزین و گازوئیل با کمبود شدید روبروست. هشدارها درباره کمبود منابع آبی در نیمه نخست سال آینده آغاز شده است. صنایع مختلف در پی قطع مکرر برق و گاز با تعطیلی یا نصف کردن سطح فعالیت تولیدی روبرو هستند و ناچار شده‌اند تعداد زیادی از کارکنان را اخراج کنند. آلودگی هوا در شهرهای صنعتی و پرجمعیت کشور بیداد می‌کند و چون زهر گشوده در جان شهروندان جاری می‌شود.

خرانه دولت خالیست و تجارت داخلی و خارجی با رکود عمیق روبروست. فساد در ساختار اداری و اجرایی کشور منابع ناچیز موجود را می‌بلعد. فقر فراگیر شده و درآمد‌های ناچیز و تورم فزاینده بسیاری از گروه‌های شغلی را برای تأمین نیازمندی‌های اولیه و ضروری با بحران روبرو کرده است. هر روز در جای جای کشور اعتراضات صنفی از سوی کارگر و بازنشسته و کارمند ادامه دارد و البته گوش شنوایی برای فریادهای مستأصل ناشی از بحران‌های معیشتی وجود ندارد. فرار سرمایه مالی و انسانی از کشور همچنان به شکل فراگیر ادامه دارد و آمارها نشان می‌دهد فقط ۱۶ درصد از شهروندان به مهاجرت «فکر نمی‌کنند»!

اینها تنها بخشی از کمبودها و مشکلات مستقیمی است که مردم ایران بطور روزانه با آن دست و پنجه نرم کرده و آثار این شرایط بر ابعاد مختلف زندگی‌شان سایه افکن شده است.

تلاش برای حل دو بحران مهم در میان بحران‌های ریز و درشت ناشی از چهار دهه ناکارآمدی، مشکلات اقتصادی را می‌توان بزرگترین



را ضایع و کاسه‌ی صبر آنان را لبریز کرده است. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد مردم در حالی که زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و اجتماعی بسر می‌برند اما امید آنان به «رفت» جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگرست. آنها

رقم کسری بودجه بیشتر خواهد شد. در آنسو افزایش قیمت دلار به دلیل کاهش صادرات نفتی و تحلیل رفتن بنبه تولید در کشور، موضوعی قابل پیش‌بینی برای نیمه دوم سال ۱۴۰۳ بود. در این میان تصمیم

→ تهدید برای جمهوری اسلامی ارزیابی کرد. برنامه حکومت برای رسیدن به توافقی به سود نظام در مذاکرات پشت پرده با دولت جو بایدن بی‌نتیجه ماند و از چند روز دیگر، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، دولت دونالد ترامپ



دریافته‌اند که اختاپوس زاینده از انقلاب ۵۷ نفس‌های آخر را می‌کشد. این واقعیت را حتی مقامات جمهوری اسلامی نیز دریافته‌اند و مدام از تریبون‌های رسمی نسبت به «خطر سقوط» هشدار می‌دهند در حالی که دستگاه‌های سرکوب نیز خود را برای جلوگیری از وقوع اعتراضات سراسری آماده می‌کنند.

در همین ارتباط، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه با اشاره به بحران کمبود سوخت و قطع برق و گاز و ناراضی‌های ناشی از آن، به دادستان کل کشور و دادستان‌های استان‌ها دستور داده «بطور خاص در این مقطع فعلی» در همکاری با مسئولان امنیتی و انتظامی در مقابل «هرگونه ناامنی» اقدام کنند.

فعالیت نهادهای امنیتی و اطلاعاتی نیز در هفته‌های گذشته افزایش یافته است. بسیاری از احکام تعلیقی یا اجرا نشده‌ی شهروندان معترض به اجرای احکام فرستاده شده از جمله احکام بیشتر صادرشده علیه دست‌کم سه وکیل دادگستری به اجرا درآمده است.

برخی ناظران تعطیلی پی در پی شهرها به بهانه‌ی «آلودگی هوا» را نیز نوعی اقدام برای کنترل موقعیت رژیم و جلوگیری از شکل گرفتن اعتراضات مردم ارزیابی می‌کنند. تحركات در گروه‌های اجتماعی و اصناف نیز نشان از یک پتانسیل عظیم در جامعه برای اعتصاب و اعتراض دارد. تظاهرات و تجمعات صنفی افزایش یافته و حتی در هفته‌ای که گذشت بازاریان در تهران و مشهد به علت رکود ناشی از افزایش قیمت دلار و قطع مکرر برق دست به اعتصاب زدند.

بر اساس همه این شواهد عینی، به نظر می‌رسد وقوع موج دیگری از اعتراضات سراسری اجتناب‌ناپذیر است و با توجه به شرایط به شدت شکننده‌ی جمهوری اسلامی، چنین اعتراضاتی می‌تواند فرصتی تاریخی را برای مردم آزادخواه ایران رقم بزند تا خود را از شر حکومتی رها کنند که زندگی چند نسل را به تباهی و کشور را به پرتگاه نابودی کشانده است.

ناجای تیم اقتصادی دولت پزشکیان برای حذف سامانه ارزی «نیما» و راه‌اندازی بازار جدید ارزی با عنوان «بازار ارز تجاری» سبب باز شدن فتر افزایش قیمت ارز در ایران شد. ساز و کار بازار ارزی جدید به گونه‌ای است که قیمت‌های آن تابع قیمت در بازار آزاد هستند. به بیان ساده، قیمت ارز در بازار جدید نسبت به سامانه «نیما» با افزایش چشمگیری روبرو شده و از آنجا که واردکنندگان کالا باید ارز مورد نیاز خود را در «بازار ارز تجاری» تهیه کنند، در نتیجه از این پس کالاهای وارداتی به کشور با قیمت گرانتری نسبت به گذشته وارد خواهند شد. این به معنی موجی از افزایش هزینه تولید و افزایش قیمت کالاهای مختلف در کشور است که فشاری مضاعف بر موج عمومی تورم تحمیل می‌کند.

این تصویر هولناک از دخل و خرج دولت و کسری انباشته‌ی بودجه و فشار افزایش قیمت ارز بر تورم عمومی اقتصاد ایران سبب سقوط بیش از پیش ارزش پول ملی و از دست رفتن بیشتر قدرت خرید خانوارها می‌شود.

همزمان اثرات رکود ناشی از قطع یکساله‌ی برق و گاز در واحدهای تولیدی و صنعتی، در کنار ناتوانی و بی‌برنامگی دولت برای حمایت از صنایع مختلف، موج بزرگی از اخراج نیروی کار را رقم خواهد زد. کارشناسان نیز تأکید دارند بحران کمبود گاز و برق در سال آینده عمیق‌تر و البته بحران بی‌آبی در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ نیز بر آن افزوده خواهد شد!

در چنین شرایطی مشخص است که دولت نیز با خزانه خالی توان پولپاشی به قشرهای فرودست و پرداخت یارانه را نخواهد داشت و به این ترتیب سفره‌ها خالی‌تر شده و نارضایتی به شکل گسترده‌ای افزایش خواهد یافت.

فرصت تاریخی برای ایران

با چنین شرایطی، جمهوری اسلامی در متزلزل‌ترین و آسیب‌پذیرترین وضعیت زندگی خود قرار گرفته است. انواع کمبود، از انرژی تا تورم و آلودگی هوا، زندگی روزانه‌ی شهروندان را در وجوه مختلف فلج و حقوق طبیعی آنها

فعالیت خود را آغاز خواهد کرد. خزانه آنقدر خالیست که از هم‌اکنون جریانی از درون حکومت در حال تلاش برای آغاز مذاکرات با دولت جدید ایالات متحده است تا شاید با دادن امتیازاتی به دولت ترامپ بتوانند با کاهش فشار تحریم‌ها بخشی از شاگرد مسدود درآمدهای ارزی را باز کنند.

در آنسو علی خامنه‌ای ناچار شده حکم بررسی دوباره لوابح FATF را صادر کند تا شاید با خروج ایران از فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) بتواند مسیر مسدود تجارت خارجی را باز کند. به نظر می‌رسد با از هم پاشیده شدن «جبهه مقاومت» و فلج شدن گروه‌های تروریستی نیابتی و دولت‌های هم‌پیمان جمهوری اسلامی در منطقه، فعالیت شبکه‌ی رژیم برای پولشویی و تخریب منابع مالی به آنها نیز با مشکل جدی روبرو شده و در نتیجه مهمترین علت مخالفت برای تصویب لوابح FATF اکنون کم‌رنگ شده باشد.

با اینهمه وضعیت در ایران جدی‌تر و حادث‌تر از آنست که امید بستن به مذاکره با دولت دونالد ترامپ و تصویب لوابح FATF و خروج ایران از فهرست سیاه این نهاد بین‌المللی بتواند عبور جمهوری اسلامی از انواع مشکلات به ویژه بحران‌های اقتصادی را کاهش دهد چه برسد به آنکه بقای آن را «بیمه» کند!

تبریزه‌راگین اقتصاد بر پیکر نظام

پایرجایی کسری بودجه و اقدامات دولت برای جبران این کسری سبب شده رقم نقدینگی در کشور به مرز ۱۰ هزار هزار میلیارد تومان برسد؛ رقمی که پیام واضح آن در ساختار اقتصاد ایران تشدید تورم فزاینده خواهد بود. از سوی دیگر بر اساس محاسبات کارشناسان، بودجه ۱۴۰۴ رقمی معادل ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی عملیاتی دارد؛ به بیان دیگر حتی اگر همه درآمدهای گنجانده شده در لایحه بودجه تحقق یابد، باز هم هزینه‌هایی که دولت باید در سال آینده پرداخت کند بیش از درآمد آن است. این در حالیست که درآمدهای نوشته شده در ردیف‌های لایحه بودجه، از درآمدهای مالیاتی تا درآمدهای نفتی، همگی تحقق پیدا نخواهد کرد و در نتیجه

شاهزاده رضا پهلوی در سال ۱۳۶۲:

اگر جمهوری اسلامی ادامه پیدا کند، ایران به موضوع جهانی تبدیل خواهد شد

تأکید می‌کرده، کاملاً واقع‌بینانه بوده است از جمله هنگامی که اشاره کرد اگر جمهوری اسلامی ادامه پیدا کند، ایران به یک موضوع جهانی تبدیل خواهد شد و آنوقت دیگران برای تصمیم گرفتن درباره کشور وارد میدان خواهند شد! نکته‌ی مهمی که در سال‌های اخیر نیز بارها بر آن تأکید کرده است همچنین در ارتباط با نقش تعیین‌کننده‌ی مردم در داخل، نقش ایرانیان خارج کشور، ضرورت ائتلاف و همبستگی نیروهای ملی و آزادیخواه، آزادی مذهب و آزادی بیان و اندیشه و عقیده و در نهایت تشکیل یک نهاد ملی به عنوان آلت‌ناتیو جمهوری اسلامی، آن زمان «شورای مشروطیت» و این زمان «ائتلاف مشتاقان»، همگی نکاتی هستند که طی چهار دهه گذشته نه تنها تکرار بلکه به آزمون و خطا نیز گذاشته شده‌اند و اثبات شده که ایرانیان برای نجات میهن‌شان و رسیدن به آزادی و دموکراسی و حقوق انسانی خود، راهی جز این مسیر ندارند. مسیری که در آن دو جهت و صف که هر سال روشن‌تر شد، بیشتر وجود ندارد: استمرار ۵۷ و جمهوری اسلامی، غلبه بر گسست ۵۷ و ایران آینده! پیش از این، دقایق متفاوتی از این نشست طولانی و سخنان تاریخی، در اینترنت منتشر شده بود. اما این ویدئو که بیش از سه ساعت است به تازگی در روز شنبه ۸ دی‌ماه ۱۴۰۳ توسط علی‌رضا مکرمی فعال و تحلیلگر سیاسی در وبسایت «گویانوز» منتشر و و در کانال یوتیوب «گویای من» آپلود شده است.



اکنون پس از گذشت اینهمه سال ثابت شده است که اغلب نکاتی که این ولیعهد ۲۳ ساله بیش از ۴۰ سال پیش بر آنها

این حضور و گفتگو مربوط به سال ۱۳۶۲ و هنگامی است که شاهزاده رضا پهلوی ولیعهد ایران ۲۳ سال بیشتر ندارد و با شماری از خبرنگاران و فعالان سیاسی آن دوران در حالی که فقط پنج سال از انقلاب ۵۷ می‌گذرد به گفتگو می‌نشیند و نخست دیدگاه و تجربه‌ی خود را با آنها در میان می‌گذارد تأکید وی در همه این سخنان اتکا بر مردم و خواست‌ها و حقوق آنهاست و در این راه منافع ملی و ملت و مملکت ایران را در صدر همه‌ی اهداف مخالفان رژیم و مدافعان آزادی و حاکمیت ملی و دموکراسی قرار می‌دهد. وی ترجیح خودخواهی‌ها و سلیقه‌های شخصی و گروهی را در این سخنان «انگل باطنی» می‌نامد و همه نیروهای سیاسی مدافع آزادی و دموکراسی را به همکاری و همکاری علیه نظام جمهوری اسلامی فرا می‌خواند.

با توجه به ناکارآمدی و ناتوانی ذاتی نظام جمهوری اسلامی، اگر همان زمان نیروهای سیاسی به این توصیه‌های همگرایانه و میهن‌دوستانه توجه می‌کردند، آیا جمهوری اسلامی موفق می‌شد در کنار سرکوب وحشیانه و تحمیل شرایط دشوار زندگی به ایرانیان، با پروژه‌های مختلف از جمله «خندق» و «اصلاحات» و ترفندهای امنیتی چنان به دوگانه‌سازی و انشقاق و تفرقه در داخل و خارج بپردازد که توجهات را از مشکل اصلی ایران که چیزی جز خود رژیم نیست دور کرده تا به حواشی و افتادن به جان هم بپردازند؟ واقعیت این است که این پرسش پاسخ قطعی ندارد. اما

رویدادهای سال ۲۰۲۴ در گفتگوی شرلی شمسین سخنگوی فارسی‌زبان ارتش اسرائیل با نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف



شامگاه یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳ (۲۹ دسامبر ۲۰۲۴) در یک لایو اینستاگرامی شرلی شمسین سخنگوی فارسی‌زبان ارتش اسرائیل و نازنین انصاری روزنامه‌نگار بین‌المللی و مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف به گفتگو درباره رویدادهای سالی پرداختند که به پایان می‌رسد و یکی از پرحادثه‌ترین سال‌های اخیر بوده است. در این گفتگو از جمله این پرسش‌ها مطرح شد:

در سال ۲۰۲۴ چه تحولات اساسی مرتبط با ایران، در داخل و خارج از مرزهای آن رقم خورد؟ جایگاه زنان در ایران کنونی کجاست؟ و چرا جنبش «زن زندگی آزادی» که زنان ایران موتور محرکه‌ی آن بودند، ادامه نیافت؟

نقش حکومت جمهوری اسلامی در آغاز و ادامه جنگ کنونی اسرائیل، غزه و لبنان چه بود؟

به باور بسیاری از مردم، ملت ایران از بیش از ۴۵ سال پیش گروگان رژیمی هستند که پول و دارایی‌هایشان را به پای نیروهای نیابتی خود می‌ریزد، اما شهروندان ایران را در فقر و بدبختی نگه می‌دارد. این ملت چه زمان و چگونه از تسلط این رژیم آزاد می‌شود؟

آیا تأثیراتی از اسلام افراطی را در بریتانیا هم می‌توان دید؟

از مشاهدات و تجربه‌تان در ارتباط با سفر اخیرتان به اسرائیل بگویید. چه پیش‌بینی برای سال ۲۰۲۵ میلادی دارید؟ آیا پیروزی نور بر تاریکی در سال آینده رخ خواهد داد؟

گزارش بلومبرگ از نفوذ پسر شمشانی به نظام بانکی بین‌المللی

در جمیرا در دوبی که به عنوان «جزیره میلیاردرها» شناخته می‌شود، از سوی اعضای شبکه شمشانی خریداری شده است.»

«بلومبرگ» با اشاره به مباحثات دولت‌های غربی با رژیم ایران و تأثیر آن بر عملکرد امپراتوری حسین شمشانی می‌نویسد: «در مذاکرات خصوصی با هم‌تایان آمریکایی، برخی از مقامات اماراتی از جمله یوسف العتیبه فرستاده تأثیرگذار امارات در واشنگتن، مخالفت خود را با تحریم‌هایی که شمشانی را هدف قرار می‌دهند بیان کرده‌اند.»

علاوه بر این، برخی مقامات دولت جو بایدن نیز به صورت خصوصی پذیرفته‌اند که پایین نگه‌داشتن قیمت نفت و جلوگیری از جنگ تجاری با چین نسبت به برخورد با افراد برجسته بازار نفت ایران مانند شمشانی در اولویت بوده است.

یک شرکت لابیگری به نام «کورویس» مستقر در واشنگتن از بازیگران اصلی در کمپین نفوذ حسین شمشانی برای حفاظت از منافع تجاری‌اش بوده است که با ارائه مشاوره راهبردی و تسهیل مذاکرات با مقامات آمریکایی، نقش مهمی در تلاش‌های شمشانی ایفا کرده است. انتشار نام این شرکت در میان ناظران آمریکایی امور ایران باعث واکنش‌های بسیاری شده است.

پیشتر «بلومبرگ» به نقل از «منابع مطلع» گزارش داده بود، پسر شمشانی در مبادله تهاوتی اسلحه در برابر محصولات نفتی با روسیه «نقش کلیدی» بازی می‌کند.



حسین شمشانی پسر علی شمشانی مشهور به «هکتور» دلال نفت ایران

دلار برای اقتصاد دومینیکا سود داشته و به افرادی که تابعیت اصلی آنها ممکن است برایشان مشکل‌ساز باشد، به آسانی تابعیت دوم اعطا کرده است.

گرفتن تابعیت دومینیکا توسط شمشانی و تیم او یکی از گام‌هایی بود که به این گروه از ایرانیان امکان داد مورد پذیرش گسترده بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی غربی قرار بگیرند.

«بلومبرگ» در ادامه گزارش خود با افشای تعدادی از همراهان و نزدیکان حسین شمشانی می‌نویسد: «همراه با شمشانی، یکی از ایرانیانی که گذرنامه دومینیکا دریافت کرد، یک ناخدای کشتی به نام علیرضا درخشان ملقب به «کاپیتان دی» است که با شرکت تجاری «میلاوس گروپ» همکاری دارد.»

در بخش دیگری از این گزارش به نام «مهدیار زارع مجتهدی» مدیر ارشد صندوق سرمایه‌گذاری «اوشن لئونید» و «حسین قربانی‌زاده» همکار ارشد در «گروه گلدن نست» اشاره شده است. اینها افرادی هستند که به حسین شمشانی در ایجاد روابط بانکی جهانی کمک کردند.

بر اساس داده‌های «پروژه پاسخگویی دولت» که یک سازمان غیرانتفاعی با هدف افشای فساد، حمایت از افشاگران و ارتقای شفافیت و پاسخگویی در نهادهای دولتی و خصوصی است، «علیرضا درخشان در سال ۲۰۰۹ تابعیت دومینیکا را به دست آورد. نام او همچنین در یک ثبت تجاری در ترکیه به عنوان شهروند دومینیکا دیده می‌شود.»

در بریتانیا اسناد و مدارک شرکت‌ها نشان می‌دهد که زارع مجتهدی و قربانی‌زاده نیز به عنوان شهروندان دومینیکا ثبت شده‌اند. در تمامی این موارد هیچ اشاره‌ای به نام ایران در اسناد نشده است.

طبق این گزارش، «بر اساس پایگاه داده‌های املاک و مستغلات دوبی که توسط یک سازمان تحقیقاتی غیرانتفاعی مستقر در واشنگتن جمع‌آوری شده است، دست‌کم دو ویلا

● خبرگزاری «بلومبرگ» در گزارشی به افشای برخی دیگر از فعالیت‌های حسین شمشانی پسر علی شمشانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته است. محور این گزارش درباره چگونگی نفوذ حسین (هکتور) به نظام بانکی بین‌المللی است.

● در این گزارش برای گردآوری اطلاعات درباره شبکه وابسته به شمشانی با بیش از ۴۰ نفر گفتگو شده و نتیجه یک تحقیق یکساله است که نشان می‌دهد فرزند یکی از مقامات ارشد امنیتی حکومت ایران چگونه توانسته با شرکت‌های خود در نظام مالی غرب نفوذ کند.

● در بخشی از این گزارش آمده: «حسین شمشانی پسر علی شمشانی از مقامات نزدیک به علی خامنه‌ای، از برنامه‌های شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری در دومینیکا و همچنین از یک شرکت لابی در شهر واشنگتن با هدف دور زدن تحریم‌ها و بهره‌گیری از سودهای کلان اقتصادی از جمله خرید املاک در خارج از ایران استفاده کرده است.»

● «بلومبرگ» در ادامه گزارش خود با افشای تعدادی از همراهان و نزدیکان حسین شمشانی می‌نویسد: «همراه با شمشانی، یکی از ایرانیانی که گذرنامه دومینیکا دریافت کرده یک ناخدای کشتی به نام علیرضا درخشان ملقب به «کاپیتان دی» است که با شرکت تجاری «میلاوس گروپ» همکاری دارد.»

خبرگزاری «بلومبرگ» دوشنبه ۳۰ دسامبر (۱۰ دی‌ماه) در گزارشی به افشای برخی دیگر از فعالیت‌های حسین شمشانی پسر علی شمشانی دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته است. محور این گزارش درباره چگونگی نفوذ حسین (هکتور) به نظام بانکی بین‌المللی است.

در این گزارش برای گردآوری اطلاعات درباره شبکه وابسته به شمشانی با بیش از ۴۰ نفر گفتگو شده و نتیجه یک تحقیق یکساله است که نشان می‌دهد فرزند یکی از مقامات ارشد امنیتی حکومت ایران چگونه توانسته با شرکت‌های خود در نظام مالی غرب نفوذ کند.

بر اساس این گزارش، نهادهای اصلی در شبکه حسین شمشانی مسئول تحویل تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی به روسیه بوده‌اند. شبکه حسین شمشانی در لندن، ژنو، دوبی و سنگاپور فعال بوده و با برخی از بزرگترین مؤسسات مالی دنیا ارتباط داشتند.

در بخشی از این گزارش آمده: «حسین شمشانی پسر علی شمشانی از مقامات نزدیک به علی خامنه‌ای، از برنامه‌های شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری در دومینیکا و همچنین از یک شرکت لابی در شهر واشنگتن با هدف دور زدن تحریم‌ها و بهره‌گیری از سودهای کلان اقتصادی، از جمله خرید املاک در خارج از ایران، استفاده کرده است.»

او از طریق دریافت شهروندی دومینیکا به نظام بانکی بین‌المللی دسترسی پیدا کرد و از طریق کانال‌هایی که در امارات و واشنگتن ایجاد کرد، دسترسی خود را به نظام بانکی بین‌المللی حفظ کرد.

دومینیکا در دریای کارائیب به خارجی‌ها در ازای پرداخت مبالغ قابل توجه گذرنامه می‌دهد. این اقدام میلیاردها

کفگیر جمهوری اسلامی به ته دیگ خورده؛ خامنهای با بررسی دوباره لوایح FATF موافقت کرد



دولت پزشکيان تاخت و نوشت: باید برای دولت چهاردهم یادآوری کرد که ایران بر سر تحریمها با آمریکا مذاکره کرد و جلو رفت. در انتها آمریکا همه تعهداتی که داده بود را نقض کرد و یکطرفه از برجام خارج شد. حال آنکه به اذعان خود غرب ایران به تمامی تعهدات خود پایبند بود.

در این مطلب آمده بود که «FATF در نشست اخیر خود لبنان را در فهرست خاکستری قرار داد و تحت نظر قرار گرفت. این سازمان که با رژیم غاصب صهیونیستی ارتباط دارد و همکاری می‌کند، لبنان را تحت فشار گذاشته است تا نسبت به اقدامات و فعالیت‌های حزب‌الله مطلع شود.» «کیهان» افزوده بود که «کاملاً واضح است، در شرایطی که رژیم صهیونیستی بعد از طوفان الاقصی به اهدافی که برای خود تعیین کرده بود نرسیده است و همچنین در نبرد زمینی با حزب‌الله لبنان دچار مشکل شده است، با استفاده از این سازمان سعی دارد تا نسبت به حزب‌الله اطلاعات بیشتری به دست آورد.»

در ادامه ادعا شده بود «این معاهده دیکته شده که سعی بر تحمیل آن به جمهوری اسلامی ایران شده است، واضح است که هیچ عایدی جز فشار بیشتر اقتصادی بر کشور نخواهد داشت.»

شاخ و شانه کشیدن بخشی از جریانات و مقامات حکومتی در برابر پیوستن ایران به FATF در حالی ادامه داشته که به نظر می‌رسد کفگیر جمهوری اسلامی آنچنان به کف دیگ خورده و نیازمند «گشایش» است که حالا خامنه‌ای وارد میدان شده و موافقت رسمی خود با پذیرش لوایح FATF را اعلام کرده است.

بحران‌ها و کمبودهایی که زندگی شهروندان را به اشکال مختلف با مشکلات مختلفی روبرو کرده مورد توجه رسانه‌های حکومتی نیز قرار گرفته و هشدارهایی را به مقامات جمهوری اسلامی رقم زده است.

از جمله روزنامه «جمهوری اسلامی» نوشته بگذریم از تعبیر جعلی و نارسای «ناترازی» که مدتی است برای سرپوش گذاشتن بر کمبودها در زمینه‌های سوخت،

FATF و فلج شدن مبادلات بانکی و مالی شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران در سطح بین‌المللی، تلاش برای خروج ایران از این فهرست سیاه از دولت ابراهیم رئیسی آغاز شد.

احسان خاندوزی وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی دی‌ماه سال گذشته در نامه‌ای به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) خواستار آن شد تا نام جمهوری اسلامی ایران از ذیل توصیه ۷ و سایر اسناد مرتبط این نهاد با قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد حذف شود یک هفته پس از انتشار نامه‌نگاری وزیر اقتصاد وقت جمهوری اسلامی، رسانه‌های حامی دولت رئیسی خبرهایی با تیتراژ «خروج ایران از فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف» منتشر کردند. این موج «خبرسازی دروغین» وزیر اقتصاد را ناچار به ارائه توضیحاتی کرد.

او گفته بود: «پس از پذیرش اعتراض حقوقی ایران از طرف FATF، طی ایمیلی به تمام کشورهای عضو اعلام شد که جمهوری اسلامی از ذیل بند ۷ گروه ویژه اقدام مالی خارج شد.»

دولت مسعود پزشکیان نیز از بدو تأسیس برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF اقداماتی را در دستور کار قرار داد. مسعود پزشکیان در نخستین کنفرانس مطبوعاتی به عنوان رئیس دولت چهاردهم گفته بود «برای پذیرش FATF به مجمع تشخیص مصلحت نظام نامه می‌نویسم» و «باید درباره FATF دوباره بحث کنیم و مسئله را حل کنیم.» دو هفته بعد و در دوازدهم مهرماه مجید انصاری معاون حقوق مسعود پزشکیان در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفت دولت پزشکیان برای خروج ایران از فهرست سیاه FATF در تلاش است.

عبدالنصر همتی وزیر اقتصاد نیز نهم آبان‌ماه در جمع خبرنگاران گفت مسئول سازمانی FATF وزارت اقتصاد است و ما بر اساس نظر رئیس جمهور در حال پیگیری موضوع هستیم و بر اساس منافع ملی، موضوع را پیش خواهیم برد روزنامه «کیهان» چاپ تهران اما بلافاصله در مطلبی با عنوان «اصرار بر پیوستن به FATF، به نام معیت به کام اسرائیل» به

موافقت خامنه‌ای برای بررسی دوباره دو لایحه پالرمو و CFT که سال‌هاست در مجمع تشخیص مصلحت نظام معلق مانده‌اند، بیانگر تشدید بحران‌های اقتصادی و خزانه خالی جمهوری اسلامی است بطوری که او ناچار شده با حکمی اختلاف نظر چندین ساله میان مقامات حکومت درباره پیوستن به FATF را مدیریت و برای پیوستن جمهوری اسلامی به این نهاد بین‌المللی تلاش کند آنهم در حالی که در تمام این سال‌ها و نیز هم‌اکنون در نهایت تصمیم‌گیرنده نه دیگر مقامات حکومت بلکه شخص ولی فقیه است!

هادی حق‌شناس استاندار گیلان: تحریم و عدم الحاق به FATF است که باعث شده ایران نتواند از درآمدهای ارزی خود در خارج از کشور استفاده کند و ناچار شود هزینه‌های بیشتری را برای انتقال این پول‌ها بپردازد.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران بیرون آمدن ایران از لیست سیاه FATF را «به کام اسرائیل» ارزیابی کرده بود. تلاش برای خروج ایران از این فهرست سیاه از دولت ابراهیم رئیسی آغاز شد و دولت مسعود پزشکیان نیز از بدو تأسیس برای خروج کشور از فهرست سیاه FATF اقداماتی را در دستور کار قرار داد.

وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی ساعتی پیش در شبکه «ایکس» و به نقل از رئیس دولت چهاردهم نوشت که رهبر جمهوری اسلامی با بررسی دوباره لوایح FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام موافقت کرده است.

عبدالنصر همتی وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت پزشکيان صبح امروز در شبکه «ایکس» نوشت: «از رئیس جمهور محترم شنیدم مقام معظم رهبری در خصوص موضوع FATF، با طرح مجدد لوایح پالرمو و CFT در مجمع تشخیص مصلحت موافقت فرموده‌اند.»

موافقت خامنه‌ای برای بررسی دوباره دو لایحه پالرمو و CFT که سال‌هاست در مجمع تشخیص مصلحت نظام معلق مانده‌اند، بیانگر تشدید بحران‌های اقتصادی و خزانه خالی جمهوری اسلامی است بطوری که او ناچار شده با حکمی اختلاف نظر چندین ساله میان مقامات حکومت درباره پیوستن به FATF را مدیریت و برای پیوستن جمهوری اسلامی به این نهاد بین‌المللی تلاش کند آنهم در حالی که در تمام این سال‌ها و نیز هم‌اکنون در نهایت تصمیم‌گیرنده نه دیگر مقامات حکومت بلکه شخص ولی فقیه است!

تصویب دو لایحه کنوانسیون «پالرمو» و «CFT» سال‌هاست در مجمع تشخیص مصلحت نظام معلق مانده و همین موضوع ایران را از فهرست «خاکستری» که مربوط به کشورهای است که پناهگاه امن برای حمایت از تأمین مالی تروریسم و پولشویی هستند به فهرست «سیاه» که متعلق به کشورهای «غیرهمکار» این گروه است کشانده است.

«پالرمو» معاهده سازمان ملل متحد علیه «جرائم سازمانیافته فراملی» است که در سال ۲۰۰۱ میلادی تصویب و از سال ۲۰۰۳ برای کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا شده است. معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) نیز یک قرارداد بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. با تمایز شدن آثار منفی قرار داشتن ایران در فهرست سیاه

جمهوری اسلامی به دنبال روزنه‌ای برای مذاکره با دولت دونالد ترامپ



دیدار مسعود پزشکیان با البوسعدی وزیر خارجه عمان در تهران / عکس: ایرنا

عمان در شرایطی که نیاز باشد به این کار مبادرت می‌کند و در حال حاضر چنین پیامی وجود ندارد.

اغلب رسانه‌های داخلی سفر وزیر خارجه عمان به تهران را مرتبط با مذاکرات اتمی و گفتگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن دانستند اما دلیل اینکه چرا عراقچی منکر این واقعیت می‌شود معلوم نیست!

بر اساس گزارش منابع داخلی، البوسعدی در دیدار با علی‌اکبر احمدیان رئیس شورای عالی امنیت ملی درباره برنامه هسته‌ای ایران گفتگو کرده است. در این دیدار احمدیان به او گفته «تغییری در دکترین هسته‌ای ایران پیدا نشده است.»

وزیر خارجه عمان با مسعود پزشکیان نیز دیدار کرد. برخی منابع گزارش دادند مسئله سوریه، توافق اسرائیل با حزب‌الله، وضعیت مذاکرات با حماس و مسائل دیگر نیز در این ملاقات‌ها مطرح شده است.

بازگشت ترامپ به کاخ سفید

بعد از سرنگونی بشار اسد، مقامات دولت جدید سوریه بارها نسبت به دخالت‌های جمهوری اسلامی در امور این کشور هشدار دادند. آنها از تهران خواستند «سوریه را به آشوب نکشاند». اتحادیه عرب نیز ششم دی‌ماه در بیانیه‌ای از جمهوری اسلامی خواست از «دامن زدن به فتنه در میان مردم سوریه» خودداری کند؛ هرچند که عراقچی در دیدار با البوسعدی مدعی شد که جمهوری اسلامی از تشکیل یک دولت فراگیر در سوریه حمایت می‌کند.

رژیم ایران نگران است با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، در تنگناهای بیشتری قرار بگیرد. ترامپ و اطرافیان او با صراحت می‌گویند یکی از اولویت‌های آنها جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای و احیای «کارزار فشار حداکثری» است. بیشتر عباس عراقچی تهدید کرده بود، «اگر غرب تحریم‌های سازمان ملل بر ضد جمهوری اسلامی را دوباره فعال کند، مذاکرات هسته‌ای به سمت ساخت سلاح اتمی تغییر جهت خواهد داد.»

● یک هفته پس از آنکه گزارش شد جمهوری اسلامی در حال بررسی پیشنهادی به ژاپن است تا به عنوان میانجی میان جمهوری اسلامی و دولت دونالد ترامپ شرایطی برای از سر گرفتن مذاکرات اتمی را فراهم کند، بدر البوسعدی وزیر خارجه عمان به تهران سفر کرد.

● خبرگزاری ایرنا گزارش داد، عمان به عنوان یک «میانجیگر معتبر» شناخته می‌شود و وزیر خارجه آن با «دستور کار خاص» به ایران آمده است. یکی از محورهای این دستور کار موضوعات اتمی بود اما وزیر خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد بحث مذاکره یا پیام به آمریکا مطرح نشده است.

وزیر خارجه عمان روز دوشنبه ۱۰ دی‌ماه در حالی به تهران سفر کرد که خبرگزاری دولتی ایرنا ادعا کرد او یک «مأموریت خاص» دارد. بدر البوسعدی وزیر خارجه عمان در حالی به ایران رفت که یک هفته پیش از آن خبرگزاری ژاپنی «کیودو» گزارش داده بود که جمهوری اسلامی در حال بررسی پیشنهادی به ژاپن است تا به عنوان میانجی میان جمهوری اسلامی و دولت دونالد ترامپ شرایطی برای از سر گرفتن مذاکرات اتمی را فراهم کند.

خبرگزاری ایرنا گزارش داد، عمان به عنوان یک «میانجیگر معتبر» شناخته می‌شود و وزیر خارجه آن با «دستور کار خاص» به ایران آمده است. یکی از محورهای این دستور کار موضوعات اتمی بود اما وزیر خارجه جمهوری اسلامی مدعی شد بحث مذاکره یا پیام به آمریکا مطرح نشده است عباس عراقچی با تأکید بر اینکه البوسعدی «سفر به‌موقعی» به تهران داشت عنوان کرد: «دولت عمان همواره برای کمک به روابط ایران با برخی کشورهای دیگر آماده بود و کمک کردند و ارتباطاتی برقرار شده است.»

او توضیح داد: «نقش عمان در مذاکرات هسته‌ای چه قبل از خروج آمریکا و چه بعد از آن مشخص است» اما «در این سفر پیامی درباره مذاکره با آمریکا رد و بدل نشد.» عراقچی افزود: «تبادل پیام‌های لازم با طرف آمریکایی در صورتی که لازم باشد از طریق سفارت سوئیس انجام می‌شود و دولت

مواد مصرفی، پول و... بکار می‌رود. مردم به خوبی و به درستی درک می‌کنند استفاده از کلمه «ناترازی» برای فرار از بکار بردن کلمات و عناوین ناخوشایندی از قبیل کمبود، نارسائی، نقص، عدم برخورداری و... است. هر چند مسئولین فکر می‌کنند جعل کلمات و عناوین جدید می‌تواند تأثیرات منفی واقعیت‌های تأثیرگذار در زندگی مردم را خنثی کند. آنچه این تأثیرات را خنثی می‌کند در درجه اول و در مرحله تفاهیات عادی حکمرانی، صداقت است و در درجه دوم، تلاش عملی بی‌وقفه برای برطرف ساختن کمبودها و نقص‌ها.

در بخش دیگری از سرمقاله امروز سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۳ روزنامه «جمهوری اسلامی» آمده «حالا که مسئولان پرهیزی از گفت و واقعیت ندارند و با صراحت و صداقت به مردم می‌گویند در بسیاری موارد کمبود وجود دارد، بهتر است به توصیه‌های مردم در زمینه چگونگی رفع این کمبودها هم توجه کنند و آنها را بکار ببندند.

این سرمقاله افزوده «راه پولدار شدن دولت را هم مردم ارائه می‌دهند. با ابقاء بخش‌های فرهنگی که زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند البته همراه با صرفه‌جویی‌ها و برنامه‌ریزی‌های منطبق با نیازهای واقعی جامعه و پرهیز از اسراف‌ها و زیاده‌روی‌ها. با حل مشکل FATF».

«جمهوری اسلامی» تأکید کرده که «با اخراج ۸ میلیون اتباع غیرمجاز که بودجه عظیمی را می‌بلعند. با جلوگیری از قاچاق سوخت. با اتخاذ سیاست بین‌المللی عزتمندانه‌ای که منجر به رفع تحریم‌ها و باز شدن راه تجارت بین‌المللی و ایجاد گشایش در اقتصاد کشور خواهد شد.»

علی ربیعی از مقامات امنیتی جمهوری اسلامی معروف به «بازجو عباد» که هم‌اکنون معاون اجتماعی مسعود پزشکیان در دولت چهاردهم است نیز سه روز پیش در نامه‌ای سرگشاده خطاب به پزشکیان نوشته «آنهايي که امروز بر سر قانون عفاف و حجاب و مسائلي مثل فیلترینگ و FATF کماکان بر عقاید نادرست خود پافشاری می‌کنند مفهوم فرسودگی اجتماعی را نمی‌دانند و حتی اگر هم ناگزیر از فهم آن شوند باز هم احاله به دشمنی فرضی می‌کنند و همه را به جز خود و سیاست‌های خود مقصر می‌دانند.»

در این نامه که متن آن در رسانه‌های داخلی منتشر شده تأکید شده که «این افراد مردم را روزبه‌روز بیشتر ناامید کرده‌اند و شرایطی را به وجود آورده‌اند که در آن، برای هرکسی که بخواهد در ایران تأثیرگذاری منفی داشته باشد زمینه فراهم شده است. بی‌تردید حضور، مقاومت و فعالیت‌های شما بیشترین خدمت به اسلام، دین خدا، اخلاق، انسانیت و ایران است. ایران نیازمند گذار از شرایطی رو به افول است. خسته نشوید آقای رئیس‌جمهور! بحران‌های بیشتری پیش‌روی شما خواهد بود.»

هادی حق‌شناس اقتصاددان و استنادار گیلان نیز به تازگی گفته «تحریم و عدم الحاق به FATF است که باعث شده ایران نتواند از درآمدهای ارزی خود در خارج از کشور استفاده کند و ناچار شود هزینه‌های بیشتری را برای انتقال این پول‌ها بپردازد.»

هادی حق‌شناس افزوده «حتی بسیاری از کشورهایی که هم‌پیمان ایران بوده و در پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند اوراسیا، بریکس، شانگهای، اگو و... منافع اقتصادی مشترکی با ایران دارند، توصیه کرده‌اند که اگر این دو لایحه باقی مانده FATF تصویب نشود، نمی‌توانند مناسبات اقتصادی و ارتباطی نزدیکی با ایران برقرار کنند. یا اگر مناسباتی هم شکل بگیرد، ایران باید هزینه‌های بسیار بالایی برای آن بپردازد.»

«پهلوی» گفتمان نیمه‌تمام انسان ایرانی؛ بازگشت به آینده!



خودش را معاصر، تازه و نو می‌پندارد. فهم متعارف زمان را خطی، ابتدایی و بسیط درک کرده و هرگونه پیش رفتن را با معاصر بودن یگانه فرض می‌کند و هیچ تردید ندارد که در «اکنون» جهان، انسان‌هایی می‌توان یافت در عصر غارنشینی ذهن! چنانکه خودش! انسان‌هایی که در جامه‌ی نو، انسان‌هایی «مانده» در جهانی «رونده». و برای چنین فهمی، بازگشت به گذشته برای «معاصر شدن» اگر سخت و دشوار و هولناک نباشد قطعاً سهمگین و دردناک و غیرقابل باور خواهد بود. چگونه ممکن است برای امروزی و معاصر شدن، محتاج بازگشت به گذشته بود؟ کدام دلیل و علت سبب می‌شود که معاصر بودن در گذشته جا مانده باشد؟ انسان امروزی ایرانی در «اکنون» جهان، به کدام گسست حسرت برانگیز در گذشته‌ی خود می‌اندیشد؟ کدام بخش از گذشته‌ی نیمه‌تمام، هنوز و کماکان، ذهن و زبان ایرانیان را درگیر خود دارد؟ آیا گفتمان پهلوی همان گفتمانی است که در گذشته‌ی ما جا مانده است؟

آینده‌ای که در گذشته جا مانده است

انسان‌ها گرچه مدعی رفتن به سوی آینده هستند اما همواره و همیشه آینده را فرآورده‌ای می‌خواهند و می‌دانند که قدرت بازفایابی بخش‌های آرمانی و انسانی گذشته‌ی خودشان را داشته باشد. نه اینکه گذشته را به حال و آینده بیاورند اما تلاش می‌کنند عناصر و ارزش‌ها و هنجارهایی را که موجب لذت و کارکرد در گذشته شده‌اند، به اکنون و آینده منتقل کنند. به زبان دیگر انسان‌ها چه در زندگی فردی و چه در حیات جمعی به دنبال بازفایابی لحظات مثبت نهادینه شده در حافظه و خاطره‌ی خود هستند. حافظه و خاطره‌ای که می‌تواند آرمان و ایده‌آل اکنون و فردا (حال و آینده) را نیز در خود داشته باشد.

به همین دلیل است که شاید اکثر آدم‌ها از «دیروز» با حسرت یاد کرده و خواستار این هستند که گذشته همانگونه که آنها پسند می‌کنند ادامه می‌یافت. به همین دلیل همواره در یادآوری گذشته، آنچه را مانع امتداد گذشته می‌دانند و می‌بینند اگر «شر» نپندارند قطعاً یک آسیب و انحراف و یک کج‌سلیقگی تاریخی فرض می‌کنند و هرآنچه فرصت بروز و بازفایابی آن گذشته‌ی مورد نظر را ندهد دفع کرده و از آن عبور خواهند کرد.

ذهن و زبان انسان ایرانی که متراکم از سنت و ارزش‌های جهان کهن بود و تمایل به گریز از معاصر بودن با جهان را داشت به مدد و همت عیان و نهان بازیگران موثر جهانی، گفتمان تازه متولدشده‌ی پهلوی را تاب نیاورده و به انسداد یا به عبارت بهتر تعلیق این گفتگو تا زمان حال دامن زده است. اگر گفتمان پهلوی را گفتمانی نیمه‌تمام انسان ایرانی «با» جهان معاصر فرض کنیم، گفتمان حکومت اسلامی، گفتمانی پایان‌یافته «در» برابر معاصر بودن با جهان است! گفتمانی است که پدیداری آن در تخالف و تقابل بی‌دلیل و بی‌علت هویدا می‌شود و هویت‌اش بر «فرار از عصر» شکل می‌گیرد برخلاف آنچه گفتمان پهلوی قصد کرده بود و «قرار بر عصر» و معاصر بودن و هم‌عصر بودن با جهان داشت!

پرسش‌های زنده

اگر گفتمان پهلوی را گفتمانی ناقص انسان ایرانی با جهان معاصر فرض کنیم آنگاه در فراز و فرود آنچه در چند دهه گذشته بر انسان ایرانی رفته، چگونگی بود و نمود این گفتمان هم اهمیت پیدا می‌کند و هم اولویت! اینکه چرا پهلوی یک گفتمانی پایان‌نیافته است و اگر پایان‌نیافته باشد، تداوم و زنده بودن آن را در کجا می‌توان مشاهده کرد؟ این گفتمان چه امتیاز و قدرتی بر دیگر گفتمان‌های به ظاهر مخالف حکومت اسلامی دارد؟ این نوشتار تلاش می‌کند درباره این تأملات به بحث بپردازد. اینکه گفتمان‌ها، قدرت و نفوذ خود را از کجا و چگونه کسب می‌کنند؟ گفتمان غالب چه نشانه‌هایی دارد و این نشانه‌ها را در کجا باید جستجو کرد؟ زبان گفتمان چه نقشی در پایداری آن دارد و میان زمان و زبان چه گفتگویی در جریان است و کدام گفتمان توان عبور از تونل سنگین زمان را دارد؟ ... و این پرسش‌ها و نظایر آنها، مسئله و محور این یادداشت‌هاست و نویسنده تلاش کرده تا در هر نوبت از زاویه‌ای که مشاهده می‌کند نسبت انسان ایرانی معاصر را با گفتمان پهلوی معین و روشن کند آنهم از درچه فرهنگ و جامعه و انسان به سیاست و نه برعکس.

فهم متعارف، دوران معاصر و اکنون!

فهم متعارف، معاصر بودن را به زیست «در» و هم‌زمان بودن با «اکنون» جهان خلاصه می‌کند، کاهش می‌دهد و حبس می‌کند و به‌اندازه‌ای که در «اکنون» نفس می‌کشد،

اگر گفتمان پهلوی را گفتمانی نیمه‌تمام انسان ایرانی «با» جهان معاصر فرض کنیم، گفتمان حکومت اسلامی، گفتمانی پایان‌یافته «در» برابر معاصر بودن با جهان است! گفتمانی است که پدیداری آن در تخالف و تقابل بی‌دلیل و بی‌علت هویدا می‌شود و هویت‌اش بر «فرار از عصر» شکل می‌گیرد برخلاف آنچه گفتمان پهلوی قصد کرده بود و «قرار بر عصر» و معاصر بودن و هم‌عصر بودن با جهان داشت!

کدام دلیل و علت سبب می‌شود که معاصر بودن در گذشته جا مانده باشد؟ انسان امروزی ایرانی در «اکنون» جهان، به کدام گسست حسرت برانگیز در گذشته‌ی خود می‌اندیشد؟ کدام بخش از گذشته‌ی نیمه‌تمام، هنوز و کماکان، ذهن و زبان ایرانیان را درگیر خود دارد؟ آیا گفتمان پهلوی همان گفتمانی نیمه‌تمام معاصر نیست که در گذشته‌ی ما جا مانده است؟

اما حالا پس از چهار دهه از بازگشت به یک گفتمان مذهبی و ناکامی آن در ایده‌ها و شیوه‌های زندگی فردی و جمعی، ایرانیان بار دیگر به بازگشت می‌اندیشند. بازگشت به یک گسست. به یک گفتمان ناقص با نام پهلوی. گفتمانی که ایرانیان معاصر شدن خود را در آن می‌بینند. انسان ایرانی در صدد بازگشت به گفتمانی نیمه‌تمام است که خود را در آن گفتمان والا و بالا دیده است و به این معنا ایرانیان در حال گریز از «اکنون» و بازگشت به گفتمانی نیمه‌تمام با هدف «معاصر» شدن هستند!

جلال حیدری - گفتمان پهلوی در همه عرصه‌ها و حوزه‌های انسانی، اعم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعه گفتمانی نیمه‌تمام انسان ایرانی با جهان معاصر است. گفتمانی که علاوه بر آنکه پلی بود برای عبور انسان ایرانی از جهان سنت و کهن به سمت جهان مدرن و معاصر، هم‌زمان تلاش و گفتمانی بود «با» جهان، هم برای رؤیت خود در آینده‌ی دوران معاصر و هم مشاهده آنچه جهان معاصر را رقم زده است.

گفتمان پهلوی را می‌توان گفتمانی پایان‌نیافته دانست که پاره‌ای از ذهن و زبان انسان ایرانی، بر پاره‌ای دیگر از «خود» تاخته است. در این گفتگوی تازه و نوپا، بخشی از

➔ بازگامی گذشته در «اکنون و آینده» آنهم در صحنه زندگی جمعی حامل و حاوی پیامهای گفته و ناکفته است. پیامهایی که در آنها آرمانهای مردمان دوران بازتاب پیدا می‌کند. قطعاً کسی از آوردن گذشتن و یا اتصال به یک گفتمان نیمه‌تمام برای ظهور و بروز بی‌کم و کاست گذشته تلاش نمی‌کند و این کار دشوار یا باید دلایل و علل عمیق و دقیق داشته باشد و یا اینکه مردمان به هر دلیلی آن را باور داشته و به آن مؤمن باشند.

در همین ساختار و همین گمان، انقلاب ۵۷ بازگامی گذشته‌ای بود به نام تشیع در گفتمانی مذهبی. گذشته‌ای که ایرانیان خواسته یا ناخواسته، آرمان‌های خود را در آن یافتند و تلاش کردند گسست و فرآیند نیمه‌تمام گفتمان مذهبی را در صحنه جامعه و فرهنگ و سیاست به سرانجام برسانند. گفتمانی که ایرانیان می‌پنداشتند، زندگی آنها را بسامان‌تر و عادلانه‌تر و آزادانه‌تر خواهد کرد. گفتمانی که ایرانیان انتظار داشتند در گفتگو با جهان مسلط‌تر باشد و حتی نمونه و الگویی شود برای معاصر بودن در سایه‌ی یک گفتمان مذهبی در جهانی که مذهب را برای قرن‌ها تبعید کرده بود. اما حالا پس از چهار دهه از بازگشت به یک گفتمان مذهبی و ناکامی آن در ایده‌ها و شیوه‌های زندگی فردی و جمعی، ایرانیان بار دیگر به بازگشت می‌اندیشند. بازگشت به یک گسست. به یک گفتمان ناتمام به نام پهلوی. گفتمانی که ایرانیان معاصر شدن خود را در آن می‌بینند.

معاصر بودن، بازگشت به نیمه‌تمام‌ها در نگاه جورجیو آگامبن

جورجیو آگامبن اندیشمند معاصر ایتالیایی در برابر پرسش «معاصر چیست؟» پاسخ‌های چندگانه قرار می‌دهد. از پاسخ‌های مرتبط با این نوشته یکی بازگشت به گسست‌ها، شکاف‌ها و فاصله‌هاست. من آنها را امور نیمه‌تمام می‌خوانم. و دیگری فاصله گرفتن از نظم دوران و دیگری پرهیز از تحلیل خطی زمان. و این سه با هم در ذهن و زبان امروز ایرانیان دیده می‌شود. یعنی ایرانیان به دنبال گسستی در گذشته هستند که می‌پندارند باید از همانجا آغاز کنند و همزمان از نظم دوران جامعه‌ی اکنون خود گریزانند و هویت‌دشان را در زمانی متعلق به گذشته پیدا می‌کنند. نه به این معنا که تک تک ما آگاهانه اینها را می‌دانیم و لحاظ می‌کنیم اما روح جمعی ایرانیان بار دیگر عزم سفر به گذشته‌ای را دارد که هم نزدیک است و هم زیست شده است. گذشته‌ای که رویا و خیال و وهم نیست؛ شنیده‌ی تاریخی نیست؛ روایت باستانی نیست؛ گفتمانی است که هنوز میلیون‌ها انسان ایرانی در چهارچوب آن گفتمان، سطح متفاوتی از زندگی فردی و جمعی را تجربه کرده و همانطور که اشاره شد هم خود را در دوران معاصر دیده و هم در گفتگو با جهان معاصر موفقیت بیشتری داشته است انسان ایرانی در صدد بازگشت به گفتگویی نیمه‌تمام است که خود را در آن گفتمان والا و بالا دیده است و به این معنا ایرانیان در حال گریز از «اکنون» و بازگشت به گفتمانی نیمه‌تمام با هدف «معاصر» شدن هستند! اگر موافق باشیم که آینده، روزگار بازگامی گذشته است و معاصر شدن خواسته‌ی انسان ایرانی و آن را گفتگو با جهان بجای جنگ با جهان و فرستادن خدا به آسمان و قرار دادن انسان بر زمین و برقراری آزادی‌های و ارزش‌های انسانی معنا کنیم، آنگاه بازگشت انسان ایرانی به گفتمان نیمه‌تمام پهلوی یکی از انتخاب‌ها و فرصت‌های قوی و مؤثر ایرانیان برای گریز از شرایط «اکنون» خواهد بود.

*جلال حیدری دانش‌آموخته جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و ساکن کانادا است.

زیر همین گنبد و این بارگاه...

بازنشر

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۱۶) مرداد ۱۳۸۵



ریاست جمهوری را زیر نشیمنگاه خود داشتند سرشان هنوز روی گردن می‌چرخد اما به هرطرف که سر می‌چرخاند یا تف نثارشان می‌شود یا دشنام و لعنت.

خانم زهرا رجائی، از «خواهر زینب»های معروفه و اعضای برجسته تیم احمدی نژاد و همسر غلامحسین الهام سخنگوی دولت، در مقاله‌ای مبسوط آنچه از کلمات رکیک در چننه داشته نثار خاتمی و رفسنجانی کرده که «اراذل و اوباش» مودبانه‌ترین آنهاست.

این اخطاری است به رفسنجانی که خیال نکند چون دادگاه ویژه روحانیت چند طلبه را به اتهام برهم زدن مجلس سخنرانی او در قم محکوم کرد، کار به آخر رسیده و حریم حرمت او برای دراز مدت تضمین شده است. ضمناً تودهنی محکمی به خاتمی محض یادآوری این که دوران چهچهه زدن او به پایان رسیده و باید در دهانش را چفت کند و زیاده از دهانش حرف نرند.

انقلاب وقتی شروع به خوردن بچه‌های خودکرد اول به سراغ چاق و چله‌ترینشان، مرحوم مهندس بازرگان رفت. شیخ صادق خلخالی سر او را شکست و مریم پهلوی، سلف الصدق زهرا رجائی، به ریش او تف نثار کرد همراه با مقداری از این تعارفات و ادبیات انقلابی که همسر محترمه و مگرمه سخنگوی دولت چاشنی مقاله خود زده است.

رئیس دولت موقت و نخست وزیر برگزیده امام خمینی، آنچنان از زخم زبان نماینده محترم مجلس شورای اسلامی رنجید که سر به تحسّر می‌جنباند و می‌گفت:

آن که به ما نریده بود

مریم چشم دریده بود!

- ۱- عبدالمملک مروان خلیفه اموی
- ۲- اشاره به سربریده حسین بن علی
- ۳- حاکم کوفه و کارگردان عملیات کربلا
- ۴- مختار ابو عبیده ثقفی
- ۵- مصعب بن زبیر

روزی که سر بریدهٔ ابومصعب الزرقاوی به معرض نمایش گذارده شد این شعر زیبا و پر معنای صادق هجری در ذهن من نقش بست:

نادره مردی زعرب، هوشمند
 گفت به عبدالمملک (۱) از روی پند
 زیر همین قبه و این بارگاه
 پای همین مسند و این جایگاه
 برسپری چون سپر آسمان
 غیرت خورشید، سری خون چکان (۲)
 سر، که هزاران سر و افسر فدا
 صاحب دستار رسول خدا
 بودم و دیدم، بر این زیاد (۳)
 دید و چها دید، که چشمم میاد
 باز به چندی، سر این بد سیر
 بُد برمختار (۴) به روی سپر
 بازکه مُصعب (۵) سر و سردار شد
 دستخوش او، سر مختار شد
 وین سر مصعب به تقاضای کار
 تاجه کند با سرتو، روزگار
 آه که یک دیدهٔ بیدار نیست
 هیچکس از کار، خردار نیست
 نه خُم امکانش سرازیر شد
 نه فلک از گردش خود سیر شد
 مات شدستم که درین بند و بست
 این چه طلسمی است که نتوان شکست

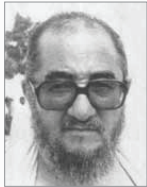
شور بختانه، در دستگاه خلافت و ولایت جمهوری اسلامی از آن «نادره مردان» وجود نداشته‌اند و وجود ندارند که حاکمان را پند دهند و با یادآوری اوضاع گذشته و احوال گذشتگان، عبرتشان را برانگیزند.
 رفسنجانی و خاتمی، که هرکدام به مدت هشت سال کرسی



در اسلام کسی که محکوم شد باید فوراً اعدام شود

محکوم به مرگ در اسلام حق آب خوردن و غذا خوردن ندارد. اینها تشریفات غربی است

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از فروردین تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ - شماره ۱۰۰۴ - ۹۹۸)



خلخالی، جانوری که از نو باید شناخت

(بخش ۲)

نگاهی به کتاب خاطرات صادق خلخالی

شیخ صادق گیوی خلخالی ملقب به قاضی خون و نخستین حاکم شرع دادگاههای انقلاب اندکی قبل از مرگ جلد دوم خاطرات خود را با عنوان «ایام انزوا» منتشر کرد. در این کتاب او به جنایاتی که مرتکب شده است افتخار می‌کند و می‌گوید: «در مقابل اعدامهایی که کردم نه پشیمانم و نه گله مند و نه دچار عذاب وجدان». خاطرات خلخالی تصویری از آن هیولاست با امضای خودش. فصل سوم «دوران انزوا به مصاحبه‌ای اختصاص دارد که طی آن شیخ صادق خلخالی درباره روش محاکمات و صدور احکام اعدام توضیح می‌دهد.

داشتند و به ما ایراد می‌گرفتند که چرا بعضی از مجرمین را بعد از طلوع آفتاب اعدام می‌کنید؟ ما گفتیم آقایان مجرم را اعدام کردن که حتماً نباید موقع اذان صبح باشد.

اصلاً من نمی‌دانم منشأ این فکر از کجا هست. مجرم باید اعدام شود. ساعت اجرای حکم مطرح نیست. البته در اروپا روی این مسائل حساسیت نشان می‌دهند و ممکن است یک مجرم را آنقدر معطل کنند و هدفشان صرفاً فرار دادن او از اجرای حکم است نه چیز دیگر. ولی ما معطل نمی‌کنیم و نمی‌گذاریم مجرم فرصت فرار یا توطئه داشته باشد.

آیت الله خلخالی افزود: در مورد این که چرا اجازه نمی‌دهیم مجرمین وکیل انتخاب کنند، باید بگویم ما در قوانین شرع الگوی اسلامی نداریم که کسی بتواند برای خود وکیل انتخاب کند مگر این که لال باشد و کسانی که ما محاکمه می‌کنیم لال نیستند و عقلشان هم میرسد که جواب ما را بدهند چون اصلاً ما چیزی نمی‌پرسم که آنها از جواب دادن به آن عاجز بمانند.

دموکراسی‌های نوع غربی را هم قبول ندارم؛ زیرا آنها شاید بتوانند یک مجرم حقیقی مانند ذوالفقار علی بوتو را سالها در حلقوم یک ملت بزرگ نگاه دارند و در سیاستهای بین المللی ملعبه کنند، ولی ما هویدا و مقدم را با وجودی که دستهای زیادی برای نگهداری آنها و برای آنها دادگاههای نوع غربی ترتیب دهند، در کار بود چون دادگاه به شکل انقلاب اسلامی بود، محاکمه کردیم و آنها را در اسرع وقت به جزای اعمالشان رساندیم.

وکیل برای متهم

خبرنگار دیگری پرسید در جریان محاکمات، آن طور که بعضی از نشریات خارجی عنوان کرده‌اند، آیا برای دادگاه از سوی متهمان پیشنهاد رشوه شده بود؟

آیت الله خلخالی با استناد به شهادت یکی از شهود که در جلسه حاضر بود، گفت: وقتی که حکم اعدام هویدا مسلم شد. او یک میلیون دلار پیشنهاد رشوه کرد. آن هم نه برای آنکه اعدامش نکنیم. بلکه می‌گفت: اجرای حکم را دو ماه به تأخیر بیندازیم. چرا که به دروغ می‌گفت بعضی از اعضای دولت می‌خواهند درباره من مشورت کنند و ما طبق موازین حرفهای او را مردود دانستیم و حکم را اجرا کردیم.

یک مورد هم القابیان بود که پیشنهاد کرد ۵۰۰ میلیون تومان رشوه بدهد تا محاکمه‌اش را به تعویق بیندازیم. دیگر موردی به نظر نمی‌رسد.

یکی دیگر از خبرنگاران روزنامه اطلاعات پرسید: حال که می‌گویید بر اساس قوانین شرع و قرآن لزومی ندارد

آیت الله خلخالی آنگاه گفت: قضات دادگاههای انقلابی همیشه بدون پیرایه و چشمداشت ها و عواطف قضاوت کرده‌اند و ما از این بابت کاملاً روسفید هستیم. ما هیچ ترسی را در نظر نگرفته‌ایم و همان‌طور که امام فرموده‌اند هیچ گونه توصیه‌ای را نپذیرفته‌ایم و قضاوتها کاملاً عادلانه بوده است.

خبرنگاران از رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران سئوالات خود را مطرح کردند. یکی از خبرنگاران اطلاعات پرسید احکام حبسی که از سوی دادگاههای انقلابی صادر می‌شود. در ارتباط با مسایل شرعی و دستورات اسلامی چگونه قابل



توجیه است؟

آیت الله خلخالی گفت: حاکم شرع مصلحت می‌بیند بعضی از افراد که ممکن است در آینده اصلاح شوند و مجال فعالیت بیابند و از طرفی مستحق مرگ هم نیستند. به حبسهای مختلف محکوم می‌شوند. راجع به وضع دادگاهها و این که چرا با حضور هیات منصفه تشکیل نمی‌شود و وکیل مدافع در دادگاه حضور ندارد و باز این که چرا بعضی از مجرمین را نیمه شب و بعضی را مثلاً ساعت ده صبح اعدام می‌کنند آیت الله خلخالی توضیح داد از نظر شرع وقتی کسی مجرم شناخته شد، غذا دادن و آب دادن به مجرم از محرمات است و باید اعدام شود. نمی‌شود این مجرم را زنده نگاه داریم. چرا که الگوهای غربی را قبول نداریم. حتی بعضی از قضات دادگستری در دادگاههای انقلاب حضور

آیت الله خلخالی رئیس دادگاه انقلابی اسلامی تهران و حاکم شرع در یک مصاحبه مطبوعاتی در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی به مسایل و وظایف مربوط به دادگاههای انقلاب اشاره کرد و ضمن تأکید حقانیت احکام صادره از سوی دادگاههای انقلابی اعلام داشت شاه مخلوع، فرح، فریده دیبا (مادر فرح) غلامرضا پهلوی، اشرف، شاپوربختیار، ارتشبد ازهاری، شریف امامی، ارتشبد اویسی، سپهبد پالیزبان، هوشنگ نهاوندی، اردشیر زاهدی و شعبان بی‌مخ که از نظر ملت ایران مجرم شناخته شده‌اند. محکوم به مرگ‌اند و هر ایرانی که یکی از این افراد را در کشورهای خارجی اعدام کند. عامل اجرای حکم دادگاه محسوب خواهد شد.

آیت الله خلخالی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: امیر عباس هویدا و حبیب القابیان برای نجات خود و تعویق اجرای حکم پیشنهاد رشوه به دادگاه کرده بودند. امیر عباس هویدا حاضر شده بود. در ازای دو ماه فرصت یک میلیون دلار پرداخت کند و حبیب القابیان قصد داشت ۵۰۰ میلیون تومان پول بپردازد.

در آغاز جلسه آیت الله خلخالی با اشاره به سوابق تحصیلی و مبارزاتی خود گفت من در یک خانواده روستایی روحانی متولد شده‌ام و از افتخارات من این است که از شاگردان مکتب اسلام و قرآن و شاگرد امام خمینی و استاد شهید آیت الله مطهری بوده‌ام وی آن گاه گفت: شایع است که قضات دادگاههای انقلابی به هنگام محاکمه چهره خود را می‌پوشانند. خبرنگارانی که در دادگاهها حضور داشتند و بعضی از آنها در این جلسه نیز حضور دارند می‌دانند که به هیچ وجه چنین شایعه‌ای صحت ندارد و من اصلاً مخالف بودم که قضات مخفی بمانند. اما چون همکاران من چنین تصمیم گرفته بودند. من نیز قبول کردم.

آیت الله خلخالی با قرائت آیه ۳۳ سوره مائده قرآن مجید اظهار داشت عمل دادگاههای انقلابی بر اساس این آیه از کلام الله مجید استوار است و با هیچ یک از الگوهای غربی قابل انطباق نیست.

وی سپس به تشریح روح اسلام اصیل در قضاوت و قصاص پرداخت و اصول جاری و ساری در محاکم غربی را برای رسیدگی به پرونده‌ها و اتهامات مردود دانست. وی در این زمینه گفت: در اسلام وقتی کسی مجرم شناخته شد بی‌درنگ باید حکم درباره وی اجرا شود و پلانتکیف گذاشتن محکوم با شرع اسلام مغایرت دارد؛ زیرا محکوم به مرگ در اسلام حق آب خوردن و غذا خوردن را ندارد و باید کشته شود

قضاوت عادلانه

➔ که متهم وکیل مدافع داشته باشد. آیا در جمهوری اسلامی هم در محاکم دادگستری متهم حق داشتن وکیل ندارد؟

پاسخ داده شد:

داشتن وکیل، مسلوب نیست. در این مورد هم مسلوب نیست. بحث در این است که یک حاکم شرع مجبور است وکیل را بپذیرد یا نه؟ اصولاً این موضوع از بحث ما خارج است و از جواب آن معذورم. شاید در آنجا متهم بتواند وکیل بگیرد.

خرننگار: آیا در مورد صدور احکام دادگاه شما تحت فشار قرار داشتید؟ وی پاسخ داد ما در مورد بعضی از آقایانی که می‌توان آنها را سردمدار نامید. مثل هویدا و سپهبد ناصر مقدم شدیداً احساس می‌کردیم که فشاری روی دادگاهها هست ولی دادگاهها با کمال رشادت تصمیم خود را گرفتند و به هیچ فشاری اعتناء نکردند. ما در کوران انقلابات بزرگ شدیم من وقتی جسد رضاخان را از مصر به ایران می‌آوردند به اتفاق نواب صفوی و واحدی از فدائیان اسلام بنزین تهیه کردیم و می‌خواستیم جسد را مقابل حرم مطهر حضرت معصومه آتش بزنیم که البته این کار عملی نشد.

خرننگار: قبلاً اعلام شده بود، دادگاههای انقلابی، فقط مجرمینی را به مرگ محکوم می‌کنند که مستقیماً در قتل و شکنجه افراد دخالت داشته‌اند. ولی آیا خلعتبری وزیر امور خارجه شاه سابق کسی را شکنجه کرده بود و یا قتلی مرتکب شده بود. آیا جرم او با ارتشید نصیری یکسان بود؟ آیت الله خلخالی پاسخ داد: ما نگفتیم کسانی که در دادگاه محکوم می‌شوند حتماً باید یا شکنجه کرده باشند یا قتل. حتی بعضی مواقع کسانی که دستور شکنجه هم داده‌اند ممکن است اعدام نشوند، چون مباشر کشنده است و دستور دهنده تقریباً «سبب» است که پائین‌تر از مباشر قرار می‌گیرد.

کسی که تفنگ به دست می‌گیرد و می‌کشد. او باید کشته شود. آنها نیز تحت عنوان دیگر محکوم به اعدام می‌شوند؛ زیرا مفسد فی الارض هستند. پیش از این در جرایم بدون آن که اسمی از من برده شود، مفسد فی الارض را معنی کرده‌ام مفسد فی الارض عامل تباهی و شکنجه روی زمین است. عامل سلب آزادی است. عامل حفظ اسطوره‌های شیطانی است. عامل این معنا هستند که مردم را گروه گروه به شکنجه‌گاه بفرستند و در زندانها از بین ببرند. هویدا از این مصادیق بود. ۱۳ سال جلوی چشم هویدا مردم را شکنجه کردند. کشتند در خیابانها شکار کردند. اجساد آنها را در دریاچه حوض سلطان انداختند. روحانیون و مجاهدین شهید ما هنوز گورشان پیدا نیست از قبیل: قبر مرحوم شیخ نصرت الله انصاری مثل مرحوم آیت الله سعیدی، مرحوم آیت الله غفاری و شیخ محمد دزفولی. اینها به دست عوامل همین دستگاه از بین رفتند و با دست همین دولتهایی که این همه تباهی را می‌دیدند. از بین رفتند.

جهانبانی در راس قدرتی قرار داشت که می‌توانست اعتراض کند؛ چون تقریباً از نزدیکان و خویشان شاه بود می‌توانست اعتراض کند. اما به خاطر حفظ زندگی انگلی خود و برای خوشگذرانی خود، ملتی را به انحطاط بکشاند و جشن هنری در شیراز ترتیب بدهد که در ماه مبارک رمضان جلوی چشم مردم مسلمان تئاتر آتش خوک و بچه را روی صحنه بیاورد! او مفسد فی الارض است.

اینها به مقدسات ملی و دینی ما خیانت می‌کردند و ملت هیچ وقت حاضر نیست چنین افرادی میان ملت باشند وگرنه به این اعتبار، نه نصیری کسی را شخصاً شکنجه کرده بود، نه هویدا و نه جهانبانی و نه مهندس ریاضی. اما مهندس ریاضی کسی بود که در طول سالهای وکالت

مجلس و ریاست مجلس تمام دستورات ضدانسانی و اسلامی را تصویب کرد و در واقع یک مکتب خانه ساخته بود. کسی بود که آزادی را سلب می‌کرد. من برای روشن شدن اذهان خبرنگاران می‌توانم دادگاه انقلابی خودمان را با دادگاه نورنبرگ مقایسه کنم. متهمان آن دادگاه با آن که جنایتکاران جنگی بودند ولی هرگز تیر و تفنگ در دست نداشتند، ولی عامل و سبب بودند و وقتی در مقابل دادگاه نورنبرگ قرار گرفتند و حکم اعدام آنها صادر شد، تمام جرایم آمریکایی و انگلیسی از حقوق همین افراد دفاع کردند. آن قضات که در دادگاه نورنبرگ تصمیم گرفته بودند، گفتند: شما چه می‌گوئید. جهانی را به خاک و خون بکشند و ما به آنها رحم کنیم؟!

علامه وحیدی، هویدا و دیگر سران رژیم

مهندس ریاضی و علامه وحیدی سالیان دراز در مجلس باعث شدند که دولتهای ضدملی سرکار باشند و کشتار وحشیانه در میدانها به راه بیندازند. علامه وحیدی چون خودش را عالم فرض میکرد. لذا فتوا می‌داد که حمایت از شاه و خانواده کثیف او به استناد به روایات واجب است و مخالفین سلطنت شاهنشاهی به هر نحوی باشند باید از میان بروند. او می‌گفت مخالفین سلطنت و طرفداران امام خمینی در واقع مارکسیست اسلامی هستند. او با عنوان کردن مارکسیست اسلامی که هیچ‌گونه واقعیتی نداشت بهانه‌ای درست کرد که تعداد زیادی از جوانهای ما در زندان سر به نیست شدند و یا در خیابانها به وسیله عمال کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری شکار شدند. این یکی از خیانتهای بزرگ علامه وحیدی بود به ملت مسلمان ایران.

عکسی است از امیر عباس هویدا نخست وزیر، نصرت الله معینیان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی، علامه وحیدی، سناتور دکتر اقبال رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت در مجلس روضه خوانی دربار. شرح عکس عیناً از کتاب «ایام انزوا» نقل شده است.

ترحم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفندان

بنابراین نباید در مورد این قبیل افراد مسامحه کرد. اینها هم جنایتکاران و تبهکاران جنگی بودند که تا آخرین لحظه در مقابل ملت ایران ایستادگی کردند. ملتی که با دست خالی مبارزه کرد و به گفته‌ای ۱۶۰ هزار تا ۲۰۰ هزار و شاید ۲۵۰ هزار کشته داد و این کشته‌های چشمگیر بود که دنیا را تکان داد. آن وقتی که دژخیمان پهلوی و همین سردمداران، که به دست انتقام نابود شدند. جرایم خارجی، حقوق بشر، عفو بین‌المللی هیچ وقت در مقام دفاع از ملت ما برنخواستند. ولی برای اعدام حدود ۱۰۰ نفر تبهکار که انسانها را در خیابانها شکار می‌کردند، یا فتوای شکار را می‌دادند. دختران ما، پسران ما، بچه‌ها را کشتند و حتی مادران ما که سقط جنین کردند. مانند ۱۴ زنی که در قزوین سقط جنین کردند، اعتراض نمی‌کنند و می‌گویند دادگاههای ما از اصول انسانی خارج شده‌اند.

من سؤال می‌کنم اگر در گیر و دار همین مبارزات آنها پیروز می‌شدند. با ما چه می‌کردند؟ دنیای به اصطلاح متمدن امروزی برای آنها چه می‌گفت؟ اگر دار و دسته ازهار و بختیار و شریف امامی پیروز می‌شدند. آیا از ملت

چیزی باقی می‌گذاشتند؟

نقشه و اسناد در دست ماست. روزی که رحیمی ساعت ۴ بعد از ظهر منع عبور و مرور اعلام کرد. اگر تصمیم قاطع امام خمینی نبود آنها قصد داشتند صدهزار نفر را در تهران به خاک و خون بکشاند. دلیلش هم این است که سپهبد رحیمی رفته بود به شهربانی کل کشور و دستور آماده باش داده بود و می‌خواست با لباس شخصی به باغ شاه برود و به هلی کوپترها دستور بدهد که خانه امام و خیابانها و خانه‌های اطراف را از بالا بمباران کنند. ولی چون به دستور امام خیابانها از جمعیت پر شد. آنها به لرزه افتادند و در مقابل خشم ملت قرار گرفتند.



در عصر همان روزی که انقلاب پیروز شد. ساواکی‌های مسلح به طرف فرودگاه عقب نشینی کردند. آنها که با نارنجکهای دستی مسلح بودند. میخواستند ملتی را به خاک و خون بکشند و با هواپیما فرار کنند. اما خود در چاهی سقوط کردند که برای ملت کنده بودند.

خرننگار: در راهروهای دادگاههای انقلاب اسلامی شنیده میشد که حکم غیابی اعدام شاه مخلوع و نزدیکان او صادر شده است. آیا صحت دارد؟

آیت الله خلخالی پاسخ داد: آنچه که می‌توانم بگویم عبارت از این است که چند نفر از آنها مجرم حقیقی هستند و محکوم به اعدام: محمدرضا پهلوی شاه مخلوع، غلامرضا پهلوی، فرح، فریده دیبا مادر (فرح) اشرف، شریف امامی، ارتشید ازهار، شاپور بختیار، ارتشید اویسی، سپهبد پالیزبان، شعبان بی مخ (جعفری) هوشنگ نهاوندی، اردشیر زاهدی و تعداد دیگری از تبهکاران.

اینها محکوم به اعدام شدند. در نظر ملت ایران اگر کسی بخواهد در خارج، در هر کشوری آنها را ترور کند. هیچ دولتی حق ندارد او را به عنوان تروریست محاکمه کند. زیرا او عامل اجرای حکم دادگاه انقلابی اسلامی است.

(دنباله دارد)

بازخوانی انتقادی مقایسه فرح پهلوی و اسما اسد: پرهیز از ساده‌انگاری و روایت‌های افراطی



تصمیم‌گیری درباره‌ی جانشینی صرفاً تابع میل و اراده‌ی افراد نبود، بلکه سلسله‌ای از ملاحظات سیاسی، بین‌المللی و درون‌حکومتی در آن نقش داشتند. تکیه بر ایده‌ی «فرح مسئول حل مشکل جانشینی» از عمق‌یابی تاریخی می‌کاهد و ذهن مخاطب را به یک امر فردی تقلیل می‌دهد. در حقیقت، نظام پهلوی علاوه بر اقتدار شخص شاه به ویژه پس از مرداد ۱۳۳۲، متکی بر نهادهای بوروکراتیک و مدرن نیز بود که هر یک در تصمیم‌گیری‌ها سهمیم بوده و گاه محدودیت‌ها یا مصلحت‌هایی را بر عملکرد شاه و خانواده سلطنتی تحمیل می‌کردند.

نادیده‌گرفتن این لایه‌ها و پیچیدگی‌ها، تصویری غیرواقعی از تاریخ و سیاست ارائه داده و به مخاطب چنین القا می‌کند که گویی می‌توان مسیر نظام پهلوی را فقط به اراده یا عملکرد یک فرد (حتی همسر شاه) تقلیل داد.

از سوی دیگر فرح پهلوی با حمایت گسترده از هنر و فرهنگ ایران، نقش مهمی در ارتقای هنرهای تجسمی، موسیقی، تئاتر و سینما داشت و به تأسیس موسسات فرهنگی و خیریه متعددی کمک کرد. علاوه بر این، او حامی حقوق زنان و کودکان بود و برنامه‌ها و ابتکاراتی در این زمینه‌ها اجرا کرد. اگرچه برخی از تصمیمات و سیاست‌های مدرنیزاسیون وی و تمرکز قدرت باعث بروز انتقادات و چالش‌هایی در تاریخ معاصر ایران به‌ویژه از سمت نهادهای مذهبی و سنتی واپس‌گرا شد.

بدین ترتیب، نویسنده مقاله با رویکردی ساده‌گرایانه، ابعاد نهادی و ساختاری قدرت در ایران پهلوی را حذف کرده و مسئولیتی سنگین را بر دوش فردی می‌گذارد که نقش او در این چرخه هرگز به این سادگی تعریف نمی‌شد.

همسان‌انگاری تاریخی: «ملت انقلابی» یا «اقتدار متنوع»؟

به کار گرفتن عبارت «ملت انقلابی» برای توصیف

فهم واقعی رویدادها ندارد.

مقاله‌ای که در این نوشتار مورد نقد قرار می‌گیرد، با بهره‌گیری از روایت‌های احساسی، قیاس‌های نامتناسب و کلی‌گویی‌های اغراق‌آمیز، تصویری تحریف‌شده و همراه‌کننده در ارتباط با مقایسه فرح پهلوی همسر شاه فقید ایران و اسما اسد همسر بشار اسد و البته دوران پهلوی، انقلاب ۱۳۵۷ و تبعات آن ارائه می‌دهد.

در متن نوشته شده توسط آقای داریوش کریمی که در کارنامه خود برنامه پرمخاطب و آموزنده «پرگار» را نیز دارد، نه تنها از استناد به منابع معتبر تاریخی و تحقیقات پرشمار در مورد تاریخ دوران معاصر ایران، خبری نیست، بلکه داده‌های آماری و مطالعات جامعه‌شناختی نیز به گونه‌ای سطحی یا اصلاً مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. در نتیجه، مخاطب از دستیابی به یک تحلیل چندوجهی، مبتنی بر حقیقت تاریخی دور می‌شود و با برداشتی رمانتیک و ساده‌انگارانه روبرو می‌گردد.

هدف این بازخوانی انتقادی آن است که با برجسته کردن کاستی‌های این نوشته، تلاش می‌کند با نگاهی تازه و تکیه بر منابع معتبر، پیچیدگی‌های تاریخی و اجتماعی را بهتر توضیح دهد. با چنین رویکردی می‌توان از محدودیت روایت‌های سطحی و ذهنیت‌های از پیش شکل‌گرفته فاصله گرفت و به واقعیت نزدیک شد.

فردگرایی در تحلیل قدرت: «جانشینی شاه‌بردوش فرح‌پهلوی؟» انتساب امر جانشینی شاه به فرح پهلوی، نمونه‌ای از یک رویکرد فردمحور است که ساختارهای پیچیده قدرت در نظام پادشاهی پهلوی را نادیده می‌گیرد. درواقع، جانشینی شاه نه یک تصمیم شخصی یا خانوادگی ساده، بلکه ریشه در نظام تصمیم‌گیری، روابط قدرت و مقتضیات زمان و البته روند مدرن‌سازی ایران داشت.

● مقاله‌ای که در این نوشتار مورد نقد قرار می‌گیرد، با بهره‌گیری از روایت‌های احساسی، قیاس‌های نامتناسب و کلی‌گویی‌های اغراق‌آمیز، تصویری تحریف‌شده و همراه‌کننده در ارتباط با مقایسه فرح پهلوی همسر شاه فقید ایران و اسما اسد همسر بشار اسد و البته دوران پهلوی، انقلاب ۱۳۵۷ و تبعات آن ارائه می‌دهد.

● هدف این بازخوانی انتقادی آن است که با برجسته کردن کاستی‌های این نوشته، تلاش می‌کند با نگاهی تازه و تکیه بر منابع معتبر، پیچیدگی‌های تاریخی و اجتماعی را بهتر توضیح دهد. با چنین رویکردی می‌توان از محدودیت روایت‌های سطحی و ذهنیت‌های از پیش شکل‌گرفته فاصله گرفت و به واقعیت نزدیک شد.

● استفاده از عباراتی چون «دست سرنوشت» یا «مردمان عاصی» در متنی که داعیه‌ی بررسی مقایسه تاریخی دارد، نشانه‌ای از دوری از روش علمی و گرایش به ادبیات شاعرانه است. تاریخ و جامعه‌شناسی نیازمند دقت، روش، آمار و اسناد هستند. استعاره، تشبیه و کلی‌گویی مبهم ممکن است در شعر و داستان جذاب باشد، اما در تحلیل تاریخی تنها نتیجه‌اش گمراه کردن مخاطب است.

● مقاله مورد نقد، بجای اتکا به منابع معتبر، تحلیل‌های چندبعدی و داده‌های مستند، با ساده‌سازی و تعمیم‌های گمراه‌کننده، قیاس‌های دور از واقعیت و روایت‌های احساسی، تصویری مخدوش از رخدادها، تاریخی، ساختارهای سیاسی، شرایط اجتماعی و روانی افراد ترسیم می‌کند.

حامد ابراهیمی - بررسی انتقادی متن‌هایی که روایت‌های تاریخی چالش برانگیز دارند اما از روش‌های علمی، منابع معتبر و تحلیل‌های چندوجهی بی‌بهره‌اند، امری ضروری است. تاریخ، علمی مبتنی بر شواهد، اسناد و روش‌شناسی دقیق است و هرگونه ساده‌انگاری مسئله یا دستکاری احساسی در آن، نتیجه‌ای جز انحراف ذهن خواننده از مسیر

ایده که شکل حکومت (سلطنت یا جمهوری) معیار اصلی آزادی یا سرکوب است. این استدلال غلط، واقعیت پیچیده نظام‌های سیاسی جهان را نادیده می‌گیرد.

در سراسر جهان، کشورهایی با نظام سلطنتی مشروطه (مانند نروژ، دانمارک و بلژیک) در زمره آزادترین و مردم‌سالارترین جوامع قرار دارند، در حالی که برخی جمهوری‌ها (نظیر جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری سوریه) از نظر سرکوب سیاسی و نقض حقوق بشر در زمره بدنام‌ترین حکومت‌ها هستند.

این بدان معناست که شکل ظاهری حکومت به تنهایی تعیین‌کننده میزان آزادی، حقوق شهروندی و رعایت کرامت انسانی نیست. جایگاه نهادهای مدنی، شفافیت قوانین، قدرت نهادهای نظارتی، مطبوعات آزاد، انتخابات منصفانه و پاسخگویی حاکمان نقش مهم‌تری در تعیین کیفیت حکمرانی ایفا می‌کنند. تقلیل بحث به «سلطنت یا جمهوری» پنهان کردن عوامل عمیق‌تر و گسترده‌تر است که هویت یک نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

استعاره‌های مبهم: «دست سرنوشت» و «مردمان عاصی»

استفاده از عباراتی چون «دست سرنوشت» یا «مردمان عاصی» در متنی که داعیه‌ی بررسی مقایسه تاریخی دارد، نشانه‌ای از دوری از روش علمی و گرایش به ادبیات شاعرانه است. تاریخ و جامعه‌شناسی نیازمند دقت، روش، آمار و اسناد هستند. استعاره، تشبیه و کلی‌گویی مبهم ممکن است در شعر و داستان جذاب باشد، اما در تحلیل تاریخی تنها نتیجه‌اش گمراه کردن مخاطب است.

برای فهم یک رویداد، باید افسار مختلف جامعه، ساختارهای قدرت، روندهای اقتصادی، روابط بین‌الملل و عوامل فرهنگی را با ابزارهای علمی مورد مطالعه قرار داد. هرچه تحلیل از این مسیر فاصله بگیرد، احتمال خطا و تحریف بیشتر می‌شود. گفت «مردمان عاصی» بدون توجه به اینکه کدام مردم، در چه زمانی، با چه انگیزه‌هایی و به چه شکلی اعتراض کردند، تنها یک تصویر تار و مبهم ارائه می‌دهد که هیچ نکته‌ی روشنی برای فهم علمی از تاریخ در بر ندارد.

پرهیز از ساده‌انگاری، فهمی متعادل از حقیقت

مقاله مورد نقد، بجای اتکا به منابع معتبر، تحلیل‌های چندبعدی و داده‌های مستند، با ساده‌سازی و تعمیم‌های گمراه‌کننده، قیاس‌های دور از واقعیت و روایت‌های احساسی، تصویری مخدوش از رخدادها تاریخی، ساختارهای سیاسی، شرایط اجتماعی و روانی افراد ترسیم می‌کند.

درک دلایل رخ دادن انقلاب ۱۳۵۷ یا مقایسه خانواده پهلوی با اسد نیازمند موشکافی دقیق، توجه به ارقام و داده‌های واقعی، اتکا بر اسناد معتبر، در نظر گرفتن گوناگونی نیروهای اجتماعی و پرهیز از قیاس‌های مخالف است. تنها با اتخاذ رویکردی انتقادی و چندوجهی می‌توان از دام روایت‌های آسان‌گیرانه گریخت و به سوی فهمی ژرف‌تر و منصفانه‌تر از تاریخ حرکت کرد. این مسیر با رشد تفکر انتقادی صحیح، مطالعه و شک‌ورزی عقلانی همراه است، اما ثمره‌اش درک حقیقی‌تر از گذشته و دوری از باورهای سطحی، پیش‌ساخته و گمراه‌کننده خواهد بود.

*حامد ابراهیمی کارشناس روابط دیپلماتیک ساکن وین اتریش

کاذب و دور از واقعیت می‌زند و بدینسان فهم واقعی از ابعاد سرکوب را مخدوش می‌سازد.

«پناه ندادن آمریکا»: روایتی یکسویه و ناقص از دیپلماسی و شرایط سیاسی روز

ماجرای «پناه ندادن آمریکا» به خاندان پهلوی، در مقاله به گونه‌ای ساده‌انگارانه مطرح می‌شود که گویی ایالات متحده صرفاً شاه را نپذیرفت و رهاش کرد. واقعیت اما چیز دیگری است. آمریکا پس از سقوط نظام پهلوی، به دلایل دیپلماتیک و ملاحظات امنیتی و روابط احتمالی‌اش با رژیم جدید، تمایلی به میزبانی بلندمدت شاه نداشت؛ با این حال شاه برای معالجه‌ی سرطان وارد ایالات متحده شد و آمریکا او را در بیمارستانی در نیویورک پذیرفت.

زمانی که شرایط سیاسی پیچیده‌تر شد، ایالات متحده از شاه خواست خاک این کشور را ترک کند، اما هرگز او را به ایران تحویل نداد. چنین مسائلی ناشی از بازی‌های پیچیده سیاست خارجی و تصمیمات منطقه‌ای و جهانی ایالات متحده بود، نه یک تصمیم ساده و یکطرفه. تقلیل این رویداد به عبارت «پناه ندادن مطلق» یا «رها کردن شاه» تصویری کاریکاتورگونه از حقیقت تاریخی می‌سازد.

از منظر تحلیل دیپلماتیک، حکومت‌ها تصمیمات خود را بر اساس موازنه‌ی قدرت، حساسیت‌های داخلی و بین‌المللی، و فشارهای مختلف اتخاذ می‌کنند. نادیده‌گرفتن این ظرایف و ارائه‌ی روایتی یکجانبه، مخاطب را از درک پیچیدگی‌های واقعی روابط بین‌الملل بازمی‌دارد.

روانشناسی خیالی: «امید و یأس» بدون سند و مدرک

نویسنده مقاله درباره‌ی حالات عاطفی فرح پهلوی و فرزندان، خصوصاً تکرار «چرخه امید و یأس» در ارتباط با احیای سلطنت، به هیچ منبع موثق تاریخی، مصاحبه‌ی معتبر یا اظهار نظری از جانب اعضای خاندان پهلوی استناد نمی‌کند. این نوع ادعا، متن را به وادی داستان‌پردازی و حدس و گمان می‌کشاند.

بدون ارائه‌ی سند، هرگونه توصیف روانشناختی یا عاطفی از شخصیت‌های تاریخی به افسانه‌گویی شباهت می‌یابد. تاریخ‌نگار یا تحلیلگر سیاسی موظف است برای چنین دعوای، اسناد، خاطرات، مصاحبه‌ها یا پژوهش‌های معتبر روانشناختی ارائه دهد.

بیان اینکه «هربار شعله‌ای از امید افروخته و بعد دوباره به یأس تبدیل شده» بدون هیچ پشتوانه‌ی مستند، چیزی جز دراماتیزه کردن وقایع نیست. این سبک روایت بیشتر به یک رمان یا نمایشنامه شباهت دارد تا تحلیلی تاریخی.

شاهزاده رضا پهلوی دهه‌هاست در صحنه‌ی سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی فعال است. او تلاش‌های دیپلماتیک، مصاحبه‌های متعدد، بیانیه‌ها و مواضع مختلفی داشته است. تقلیل تمام این کوشش‌ها به یک چرخه بدون سند «امید-یأس» تصویری یک‌بعدی، مخدوش و ناعادلانه از پویایی سیاسی و اجتماعی خانواده پهلوی در تبعید ارائه می‌دهد. چنین رویکردی، از مطالعه‌ی چندوجهی و منصفانه‌ی تاریخ فاصله می‌گیرد.

شکل حکومت یا محتوای آن؟ «سلطنت» برابر «جمهوری»

از خطاهای دیگر مقاله، قیاس نادرست میان نظام پهلوی و جمهوری‌های مستبدی همچون سوریه‌ی اسد، با این

→ کل مردم ایران، یک تعمیم ناروا و یکسان‌انگاری گمراه‌کننده است. انقلاب ۱۳۵۷ یک رویداد اجتماعی پیچیده بود که افسار گوناگون با انگیزه‌ها، نگرش‌ها و منافع متفاوت در آن مشارکت داشتند. اگرچه برخی از گروه‌های اجتماعی، نظیر دانشجویان، بازاریان و روحانیون، حضوری چشمگیر در اعتراضات و اعتصابات داشتند، اما تحقیقات جامعه‌شناسی مانند آصف بیات نشان می‌دهد که بخش‌هایی از جامعه، از جمله حاشیه‌نشینان شهری و افسار بسیار فقیر، چندان در متن اعتراضات گسترده حضور نداشتند.

بر اساس آرشيو روزنامه‌ها، بررسی ترکیب اعتراضات و اعتصابات، می‌توان دریافت که انقلاب نه پدیده‌ای یکدست و همگون، بلکه پدیده‌ای چندوجهی و متکثر بود. تنوع طبقاتی و اجتماعی شرکت‌کنندگان در انقلاب نشان می‌دهد که نمی‌توان با عبارات مبهمی مانند «مردمان عاصی» یا «ملت انقلابی» واقعیت را بیان کرد.

هر گروه اجتماعی بسته به موقعیت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود، اهداف و انگیزه‌های متفاوتی داشت و این تکرر نباید با قلمی ساده‌نگرانه یا روایتی افراطی کنار گذاشته شود. نادیده‌گرفتن این تنوع، مخاطب را به این باور اشتباه می‌رساند که گویا همه‌ی مردم، با یک صدا و یک ذهنیت، علیه پهلوی‌ها پا خاسته‌اند؛ انگاره‌ای که نه با پژوهش‌های دقیق تاریخی سازگار است و نه با منطق جامعه‌شناختی.

آمار و واقعیت: «اعدام‌ها و کشته‌شدگان» زیر ذره‌بین پژوهشگران

نویسنده مقاله‌ی مربوطه درباره‌ی آمار اعدام‌ها، کشته‌شدگان سیاسی دوران پهلوی و انقلاب ۱۳۵۷، بدون ارجاع به تحقیقات معتبر و اسناد روشن سخن می‌گوید. برخلاف ادعاهای مبهم و اغراق‌آمیزی که گاه در اوایل انقلاب رواج داشت، پژوهشگرانی همچون عمادالدین باقی با بررسی دقیق اسناد و آرشیوها تصویری مستندتر ارائه کرده‌اند.

بر اساس تحقیقات منتشر شده، تعداد اعدامی‌های سیاسی مستند به چند صد نفر می‌رسد و شمار کشته‌شدگان نیز رقم ۳۱۶۴ نفر برای کل دوره‌ی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ برآورد شده است. این آمار هرچند تلخ و تأسفار و نشان‌دهنده نقض حقوق بشر در مقاطعی از دوران پهلوی است، اما با روایت‌های اغراق‌شده اولیه (ده‌ها هزار کشته) تفاوت فاحشی دارد و در عین حال قابل‌مقایسه با فجایع انسانی عظیمی نظیر جنگ داخلی سوریه با بیش از صدها هزار کشته و میلیون‌ها آواره نیست.

همچنین باید توجه داشت که بخشی از این آمار بیشتر مربوط به محکومین رسمی دادگاه‌های نظامی و امنیتی است و تمامی افراد کشته‌شده در تظاهرات خیابانی یا درگیری‌های مسلحانه را شامل نمی‌شود. حتی اگر این تلفات را هم در نظر بگیریم، به لحاظ کمی و کیفی قابل قیاس با فاجعه‌های بزرگ تاریخی یا کشتارهای سیستماتیک و گسترده‌ای نظیر آنچه در برخی انقلاب‌ها و شورش‌های خونین رخ داده، نیست.

با اینکه مواردی مانند سرکوب آزادی بیان، نبود آزادی در انتخابات، و دستگیری، بازداشت و شکنجه مخالفان حکومت در نظام پهلوی به چشم می‌خورد اما نویسنده مقاله، بدون ارائه هیچ‌گونه داده تاریخی یا تحلیلی، دست به قیاس‌های

زمان انتخاب، شاهزاده رضا پهلوی و رهبری دوران گذار



شاهزاده رضا پهلوی در سومین «کنفرانس ایران» به میزبانی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) / واشنگتن دی سی / پنجشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴

کوروش زمانی - ایران امروز در یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مقاطع تاریخی خود قرار گرفته است؛ جایی که یک ملت، خسته از دهه‌ها سرکوب، فساد و بحران، در جستجوی راهی برای بازگشت به آزادی، عدالت، اقتدار و شکوهی است که چهل و پنج سال پیش از دست داد. رژیم جمهوری اسلامی، با بیش از چهار دهه سوء مدیریت و سرکوب گسترده، کشور را به مرز فروپاشی اقتصادی، سقوط اجتماعی و انزوای سیاسی کشانده است. در این میان، نیروهای اپوزیسیون نیز بارها تلاش کرده‌اند تا صدای اعتراض مردم را به یک برنامه عملیاتی برای تغییر رژیم تبدیل کنند، اما نبود یک رهبر برای هدایت جریان انقلابی، همواره بزرگ‌ترین مانع بر سر راه موفقیت این جنبش‌ها به شمار می‌رود.

در این فضای مبهم و بحرانی، شاهزاده رضا پهلوی به‌عنوان چهره‌ای که نام وی با تاریخ معاصر ایران گره خورده است، بار دیگر در فضای داخلی و بین‌المللی، در مرکز توجه‌ها قرار گرفته است. وی که وارث مشروع پادشاهی پهلوی، الگویی زنده از اندیشه‌ی پهلویسم و نمادی از ثبات و پیشرفت ایران پیش از انقلاب سیاه ۵۷ است، توانسته خود را به عنوان تنها شخصیتی مطرح کند که بخش‌های گسترده‌ای از جامعه ایران، از جمله نسل جوان، او را به عنوان نماد مبارزه می‌شناسند. شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر مفاهیمی چون پرهیز از خشونت، دولت انتقالی، دموکراسی، سکولاریسم و حق تعیین سرنوشت از طریق رفراندوم، مسیری روشن برای دوران گذار از جمهوری اسلامی به یک نظام مردمی ارائه داده است.

شاهزاده رضا پهلوی، به دلیل مشروعیت و محبوبیت، دیدگاه دموکراتیک و توانایی برقراری ارتباط با جامعه بین‌المللی، بهترین گزینه برای رهبری دوران گذار در ایران شناخته شده زیرا دارای مجموعه ویژگی‌های منحصر به فردی است که هیچ گزینه‌ی دیگری یارای رقابت با وی را در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی ایران ندارد و حتی نزدیک به او نیز به چشم نمی‌خورد. این ویژگی‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلف سیاسی، شخصیتی، تاریخی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

۱- «مشروعیت تاریخی و سیاسی»

شاهزاده رضا پهلوی وارث دودمانی است که در تاریخ معاصر ایران نقش بسزایی در آبادانی و پیشرفت کشور داشته است. پدرش، آریامهر محمدرضا شاه پهلوی، و پدربزرگش رضاشاه بزرگ، پایه‌گذاران ایران مدرن بودند. این مشروعیت تاریخی برای بسیاری از ایرانیان، به ویژه نسل‌های قدیمی‌تر، یادآور دوره‌ای از اقتدار، ثبات و پیشرفت است. این جایگاه تاریخی، به شاهزاده کمک می‌کند تا به‌عنوان یک رهبر مشروع و محبوب شناخته شود، کسی که می‌تواند شکوه را به ایران بازگرداند.

۲- «تعهد به دموکراسی و حقوق بشر»

یکی از ویژگی‌های کلیدی شاهزاده رضا پهلوی، تعهد آشکار وی به اصول دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون است. برخلاف تصوراتی که ممکن است از یک نظام پادشاهی وجود داشته باشد، ایشان بارها تأکید کرده‌اند که به دنبال بازگرداندن نظامی مردم‌سالار به ایران هستند که از دل یک همه‌پرسی، بیرون آمده باشد. وی مدافع حکومتی مردم‌محور است بطوری که این باور را در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود از دهه‌ها پیش تا به امروز، بدون

کوچکترین تغییر رویکردی بارها تکرار کرده‌اند.

۳- «اعتدال و عدم تندروی»

شاهزاده رضا پهلوی توانسته است در فضای سیاسی پراکنده ایران، رویکردی معتدل اتخاذ کند. وی از رفتارهای تند و شعارزدگی که بسیاری از جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی گرفتارش شده‌اند اجتناب کرده است. این رویکرد اعتدالی، ایشان را به چهره‌ای قابل‌اعتماد و قابل احترام برای گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده است.

۴- «توانایی ایجاد اتحاد در میان اپوزیسیون»

یکی از چالش‌های اصلی اپوزیسیون ایران، پراکندگی و عدم انسجام است. شاهزاده رضا پهلوی، به دلیل جایگاه نمادین و شخصیت کاریزماتیک خود، فارغ از موفقیت‌آمیز بودن یا نبودن آن، توانسته است شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف، از جمهوریخواهان تا مشروطه‌خواهان، را گرد هم آورد. وی بارها تلاش کرده است تا بجای تأکید بر اختلافات، بر نقاط مشترک تمرکز کند، به ویژه بر مهم‌ترین هدف مشترک که همان **سرنوشت جمهوری اسلامی است**.

۵- «مشروعیت و محبوبیت در میان جامعه»

شاهزاده رضا پهلوی، به ویژه در سال‌های اخیر، محبوبیت زیادی در میان ایرانیان داخل و خارج از کشور پیدا کرده است. وی توانسته است با مردم ارتباطی نزدیک برقرار کند و صدای آنان را به گوش جهان برساند. مجموعه بیانیه‌ها، مصاحبه‌ها، فعالیت‌های رسانه‌ای، سخنرانی‌ها و حضور در مجامع بین‌المللی، جایگاه وی را به‌عنوان یک رهبر مردمی تقویت کرده است.

۶- «شناخت از سیاست بین‌الملل»

شاهزاده رضا پهلوی در سال‌های تبعید خود در کشورهای غربی، به ویژه در آمریکا، در حوزه‌ی بین‌الملل، با نظام‌های سیاسی و دیپلماتیک در ارتباط بوده. وی توانسته است روابطی را با سیاستمداران و نهادهای بین‌المللی برقرار کند و از این طریق صدای مردم ایران را به جهان برساند. از این رو، شناخت وی از سازوکارهای بین‌المللی، می‌تواند به موفقیت در جلب حمایت خارجی برای جنبش آزادی‌خواهی

ایران کمک کند.

۷- «پایبندی به پرهیز از خشونت»

یکی از اصول مهم شاهزاده رضا پهلوی، تأکید بر مبارزه مسالمت‌آمیز و دوری از خشونت است. ایشان بارها اعلام کرده‌اند که انقلاب ایران باید با روش‌های صلح‌آمیز انجام شود تا از تکرار خشونت و هرج‌ومرج جلوگیری کند. این رویکردی است که می‌تواند اطمینان جامعه بین‌الملل را جلب کند.

۸- «صداقت و شفافیت»

شاهزاده رضا پهلوی در برخورد با مردم و رسانه‌ها همواره با صداقت رفتار کرده است. وی به برخی مشکلات دوران زمامداری پدرش اذعان کرده و از برخی نارسایی‌های گذشته درس گرفته است. این میزان از شفافیت و فروتنی، وی را به شخصیتی باورپذیر و قابل‌اعتماد تبدیل کرده است.

۹- «روحیه فداکاری و استقامت»

شاهزاده در تمام سال‌های تبعید، با وجود فشارها و محدودیت‌ها، هرگز از مبارزه برای آزادی ایران دست نکشیده است. این روحیه استقامت در مبارزه و تعهد به آرمان‌های ملی، ایشان را به رهبر مناسبی برای شرایط حساس و بحرانی تبدیل کرده است.

۱۰- «تمرکز بر برنامه‌ریزی بلندمدت»

شاهزاده رضا پهلوی بجای وعده‌های زودگذر و مقطعی برای جلب نظر جامعه، بر برنامه‌ریزی منطقی و بلندمدت ساختارمند برای آینده ایران تأکید دارد. وی بارها در مورد نیاز به تشکیل دولت انتقالی، برگزاری رفراندوم و تدوین قانون اساسی جدید صحبت کرده است و برنامه‌های جامعی برای فردای پس از آزادی ایران در اختیار دارد. این دیدگاه آینده‌نگرانه، اعتماد مردم به رهبری شاهزاده رضا پهلوی را افزایش می‌دهد.

۱۱- «تأکید بر منافع ملی و هویت ایرانی»

ملی‌گرایی شاهزاده رضا پهلوی نقطه قوتی کلیدی در نقش او به‌عنوان رهبر اپوزیسیون ایران است. او با تأکید بر منافع ملی و هویت ایرانی، توانسته است ایرانیان

مردم را ندارد. آنها که به مردم ایران، وعده‌ی آب و برق مجانی می‌دادند، سرزمین ثروتمندان را خشک کردند و به عصر تاریکی بازگرداندند و چشم‌انداز تمدن بزرگ ما را با وحشتی بزرگ جایگزین کردند.»

وی دو راه پیش روی مردم ایران را در این دوره حساس «مورد تأکید قرار داد و گفت: «با نظاره‌گر و منتظر باشیم تا شاید دیگران تغییرات دلخواه خود را برای ما رقم بزنند؛ یا اینکه با عزم و اراده‌ی ملی، خودمان موتور محرک تغییر باشیم و خواست ملت ایران را در میهن‌مان و در اتاق‌های فکر و دالان‌های قدرت در سراسر جهان به کرسی بنشانیم. انتخاب من، بدون تردید، گزینه‌ی دوم است.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد: «من بنا به خواست شما، آمادگی خود را برای هدایت این تغییر، و رهبری دوران گذار اعلام کرده‌ام. توان من ناشی از قدرت شماست. نیرویی را که از تداوم مبارزه و اعتراضات حق طلبانه‌تان می‌گیرم، در مسیر استقرار دولتی ملی، و جلب حمایت حداکثری جهانی برای تحقق آن، به کار می‌بندم.»

وی اضافه کرد: «اینک، زمان انتخاب است. بیاییم با عزمی راسخ، به سوی آینده‌ی روشن، آزاد، مرفه و آباد حرکت کنیم» ایشان در پیامی دیگر گفتند: «فرزندان دلاور ایران؛ شما نخبگان این مرز و بوم جاویدید. سرنوشت ایران به دستان شما رقم خواهد خورد. این وظیفه تاریخی ماست که آینده‌ی آزاد و آباد برای کشورمان بسازیم. اکنون زمان اتحاد و برخاستن برای ساخت فردایی بهتر است. آینده‌ی که در آن، ایران، آزاد و مستقل باشد و در سایه یک دولت ملی، سکولار و دموکراتیک، جایگاه شایسته خود را در منطقه و جهان باز یابد.»

زیر فرمان ایشان، در ایران و فراسوی گیتی، برای بازپس‌گیری ایران از رژیم اهریمنی حاکم بر آن را، خواهانیم. رستاخیز ایران به آرش و معنی خیزش رستگاری، بسیار نزدیک است. این واکنش‌ها از سوی تشکیلات و اشخاص به ویژه بازخوردهای مثبت بی‌سابقه در شبکه‌های اجتماعی، در راستای پیامی است که شاهزاده رضا پهلوی برای ملت ایران به ارمغان آورد.

شاهزاده رضا پهلوی با بیان این که بنا به درخواست «ملت بزرگ ایران»، آمادگی خود را «برای هدایت تغییر و رهبری دوران گذار» اعلام می‌کند، تأکید کردند که «توان من ناشی از قدرت شما است.»

شاهزاده رضا پهلوی، روز پنج‌شنبه ۲۴ آبان در پیامی خطاب به «ملت ایران» گفت: «تحولات جهانی و منطقه‌ای، فرصت تازه‌ای را برای بازپس‌گیری و نجات ایران فراهم کرده و امروز، جمهوری اسلامی از هر زمان دیگری ضعیف‌تر و در مواجهه با بحران‌ها، درمانده‌تر است.»

ایشان با تأکید بر این که «اکنون بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف این رژیم، نداشتن مشروعیت و مقبولیت مردمی است» اضافه کرد: «ایران ما سرشار از منابع طبیعی و ثروت انسانی است، بنابراین مردم‌ش هرگز نباید دغدغه‌ی آب و نان، دارو و درمان و سوخت و برق را در گرما و سرما داشته باشند؛ به ریال دستمزد بگیرند اما با دلار ۷۰ هزار تومانی و گرانی افسار گسیخته، به سختی روزگار بگذرانند!»

شاهزاده رضا پهلوی مشکلات روزافزون مردم ایران را «ناشی از بی‌کفایتی و فساد» دانست که «با تار و پود این رژیم، گره خورده است» و افزود: «جمهوری اسلامی، اساساً، اراده و توان اداره‌ی کشور و تامین ابتدایی‌ترین نیازهای

را از طیف‌های مختلف فکری و قومی متحد کند. ملی‌گرایی او بر اساس اصولی همچون تمامیت ارضی، حفظ فرهنگ و تاریخ ایران، و استقلال کشور از دخالت‌های خارجی استوار است. این رویکرد، نه تنها جلوی تکرار اشتباهات تاریخی مانند انقلاب ۵۷ را می‌گیرد، بلکه بستری برای ساختن آینده‌ی آزاد و دموکراتیک فراهم می‌کند که در آن، منافع ملت ایران اولویت نخست باشد.

اکنون که به آخرین روزهای حیات رژیم جمهوری اسلامی نزدیک می‌شویم، بسیار مهم است تا با توجه به رهنمون‌های شاهزاده رضا پهلوی، از تکرار فاجعه ۵۷ جلوگیری کنیم. تجربه ۵۷ نشان داد که فقدان یک رهبر ملی‌گرا و دموکرات نبود برنامه‌های دقیق و جامع در راستای حفظ منافع ملی بود که کشور را به سمت نابودی سوق داد. شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی برای دوران گذار، قصد دارند از تکرار این اشتباه جلوگیری کنند. اقدامات پیشنهادی شاهزاده برای دوران پسا جمهوری اسلامی عبارتند از:

- تشکیل دولت انتقالی با مشارکت تمامی گروه‌های سیاسی.
- برگزاری فراندوم آزاد برای تعیین نوع نظام حکومتی آینده‌ی کشور.
- سازماندهی کارگروهایی در حوزه‌های مرتبط با زیرساخت برای پر کردن موقت خلغ پیش از تشکیل دولت -بازسازی ایران با بهره‌گیری از دانش و کارشناسان و متخصصان ایرانی در دوران پس از فروپاشی نظام جمهوری اسلامی.
- تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی دموکراتیک برای جلوگیری از تمرکز قدرت.

اکنون زمان انتخاب است. زمان آن رسیده است که تمامی جریان‌های سیاسی، اجتماعی و ملت ایران به همراه نظامیان داخل کشور، حمایت قاطع خود را از شاهزاده اعلام کنند تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری و مسیر برای ساختن آینده‌ی دموکراتیک و روشن هموار شود.

لازم به یادآوری است که قطار انقلاب در همراهی شاهزاده رضا پهلوی در میان توده‌های جامعه ایران در داخل و خارج به راه افتاده و هر آنکه از این قطار جا بماند در فردای آزادی ایران رو سیاه خواهد شد. چنانکه در روزهای گذشته، شاهد اظهار نظرها، بیانه‌های کتبی و شفاهی از سوی جریان‌ها و شخصیت‌های مختلف بوده‌ایم. از جمله بیانه «ستاد مشترک عملیاتی (سمع)» که اعلام کرد، جمع‌کنندگی از نیروهای مسلح نظامی و انتظامی - اطلاعاتی و امنیتی ایران، از پیام سرنوشت‌ساز شاهزاده رضا پهلوی برای پذیرش رهبری دوران گذار از جمهوری اسلامی در این پیچ تاریخی اعلام سپاسگزاری و خرسندی کردند و خواستند که آخوندها، پاسداران و بسیجیان که دستشان به خون مردم ایران آغشته نشده و دل در گرو خانواده‌های خود دارند، شتابان با شاهزاده رضا پهلوی پیمان ببندید.

در این بیانه از همه‌ی ارتشیان خواسته شده تا بی‌گمان، بر سوگندی که برای نخبه‌انی از میهن خورده‌اند پایبند باشند و با حمایت از «رضا شاه دوم»، وفاداری خود به کشور و ملت را نشان دهند.

همچنین از تمام نیروهای کشوری و مردمی درخواست شده که نافرمانی‌های مدنی و اعتصابات سراسری را هر چه زودتر آغاز کنند.

همزمان تشکیلات «پادشاهی ایران» با پوشش رسانه‌ای «تلویزیون قره ایران» نیز ضمن حمایت بی‌چون و چرا از شاهزاده رضا پهلوی اعلام کرده‌اند: «در این گردهمی سرنوشت ساز تاریخ، پیوستگی همگی نیروها، در پشتیبانی و همراهی از راهبری و رهبری رضا شاه دوم، دولت موقت

هوای مرگ؛ چشم‌انداز این روزهای تهران



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

تشدید حمله‌های اسرائیل به حوثی‌ها، زمینه‌سازی برای حمله به جمهوری اسلامی؟

● روز دوشنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۲۴، یک روز قبل از تحویل سال نو میلادی، شورای امنیت سازمان ملل به درخواست اسرائیل برای بررسی حمله‌های موشکی حوثی‌ها به اسرائیل یک «جلسه اضطراری» برگزار کرد.

● با به قدرت رسیدن دوباره‌ی ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، این احتمال وجود دارد که بخواهد با افزایش فشار، حکومت آخوند- پاسداران را مجبور به سازش کند. اگر خامنه‌ای در برابر ترامپ به سازش تن بدهد، هرچند خفت‌بار، اما از این طریق می‌تواند ساقط شدن رژیم را به عقب بیاورد.

● اما اگر قبل از شروع دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، نتانیاهو موفق شود با بهانه قراردادن حوثی‌ها یا به هر دلیل دیگر به جمهوری اسلامی حمله کند، در این حالت ترامپ را در مقابل عمل انجام شده قرار داده و او را ناگزیر می‌کند با شروع دور جدید ریاست جمهوری‌اش، با او همراهی کند. ترامپ بعد از پایان دور اول ریاست جمهوری‌اش پیوسته می‌گفت او تنها رئیس جمهوری در چند دهه گذشته است که جنگی را آغاز نکرده است.

حنیف حیدرزاد- روز دوشنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۲۴، یک روز قبل از تحویل سال نو میلادی، شورای امنیت سازمان ملل به درخواست اسرائیل برای بررسی حمله‌های موشکی حوثی‌ها به اسرائیل یک «جلسه اضطراری» برگزار کرد. در این جلسه دانی دانون نماینده اسرائیل در سازمان ملل متحد با تاکید بر اینکه موضوع اصلی جمهوری اسلامی است، گفت: «حوثی‌ها چیزی جز ابزاری در دست جمهوری اسلامی برای جنگ علیه صلح نیستند. اثر انگشت جمهوری اسلامی بر روی هر موشک، هر پهپاد و هر حمله دیده می‌شود. کارشناسان نظامی تأیید می‌کنند که حوثی‌ها بدون حمایت مستقیم جمهوری اسلامی، هرگز نمی‌توانستند به این توانایی‌ها دست پیدا کنند. تبدیل آنها به یک ارتش تروریستی، کار ملامت در تهران است.»

سفیر اسرائیل در سخنان کوتاه خود با اشاره به حمله حوثی‌ها به کشتیرانی جهانی که از تنگه باب المندب و دریای سرخ عبور می‌کنند، تاکید کرد این گروه تروریستی فقط یک تهدید برای منطقه نیست، بلکه تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی است.

دانی دانون همچنین شورای امنیت سازمان ملل را مورد انتقاد قرار داد که هنوز نتوانسته یک قطعنامه قوی در محکومیت حمله‌های موشکی حوثی‌ها به اسرائیل صادر کند. او تصریح کرد حوثی‌ها بهتر است به تجربه حماس و حزب‌الله و حکومت بشار اسد نگاه کنند و تاکید کرد این «نه یک هشدار بلکه یک وعده» است.

سفیر اسرائیل در سازمان ملل توضیح داد که حوثی‌ها از سوی حکومت حاکم بر ایران حمایت شده و موشک و آموزش نظامی و تسلیحات و پول دریافت می‌کنند. او بطور واضح نشان داد که اسرائیل حوثی‌ها را فقط ابزاری در دست حاکمان ایران می‌داند و گفت که کشورش توانایی حمله به هر هدفی در خاورمیانه از جمله در ایران را دارد و حمله نیابتی‌های جمهوری اسلامی را تحمل نخواهد کرد.

حمله به حوثی‌ها، مقدمه‌ای برای حمله به جمهوری اسلامی
به نظر می‌رسد درخواست اسرائیل برای برگزاری این



دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو؛ واشنگتن؛ ۲۸ ژانویه ۲۰۲۰

فعال شدن «مکانیسم ماشه» اشاره کرده و گفت: «اگر غرب تهدید به اعمال مجدد همه تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه تهران را ادامه دهد، احتمالاً بحث هسته‌ای در داخل ایران به سمت در اختیار داشتن تسلیحات (هسته‌ای) گرایش پیدا خواهد کرد.»

تازه‌ترین نمونه مربوط به گفته‌های احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی است که در یک مصاحبه تهدید کرده است اگر اسرائیل به تأسیسات اتمی‌در ایران حمله کند، جمهوری اسلامی به سمت ساخت سلاح اتمی می‌رود. وی روز ۹ دی‌ماه در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «بعید است که اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ما حمله کند و اگر چنین کاری انجام دهد، یک اشتباه محض است، زیرا عملاً مجوزی به ایران می‌دهد که بمب اتم تولید کند.»

دولت و مردم اسرائیل بیش از هر دولت یا کشور دیگری تهدید جمهوری اسلامی را لمس می‌کنند. اسرائیل منتظر نخواهد ماند تا در دفاع از موجودیت آن دیر شود. اسرائیل اراده کرده است تا قبل از دستیابی خامنه‌ای و سپاه پاسداران به بمب اتم، این امکان را از آنها بگیرد و این جز با حمله به تأسیسات اتمی رژیم امکان‌پذیر نیست.

چرائی احتمال حمله اسرائیل تا قبل از شروع دور جدید ریاست جمهوری ترامپ

اگر بپذیریم که اسرائیل در حال زمینه‌سازی سیاسی- نظامی برای حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی است، می‌توان دلیل فوریت «اجلاس اضطراری» شورای امنیت را آنهم یک روز قبل از تحویل سال نو میلادی بهتر فهمید.

با به قدرت رسیدن دوباره‌ی ترامپ در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵، این احتمال وجود دارد که بخواهد با افزایش فشار،

اجلاس اضطراری و تصریح سفیر این کشور در مورد نقش جمهوری اسلامی در رساندن موشک به حوثی‌ها و آموزش آنها برای شلیک این موشک‌ها به اسرائیل و نیز تاکید بر اینکه سرنوشتی چون حماس و حزب‌الله و بشار اسد در انتظار حوثی‌ها خواهد بود، زمینه‌سازی سیاسی برای افزایش حملات نظامی بیشتر و شدیدتر از سوی اسرائیل علیه این گروه است اما همچنین مقدمه‌ای است برای حمله به رژیم ایران.

پرشش اینجاست: آیا حمله‌های شدیدتر از سوی اسرائیل به حوثی‌ها می‌تواند علی خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را زیر فشار بگذارد به نحوی که واکنش نظامی علیه اسرائیل نشان دهند؟ اگر رژیم در این دام بیفتد، اسرائیل توجیه بسیار مناسبی برای حمله مستقیم به جمهوری اسلامی خواهد داشت. در این حالت اسرائیل می‌تواند حمایت گسترده‌تر و قوی‌تری از سوی ایالات متحده آمریکا و دیگر متحدان غربی‌اش را با خود همراه کند.

اگر در صورت حمله‌های نظامی شدید اسرائیل به حوثی‌ها، خامنه‌ای و سپاه پاسداران به دام نتانیاهو نیفتاده و اقدام نظامی علیه اسرائیل انجام ندهند، باز هم اسرائیل این امکان را دارد تا با استناد به حمله پهپادی به اقامتگاه نتانیاهو در اکتبر ۲۰۲۴ که اسرائیل آن را پیامد فرمان جمهوری اسلامی به حزب‌الله معرفی کرد، به جمهوری اسلامی حمله کند.

حتی اگر احتمالاتی را که گفته شد کنار بگذاریم، با توجه به همه گزارش‌های منتشر شده در مورد قصد رژیم ایران برای ساخت بمب اتم و گفته‌های مسئولین مختلف رژیم در این مورد، هنوز اسرائیل می‌تواند این موضوع را دلیلی برای حمله به تأسیسات اتمی رژیم اعلام کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۸ آذرماه در نشست با خبرنگاران در لیسبون به احتمال

یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی:

در صورت حمله اسرائیل، بمب اتم می‌سازیم!



کلاهک موشک قاره پیمای «خرمشهر»

که مسئول دستگاه اطلاعاتی است، در اظهار نظرهای خود حداقل در آنچه که در رسانه‌ها منتشر می‌شود، مسئله نفوذ را رد کند. اما فارغ از آنکه وزیر اطلاعات در رسانه‌ها چه می‌گوید، او وظیفه دارد که دستگاه تحت مدیریت خود را به نحوی پالایش و بازسازی کند که درزهای نفوذ در آن گرفته شود.»

این نماینده در بخش دیگری از این مصاحبه به حکومت هشدار داده است که باید اولویت اول را رسیدگی به وضعیت معیشت مردم قرار دهد.

اردستانی در اینبار گفته: «اگرچه هیچگاه روند حمایت ایران از جبهه مقاومت قطع نخواهد شد، ولی ما اکنون نیاز داریم که بیشتر به فضای اقتصادی داخل کشورمان بپردازیم و ضمن اینکه برای بهبود اوضاع معیشتی مردم تلاش کنیم، جلوی اختلاس‌ها و دزدی‌ها را بگیریم تا هم اوضاع اقتصادی دولت و هم اوضاع اقتصادی دولت بهبود پیدا کند.»

این اظهارات در حالی مطرح شده که همین عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس اوایل آذرماه ۱۴۰۳ در یک مصاحبه گفته بود: «اول بمب اتم بسازیم، بعد به سمت بهبود معیشتی مردم برویم!»

اینکه احمد بخشایش اردستانی در مورد ضرورت ساخت بمب اتم صحبت کرده است، تهدید تازه‌ای نیست. پیشتر عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز تهدید کرده بود ادامه تحریم‌ها و فعال شدن «مکانیسم ماشه» ایران را به داشتن تسلیحات هسته‌ای می‌کشاند. منتها هیچکدام از مقاماتی که چنین تهدیداتی را مطرح می‌کنند، توضیح نمی‌دهند اگر تحریم و فعال شدن «مکانیسم ماشه» و حمله احتمالی به تأسیسات اتمی با هدف خنثی کردن برنامه اتمی رژیم انجام می‌شود، پس آنها با کدام برنامه و ابزار و امکانات و تجهیزات می‌خواهند برای ساختن تسلیحات هسته‌ای تلاش کنند!

● احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در یک مصاحبه تهدید کرده است که اگر اسرائیل به تأسیسات اتمی در ایران حمله کند، جمهوری اسلامی به سمت ساخت سلاح اتمی می‌رود. او توضیح نداد که اگر قرار است چنین حمله‌ای، برنامه اتمی رژیم را مختل و ناکار کند، چگونه و با کدام امکانات می‌خواهند به «سمت ساخت سلاح اتمی» بروند!

● اردستانی که بارها در مورد «ضرورت ساخت بمب اتم برای حفظ نظام» صحبت کرده است، ۹ دی‌ماه ۱۴۰۳ در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «بعید است که اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ما حمله کند و اگر چنین کاری انجام دهد، یک اشتباه محض است، زیرا عملاً مجوزی به ایران می‌دهد که بمب اتم تولید کند.»

● در بخشی از این مصاحبه بخشایش اردستانی به انتقاد از وزارت اطلاعات پرداخته و می‌گوید: «اینکه وزیر اطلاعات بعداً گفته که نفوذ نقشی نداشته، امری طبیعی است، ولی صحبت ایشان را عقلاً قبول نمی‌کنند.»

● اینکه احمد بخشایش اردستانی در مورد ضرورت ساخت بمب اتم صحبت کرده است، تهدید تازه‌ای نیست. پیشتر عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز تهدید کرده بود ادامه تحریم‌ها و فعال شدن «مکانیسم ماشه» ایران را به داشتن تسلیحات هسته‌ای می‌کشاند. ولی او هم توضیح نداد چگونه!

احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در یک مصاحبه تهدید کرده است که اگر اسرائیل به تأسیسات اتمی در ایران حمله کند، جمهوری اسلامی به سمت ساخت سلاح اتمی می‌رود. او توضیح نداد که اگر قرار است چنین حمله‌ای، برنامه اتمی رژیم را مختل و ناکار کند، چگونه و با کدام امکانات می‌خواهند به «سمت ساخت سلاح اتمی» بروند!

بخشایش اردستانی که بارها در مورد «ضرورت ساخت بمب اتم برای حفظ نظام» صحبت کرده است، ۹ دی‌ماه ۱۴۰۳ در مصاحبه با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفت: «بعید است که اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ما حمله کند و اگر چنین کاری انجام دهد، یک اشتباه محض است، زیرا عملاً مجوزی به ایران می‌دهد که بمب اتم تولید کند.»

او توضیح داد: «اگر تأسیسات هسته‌ای ما مورد حمله قرار بگیرد، ساخت بمب اتم توسط ایران، از آن به بعد به عنوان یک اقدام مشروع برای ایجاد بازدارندگی محسوب خواهد شد؛ بنابراین احتمال خیلی پایینی وجود دارد که رژیم صهیونیستی چنین حمله‌ای انجام دهد.»

در بخشی از این مصاحبه، بخشایش اردستانی به انتقاد از وزارت اطلاعات پرداخته و می‌گوید: «اینکه وزیر اطلاعات بعداً گفته که نفوذ نقشی نداشته، امری طبیعی است، ولی صحبت ایشان را عقلاً قبول نمی‌کنند. وظیفه ایشان این است که بگویند نفوذ رخ نداده که بتواند کار خود را دنبال کند، ولی این جمله ایشان را ما باور نکرده‌ایم و فکر می‌کنم خودشان هم باور نکرده باشند.»

او با اشاره به مواردی از جمله «سرقت مدارک پرونده هسته‌ای ایران» و «ترور فخری زاده و دیگران» تأکید کرد: «متأسفانه رد پای نفوذ را می‌بینیم. ولی طبیعی است فردی

حکومت بخونند- پاسداران را مجبور به سازش کند. او پیوسته گفته است «اهل معامله» است. اگر ترامپ بتواند بدون جنگ و هزینه‌های ناشی از آن، خامنه‌ای را مجبور به مذاکره و تسلیم کند، چنین گزینه‌ای را به ورود در یک درگیری نظامی با رژیم ایران ترجیح می‌دهد.

چه بسا وقتی خامنه‌ای بقای رژیم‌اش را در خطر ببیند، به مذاکره با ترامپ تن دهد. این احتمال اگرچه امری بعید به نظر می‌رسد، اما نمی‌توان آن را منتفی دانست. اگر خامنه‌ای در برابر ترامپ به سازش تن بدهد، هرچند خفت‌بار، اما از این طریق می‌تواند ساقط شدن رژیم را به عقب بیاورد. در صورت وقوع این احتمال، دست نتانیاهو برای حمله به تأسیسات اتمی رژیم ایران و همراه کردن ترامپ با خود بسته خواهد شد زیرا ترامپ خواهد گفت وقتی من می‌توانم از طریق مذاکره مسئله را حل کنم، چرا از طریق حمله نظامی؟

گزینه مطلوب نتانیاهو و رهبری اسرائیل

اما... اگر قبل از شروع دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، نتانیاهو موفق شود با بهانه قراردادن حوثی‌ها یا به هر دلیل دیگر به جمهوری اسلامی حمله کند، در این حالت ترامپ را در مقابل عمل انجام شده قرار داده و او را ناگزیر می‌کند با شروع دور جدید ریاست جمهوری‌اش، با او همراهی کند. ترامپ بعد از پایان دور اول ریاست جمهوری‌اش پیوسته می‌گفت او تنها رئیس جمهوری در چند دهه گذشته است که جنگی را آغاز نکرده است.

اگر قبل از شروع ریاست جمهوری ترامپ، اسرائیل به جمهوری اسلامی حمله کند، ترامپ می‌تواند بگوید شروع جنگ در زمان او نبوده است. در این حالت، ترامپ کمتر مورد حمله قرار گرفته و مخالفین‌اش نمی‌توانند او را متهم کنند که وعده‌هایش را زیر پا گذاشته است.

نظر به همسویی سیاسی و دوستی و صمیمیتی که بین نتانیاهو و ترامپ وجود دارد، چه بسا این دو، در گفتگوهای خصوصی، این احتمال را بررسی کرده باشند. رهبران اسرائیل بازی دادن‌ها و فریبکاری‌های رژیم ایران را خوب می‌شناسند و با وجود اهمیت رابطه با ایالات متحده و هر رئیس جمهوری که سر کار باشد، منتظر نخواهند ماند تا سرنوشت اسرائیل را خامنه‌ای و پاسدارانش تعیین کنند. نتانیاهو و رهبری کنونی اسرائیل- چه در قدرت یا در اپوزیسیون- نشان داده‌اند که عزم آنها در ناکار گذاشتن برنامه اتمی جمهوری اسلامی قطعی است و نباید در آن تردید کرد.

نفتالی بنت نخست‌وزیر پیشین اسرائیل ۱۰ مهرماه گذشته و پس از حمله موشکی رژیم ایران به اسرائیل با انتشار پستی در رسانه اجتماعی ایکس، این اقدام را «بزرگترین فرصت ۵۰ سال اخیر برای تغییر چهره خاورمیانه» دانست و نوشت: «رهبری [رژیم] ایران... عصر امروز اشتباه فاحشی مرتکب شد... ما باید همین اکنون برای نابودی برنامه هسته‌ای ایران، تأسیسات انرژی و فلج مرگبار این رژیم تروریستی اقدام کنیم. ما باید این تهدید وحشتناک را برای آینده فرزندانمان برطرف کنیم و به مردم ایران فرصتی بدهیم تا قیام کنند و رژیمی را که زنان و دخترانش را به بند می‌کشد، از پا درآورند.»

او با استفاده از واژه «اختاپوس» برای توصیف جمهوری اسلامی نوشت: «بازوان اختاپوس اکنون بطور موقت از کار افتاده‌اند و در حالی که آیت‌الله‌ها به سلامت در کاخ‌های خود در تهران نشسته‌اند باید سر اختاپوس ترور را قطع کرد چرا که ما هم توانش را داریم هم توجیه‌اش را داریم و هم ابزارهای لازم را برای این کار در اختیار داریم.»

ترس خامنه‌ای از سقوط و فرمان «لگد مال کردن» و «انتقام سخت» از مردم

● خامنه‌ای با انتساب اعتراضات مردم به «آمریکا» و تاکید بر اینکه «هر کسی که مزدوری آمریکا را قبول کند، زیر گام‌ها لگدمال خواهد شد»، تلاش کرد تا به مردم ناراضی و خشمگین ایران بفهماند که قصد کوتاه آمدن و عقب‌نشینی ندارد و اوضاع همین است که هست! او با تاکید بر «لگدمال» کردن معترضین، به مردم پیام داد که با هرگونه اعتراض با سخت‌ترین شکل برخورد کرده و به نیروهایش نیز چراغ سبز نشان داد که دست باز دارند برای جلوگیری از «سقوط»، با حداکثر خشونت با اعتراضات برخورد کنند. خامنه‌ای در عجز و درماندگی از «انتقام سخت» از اسرائیل، به انتقام سخت از مردم ایران روی آورده است. او با فرمان «لگد مال کردن» مردم معترض، به نیروهای وفادارش پیام می‌دهد با این توهم که گویا نه با مردم بلکه در جنگ با آمریکا و اسرائیل هستند، با سرکوب و کشتار مردم معترض ایران، خود را تسکین دهند.

حنیف حیدرئزاد- روز یکشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۳ علی خامنه‌ای رهبر نظام اسلامی حاکم بر ایران در دیدار با مداحان حکومتی، سخنرانی کرد. این سخنرانی سه محور مهم داشت.

اول: در ارتباط با سیاست خارجی

از زمان سقوط حکومت بشار اسد، این سومین سخنرانی خامنه‌ای است و تا آنجا که به سیاست خارجی برمی‌گردد، خامنه‌ای نشان داد که به دنبال دخالت در امور داخلی سوریه و ایجاد ناامنی در این کشور است. او در این سخنرانی همچون دو سخنرانی پیشین، بر اینکه «جوانان غیور سوریه» ساکت نخواهند نشست و سوریه را آزاد خواهند کرد، تاکید کرد.

کسانی که خامنه‌ای آنان را «جوانان غیور سوریه» می‌نامند، همان نیروهائی هستند که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آموزش دیده و طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، یعنی در اوج سرکوب داخلی، در کشتار هزاران نفر از مخالفین بشار اسد و مردم غیرنظامی و آواره شدن حدود ۱۳ میلیون نفر از مردم این کشور مشارکت داشته‌اند. خامنه‌ای در این خیال است که با سرمایه‌گذاری روی این نیروی شکست‌خورده، یک نیروی نیابتی جدید در سوریه درست کند. او فکر می‌کند می‌تواند با ایجاد ناامنی در این کشور مانع از ایجاد ثبات و امنیت شده و اهداف پلید خود را با ترور و کشتار پیش ببرد. همچنین می‌توان تصور کرد که خامنه‌ای آماده است تا با حمایت از باقیمانده‌ی القاعده و دیگر نیروهای جهادی در سوریه، به آنها در مقابل حاکمان جدید سوریه کمک مالی و تجهیزاتی برساند.

اما به دلیل اینکه خامنه‌ای به لحاظ مالی در تنگنای شدید قرار دارد، نمی‌تواند به راحتی هدف خود برای ایجاد یک نیروی نیابتی قوی در سوریه عملی کند. در این مورد یک مشکل مهم او این است که ترکیه، عربستان، قطر، امارت متحده و دیگر کشورهای عربی از حاکمان جدید سوریه حمایت کرده و آماده‌اند تا برای بازسازی سوریه در این کشور سرمایه‌گذاری کنند. بر این اساس هرگونه اقدام خامنه‌ای برای ایجاد ناامنی در سوریه به معنی درگیر شدن با این کشورها خواهد بود.

دوم: ترس از ناآرامی‌های جدید و اعتراضات مردم ایران
خامنه‌ای در سخنرانی اش به روشی که مخصوص اوست،



چندین بار ترس و نگرانی‌اش را از شکل گرفتن ناآرامی‌ها و اعتراضات مردمی در کشور بیان کرد. او سرپوشیده نگرانی‌اش را از اینکه این ناآرامی‌ها می‌تواند پتانسیل سقوط رژیم را داشته باشد نشان داد. او به یک مقام ناشناخته ایالات متحده آمریکا اشاره کرد که گویا گفته است، آمریکا آماده است از هر نیروئی که در ایران «اغتشاش کند، کمک و حمایت» کند. خامنه‌ای با این گفته‌ها، همچون همیشه اعتراضات داخلی را به «دشمن خارجی» وصل می‌کند. با این حال می‌توان به خوبی ترس او از اعتراضات مردم را که او آن را «اغتشاشات» می‌نامد، حس کرد. او با همان زبان مخصوص و توجیهاش خودش گفت: «برنامه آمریکا و اسرائیل در منطقه و از جمله در رابطه با ایران آن است که با مسلط کردن یک حکومت فردی مستبد سازشگر با سلطه، یا از طریق ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در آن کشور [به گمان او مانند آنچه در سوریه انجام شد] اهداف خود را پیش ببرند.» او بعد از این زمینه‌چینی گفت: «آمریکا، رژیم صهیونیستی و همراهان آنها با احساس پیروزی [پس از سقوط بشار اسد]، همچون اصحاب شیطان دچار گرافه‌گویی و حرف مفت زدن شده‌اند» و سپس اضافه کرد: «احمق‌ها گویا بوی کباب شنیده‌اند اما ملت ایران هر کسی که مزدوری آمریکا را در این زمینه قبول کند، زیر گام‌های خود لگدمال خواهد کرد.»

اشاره خامنه‌ای به نمونه بشار اسد و کنار هم قرار دادن «ایجاد اغتشاش و هرج و مرج در داخل کشور با زمینه‌سازی برای سقوط»، نشان ترس خامنه‌ای از آینده‌ای است که او در چشم‌انداز نزدیک برای خود و رژیم می‌بیند. اگر این ترس جدی نبود، لازم نبود تا او به چنین جمله‌پردازی‌هایی متوسل شود

سوم: ترس از ریزش نیروها

خامنه‌ای در سخنرانی‌اش، مداحی را «یک رسانه تمام‌عیار و یک هنر ترکیبی» دانست که وظیفه‌اش «در شکل و محتوا، لفظ و معنا، شعر و آهنگ و صدا، مدیریت جمعیت و چهره به چهره شدن با مردم، تبیین مسائل روز است.»
درواقع خامنه‌ای هدف مداحان را توجیه سیاست‌های نظام (خودش) تعریف و یادآوری می‌کند تا از طریق تهییج احساسات و بازی با روان شنونده‌ها، با «شبه‌افکنی و ضدایرانی او خواهد بود.

تحریر حقایق» از سوی «دشمن» مقابله کنند. خامنه‌ای با تاکید بر مقابله مداحان با «هراس‌افکنی، اختلاف‌افکنی و یأس‌آفرینی»، نشان داد که نیروهایش دچار هراس و تردید شده و خطر ریزش نیروها جدی است. از همین رو از مداحان می‌خواهد تا با این خطر مقابله کرده و «شجاعت و آگاهی و ایستادگی» را تبلیغ کنند.

خامنه‌ای عادت دارد که گنده‌گوئی کند و خودش را قوی نشان دهد. عادت دارد تا نشان دهد که اهل تسلیم و عقب‌نشینی نیست و عمد دارد واژه شکست را نیز به دهان نیاورد. با اینهمه به زبان خاص خودش بر ضعف و درماندگی و به یأس و هراس نیروهایش و ایجاد اختلاف بین آنها اشاره می‌کند.

خامنه‌ای با انتساب اعتراضات مردم به «آمریکا» و تاکید بر اینکه «هر کسی که مزدوری آمریکا را قبول کند، زیر گام‌ها لگدمال خواهد شد»، تلاش کرد تا به مردم ناراضی و خشمگین ایران بفهماند که قصد کوتاه آمدن و عقب‌نشینی ندارد و اوضاع همین است که هست! او با تاکید بر «لگدمال» کردن معترضین، به مردم پیام داد که با هرگونه اعتراض با سخت‌ترین شکل برخورد کرده و به نیروهایش نیز چراغ سبز نشان داد که دست باز دارند برای جلوگیری از «سقوط»، با حداکثر خشونت با اعتراضات برخورد کنند.

سخنرانی خامنه‌ای و پیام‌های مستتر در گفته‌های او نشان از آن دارد که او تا کجا از «یأس»، بی‌انگیزگی و ریزش نیروهایش در هراس است. او در ترس از چنین سرنوشتی است که تلاش می‌کند با بزرگتر شدن شکاف و «اختلافات» در بدنه نیروهایش جلوگیری کرده و همزمان تلاش می‌کند تا با ایجاد ترس در دل مردم معترض، از وقوع اعتراضات بزرگ خیابانی و «سقوط» رژیم پیشگیری کند.

خامنه‌ای در عجز و درماندگی از «انتقام سخت» از اسرائیل، به انتقام سخت از مردم ایران روی آورده است. او با فرمان «لگد مال کردن» مردم معترض، به نیروهای وفادارش پیام می‌دهد با این توهم که گویا نه با مردم بلکه در جنگ با آمریکا و اسرائیل هستند، با سرکوب و کشتار مردم معترض ایران، خود را تسکین دهند. غافل از آنکه، آنکس که در زیر چرخ خشم و اراده مردم نابود خواهد شد، رژیم ضد بشری و ضدایرانی او خواهد بود.

افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر طی شش سال



● وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر در ایران در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۱ خبر داده است.

● به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، و البته با توجه به آمارهای تورم و کاهش قدرت خانوارها در ایران، شمار خانوارهای مستأجر فقیر از سال ۱۴۰۱ تا کنون با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

وزارت تعاون در گزارشی اعلام کرده که در بازه زمانی شش ساله منتهی به سال ۱۴۰۱ تعداد خانوارهای مستأجری که درگیر فقر بوده‌اند در کشور رشد ۴۸ درصدی داشتند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارشی با عنوان «رفع فقر مسکن در کشور» که چهارم دی‌ماه در وبسایت این وزارتخانه منتشر شده از افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر در ایران در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۱ خبر داده است. بر اساس این گزارش در سال ۱۴۰۱ بیش از یک میلیون خانوار مستأجر درگیر فقر در مناطق شهری درآمدی کمتر از خط فقر داشتند و ۲۳۲ هزار خانوار با اضافه شدن هزینه تأمین مسکن استیجاری به سبد هزینه آنها درگیر فقر شدند. در روستاها گروه اول معادل ۷۵ هزار خانوار و گروه دوم معادل ۳۱ هزار خانوار بودند.

این گزارش افزوده که فقر مستأجران بیشتر پدیده‌ای شهری است و محرومیت مسکونی که با ویژگی‌های کالبدی مسکن تعریف می‌شود، چهره‌ای روستایی دارد.

همچنین وضعیت محرومیت مسکن در استان‌های مختلف متفاوت است. برای مثال در استان‌هایی مثل البرز و قم، ۱۰۰ درصد مستأجران فقیر به دلیل درآمد ناکافی دچار فقرند و در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نرخ فقر ناشی از هزینه‌های تأمین مسکن استیجاری و تورم بخش اجاره‌بها بالا است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تأکید کرده با وجود اسکان بیشترین تعداد خانوار مستأجر درگیر فقر در استان تهران، نرخ محرومیت مسکونی در این استان پایین و تنها ۵ درصد و این نرخ در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان نزدیک به ۶۰ درصد است. این گزارش وضعیت مستأجران را تا پایان سال ۱۴۰۱ مورد بررسی قرار داده و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، و البته با توجه به آمارهای تورم و کاهش قدرت خانوارها در ایران، شمار خانوارهای مستأجر فقیر از سال ۱۴۰۱ تا کنون با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای حکومتی در رابطه با تورم بازار اجاره‌بها دقیق نیست؛ در حالی‌که آمارهای دولت از تورم حدود ۵۰ درصد در بازار اجاره‌بها حکایت دارد، گزارش فعالان صنفی نشان می‌دهد تورم قیمت خانه‌های اجاره‌ای در برخی مناطق کشور تا ۱۰۰ درصد بوده است.

ایمان زنگنه کارشناس اقتصادی با اشاره به بحران مستأجران برای داشتن سرپناه و انتظار طولانی خانوارها برای خرید مسکن گفته «برای کاهش فشارهای تورمی بر مردم، می‌توان با اقداماتی مانند واگذاری زمین و افزایش خودمالکیتی چالش امروز مسکن را به درستی حل کرد. پس با حذف هزینه‌های اضافی و غیر ضروری، بار هزینه‌ای دولت هم کاهش پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان با افزایش تیراژ مسکن، به صورت زنجیره‌وار بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور را حل کرد.»

او با اشاره به آمارهای مرکز آمار ایران گفته «بیشترین سهم از درآمد خانوارها برای پرداخت اجاره هزینه می‌شود. اجاره

مسکن بین ۴۰ الی ۷۰ درصد درآمد خانوار را به خود اختصاص داده است. دولت برای کنترل این شرایط سال‌هاست به صورت آشکار و پنهان یارانه پرداخت می‌کند و حقوق‌ها را افزایش می‌دهد. همین اقدام خود عامل افزایش تورم است و دولت در یک دور باطل اقتصادی قرار گرفته است. این کارشناس مسکن معتقد است «هر کاری که با آن بتوان باری از دوش دولت برداشت و هزینه‌های دولت را کم کرد، باید انجام شود. به همین منظور هم تأکید بر ساخت مسکن از سوی سرمایه‌گذار و بخش خصوصی وجود دارد.»

وبسایت «اقتصاد آنلاین» نیز گزارش داده که سهم هزینه مسکن از کل سبد هزینه خانوار از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۴۲/۴ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است.

به گزارش «اقتصاد آنلاین» خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۰ بطور میانگین ۸۹۲ هزار تومان برای مسکن هزینه کردند و این هزینه با رشد ۹۷۱۵ درصدی به ۸۷ میلیون و ۵۵۸ تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده است. در این گزارش آمده است کارگران ساده متأهل بطور متوسط حدود ۷۰ میلیون تومان برای مسکن خود در سال گذشته هزینه کرده‌اند و آمارها نشان می‌دهد که مقامات عالی رتبه و مدیران ۳ برابر گروه شغلی کارگران ساده برای مسکن خود هزینه کرده‌اند. پروژه‌های ساخت مسکن ارزان‌قیمت از حدود دو دهه پیش با پروژه «مسکن مهر» در دولت محمود احمدی‌نژاد آغاز شد و در دولت ابراهیمی رئیسی با پروژه «نهضت ملی مسکن» ادامه پیدا کرد. بر اساس این طرح‌ها قرار بود دولت زمین رایگان در اختیار انبوه‌سازان قرار دهد تا شهرک‌سازی آپارتمانی با قیمت مناسب انجام شود. این پروژه‌ها اما به اهداف خود دست نیافت.

در پروژه «مسکن مهر» اکثر شهرک‌های ساخته شده از زیرساخت‌های مناسب برخوردار نبودند. شهرام ملکی مدیرعامل شرکت عمران شهرهای جدید آبان‌ماه امسال اعلام کرد در دولت گذشته واحدهایی که آماده نبود و تکمیل نبود و آب، برق و فاضلاب نداشت را افتتاح کردند.

همچنین بر اساس طرح «نهضت ملی مسکن» باید سالانه یک میلیون واحد مسکونی در دولت ابراهیم رئیسی ساخته می‌شد اما گزارش‌ها حاکی از آنست که تنها ۲۰ هزار واحد مسکونی به مرحله کارهای پایانی رسیده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز پاییز امسال در گزارشی از پرداخت نشدن وام‌های پروژه‌های مسکن به متقاضیان خبر داده و نوشته بود که آمارهای رسمی که از سوی سیستم بانکی و دولت درباره «مسکن ملی» اعلام شده است، نشان می‌دهد که جای بانک‌ها و مردم در این طرح کاملاً عوض (وارونه) شده است. این گزارش افزوده بود که به شکل طبیعی و کاملاً قابل انتظار، تسهیلات ساخت مسکن باید حداقل ۷۰ درصد از «هزینه ساخت و تأمین مسکن» به ویژه در طرح‌های حمایتی را پوشش دهد. این اتفاق در مسکن مهر افتاد به این معنا که پیش خریداران مسکن مهر در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، با پرداخت ۱۰ میلیون تومان آورده نقدی در آن مقطع، به پشتوانه ۲۵ میلیون تومان تسهیلات بانکی، توانستند صاحب آن خانه‌ها شوند. اما در «مسکن ملی»، نقش بانک و پیش خریدار، برعکس شده است. در واقع بانک‌ها نتوانسته یا نخواستند که ۷۰ درصد هزینه ساخت مسکن ملی را تأمین کنند.

بر اساس آمارهای رسمی، بانک‌ها تا کنون ۱۶۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات به پروژه‌های مسکن ملی پرداخت کرده‌اند. اما مردم یعنی حدود ۸۰۰ هزار خانوار ثبت‌نام‌کننده در طرح، ۳۰۰ همت «آورده نقدی» پرداخت کرده‌اند. این یعنی، «سهم ناچیز تسهیلات بانکی» در طرحی که دولت قول داده است «کلید مسکن را با قیمت پایین (ارزان) به خانه دارها تحویل می‌دهد». گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم تأکید کرده که «این سیاست‌ها طیف متنوعی را از پروژه‌های پرهزینه‌ای چون طرح مسکن مهر یا احداث شهرهای جدید تا طرح‌هایی چون تعیین سقف اجاره‌بها و اعطای وام ودیعه مسکن در سال‌های اخیر در برمی‌گیرند. با این حال نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ یک از این طرح‌ها نتوانسته‌اند مشکل فقر مسکن در کشور را رفع کنند.» تورم فزاینده بازار مسکن، درآمدهای ناچیز و کاهش قدرت خرید خانوار در کنار برنامه‌های بی‌نتیجه دولت در حوزه مسکن‌سازی سبب شده انتظار برای خرید خانه در میان اقشار کم‌درآمد به ۲۵۰ سال افزایش یابد؛ این انتظار به معنای اینست که در ایران خانوارهای حقوق‌بگیر و کم‌درآمد در صورت نداشتن پشتوانه‌های قوی مالی هیچ‌گاه نخواهند توانست خانه‌ای ولو کوچک خریداری کنند!

ایتالیا در جستجوی راهی برای مبادله قاچاقچی اسلحه با روزنامه‌نگار



چچیلیا سالا / عکس از رسانه‌های اجتماعی

روزنامه‌نگار هستند. جمهوری اسلامی که از بدو تشکیل از به گروگان گرفتن شهروندان خارجی و دوتابعیتی چه در ایران و مدتی نیز در لبنان، به عنوان ابزاری برای فشار استفاده کرده است، در این رابطه حاضر به عقب‌نشینی نیست و تنها در صورتی این شهروندان را که تنها گناه‌شان شاید ساده‌لوحی باشد آزاد کرده و به آغوش خانواده‌شان باز می‌گرداند که به هدف خود از گروگانگیری دست یافته باشد.

پائولا آمادی سفیر ایتالیا در جمهوری اسلامی که برای گذراندن تعطیلات کریسمس در رم بسر می‌برد و بلافاصله پس از بازداشت چچیلیا سالا به تهران بازگشت، می‌گوید در ملاقات حضوری با این خبرنگار مجبور شد به زبان انگلیسی و در حضور ماموران امنیتی با او گفتگو کند. مسئولان زندان اوین که چچیلیا سالا را در سلولی انفرادی نگهداری می‌کنند، برخی وسایل بهداشتی چون ماسک چشم را نیز توقیف کردند. چچیلیا سالا از سفیر خواسته بود که با توجه به اینکه در سلول او چراغ مهتابی در ۲۴ ساعت شبانه‌روز روشن است برای او ماسک چشم بفرستند تا بتواند بخوابد. این نور مهتابی ۲۴ ساعته، به گفته‌ی برخی از زندانیان سیاسی سابق اوین، شکلی از شکنجه روانی علیه زندانیان به ویژه در سلول‌های انفرادی و قبل از برگزاری دادگاه و تفهیم اتهام است.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی هنوز هیچگونه اتهام مشخصی به این روزنامه‌نگار وارد نکرده و مامورین امنیتی به وکیل‌ی که سفارت ایتالیا برای این پرونده تعیین کرده، و البته هنوز نتوانسته با چچیلیا سالا ملاقات کند، گفته‌اند جرم او «فعالیت‌های غیرقانونی» است. این اتهام در حالی به این روزنامه‌نگار وارد شده است که او با ویزای خبرنگاری به ایران سفر کرده و وزارت ارشاد اسلامی در جریان تمامی دیدارهایش قرار داشته و چچیلیا سالا هیچ ملاقاتی که مقامات جمهوری اسلامی از قبل از آن مطلع نباشند انجام نداده است. گزارش‌هایی هم که در طول این سفر یک هفته‌ای این روزنامه‌نگار منتشر کرده بود نیز هیچکدام حاوی اخبار یا مطالبی که مصداق «فعالیت غیرقانونی» باشند نیستند.

می‌شود باید طبق قوانین ایتالیا نیز جرم محسوب شوند و مجازات آنها نیز در مغایرت با قوانین این کشور نباشد. به عنوان مثال ایتالیا هیچ مجرمی را که مجازات او در کشوری که تقاضای استرداد کرده است اعدام باشد هرگز تحویل آن کشور نخواهد داد.

آلفردو دفرانچسکو وکیل تسخیری محمد عابدینی نجف‌آبادی اعلام کرده است که موکل او با استردادش به ایالات متحده مخالف کرده و بنابراین این قضات ایتالیایی هستند که باید در این مورد تصمیم بگیرند. در انتظار دریافت مدارکی که اثبات کنند محمد عابدینی نجف‌آبادی نقش مستقیم و تعیین‌کننده در حملات پهلپادی به پایگاه آمریکائی در اردن داشته است، دادستانی میلان فعلا پرونده‌ای در رابطه با روند دستگیری این فرد آغاز کرده است.

تحقیق در مورد چگونگی اجرای حکم بین‌المللی بازداشت مدیرعامل شرکت «صنعت دانش پویان افلاک» می‌تواند راهی برای آزادی موقت او از زندان باشد. سال گذشته نیز یک روس که آمریکا خواهان استرداد او بود به همین روش بطور موقت از سوی دستگاه قضائی ایتالیا از زندان آزاد و به بازداشت خانگی فرستاده شد. این تصمیم فرصتی برای این فرد به وجود آورد که از ایتالیا فرار کند و به روسیه بازگردد، در حالی که دادگاه عالی حکم استرداد او به آمریکا را صادر کرده بود.

چنین روشی می‌تواند در مورد محمد عابدینی نجف‌آبادی هم اجرا شود و در مدت زمان اندکی پرونده گروگانگیری چچیلیا سالا از سوی جمهوری اسلامی با بازگشت این روزنامه‌نگار به ایتالیا مختومه اعلام گردد. در اینصورت آمریکا نیز با محاکمه و محکوم کردن مهدی محمدصادقی، دیگر متهم این پرونده که اولین جلسه دادگاه وی جمعه گذشته در بوستون برگزار شد، می‌تواند به نوعی پرونده حمله پهلپادی به پایگاه‌اش در اردن را مختومه اعلام کند.

در حقیقت مذاکرات برای آزادی چچیلیا سالا در این روزها بین دولت‌های ایتالیا و جمهوری اسلامی نیست، بلکه رم و واشنگتن در حال مذاکره جهت یافتن راهی برای آزادی این

● **لحن آنتونیو تابانی وزیر خارجه ایتالیا از خوشبینی روزهای گذشته به بدبینی تبدیل شده و امروز از «بیچیدگی» صحبت می‌کند. چنانکه یک دیپلمات ایتالیایی به کیهان لندن گفته بود، «بیچیدگی» پرونده گروگانگیری چچیلیا سالا ناشی از نقش آمریکا در بازداشت محمد عابدینی نجف‌آبادی است.**

احمد رأفت - نگرانی‌ها در ایتالیا نسبت به وضعیت چچیلیا سالا روزنامه‌نگار ۲۹ ساله ایتالیایی که ۲۹ آذر چند ساعت قبل از ترک ایران بازداشت شد در این ساعات افزایش پیدا کرده‌اند. لحن صحبت‌های آنتونیو تابانی وزیر خارجه ایتالیا از خوشبینی روزهای گذشته به بدبینی تبدیل شده و امروز از «بیچیدگی» این پرونده صحبت می‌کند.

چنانکه پیشتر یک دیپلمات ایتالیایی به کیهان لندن گفته، این «بیچیدگی» ناشی از نقش آمریکا در بازداشت محمد عابدینی نجف‌آبادی است. از نظر دولت و قوه قضائیه ایتالیا، مدیرعامل شرکت «صنعت دانش پویان افلاک» هیچگونه جرمی مرتکب نشده است. ایتالیا مانند دیگر کشورهای اتحادیه اروپا نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی ثبت نکرده و همکاری با این نهاد جرم به تنهایی جرم به حساب نمی‌آید.

دادگستری آمریکا که محمد عابدینی نجف‌آبادی را متهم به مشارکت در حمله پهلپادی ژانویه ۲۰۲۴ به پایگاهی در اردن می‌کند که منجر به کشته شدن ۳ نظامی آمریکائی و زخمی شدن ۴۳ نفر دیگر شد، باید در اسرع وقت مدارک قضائی برای اثبات اتهامات خود را به قوه قضائیه ایتالیا ارسال دارد و قضات دادگاه عالی ایتالیا ۴۵ روز فرصت خواهند داشت که پس از بررسی این مدارک در رابطه با استرداد این فرد تصمیم بگیرند. در هر صورت پس از رای دستگاه قضائی، طبق قوانین جاری ایتالیا، وزارت دادگستری باید در عرض ۳ روز تصمیم نهائی را اتخاذ کند. طبق قوانین ایتالیا در رابطه با استرداد مجرمین، اتهاماتی که به فرد بازداشت‌شده وارد

روزنامه‌نگار ایتالیائی، گروگان جدید جمهوری اسلامی



چچیلیا سالا / عکس از رسانه‌های اجتماعی

وزارت خارجه ایتالیا با کیهان لندن گفتگو کرده است می‌گوید «ما مشکلی در مبادله عابدینی با خبرنگارمان نداریم، ولی نمی‌توانیم بدون موافقت مقامات آمریکائی چنین تصمیمی بگیریم زیرا ما این فرد را به درخواست ایالات متحده بازداشت کردیم. کلید آزادی چچیلیا سالا عملاً در دست آمریکا است.»

خانواده چچیلیا سالا که تا کنون موفق شده است دو بار از زمان انتقال این خبرنگار به زندان اوین با او گفتگوی تلفنی داشته باشد، به دعوت وزارت خارجه ایتالیا سکوت اختیار کرده‌اند و حاضر به گفتگو با رسانه‌ها نیستند. یکی از دوستان این روزنامه‌نگار به کیهان لندن می‌گوید: «چچیلیا به مادرش گفته حالش خوب است، با او تا کنون بدرفتاری نکرده‌اند ولی در خاتمه گریان اضافه کرده است عجله کنید مرا به ایتالیا بازگردانید.»

پائولا آمادی سفیر ایتالیا در تهران نیز که توانسته است در اوین با چچیلیا سالا دیداری داشته باشد، به خواست وزارت خارجه کشورش سکوت اختیار کرده و می‌گوید هرگونه اظهار نظری در این رابطه می‌تواند «روند آزادی این روزنامه‌نگار را طولانی‌تر کند.»

آنچه مسلم است این روزنامه‌نگار ایتالیائی در جریان این سفر هیچ گزارشی که بتواند دلیلی برای بازداشت او باشد تهیه نکرده است و در گزارش‌های خود حتی دولت مسعود پزشکیان را نیز مثبت ارزیابی کرده است. رسماً این روزنامه‌نگار ۲۸ ساله ایتالیائی که قبلاً هم به ایران سفر کرده بود و سابقه تهیه گزارش هم در کشورهای غیرموتراکبیک و هم درگیر جنگ چون اوکراین دارد، هنوز به جرمی از سوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی متهم نشده است. مقامات جمهوری اسلامی قبل از متهم ساختن چچیلیا سالا به اتهامات واهی و غیرواقعی چون «جاسوسی»، «حمایت از اغتشاشگران» و یا «تشویق به نافرمانی»، در انتظار نتایج اولیه مذاکرات مستقیم با دولت ایتالیا و گفتگوهای غیرمستقیم با ایالات متحده آمریکا هستند.

این دو فرد متهم به تهیه قطعاتی برای پهپادهائی هستند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آنها برای حمله به پایگاه آمریکائی «تاو ۲۲» در اردن استفاده کرده است. در این حمله که ۲۸ ژانویه ۲۰۲۴ صورت گرفت، سه نظامی آمریکائی جان خود را از دست دادند و ۴۷ نفر دیگر نیز زخمی شدند. اولین جلسه دادگاه محمدمهدی صادقی ۷ دی در شهر بوستون برگزار شد. محمدمهدی صادقی ۲۶ آذر بازداشت شده بود.

همزمان به درخواست دولت آمریکا در شهر میلان ایتالیا نیز محمد عابدینی نجف‌آبادی در فرودگاه مالپنسا این شهر به محض ورود با پروازی از استانبول بازداشت و بلافاصله به زندان بوستون آرسیزو منتقل شد. دادگستری ایتالیا از زمان بازداشت ۴۵ روز فرصت دارد تا در رابطه با تقاضای استرداد محمد عابدینی نجف‌آبادی به آمریکا تصمیم‌گیری کند. محمد عابدینی نجف‌آبادی مدیر شرکتهی در سوئیس به نام Illumove SA است که پوششی برای فعالیت‌های تجاری «صنعت دانش پویان افلاک» است. نهادهی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در زمینه ساختن پهپاد فعال است.

پلیس ایتالیا در بازرسی از چمدان محمد عابدینی نجف‌آبادی نمونه‌هائی از قطعات الکترونیک استفاده شده از پهپادهای سپاه پاسداران را پیدا کرده که به عنوان مدرک قرار است در دادگاهی که برای تصمیم‌گیری در مورد استرداد او برگزار خواهد شد ارائه شوند. دادگاهی که با بازداشت غیرقانونی چچیلیا سالا، در وضعیت دشواری قرار گرفته است. یکی از منابع وزارت خارجه ایتالیا به کیهان لندن می‌گوید، جمهوری اسلامی «آزادی این روزنامه‌نگار را مشروط به عدم استرداد محمد عابدینی نجف‌آبادی به آمریکا و آزادی این فرد کرده است.»

وزارت خارجه ایتالیا در این ساعات سرگرم ریزینی با مقامات آمریکائی در واشنگتن و از سوی دیگر با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران است. منبعی که در

● مذاکرات برای آزادی چچیلیا سالا روزنامه‌نگار ایتالیائی که ۲۹ آذر ساعاتی قبل از ترک ایران توسط سپاه پاسداران دستگیر شد، ۲۴ ساعت قبل از بازداشت او آغاز شده بودند!

● یک روز قبل از بازداشت این روزنامه‌نگار، کاردار سفارت سوئیس، حافظ منافع آمریکا، و دبیر اول سفارت ایتالیا در تهران به وزارت خارجه احضار شده بودند تا یادداشت اعتراضی برای بازداشت محمد عابدینی نجف‌آبادی در میلان و بازداشت محمدمهدی صادقی در ایالت ماساچوست آمریکا را دریافت کنند.

● آمریکا محمد عابدینی نجف‌آبادی و محمدمهدی صادقی را متهم به تهیه قطعات پهپادهائی کرده است که در حمله به یک پایگاه آمریکائی مورد استفاده قرار گرفتند. در این حمله سه نظامی آمریکائی جان خود را از دست دادند و ۴۷ نفر دیگر نیز زخمی شدند.

● یکی از منابع وزارت خارجه ایتالیا به کیهان لندن می‌گوید، جمهوری اسلامی «آزادی این روزنامه‌نگار را مشروط به عدم استرداد محمد عابدینی نجف‌آبادی به آمریکا و آزادی این فرد کرده است.»

احمد رأفت - مذاکرات برای آزادی چچیلیا سالا، روزنامه‌نگار ایتالیائی که ۲۹ آذر ساعاتی قبل از ترک ایران و بازگشت به ایتالیا توسط سپاه پاسداران بازداشت و بلافاصله به زندان اوین منتقل شد، ۲۴ ساعت قبل از دستگیری او آغاز شده بود! این مذاکرات هنوز ادامه دارند.

یک روز قبل از بازداشت این روزنامه‌نگار، کاردار سفارت سوئیس، که حافظ منافع آمریکا در جمهوری اسلامی است و دبیر اول سفارت ایتالیا در تهران به وزارت خارجه احضار شده بودند. دلیل احضار این دو دیپلمات اعتراض رسمی و کتبی به بازداشت محمد عابدینی نجف‌آبادی در فرودگاه میلان و بازداشت محمدمهدی صادقی در ایالت ماساچوست آمریکا بود.

دولت پزشکیان به دنبال «فدرالیسم معکوس» خاخی؛ طرحی خطرناک برای ضربه‌ای بزرگتر به ایران



پزشکیان دست به سینه در برابر اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در یازدهمین نشست «دی‌۸» (سازمان همکاری‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه) که ۱۹ دسامبر ۲۰۲۴ در قاهره برگزار شد

که احتمالاً پس از ایجاد ساختار اداری مستقل، استقلال اقتصادی و نظامی نیز پیدا می‌کنند، برای ایران امروز بیش از آنکه راهکار باشد، تهدیدی علیه ملت و یکپارچگی ملی است. به ویژه آنکه با وجود گروه‌های جدایی‌طلب که برخی از آنها نیز مسلح هستند و در گروه‌های تروریستی قرار دارند، شعار و تبلیغ برای اجرای نظام فدرال آنهم توسط حکومتی مانند جمهوری اسلامی به گسست ملی منجر می‌شود چرا که سبب رخنه این گروه‌ها در ساختار قدرت در استان‌ها و تحمیل سیاست‌های خود به حکومت مرکزی می‌شود و زمینه را، چنانکه سنت و روش چنین جریاناتی است، برای اقدامات تروریستی، درگیری‌های مسلحانه و جنگ داخلی نیز فراهم می‌کند.

این در حالیست که اجرای این طرح که به نظر می‌رسد هدف اصلی آن متوجه استان‌های مرزی ایران است، اقتصاد مناطق مرزی را در نبود اقتصاد پویای داخلی به کشورهای همسایه این استان‌ها وابسته می‌کند و بسترساز ایجاد مافیاهای اقتصادی مرتبط با کشورهای همسایه خواهد شد. ایجاد نظام اقتصادی مستقل استانی نیز با وجود ساختار فاسد جمهوری اسلامی به کانالی برای توسعه فساد بیشتر حکومتی تبدیل می‌شود؛ جمهوری اسلامی با نشان دادن مهره‌های «خودی» در صدر حوزه تصمیم‌گیری و اجرایی استان‌ها، امکان اقدامات فاسد را با ایجاد مافیاهای اقتصادی مرتبط با کشورهای همسایه همراه با تضعیف نظارت‌ها و قوانین بازدارنده فراهم می‌سازد.

اینهمه در حالیست که پیش از اینهمه جمهوری اسلامی از تابستان سال ۱۳۸۷ «سپاه استانی» را راه‌اندازی کرده و به نوعی در حالی که ارتش روز به روز تضعیف شده، پیشاپیش حوزه نظامی را به اداره محلی سپرده است.

بر اساس طرح «سپاه استانی» دفاتر مقاومت ←

صاحب رأی و تصمیم باید باشد و یک پارلمان کوچک در استان شکل بگیرد.»

این طرح خطرناک پیشتر نیز در دولت محمد خاخی مطرح شده بود. شخص مسعود پزشکیان نیز پیش از این بارها از طرح اداره فدرالی و استانی دفاع کرده و حتی تأکید کرده بود الگوی او در اینباره «نهج‌البلاغه» و طرح حکومت‌داری «ایالتی-ولایتی» است!

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی که به باور بسیاری از کارشناسان و حتی برخی مقامات داخلی در آستانه سقوط و فروپاشی است، با پیشبرد طرح‌های خطرناکی در رابطه با پیاده کردن ساختار به اصطلاح فدرالی در کشوری یکپارچه، و آماده ساختن بستری برای ایجاد گفتمان رسمی «جدایی‌طلبی» تلاش دارد چند صباحی بیشتر بر مسند قدرت ناکارآمدش بماند و ضربه‌ای بزرگتر به ملت و مملکت ایران بزند.

تلاش‌هایی برای زمینه‌سازی «فدرال شدن» ایران در جمهوری اسلامی!

ساختارهای فدرال مانند ایالات متحده، ساختارهایی هستند که از اتحاد و گرد هم آمدن چندین واحد سیاسی و حکومتی مستقل با هدف ایجاد قدرت سیاسی و اقتصادی و تثبیت حاکمیت یک ملت شکل گرفته‌اند و نه اینکه یک کشور واحد که در طول تاریخ به عنوان یکپارچه و همبسته وجود داشته را تکه تکه و به ایالات‌های مختلف تقسیم کنند.

از سوی دیگر کوچک ساختن دولت و اجرای سیاست عدم تمرکز راه حل‌ها و الگوهای دیگری نیز دارد که در کشورهای توسعه یافته به صورت موفق اجرا شده و لزوماً نیازی به استفاده از راهکارهای مشکوک و خطرناک زیر عنوان دروغین «تمرکززدایی» نیست!

پیاده ساختن طرح اداره کشور به صورت فدرال و استانی

● محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان بدون اینکه از عبارت «فدرالیسم» استفاده کند گفته «از دید دولت وفاق ملی، استاندار، رئیس‌جمهور استان است. ما شعار نمی‌دهیم. این موضوعی است که به آن اعتقاد داریم.»

● طرحی مشابه در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با امضای ۳۱ نماینده برای ایجاد وزرای منطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت اما به مراحل جدی‌تر تصمیم‌گیری نرسید و از دستور کار مجلس شورای اسلامی خارج شد.

● پیش از این نیز جمهوری اسلامی از تابستان سال ۱۳۸۷ «سپاه استانی» را راه‌اندازی کرده و به نوعی در حالی که ارتش روز به روز تضعیف شده، پیشاپیش حوزه نظامی را به اداره محلی سپرده است.

● اجرای این طرح که به نظر می‌رسد هدف اصلی آن متوجه استان‌های مرزی ایران است، اقتصاد مناطق مرزی را در نبود اقتصاد پویای داخلی به کشورهای همسایه این استان‌ها وابسته می‌کند و بسترساز ایجاد مافیاهای اقتصادی مرتبط با کشورهای همسایه خواهد شد.

● بطور رسمی در دولت محمد خاخی طرح خطرناک اداره «فدرال» کشور مطرح شد و حتی طرحی برای تقسیم ایران به ۱۰ ایالت نیز طراحی شد.

● کوچک ساختن دولت و اجرای سیاست عدم تمرکز راه حل‌ها و الگوهای دیگری نیز دارد که در کشورهای توسعه یافته به صورت موفق اجرا شده و لزوماً نیازی به استفاده از راهکارهای مشکوک و خطرناک زیر عنوان دروغین «تمرکززدایی» نیست!

روشنک آسترکی - دولت مسعود پزشکیان با ادامه پروژه‌های خطرناک دولت محمد خاخی و با تکیه بر عباراتی چون «تمرکززدایی» و «کاهش بوروکراسی» در برنامه‌ای با عنوان «اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم» به دنبال ایجاد بستری برای اصلاح فدرال کردن ایران است.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان روز گذشته در جلسه شورای عالی اداری از برنامه‌های دولت پزشکیان برای «اصلاح نظام اداری» سخن گفت و تأکید کرد دولت به دنبال اینست که نقش دولت در اداره استان‌ها را کم‌رنگ و اداره استان را به مقامات محلی و استانداران بسپارد و حتی در هر استان پارلمانی مجزا شکل بگیرد.

وی بدون اینکه از عبارت «فدرالیسم» استفاده کند گفت: «از دید دولت وفاق ملی، استاندار، رئیس‌جمهور استان است. ما شعار نمی‌دهیم. این موضوعی است که به آن اعتقاد داریم.»

محمدرضا عارف افزود: «دولت در این دوره تا مرزها و دروازه‌های استان می‌آید و از آن به بعد، جز در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی، که در دولت تصمیم‌گیری می‌شود، استان خودش تصمیم می‌گیرد.»

او همچنین گفته: «ما در صحبت با استانداران به آنها گفتیم که آمادگی داشته باشند که پیشنهاداتشان را در رابطه با واگذاری اختیارات دولت به استان‌ها، به ما بدهند البته که می‌دانیم مقتضیات هر استان با دیگری متفاوت است و مقتضیات استان مرزی که باید با کشورهای همسایه قرارداد ببندد و مراوده داشته باشد با استانی دیگر در مرکز متفاوت است. از دید دولت چهاردهم استاندار در استان،

→ بسیج منطقه‌ای در هر استان از زیرمجموعه بسیج خارج شدند و همراه با لشکرها و تیپ‌های نیروی زمینی، ساختار سپاه‌های استانی را تشکیل دادند. اگرچه فرماندهان سپاه‌های استانی توسط فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌شوند اما واحدهای «سپاه استانی» به صورت واحدهای مستقل نظامی عمل کرده و بجز مسئولیت‌های نظامی، در حوزه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی نیز وارد شده‌اند!

در دهه‌های گذشته شماری از مقامات جمهوری اسلامی از پیاده ساختن ساختار به اصطلاح فدرال حمایت کرده بودند. برای نمونه سردار پاسدار سزوار رضایی میرقائد معروف به محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا چند سال پیش از طرح «فدرالیسم اقتصادی» دفاع کرده بود اما نتوانست توضیح دهد استان خوزستان و بوشهر که عمده منابع و ذخایر نفت و گاز کشور را در خود دارند چطور قرار است درآمد آن را در سطح ملی و کشوری توزیع کنند و استان‌های کم‌بینه اقتصادی مانند کهگیلویه و بویر احمد و یا سیستان و بلوچستان قرار است اقتصاد خود را با چه ابزاری و کدام منابع تقویت نمایند!

از سوی دیگر طرحی در یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با امضای ۳۱ نماینده برای ایجاد وزرای منطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت اما به مراحل جدی‌تر تصمیم‌گیری نرسید و از دستور کار مجلس شورای اسلامی خارج شد. روح‌الله متفکر آزاد نماینده آذرشهر، اسکو و تبریز، احمد محرم‌زاده نماینده اهر و هریس، عادل نجف‌زاده نماینده خوی، یعقوب رضازاده نماینده سلماس، عباس جهانگیرزاده نماینده پارس آباد، حسین محمد صالحی نماینده فریدن، حسین حق‌وردی نماینده شهریار، احمد حسین فلاحی نماینده همدان و علیرضا زندیان نماینده بیجار از جمله نمایندگان امضاکننده و مدافع این طرح بودند.

طرح تکه‌پاره کردن یکپارچگی ملی مورد حمایت آخوند عباسکلانی

بطور رسمی در دولت محمد خاتمی طرح خطرناک اداره‌ی «فدرال» کشور مطرح شد و حتی طرحی برای تقسیم ایران به ۱۰ ایالت نیز طراحی شد.

محمدرضا عارف نیز در جلسه روز گذشته شورای عالی اداری تأیید کرده طرحی که هم‌اکنون دولت پزشکیان پیش می‌برد ادامه طرحی است که در دولت محمد خاتمی طراحی شده بود. او گفته: «در برنامه سوم وقتی بخش جزئی از وظایف حاکمیتی را می‌خواستیم واگذار کنیم در حالی که در دنیا بحث کاهش تصدی‌گری دولت‌ها با جدیت مطرح بود بعد از رایزنی‌های طولانی با شورای محترم نگاهبان، تنها توانستیم بخشی از کار را انجام دهیم اما امروز برای کاهش تصدی‌گری هیچ مانعی نداریم.»

بر اساس طرح تدوین شده در دولت حجت‌الاسلام محمد خاتمی، ابتدا موضوع شوراهای شهر و روستا توسط مصطفی تاجزاده طراحی شد و به دنبال آن، طرح تکمیلی دیگری در دستور کار قرار گرفت که بر اساس آن با ادغام استان‌های کشور، ایران به ۱۰ ایالات تقسیم می‌شود و مدیران این ایالات، اختیاراتی مشابه رئیس‌جمهور خواهند داشت!

اگرچه آن طرح دولت اصلاحات عملی نشد اما محمد خاتمی، آخوند عباسکلانی اصلاح‌طلبان، همچنان حامی این ایده خطرناک است. او در اردیبهشت سال ۱۳۹۸ در دیداری با اعضای شورای اسلامی شهر تهران نیز گفته بود: «شاید در حال حاضر از نظر سیاسی مناسب نباشد اما مطلوب‌ترین شیوه حکومت مردمی، اداره فدرالی است، اما ما از نظر قانون

اساسی نمی‌توانیم فدراتیو باشیم.» حالا معلوم نیست چطور «قانون اساسی» جمهوری اسلامی به پزشکیان و معاون اول وی اجازه می‌دهد که طرح وی را دوباره مطرح کنند!

اصلاح‌طلبان مروج قومگرایی و فدرالیسم معکوس در ایران

جمهوری اسلامی که پس از انقلاب ۵۷ با همکاری سیاسی اسلامگراها و چپ‌ها تشکیل شد از ابتدا با بی‌اعتقادی به «حاکمیت ملت» در تلاش بوده تا «امت» را جایگزین ملت کند؛ پروژه‌ای که همچنان با شکست سنگین روبرو شده است.

پس از سال ۱۳۷۶ اتاق فکر متشکل از امنیتی‌ترین چهره‌های حکومت که در رکاب محمد خاتمی به عنوان جناح اصلاح‌طلب شناخته می‌شوند و دولت اصلاحات را تشکیل دادند، پروژه‌ای را در دستور کار قرار دادند که میخ جمهوری اسلامی را با تفرقه و پراکندگی محکم‌تر کنند.

پس از پایان جنگ ایران و عراق مردمی که همچنان روزهای رونق اقتصادی دوران پهلوی را به یاد می‌آوردند متوجه شده بودند جمهوری اسلامی در شرایط غیرجنگی نیز توانایی و کارآمدی پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و ایجاد رشد و رونق کشور را ندارد. در آنسو فسادهای ساختاری در حکومتی که با شعارهای توخالی آزادی و برابری و رایگان کردن نان و آب و برق آمده بود، نمایان می‌شد و همزمان سرکوب‌های اجتماعی و سیاسی ادامه می‌یافت.

اتاق فکر امنیتی‌های دولت اصلاحات متوجه بروز جریان نارضایتی زیر پوست جامعه شده بود و می‌دید که باید به شکلی پتانسیل اعتراضی جامعه را تخلیه کند. در همین راستا چند پروژه موازی تعریف شد که یکی از آنها «مطالبه‌سازی» سازمانیافته و بی‌خطر در میان مردم بود تا بنا بر ظرفیت نظام با پاسخ به بخشی از این «مطالبات» ساخته و پرداخته‌ی خود حکومت، پایگاه اجتماعی جناح اصلاح‌طلب به عنوان «یک بال نظام» و «خندق نظام» تقویت شود.

یکی از «مطالباتی» که به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفت، مطالبات قومی با طراحی اصلاح‌طلبانی چون محمد کیانوش راد از اعضای جبهه اصلاحات در استان خوزستان و نماینده اهواز در مجلس ششم بود. صدور مجوز برای نهادهای غیردولتی (ان‌جی‌او) از جمله دیگر بخش‌های پروژه اصلاح‌طلبان برای تخلیه پتانسیل جامعه با هدف گرفتن خواست‌ها و حقوق نسل جوان بود. نهادهایی که هیچ‌کدام نمی‌توانستند بدون نظارت امنیتی به فعالیت خود ادامه دهند بخش گسترده‌ای از به اصطلاح مطالبات قومگرایانه در آن سال‌ها با راه‌اندازی سازمان‌های غیردولتی در استان‌های مختلف از جمله خوزستان، کردستان و آذربایجان‌های شرقی و غربی سازماندهی شد. برخی از چهره‌های قومگرا و جدایی‌طلب که امروز در خارج کشور در اپوزیسیون فعال هستند نیز در همان سال‌ها از فعالان اصلاح‌طلب فعال در ساختارهای سیاسی استان‌ها و یا از اعضای فعال همان سازمان‌های غیردولتی بودند.

این ایده خطرناک اصلاح‌طلبان سبب شد در دو دهه اخیر مطالبات قومی در ایران به شکلی تقویت شود که بسیاری از فعالان قومگرا بجای اینکه در برابر جمهوری اسلامی به عنوان ساختار سیاسی ناکارآمد و تباهکار بایستند، به فعالیت علیه ایران و منافع ملی و یکپارچگی سرزمینی پرداخته‌اند.

مسعود پزشکیان، یک پوپولیست خطرناک و عوام‌فریب
 مسعود پزشکیان فعال اصلاح‌طلب، وزیر بهداشت دولت اصلاحات، نماینده چند دوره مجلس شورای اسلامی و رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نیز از جمله چهره‌های

خطرناک جمهوری اسلامی برای ایران به شمار می‌رود. اگرچه مسعود پزشکیان در رفتار و کلام شخصیتی پوپولیست و عوام‌فریب از خود به نمایش گذشته اما به نظر می‌رسد او چندان هم ساده‌لوح نیست و با حمایت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و اصلاح‌طلبان، مجری پروژه‌های خطرناک است.

طراحان کمپین تبلیغاتی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری عبارت «برای ایران» را از «پیمان نوین» شاهزاده رضا پهلوی و حتا رنگ آبی فیروزه‌ای را به سرعت بردند و به شعار و رنگ انتخاباتی او تبدیل کردند تا به این ترتیب از موج ملی‌گرایی گسترده در جامعه به سود پزشکیان بهره برده و شاید رأی به سود او جمع شود؛ با اینهمه مسعود پزشکیان را نمی‌توان فردی ارزیابی کرد که عقاید و وابستگی‌های ملی به ایران دارد!

مسعود پزشکیان نه تنها بارها در دوران نمایندگی مجلس شورای اسلامی از عنوان نادرست «ملیت‌های ایران» استفاده کرده که ساخته‌ی دستگاه تبلیغاتی شوروی کمونیستی برای ضربه به یکپارچگی ایران بوده، بلکه پیشتر نیز از فدرالیزه کردن ایران حمایت کرده است.

او در یک مصاحبه به زبان آذری بطور مشخص از ساختار حکومتی ایالتی-ولایتی یا همان فدرالیسم، که البته در ایران به شکل معکوس یعنی تکه تکه کردن یک ملت و مملکت یکپارچه می‌تواند به اجرا درآید، دفاع کرده و گفته الگوی این حکمرانی در «نهج‌البلاغه» و «در نامه‌های امام علی به مالک اشتر» آمده و باید همین ساختار در «ایران اسلامی» اجرا شود.

پزشکیان همچنین در فروردین ۱۴۰۰ که به عنوان گزینه اصلاح‌طلبان برای انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم مطرح بود و البته آن زمان از سوی شورای نگاهبان رد صلاحیت شد، در گفتگو با روزنامه «شرق» نیز همین الگوی حکومتی را مطرح کرده و گفته بود: «اگر می‌خواهیم حکومت اسلامی درست کنیم باید رجوع کنیم به نامه امام به مالک اشتر که یک نوع منشور حکومت اسلامی است. در آنجا مالک اشتر که استاندار است، قاضی‌القضات و فرمانده لشکر تعیین می‌کند. مالیات می‌گیرد، نیرو استخدام می‌کند. یعنی قدرتی که تصمیم می‌گیرد و شاخص‌اش دستورالعملی است که امام به او داده است.»

هرچند مسعود پزشکیان تلاش دارد با پنهان شدن پشت عبارت «منشور حکومت اسلامی» وجه قومگرایی خود را کم‌رنگ کند اما او چه در زمان نمایندگی مجلس شورای اسلامی و چه در ماه‌های گذشته که به عنوان رئیس دولت چهاردهم فعال بوده، رگه‌های قوی قومگرایی خود را نشان داده است.

از جمله فعالیت افراد قومگرا و ضدملی به عنوان مسئولان ستادهای انتخاباتی او و همچنین دیدار چهره‌های تجزیه‌طلب و قومگرا با اوست که پس از گزینش به عنوان رئیس دولت چهاردهم انجام شد.

مطرح کردن دوباره‌ی موضوع «فدرالیزه کردن» اداره کشور را نیز می‌توان در ادامه نگاه خطرناک جدایی‌طلبانی دانست که حتی تا اتاق رؤسای دولت جمهوری اسلامی نیز نفوذ کرده‌اند.

در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی با پروژه فدرالیسم معکوس و قوم‌گرا و فرقه‌ای که در بین برخی دولت‌های منطقه و همچنین برخی جریان‌های اپوزیسیون خارج کشور نیز خریدارانی دارد، به دنبال راهی برای ایجاد شبه‌موجی از جلب حمایت گروه‌های ضدملی با هدف حفظ حیات نظام در شرایطی است که بقای آن از سوی جامعه با خطر جدی روبروست.

سرنوشت قیمت دلار از دید خبرگزاری سپاه پاسداران و کارشناسان اقتصادی



● قیمت دلار که در روزهای گذشته با فراز تندی در مسیر افزایش قرار داشت و به رقم بی‌سابقه ۸۲ هزار تومان رسید، از روز یکشنبه نهم دی‌ماه بطور جزئی کاهش یافته است

● در کنار افزایش قیمت ارز، قطع مکرر برق و آب، کاهش قدرت خرید مردم و افزایش روافزون هزینه‌ها سبب ایجاد رکود تورمی عمیقی در بازارهای مختلف و کاهش شدید فروش و خسارت به بازاریان شده است.

● کارشناسان معتقدند به علت مشکلات ساختاری و کاهش درآمدهای ارزی، افزایش قیمت ارز ادامه دارد؛ حتی اگر دولت در مقاطعی بتواند قیمت‌ها را کمی کاهش داده یا برای مدتی در یک بازه قیمتی ثابت نگه دارد.

● پیمان مولوی تحلیلگر اقتصادی با اشاره به محدودیت‌های اقتصاد گفته «اگر فروش نفت با چالش‌هایی روبرو شود، نرخ تورم ممکن است به حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد افزایش یابد و قیمت دلار به نزدیک ۱۰۰ هزار تومان برسد.»

● جعفر قادری نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هم گفته نباید انتظار پایین آمدن قیمت دلار را داشت و افزایش قیمت‌ها را به شرایط «طبیعی» مربوط دانسته است.

قیمت دلار پس از ثبت رکورد بی‌سابقه ۸۲ هزار تومان، بطور جزئی کاهش یافته است. همزمان خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده با دخالت بانک مرکزی قیمت دلار در مرز بازگشت به کانال ۷۰ هزار تومان قرار دارد اما برخی کارشناسان تأکید دارند دلار روند افزایش خود را در هفته‌ها و ماه‌های آینده ادامه داده و به محدوده ۱۰۰ هزار تومان نزدیک خواهد شد. آنهم در حالی که دلار در «کانال ۷۰ هزار تومان» نیز برای ارزش پول ایران یک فاجعه‌ی عظیم است!

قیمت دلار که در روزهای گذشته با فراز تندی در مسیر افزایش قرار داشت و به رقم بی‌سابقه ۸۲ هزار تومان رسید، از روز یکشنبه نهم دی‌ماه کاهش جزئی یافت. کاهش قیمت‌ها در بازار ارز همزمان با اعتراض و اعتصاب شماری از بازاریان در بازار تهران صورت گرفت. اعتراض و اعتصاب بازاریان صبح امروز دوشنبه دهم دی‌ماه نیز از جمله در شهر مشهد ادامه یافت و کسبه بازار «اطلس» این شهر به علت قطع برق حاضر به بازگشایی مغازه‌ها نشدند و با تجمع مقابل بازار اعتصاب کردند.

در کنار افزایش قیمت ارز، قطع مکرر برق و آب، کاهش قدرت خرید مردم و افزایش روافزون هزینه‌ها سبب ایجاد رکود تورمی عمیقی در بازارهای مختلف و کاهش شدید فروش و خسارت به بازاریان شده است. بسیاری از تحلیلگران و حتی مقامات حکومتی درباره لبریز شدن صبر جامعه در برابر کمبودها و گرانی‌ها هشدار داده‌اند.

برخی خبرگزاری‌های داخلی علت کاهش اندک قیمت ارز را «مداخلات ارزی بازارساز در بازار» و همچنین «پایان تسویه‌های مالی پایان سال میلادی» عنوان می‌کنند. این خبرگزاری‌ها اما توضیح نمی‌دهند که اگر بانک مرکزی امکان دخالت در بازار ارز را داشت چرا زودتر و طی پنج ماه گذشته که قیمت دلار از ۴۸ هزار تومان تا ۸۲ هزار تومان افزایش یافت در بازار ارز مداخله نکرد!

دولت مسعود پزشکیان طی هفته‌های گذشته با حذف سامانه نیما که محل تأمین ارز برای واردکنندگان و محل ارائه ارز ناشی از صادرات برای صادرکنندگان بود، بازار جدیدی با عنوان بازار ارز تجاری را راه‌اندازی کرد.

برای تک‌نرخ کردن ارز از جمله در دولت چهاردهم با تشکیل بازار ارز تجاری، اقداماتی نمایشی است.

او همچنین با اشاره به محدودیت‌های اقتصاد گفته «اگر فروش نفت با چالش‌هایی روبرو شود، نرخ تورم ممکن است به حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد افزایش یابد و قیمت دلار به نزدیک ۱۰۰ هزار تومان برسد.»

پیمان مولوی با اشاره به اینکه «هنوز اثرات شوک ترامپ آغاز نشده است و مکانیزم ماشه فعال نشده است» گفته «به نظر من دلار ۱۰۰ هزار تومانی زمانی محقق خواهد شد که فروش نفت ایران با مشکلات جدی مواجه شود؛ به عبارت دیگر، اگر فروش نفت بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش یابد و سیاست نقدینگی به ۲۵ تا ۳۰ درصد برسد و رشد اقتصادی محدود شود، در این صورت نرخ تورم به کانال ۴۰ تا ۴۵ درصد خواهد رسید و قیمت دلار به نزدیک ۱۰۰ هزار تومان خواهد رسید. به عبارت دیگر، قیمت ۱۰۰ هزار تومانی دلار به نرخ تورم بستگی دارد.»

بسیاری از کارشناسان و حتی مقامات جمهوری اسلامی نظری مشابه پیمان مولوی دارند و می‌گویند به علت مشکلات ساختاری و کاهش درآمدهای ارزی، افزایش قیمت ارز ادامه دارد؛ حتی اگر دولت در مقاطعی با دخالت در بازار بتواند قیمت‌ها را به شکل جزئی کاهش داده یا برای مدتی در یک بازه قیمتی ثابت نگه دارد.

جعفر قادری نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی هم گفته نباید انتظار پایین آمدن قیمت دلار را داشت و افزایش قیمت‌ها را به شرایط «طبیعی» مربوط دانسته است.

جعفر قادری گفته «در این شرایط خیلی طبیعی است که با افزایش قیمت دلار شاهد افزایش قیمت اقلام اساسی و ضروری مورد نیاز مردم هم باشیم؛ انتظار پایین آمدن قیمت دلار نداشته باشید.»

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده «وقتی که کشور ما با توجه به تحریم‌ها با محدودیت روبرو است، افزایش قیمت‌ها در تمام سطوح طبیعی است.»

وضعیت دیگر بازارها هم نشان از شرایط ملتهب اقتصاد کشور دارد. درست در روزی که مانور تبلیغاتی

کمال سیدعلی معاون پیشین ارزی بانک مرکزی گفته «بطور قطع اگر نرخ بازار توافقی هم افزایش پیدا نمی‌کرد باز هم نرخ دلار آزاد بالا می‌رفت، چرا که اثرگذاری فضای سیاسی در منطقه بیشتر از سیگنال بازار توافقی بوده است. تنش‌های اخیر و خروج ایران از سوریه، همچنین سیاست‌های ترامپ از علامت‌های منفی به بازار ارز ایران بوده است.»

او گفته در دهه هشتاد خورشیدی منابع ارزی در دست دولت قابل توجه و در نتیجه بازار ارز قابل مدیریت بود و «حتی ورودی ارز به داخل کشور را داشتیم اما امروز علاوه بر بحث قاچاق با بحث افزایش خروج سرمایه هم مواجه هستیم.»

به گفته کمال سیدعلی، در حال حاضر دو سرفصل قاچاق و خروج سرمایه در اختیار بانک مرکزی نیست و همین دو موضوع ۳۰ تا ۳۵ درصد بازار را در برمی‌گیرد که این تقاضا به سمت بازار غیررسمی روانه می‌شود. قطعاً این ۳۵ درصد تقاضای ارزی کشور به سمت بازار توافقی نخواهد رفت مگر اینکه جلوی قاچاق را بگیرند.

یکی از دلایل محوری افزایش قیمت ارز در بازار آزاد، حذف بازار نیمایی و ایجاد بازار جدیدی با عنوان «بازار ارز تجاری» از سوی دولت پزشکیان است اما دلایل دیگری از جمله شکست پروژه جمهوری اسلامی برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای با دولت جو بایدن و در نتیجه عدم کاهش تحریم‌ها و آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران در دیگر کشورها، و همچنین شرایط بحرانی جمهوری اسلامی در منطقه با سقوط دولت بشارساد و محوری شدن نقش اسرائیل در تحولات منطقه از جمله عوامل مهم اثرگذار بر نوسانات بازار ارز در هفته‌های گذشته بوده است.

در همین رابطه کمال سیدعلی نیز گفته «اگر نرخ بازار توافقی هم افزایش پیدا نمی‌کرد باز هم نرخ دلار بازار آزاد بالا می‌رفت چراکه اثرگذاری فضای سیاسی در منطقه بیشتر از سیگنال بازار توافقی بوده است. تنش‌های اخیر و خروج ایران از سوریه، همچنین سیاست‌های ترامپ از علامت‌های منفی به بازار ارز ایران بوده است.»

از سوی دیگر، پیمان مولوی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی معتقد است اقدامات دولت‌های جمهوری اسلامی



غرب در سوریه دوباره اشتباه می‌کند



بشار اسد و پدرش که به ظاهر جبهه پایداری علیه اسرائیل محسوب می شدند بهترین حافظان مرزهای اسرائیل در طول ۵۰ سال گذشته بودند.

وزیر خارجه ترکیه ادامه می‌دهد: «بله، ممکن است اسرائیل از رفتار اسد با دادن فرصت به حضور [رژیم] ایران در سوریه ناراضی بوده باشد، اما از خود اسد بسیار راضی بود. از این رو، آمریکا در آن زمان به ما گفت که اسرائیل نمی‌خواهد اسد سقوط کند.»

نگرانی واشنگتن، امنیت اسرائیل بود و نه ابعاد فاجعه در سوریه یا خطر ژئوپلیتیک. این امر همچنین در آن زمان با تمایل و اشتیاق واشنگتن برای تکمیل توافق هسته‌ای با رژیم تهران، حتی اگر به قیمت ویرانی تمامی منطقه همراه می‌شد، همسو بود.

امروز واشنگتن و غرب همان اشتباه را برای بار دوم تکرار می‌کنند زیرا تمام تلاش‌ها برای تضمین امنیت اسرائیل است، حتی با وجود حملات مداوم و غیرموجه اسرائیل به سوریه جدید. درست است که غرب برای دولت جدید سوریه شرط‌هایی تعیین کرده که قابل‌درک است، اما تمرکز غرب همیشه بر اسرائیل بوده است.

هر رسانه غربی که با احمد الشرع مصاحبه کرده، سؤال اصلی‌اش درباره امنیت اسرائیل و موضع سوریه جدید نسبت به آن بوده است. همین موضوع در اظهارات مقامات غربی تکرار می‌شود و این موضوع به شدت احساس مردم سوریه را که می‌خواهند زخم‌هایشان التیام یابد، تحریک می‌کند.

غرب از سوریه می‌خواهد آنچه را که اسد طی ۲۴ سال انجام نداد، در یک هفته اجرا کند. در حالی که بر امنیت اسرائیل تمرکز دارد و به کمک‌های فوری به سوریه یا مجبور کردن اسرائیل به توقف حملاتش به سوریه توجهی ندارد. همچنین هیچ تلاش بین‌المللی جدی برای کشاندن بشار اسد به عدالت به خاطر جنایاتی که مرتکب شده، صورت نمی‌گیرد. به همین دلیل است که می‌گویم غرب در سوریه دوباره اشتباه می‌کند.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: طارق الحمید

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● اشتباهات غرب، به ویژه ایالات متحده، از دوره رئیس جمهور پیشین باراک اوباما آغاز شد؛ زمانی که او برای خطوط قرمزی که خودش برای بشار اسد ترسیم کرده بود، احترامی قائل نشد. اوباما گفته بود که استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان سوری خط قرمز اوست اما بشار اسد بدون توجه به این خط قرمز از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد و همه انتظار داشتند که رئیس بزرگترین ابرقدرت جهان واکنش نشان دهد، اما اوباما از آن به سادگی چشم پوشید و بحران سوریه را به عنوان یکی از بحران‌هایی که هر رئیس جمهوری با آن مواجه می‌شود، نادیده گرفت. ● نگرانی واشنگتن، امنیت اسرائیل بود و نه ابعاد فاجعه در سوریه یا خطر ژئوپلیتیک. این امر همچنین در آن زمان با تمایل و اشتیاق واشنگتن برای تکمیل توافق هسته‌ای با رژیم تهران، حتی اگر به قیمت ویرانی تمامی منطقه همراه می‌شد، همسو بود.

طارق الحمید (الشرق الاوسط) - تمام کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده دوباره درباره سوریه اشتباه می‌کنند. بار اول زمانی بود که از کمک به سوریه‌ها برای سرنگونی بشار اسد خودداری کردند؛ اسدی که سیزده سال پیش یعنی قبل از مداخله مستقیم رژیم ایران و روسیه در آستانه سقوط بود.

اشتباهات غرب، به ویژه ایالات متحده، از دوره رئیس جمهور پیشین باراک اوباما آغاز شد؛ زمانی که او برای خطوط قرمزی که خودش برای بشار اسد ترسیم کرده بود، احترامی قائل نشد. اوباما گفته بود که استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان سوری خط قرمز اوست اما بشار اسد بدون توجه به این خط قرمز از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد و همه انتظار داشتند که رئیس بزرگترین ابرقدرت جهان واکنش نشان دهد، اما اوباما از آن به سادگی چشم پوشید و بحران سوریه را به عنوان یکی از بحران‌هایی که هر رئیس جمهوری با آن مواجه می‌شود، نادیده گرفت. اوباما در آن زمان در مصاحبه‌ای با «نیویورک تایمز» گفت: «انقلابیون سوری فقط کشاورزان، پزشکان و معلمان هستند که نمی‌توانند کاری انجام دهند». او ایده حمایت از آنها را که توسط ژنرال پتروس مطرح شده بود رد کرد. اوباما جنایات اسد علیه انقلاب سوریه را به عنوان «جنگ داخلی» توصیف کرد.

ایالات متحده و غرب با نادیده گرفتن رنج سوریه‌ها اشتباه کردند و جز «قانون سزار» که مانع بازگشت بشار اسد به جامعه بین‌المللی شد، کار قابل توجهی انجام ندادند. آنها حتی پیش‌شرط‌هایی نظیر بازرسی زندان‌ها یا آزادی زندانیان را نیز مطرح نکردند تا اینکه با سقوط اسد، تازه امروز، جهان ابعاد فاجعه و جنایات رژیم اسد در سوریه را می‌بیند.

واشنگتن بیشتر به امنیت اسرائیل اهمیت می‌داد تا کاهش رنج سوریه‌ها پس از انقلاب ۲۰۱۱ و این نظر را از مسئولان عرب و خارجی به تکرار شنیده‌ام. این امر را وزیر خارجه ترکیه هاکان فیدان نیز در مصاحبه تلویزیونی چهارشنبه گذشته با شبکه «الحدث» تأیید کرد.

وزیر خارجه ترکیه می‌گوید که هفت سال پیش، زمانی که جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا بود و به ترکیه آمد و با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه دیدار کرد، گفت: «ما نمی‌خواهیم اسد برود.»

او اضافه می‌کند: «ما می‌دانیم که این نظر اسرائیل بود، نه نظر خودش زیرا اسرائیل نمی‌خواست بشار اسد سقوط کند.»

→ رسانه‌های حکومتی بر کاهش شدن قیمت‌ها در بازار ارز در جریان بود، بازار بورس با ریزشی حدود ۵۰ هزار واحد روبرو شد. روز یکشنبه نهم دی‌ماه حدود ۶۶ درصد نمادها سرخ شدند و شاخص کل با ریزش ۴۹ هزار و ۶۸۶ واحدی به ارتفاع دو میلیون و ۷۷۷ هزار و ۷۳۰ واحد رسید آیت محمدولی رئیس پیشین اتحادیه طلا و جواهر تهران نیز درباره افزایش قیمت‌ها در بازار طلا طی روزهای گذشته، گفته «طلا و سکه که دنباله‌رو قیمت دلار است نیز افزایش پیدا کرده است.»

هادی قوامی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی هم با اشاره به سقوط ارزش ریال گفته «مردم حس می‌کنند یک قطعه آتش در دست‌شان نگه داشته‌اند و سعی می‌کنند ریال‌شان را به دارایی تبدیل کنند که درجه نقدینگی بالاتری دارد و بهترین جایگزین برای این کار ارز است، حال سراغ هر ارز خارجی غیر از ریال می‌روند؛ یعنی از ریال بی‌خیال شدند و به ارزیابی پناه می‌برند که به وسیله آنها یک دیواره دفاعی درست کنند و ارزش پول‌شان را حفظ کنند و خود این تقاضا برای ارز را بالا می‌برد.»

افزایش قیمت ارز و بی‌ارزش شدن پول ملی به معنای بی‌ارزش شدن ارزش واقعی درآمدها و کاهش بیشتر قدرت خرید مردم است. این روند بخش دیگری از جمعیت ایران را به زیر خط فقر رانده و اقشاری مانند کارگران و بازنشستگان که همین حالا هم زیر خط فقر قرار دارند را با فقر مطلق روبرو می‌کند.

محمدرضا تاجیک رئیس مجمع کارگران استان تهران با اشاره به افزایش قیمت دلار گفته «متأسفانه افزایش قیمت دلار باعث کاهش قدرت خرید کارگران شده است، کارگران ریالی درآمد دارند و دلاری خرج می‌کنند. چرا که همزمان با گرانی ارز، قیمت تمام کالاها افزایش یافت.»

این فعال کارگری با اشاره به تغییرات دولت در بازار ارز کشور و حذف ارز نیمایی گفته «در شرایط تورمی فعلی، هرگونه افزایش نرخ ارز رسمی می‌تواند به موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها دامن بزند. سیاست جدید، نرخ ارز رسمی را بطور قابل توجهی افزایش می‌دهد که این امر می‌تواند تأثیرات منفی بر تورم و هزینه‌های معیشتی داشته باشد. حذف ارز نیمایی بطور مستقیم بر هزینه واردات تأثیر خواهد گذاشت و می‌تواند به افزایش قیمت کالاهای ضروری و واسطه‌ای تولید منجر شود، تولیدکنندگانی که نیازمند واردات مواد اولیه هستند، با هزینه‌های بیشتری روبرو خواهند شد و این موضوع می‌تواند به کاهش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی منجر شود.»

محمدرضا تاجیک توضیح داده «چند سالی است که «ارزش اسمی» دستمزد بالاتر رفته است. یعنی دستمزد کارگران به صورت «ریالی» همواره در حال بالا رفتن بوده است؛ اما شوک‌های پی در پی ارزی کاری کرده که ارزش واقعی دستمزد همواره در یک منحنی نزولی حرکت کند. ماده ۴۱ قانون کار می‌گوید که در تعیین حداقل دستمزد باید دو عامل در نظر گرفته شود؛ اول نرخ تورم و دوم هزینه زندگی یک خانوار برای حداقل معیشت که به عنوان سید معیشت نام می‌گیرد.»

رئیس مجمع کارگران استان تهران با بیان اینکه قدرت خرید کارگر با توجه به رشد فزاینده تورم که دلیل اصلی آن گرانی دلار است، کاهش یافته است افزود: «حتی اگر در بهترین حالت دولت اقدام به افزایش ۵۰ درصدی حقوق نیز کند باز هم کفاف معیشت خانوار را نمی‌دهد، چرا که این میزان نهایتاً شاید بتواند تأمین‌کننده بخشی از اقلام خوراکی باشد. ولی دیگر هزینه‌ها مانند هزینه مسکن، پوشاک، رفاهی، آموزش و پرورش و بهداشت را تأمین نمی‌کند.»

«هزینه‌های سنگین مسلمانی» بر دوش ملت ایران!



تهران / رویترز

«بی‌ثباتی، افزایش تورم و رشد نقدینگی» هشدار داده بود که «عدم رشد درآمد ارزی ناشی از فروش نفت» چالش‌های بیشتری برای اقتصاد ایران ایجاد کرده است. اکنون تنگناهای حکومت چنان زیاد شده است که احتمال سرنگونی رژیم به صورت علنی و با صراحت در رسانه‌های داخلی نیز مطرح می‌شود. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ایران در سال ۱۴۰۳ با کسری بودجه ۲۷۰ هزار میلیارد تومانی روبروست.

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران ۲۷ آذرماه ۱۴۰۳ خطاب به مقامات نظام نوشت که بحران اقتصادی مثل سوریه باعث فروپاشی حکومت‌ها می‌شود. همین روزنامه دوم دی‌ماه نیز هشدار داد حکومتی که پشتوانه مردمی خود را از دست بدهد مثل شوروی فرو می‌پاشد.

در همین ارتباط روزنامه «اسرائیل هیوم» در گزارشی که ۲۶ دسامبر (ششم دی‌ماه) منتشر شد، به بررسی چالش‌ها و بحران‌های متعدد جمهوری اسلامی در زمینه‌های داخلی و خارجی پرداخت و پیش‌بینی کرد این مشکلات احتمالا جامعه ایران را به سمت خیزش اجتماعی و جمهوری اسلامی را در مسیر فروپاشی سوق می‌دهد و مسئله فقط بر سر زمان وقوع آن است.

اینها همه در حالیست که جمهوری اسلامی، میلیاردها دلار از منابع ایران را صرف پشتیبانی از «محور مقاومت» از جمله تداوم قدرت بشار اسد در سوریه کرده است که فکر می‌کرد «عمق استراتژیک» آن است و اکنون دود شده و به هوا رفته است. اینکه محمدی گلپایگانی می‌گوید «مسلمانی خرج دارد» درواقع خرجی است که از جیب و سفره ملت ایران و به بهای فلاکت اقتصادی کشور تأمین شده است!

در شرایطی که مردم در شرایط به شدت بد معیشتی و تورم نجومی با انبوهی از مشکلات ریز و درشت دست به گریبان‌اند، ولی با نابودی سران نیابتی‌های جمهوری اسلامی و به ویژه پس از سقوط بشار اسد به عنوان یکی از متحدان اصلی خامنه‌ای، امیدوارند که دیکتاتور بعدی که سقوط می‌کند خود او و کل نظام‌اش باشد.

گفت: «در این شرایط اقتدار کشور، این مشکلات هم وجود دارد و بالاخره مسلمانی خرج دارد و به این سادگی نیست!» در این میان، انتظار می‌رود ترامپ تحریم‌های نفتی جمهوری اسلامی را افزایش دهد تا حکومت ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای باز دارد. اما برخی از کارشناسان می‌گویند او ممکن است در دوره دوم خود رویکردش را تغییر دهد و از مداخلات نظامی بیشتری در منطقه استفاده کند.

رژیم ایران ضعیف‌تر شده

برندا شفر کارشناس انرژی در دانشکده تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی ایالات متحده می‌گوید: «شرایط منطقه‌ای و جهانی بطور چشمگیری از چهار سال پیش تغییر کرده است و تیم جدید ترامپ رویکرد متفاوتی نسبت به جهان دارد.» به گفته این تحلیلگر، «تغییر استراتژی بعد از کارزار اسرائیل علیه نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی مانند حماس و حزب‌الله و سقوط بشار اسد در سوریه، رژیم ایران را ضعیف‌تر کرده و این شرایط احتمال اقی شدن جمهوری اسلامی را افزایش داده است. این وضعیت گزینه‌های جدیدی را برای سیاست‌گذاری در اختیار ایالات متحده می‌گذارد.»

او توضیح می‌دهد: «اکنون همه تمرکزها به سمت ایران رفته و پرسش این است حالا که جمهوری اسلامی تضعیف شده، آیا ما فقط این وضعیت را ثابت نگه می‌داریم یا اینکه یک قدم دیگر برداشته و برنامه هسته‌ای آن و احتمالاً بخشی از صادرات نفت آن را نابود می‌کنیم؟»

یکی از سناریوها این است که ترامپ شاید به اسرائیل آزادی عمل بیشتری برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی بدهد.

رژیم ایران چهار دهه است که با بحران‌های ریشه‌ای و ساختاری روبروست اما جدال مستقیم با اسرائیل و شکست «محور مقاومت» و همچنین ناراضی‌گسترده داخلی، رژیم را به شدت بی‌دفاع و بیش از پیش تضعیف کرده است. عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت مسعود پزشکیان اواسط آبان‌ماه در جمع مدیران بانکی ایران با اشاره به

کاهش فروش نفت، کاهش درآمدهای ارزی، بحران انرژی و افزایش ناراضی‌های عمومی، شرایط را برای حکومت سخت و پیچیده کرده است. برخی به کنایه می‌گویند برای خود نظام هم عجیب است با این بحران چطور هنوز سرپا مانده است!

محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر علی خامنه‌ای می‌گوید: «ما در وضعیت عادی نیستیم» و «برای صادرات نفت مشکل داریم». هرچند که تأکید می‌کند: «علی‌رغم تحریم‌ها نظام سرپا ایستاده است» و «بالاخره مسلمانی خرج دارد و به این سادگی نیست!»

برندا شفر کارشناس انرژی در دانشکده تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی ایالات متحده می‌گوید: «شرایط منطقه‌ای و جهانی بطور چشمگیری از چهار سال پیش تغییر کرده و تیم جدید ترامپ رویکرد متفاوتی نسبت به جهان دارد و این وضعیت گزینه‌های جدیدی را برای سیاست‌گذاری در اختیار ایالات متحده می‌گذارد.»

در شرایطی که مردم در شرایط به شدت بد معیشتی و تورم نجومی با انبوهی از مشکلات ریز و درشت دست به گریبان‌اند، ولی با نابودی سران نیابتی‌های جمهوری اسلامی و به ویژه پس از سقوط بشار اسد به عنوان یکی از متحدان اصلی خامنه‌ای، امیدوارند که دیکتاتور بعدی که سقوط می‌کند خود او و کل نظام‌اش باشد.

حامد محمدی - کاهش فروش نفت، کاهش درآمدهای ارزی، بحران انرژی و افزایش ناراضی‌های عمومی، شرایط را برای حکومت سخت و پیچیده کرده است. برخی به کنایه می‌گویند برای خود نظام هم عجیب است با این بحران چطور هنوز سرپا مانده است!

بر اساس گزارش شرکت‌های ردیابی نفتکش‌ها از جمله «تانکر ترکز»، صادرات نفت خام ایران به چین از ماه اکتبر ۲۰۲۴ (اواخر آبان‌ماه ۱۴۰۳) کاهش قابل توجهی داشته است.

کارشناسان ارزیابی کرده‌اند احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات نفتی ایران و همچنین احیای «کارزار فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی با بازگشت رسمی دونالد ترامپ به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵، از جمله دلایلی است که پالایشگاه‌های چینی را مجبور کرده است تا به دنبال جایگزین برای نفت وارداتی از ایران باشند.

با اینکه دولت جو بایدن زمانی طولانی چشم به روی صادرات غیرقانونی نفت ایران بسته بود، اما پس از دو حمله موشکی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل و ادامه ارسال تسلیحات برای روسیه در جنگ علیه اوکراین، تحریم‌هایی علیه شبکه بزرگ قاچاق نفت ایران از سوی ایالات متحده اعمال شد که در کاهش فروش آن بی‌تأثیر نبوده است.

همچنین گزارش می‌شود که محموله‌های «نفت سرگردان» ایران در نفتکش‌ها که در آب‌های بین‌المللی در انتظار یافتن مشتری بسر می‌برند رو به افزایش است.

در همین ارتباط محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر علی خامنه‌ای چهارم دی‌ماه ۱۴۰۳ به خبرنگاری ایلنا گفت: «ما در وضعیت عادی نیستیم» و «برای صادرات نفت مشکل داریم». هرچند که همزمان تأکید کرد: «علی‌رغم تحریم‌ها نظام سرپا ایستاده است». او همچنین در واکنش به فشارهای اقتصادی که زندگی مردم عادی را تباہ کرده است

رهبر جمهوری اسلامی و توجیه شکست‌هایش در سوریه



بازدید علی خامنه‌ای از تجهیزات نظامی ارتش و سپاه / آبان ۱۴۰۲

کرد، چشم خود را بر تمام جنایات و ظلم‌هایی که علیه مردم سوریه صورت گرفت، می‌بست و تناقض آشکاری با اصول قانون اساسی خود جمهوری اسلامی داشت که مدعی حمایت از ملت‌های مظلوم در برابر نظام‌های ظالم است. گزینه‌ی حمایت از اسد، نظام ایران را وادار کرد تا منافع استراتژیک و اتحادهای خود را با حکومت‌ها، صرف نظر از میزان ظلمی که مرتکب می‌شوند، در اولویت قرار دهد. این رویکرد، تعهد به اصول قانون اساسی خودش و حمایت از مردم و خواسته‌های آنان را قربانی ملاحظات سیاسی و منافع ژئوپلیتیک رژیم کرد.

از این منظر و با توجه به این ملاحظات، با آنچه می‌توان ترجیح مصلحت استراتژیک بر مسائل عقیدتی توصیف کرد، که در آن مصلحت به سطح ایدئولوژیک ارتقا یافته، می‌توان مسیر طولانی روابط میان نظام تهران و نظام سابق در دمشق را درک کرد.

همچنین از همین زاویه می‌توان مقاومت رهبر جمهوری اسلامی در پذیرش خطای استراتژیک خود را که در قمار بر روی نظام سوریه و رئیس آن مرتکب شد، فهمید. این مقاومت با وجود نشانه‌های متعددی که طی سال‌های گذشته ظاهر شد و خطر اعتماد به این نظام و عدم پیش‌بینی احتمال خیانت آن را آشکار کرده بود، همچنان ادامه داشت. برای سخن گفتن از این خیانت و چرخش پس از فروپاشی و فرار رئیس رژیم سوریه شاید دیگر خیلی دیر باشد.

*منبع: ایندپیندنت عربی

*نویسنده: حسن فحس نویسنده و تحلیلگر لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اسلامی متوجه شدند که توان تغییر معادله جدید را ندارند در نتیجه، رژیم ایران ناچار شد به حداقل امتیازات محدود به تامین امنیت اقلیت شیعه و زیارتگاه‌های مذهبی و فرقه‌ای بسنده کند و هیچ اشاره‌ای به آینده و سرنوشت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی کلانی که در خاک سوریه کرده بود، نکند. جمهوری اسلامی همچنین به زیان‌هایی اعتباری و نظامی که در نتیجه حمایت از اسد و رژیم او در طول ۱۴ سال بحران که ممکن است به حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برسد نیز هیچ اشاره‌ای یا توجیهی نکرد.

خامنه‌ای با وجود تمام هشدارهای داخلی که از سوی برخی مقامات بلندپایه نظام و انقلاب، از جمله هاشمی رفسنجانی درباره پیامدهای حمایت بی‌قید و شرط از اسد در سرکوب اعتراضات مردمی در آغاز خیزش سوریه صادر شده بود، هیچ اعتنایی نکرد و با اینکه حجم جنایات رژیم بشار اسد غیرقابل چشم‌پوشی بود اما واکنش خامنه‌ای اصرار بر ادامه این حمایت‌ها بود.

رهبر جمهوری اسلامی نه تنها به هشدارها توجیهی نکرد بلکه سطح و اهمیت این حمایت را افزایش داد و آن را به عنوان دفاع از بقای نظام و جلوگیری از سقوط دمشق به دست مخالفان اسد قلمداد کرد.

نظام ایران این مسئله را دفاع از تهران توصیف می‌کرد تا جایی که یکی از مقامات رژیم استدلال کرد که از دست دادن استان خوزستان، با تمام اهمیت استراتژیک آن در اقتصاد و منابع نفتی، تأثیر و خطراتی به اندازه از دست دادن نفوذ و نقش حکومت ایران در سوریه و نظام آن نخواهد داشت.

این مواضع که نظام ایران در حمایت از رژیم سوریه اتخاذ

● مواضع رهبر رژیم ایران در دو سخنرانی اخیر پس از سقوط نظام سوریه، با اینکه به نوعی اعتراف ضمنی یا غیرمستقیم به شکست پروژه جمهوری اسلامی در منطقه محسوب می‌شود، نشانگر از دست رفتن پل استراتژیک اصلی این پروژه است.

● گزینه‌ی حمایت از اسد، نظام ایران را وادار کرد تا منافع استراتژیک و اتحادهای خود را با حکومت‌ها، صرف نظر از میزان ظلمی که مرتکب می‌شوند، در اولویت قرار دهد.

● با توجه به این ملاحظات، یا آنچه می‌توان ترجیح مصلحت استراتژیک بر مسائل عقیدتی توصیف کرد، که در آن مصلحت به سطح ایدئولوژیک ارتقا یافته، می‌توان مسیر طولانی روابط میان نظام تهران و نظام سابق در دمشق را درک کرد.

حسن فحس (ایندپیندنت عربی) - علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی همچنان سیاست انکار را در برخورد با رویداد سوریه و تغییرات این کشور، فروپاشی نظام هم‌پیمان و فرار رئیس آن، بشار اسد به روسیه دنبال می‌کند مواضع رهبر رژیم ایران در دو سخنرانی اخیر پس از سقوط نظام سوریه، با اینکه به نوعی اعتراف ضمنی یا غیرمستقیم به شکست پروژه جمهوری اسلامی در منطقه محسوب می‌شود، نشانگر از دست رفتن پل استراتژیک اصلی این پروژه است. این پل استراتژیک، عمق فلات ایران را به سواحل دریای مدیترانه متصل می‌کرد و به ایران امکان کنترل یا مشارکت از موضع قدرت و تأثیرگذاری قوی در معادلات منطقه‌ای و اقتصادی را می‌داد. همچنین نقش کلیدی جغرافیای سوریه در خطوط انتقال منابع طبیعی مانند نفت و گاز به جهان مصرف‌کننده این ثروت‌ها از دست رفت.

علاوه بر این شکست، پروژه رژیم ایران دچار زبانی دیگر با بُعد عقیدتی و ایدئولوژیک شد. این شکست از زمانی آغاز شد که جمهوری اسلامی شعارهای دینی و ایدئولوژیک نظیر «امروز ایران و فردا فلسطین» را مطرح کرد و طی دهه‌های گذشته و در طول عمر «انقلاب اسلامی» به سرمایه‌گذاری در مسئله فلسطین پرداخت. رژیم ایران تلاش کرد خود را به عنوان حامی و مدافع این مسئله عقیدتی و دینی معرفی کند و با مصادره آن، این موضوع را به محور استراتژی خود تبدیل کرده و از آن به عنوان دروازه‌ای برای اعمال نفوذ و مداخله در سیاست‌های منطقه‌ای، به زیان کشورهای منطقه، بهره‌برداری کند.

حکومت ایران ممکن است توان تحمل خسارات وارده به پروژه خود را داشته باشد، از جمله ترور قاسم سلیمانی فرمانده «نیروی قدس» در اوایل سال ۲۰۲۰ و سپس ضربه سختی که با ترور سیدحسن نصرالله دبیرکل «حزب‌الله» متحمل شد. این تحمل‌پذیری ممکن بود در صورتی حفظ شود که رژیم ایران بتواند استمرار نظام سوریه و بقای اسد در قدرت را تضمین کند، زیرا این امر به آن امکان جبران و ترمیم سریع را می‌داد. اما سرعت تحولات در سوریه و شوک ناشی از تصمیم اسد برای کنار گذاشتن همه چیز و نجات خود بدون هماهنگی با ایران، تهران را در وضعیت از دست دادن تعادل قرار داد. این وضعیت رژیم ایران را مجبور به پذیرش معادله‌ای کرد که در نشست دوحه میان وزرای خارجه مذاکرات «آستانه» ارائه شد. این نشست در شب «فرار بزرگ اسد» برگزار گشت و زمامداران جمهوری

زندان‌های بشار اسد از زمان پدرش برای سوریه ماند!



بشار اسد و محمدجواد ظریف؛ دمشق؛ ۳ سپتامبر ۲۰۱۸

شده بود، یا اینکه او می‌دانست که اسرائیلی‌ها قادرند در عرض یک ساعت وارد دمشق شوند و رژیم او را سرنگون کنند، چراکه فاصله‌اش با آن جز از مرز جولان تا پایتخت سوریه نیست.

حافظ اسد بیشتر عمر خود را صرف حفظ قدرت کرد و حتی در این مسیر درباره مسئله فلسطین اغراق می‌کرد. او تلاش فلسطینی‌ها برای تأسیس دولت‌شان را با ترورهای هدفمند و تبلیغات ضد آنها شکست داد. اما قبل از مرگ، او مسیر را برای طرح صلحی هموار کرد که در ژنو به مذاکره گذاشته شد. هنگامی که بشار اسد به قدرت رسید، اسرائیلی‌ها به دلیل عدم اعتماد به او، عقب‌نشینی کردند.

حافظ اسد به دلیل زیرکی در روابط خارجی‌اش شناخته می‌شد و از محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی آگاهی بیشتری داشت. در مقابل، صدام حسین به نادانی و علاقه‌اش به نمایش قدرت علیه دشمنانش مشهور بود و حتی در سال ۱۹۷۹ ویدئوی عملیات تصفیه‌ی معروف هم‌حزبی‌هایش را به احزاب و سفارتخانه‌ها ارسال کرد!

بشار اسد از پدرش حکومتی ناکام به ارث برد. او حدود ربع قرن به عنوان رئیس‌جمهور کشور باقی ماند، بدون آنکه دستاوردهای توسعه‌ای یا اصلاحات اداری قابل توجهی داشته باشد. او تصمیمات فاجعه‌باری در سیاست‌های داخلی و خارجی سوریه گرفت. پرسشی که همچنان بی‌پاسخ مانده این است که چرا و از چه زمانی ارتباط او با رژیم ایران آغاز شد؟ و چه نقشی در عملیات‌های گسترده ترور در لبنان به نفع «حزب‌الله» ایفا کرده است؟ این پرسش‌ها همچنان جای بحث و کند و کاو دارند.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

اتفاق افتاد. سوال این است که چگونه او به نخست‌وزیر و سپس رئیس‌جمهور تبدیل شد، در حالی که مسئول این شکست بود، در حالی که همتای مصری‌اش، ژنرال عبدالحکیم عامر پس از شکست خودکشی کرد یا احتمالاً در زندان کشته شد.

بسیاری از اسناد محرمانه غربی مربوط به آن دوره اکنون در دسترس است، اما در این اسناد هیچ شواهدی برای تایید نظریه‌ای که می‌گوید حافظ اسد با حمایت اسرائیلی‌ها یا غرب به قدرت رسید وجود ندارد. با این حال، خود نظام سوریه در سطوح بالای خود دچار نفوذ شده بود. یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها داستان جاسوس اسرائیلی، ایلی کوهن است که تحت نام جعلی کامل «امین ثابت» در همان سالی که حافظ اسد رئیس‌جمهور شد، فعالیت خود را آغاز کرد و پس از چهار سال شناسایی و اعدام شد.

در سطح سیاسی، حافظ اسد نقش خود را در اردوگاه شوروی در دوران جنگ سرد ایفا کرد و با نفوذ آمریکا مقابله می‌کرد. او شبکه پیچیده‌ای برای گروه‌های تروریستی تحت نام آزادی فلسطین ساخت که بیشتر عملیات‌های آنها علیه آمریکایی‌ها بود و همچنین رهبران فلسطینی مخالف و کشورهای عربی نزدیک به واشنگتن را هدف قرار می‌داد. حافظ اسد پشت ترور نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین در لندن، پاریس و بروکسل بود و همچنین در سال ۱۹۷۴ تلاش کرد یاسر عرفات را ترور کند.

به نظر من، حافظ اسد بطور مستقیم با اسرائیلی‌ها ارتباط نداشت، اما او از قدرت آنان آگاه بود و محاسبه می‌کرد. هیچگاه حتی یک گلوله به سوی اسرائیل شلیک نکرد، با اینکه او یکی از سرسخت‌ترین حامیان ادعای دشمنی با اسرائیل بود. این یا یک توافق پنهانی با اسرائیلی‌ها بود که فراتر از تفکیک درگیری‌ها بود، که توسط هنری کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا طراحی

● حافظ اسد پدر بشار بر یک رابطه استراتژیک با اتحاد جماهیر شوروی تکیه داشت که همراه با آلمان شرقی، فناوری سرکوب سازمانیافته را به او منتقل کردند.

● نظام سرکوبگر حافظ اسد شباهت زیادی به نظام صدام حسین رئیس‌جمهور پیشین عراق داشت. هر دو نظام بعثی بودند و هر دو رهبر از طریق کودتا علیه حزب خود به قدرت رسیدند و هم‌حزبی‌های خود را حذف کردند. صدام و حافظ مدتی را در قاهره گذراندند و تحت تأثیر جمال عبدالناصر قرار گرفتند. هر دو نظام به سرکوب و خشونت شهرت داشتند و صدها هزار نفر در زندان‌های این دو رژیم بعثی جان خود را از دست دادند.

● حافظ اسد بیشتر عمر خود را صرف حفظ قدرت کرد و حتی در این مسیر درباره مسئله فلسطین اغراق می‌کرد. او تلاش فلسطینی‌ها برای تأسیس دولت‌شان را با ترورهای هدفمند و تبلیغات ضد آنها شکست داد.

● حافظ اسد به دلیل زیرکی در روابط خارجی‌اش شناخته می‌شد و از محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی آگاهی بیشتری داشت. در مقابل، صدام حسین به نادانی و علاقه‌اش به نمایش قدرت علیه دشمنانش مشهور بود و حتی در سال ۱۹۷۹ ویدئوی عملیات تصفیه‌ی معروف هم‌حزبی‌هایش را به احزاب و سفارتخانه‌ها ارسال کرد!

● بشار اسد از پدرش حکومتی ناکام به ارث برد. او حدود ربع قرن به عنوان رئیس‌جمهور کشور باقی ماند، بدون آنکه دستاوردهای توسعه‌ای یا اصلاحات اداری قابل توجهی داشته باشد. او تصمیمات فاجعه‌باری در سیاست‌های داخلی و خارجی سوریه گرفت. پرسشی که همچنان بی‌پاسخ مانده این است که چرا و از چه زمانی ارتباط او با رژیم ایران آغاز شد؟ و چه نقشی در عملیات‌های گسترده ترور در لبنان به نفع «حزب‌الله» ایفا کرده است؟

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - بسیاری درباره زندان‌های بشار اسد سخن گفته و مقاله نوشته‌اند. گفته می‌شود حدود دویست هزار زندانی و گمشده در این اسارتگاه‌ها وجود دارد. اما واقعیت این است که بشار اسد آن کسی نیست که خشونت را به عنوان ابزاری برای کنترل آغاز کرد بلکه این سیاست، همراه با کارکردها و نهادهایش، از پدرش حافظ اسد به وی به ارث رسید.

حافظ اسد پدر بشار بر یک رابطه استراتژیک با اتحاد جماهیر شوروی تکیه داشت که همراه با آلمان شرقی، فناوری سرکوب سازمانیافته را به او منتقل کردند.

تصادفی نیست که نظام سرکوبگر حافظ اسد شباهت زیادی به نظام صدام حسین رئیس‌جمهور پیشین عراق داشت. هر دو نظام بعثی بودند و هر دو رهبر از طریق کودتا علیه حزب خود به قدرت رسیدند و هم‌حزبی‌های خود را حذف کردند. صدام و حافظ مدتی را در قاهره گذراندند و تحت تأثیر جمال عبدالناصر قرار گرفتند. هر دو نظام به سرکوب و خشونت شهرت داشتند و صدها هزار نفر در زندان‌های این دو رژیم بعثی جان خود را از دست دادند.

در مورد چگونگی به قدرت رسیدن حافظ اسد، نظریه‌های مبنی بر توطئه و سخنان زیادی وجود دارد. او به سرعت به درجه سرتیپی رسید، سپس فرمانده نیروی هوایی و وزیر دفاع شد، در حالی که شکست ۱۹۶۷ تحت فرماندهی او

روابط به ظاهر تقویت کننده‌ای که سرانجام باعث سقوط رژیم بشار اسد شد



بشار اسد و پدرش حافظ اسد

حقیقت پی بردند. بشار اسد در آغاز اتحادش با رژیم ایران، برای تأثیرگذاری بر تصمیمات لبنان برنامه‌ریزی می‌کرد و با ترور رفیق حریری و چندین رهبر دیگر تلاش کرد تا حزب الله را به ویژه پس از خروج نیروهای سوری از لبنان به حاکم بی‌رقیب آن کشور تبدیل کند.

او سپس جسارت به خرج داد و مرزهای جنوبی سوریه را به روی گروه‌های مسلح باز کرد تا به نظام جدید بغداد که تحت حمایت واشنگتن بود حمله کنند. این اقدام بهانه‌ای شد برای همسایگان، اردن و ترکیه، تا مرزهای خود را در سال ۲۰۱۲ به روی مخالفان سوری باز کنند. همه اینها در حالی نهایتاً به سقوط حکومت او منجر شد که در ظاهر به نظر می‌رسید به تقویت رژیم وی یاری می‌رساند!

از دید واقع‌گرایانه می‌توان اتحادها را در چارچوب کشمکش‌های منطقه‌ای درک کرد، به ویژه با توجه به رابطه قوی حافظ اسد با تهران، به عنوان یک بازیگر مهم. بشار اسد نیز همین مسیر را ادامه داد اما با این تفاوت که در جنگ‌های رژیم ایران در لبنان و عراق غرق شد. عبدالحلیم خدام می‌گوید بشار اسد در سال ۲۰۱۱ [همزمان با شروع اعتراضات مخالفان علیه رژیم بشار اسد] تصمیم سرنوشت‌ساز برای نزدیکی کامل با تهران گرفت. اما به نظر من، همانطور که پیشتر اشاره کردم، دخالت او در جنگ‌هایی که رژیم ایران در آنها دخیل بود، از سال‌ها پیش از آن آغاز شده بود.

آیا حمایت استثنایی تهران از رسیدن بشار اسد به قدرت در سال ۲۰۰۰ باعث شد که او همواره نقش یک نماینده، شبیه به حزب الله لبنان را ایفا کند؟ تعداد کمی از افراد از اتفاقات بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۴ اطلاع دارند، اما همین دوره نقشی کلیدی در شکل گرفتن سرنوشت بشار اسد و سرانجام سقوط وی ایفا کرد.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: عبدالرحمن الراشد

ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

با همان سیاست «کج دار و مریز»، حافظ اسد به کردهای ترکیه نیز پناه داد، اما زمانی که آنکارا وی را تهدید کرد، حمایت خود را متوقف نمود و رهبر آنها را غیرمستقیم تحویل ترکیه داد. برای درک رابطه حافظ اسد با ایران در دوران جمهوری اسلامی باید به پیچیدگی آن توجه کرد. او از رژیم ایران به عنوان ابزاری برای ایجاد توازن ژئوپلیتیک علیه دشمن خود، صدام حسین، استفاده می‌کرد تا مانع از سرنگونی خود شود. همچنین از تهران برای تقویت موقعیت خود در ریاض بهره می‌برد و نقش‌های مکرری در کاهش تنش‌ها میان حکومت ایران و سایر کشورها ایفا کرد. پس از انفجار الخبر در سال ۱۹۹۶، او برخی از فراریان سعودی را، وقتی معلوم شد که در دمشق پناه گرفته بودند، به عربستان تحویل داد. اما در عین حال، فرار رهبر این گروه به تهران را نیز تسهیل کرد.

برای درک این رابطه، عبدالحلیم خدام از سیاست حافظ اسد در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران می‌گوید، در سال ۱۹۸۵ زمانی که رفسنجانی برای درخواست حمایت اسد در جنگ با عراق به سوریه آمد، او تلاش کرد تا حافظ اسد را قانع کند که پیروزی ایران بر صدام، جایگاه سوریه را در برابر ترکیه، اسرائیل و عراق تقویت خواهد کرد. اما حافظ اسد با احتیاط، از تعمیق این رابطه در میانه‌ی بی‌ثباتی منطقه خودداری کرد. بدون شک یکی از دلایل سقوط نظام بشار اسد، شکست او در مدیریت سیاست خارجی‌اش بود، به‌ویژه در اتحاد با جمهوری اسلامی در ایران. در حالی که پدرش، حافظ اسد، رابطه‌ای محکم با نظام خمینی داشت و اهمیت آن را نیز درک می‌کرد، اما از مشارکت و جانبداری در جنگ ایران و عراق خودداری کرد. با این حال، او نیز مانند اسرائیل و لیبی، بطور مخفیانه موشک‌های اسکا‌د به رژیم ایران فروخت.

اما بشار اسد در ابتدای ریاست جمهوری‌اش چنین وانمود می‌کرد که مسیر سیاست خارجی سوریه را به سمت غرب تغییر داده و از مسکو و تهران دور شده اما خیلی زود، کسانی که ابتدا به این سیاست دل بسته بودند، از جمله عربستان سعودی، اسپانیا، فرانسه و ایالات متحده، به

حافظ اسد در هفته‌های پایانی زندگی‌اش، در مارس ۲۰۰۰ تصمیم به مذاکره با اسرائیل گرفت. او در عجله بود و می‌خواست پرونده‌های باقیمانده را پیش از واگذاری قدرت به پسرش، بشار، به پایان برساند و با وجود بیماری به ژنو پرواز کرد و از طریق بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا که میانجی بین دمشق و تل‌آویو بود، با نخست‌وزیر وقت اسرائیل، اهود باراک، مذاکره کرد.

بشار اسد سیاست‌هایی را به ویژه در نزدیکی کامل با رژیم ایران در پیش گرفت که اگرچه در ظاهر به نظر می‌رسید که سبب تقویت او می‌شود اما در نهایت به سقوط رژیم او منجر شد!

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - در ارتباط با مقاله

قبلی‌ام پرسش‌هایی درباره عمق رابطه بشار اسد با تهران از من پرسیده شد. بشار اسد رژیم تهران را دیواری محکم می‌دانست که به آن تکیه کرده بود. تهران در سال ۲۰۱۴ او را از سرنگونی نجات داد اما سرانجام پس از ده سال نتوانست جلوی سقوط او را بگیرد.

حافظ اسد در هفته‌های پایانی زندگی‌اش، در مارس ۲۰۰۰ تصمیم به مذاکره با اسرائیل گرفت. او در عجله بود و می‌خواست پرونده‌های باقیمانده را پیش از واگذاری قدرت به پسرش، بشار، به پایان برساند و با وجود بیماری به ژنو پرواز کرد و از طریق بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت آمریکا که میانجی بین دمشق و تل‌آویو بود، با نخست‌وزیر وقت اسرائیل، اهود باراک، مذاکره کرد. طرح توافق شامل پس گرفتن بلندی‌های جولان بود، بدون اشاره به تشکیل یک دولت فلسطینی. اسرائیلی‌ها که از آماده ساختن بشار اسد برای رسیدن به قدرت مطلع بودند، اطمینان نداشتند که او در میان کشمکش‌های پنهانی به قدرت برسد. حافظ ده هفته پس از نشست ژنو درگذشت.

بشار اسد اما تنها زمانی به مذاکره با اسرائیلی‌ها بازگشت که در سال ۲۰۱۱ اعتراضات علیه او آغاز شد. نتانیاهو همچنان به توانایی وی در قطع رابطه با تهران و «حزب‌الله» شک داشت و به همین دلیل درخواست مذاکره را رد کرد.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که عمر حکومت حافظ اسد را طولانی کرد، توانایی او در مدیریت روابط خارجی با رقبایش بود. او پس از شکست سال ۱۹۷۳ در رویارویی مستقیم با اسرائیل خودداری کرد. در حالی که بشار اسد سوریه را در چنگ امپراتوری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار داد تا بعدها به ناچار هدف نابودی قرار بگیرد. ولی چرا حافظ اسد توافق صلح با اسرائیل را امضا نکرد، در حالی که روابط محرمانه با آن داشت؟ نزدیک‌ترین دستیار او، عبدالحلیم خدام گفته است که حافظ اسد از این می‌ترسید که گفته شود اقلیت علوی صلح با دشمن را امضا کرده است.

اما در مورد درگیری‌های او با اسرائیل از طریق لبنان چه؟ در واقع سوریه طی سی سال در لبنان هیچ حمله‌ای به اسرائیل انجام نداد. بلکه نقش یک نیروی نظامی برای متوقف کردن فعالیت‌های گروه‌های فلسطینی و بعداً تا حدودی حزب‌الله را ایفا می‌کرد.

بشار اسد اما خطرات را گسترش داد. استراتژی حافظ اسد این بود که تا وقتی اسرائیل بلندی‌های جولان را اشغال کرده، کنترل لبنان را در دست داشته باشد. او از لبنان به عنوان یک اهرم در مرادده با کشورهای عربی استفاده می‌کرد و نقش واسطه در گروگانگیری غربی‌ها را بر عهده گرفت.

آیا دمشق مبتلا به عارضه‌ی ۱۹۷۹ شده است؟



ابومحمد الجولانی / دمشق / دسامبر ۲۰۲۴

● آیا اکنون نوبت سوریه است که پس از رهایی از یکی از ظالمانه‌ترین و سرکوبگرترین رژیم‌های جهان، مسیری نو آغاز کند؟ آیا ممکن است جهان عرب که به تازگی افراطگرایی را کنار زده، القاعده و داعش را شکست داده، حزب‌الله را به حاشیه رانده و اخوان‌المسلمین را دور کرده، در دمشق دوباره شاهد تولد افراطگرایی باشد؟

● سال ۱۹۷۹ نمادی شاخص از آغاز افراطگرایی و شکست محتوم آن به شمار می‌رود. این سال، نمایانگر فاجعه‌ای است که طی نیم‌قرن گذشته بر منطقه سایه انداخته است.

عبدالرحمن الراشد (الشرق الاوسط) - منطقه خاورمیانه در دهه‌های اخیر تحت تأثیر سندروم (عارضه) افراطگرایی اسلامی بوده که پیشینه‌ی آن به سال ۱۹۷۹ می‌رسد؛ همان سالی که آیت‌الله خمینی در ایران به قدرت رسید و حکومتی دینی را بر مبنای یک ایدئولوژی افراطی بنا کرد که موج آن به تمام منطقه سرایت کرد. این موج به جوامع عربی نیز نفوذ کرد و حتی ساختار برخی حکومت‌ها را نیز در دهه ۹۰ میلادی و پس از آن تحت تأثیر قرار داد.

آیا اکنون نوبت سوریه است که پس از رهایی از یکی از ظالمانه‌ترین و سرکوبگرترین رژیم‌های جهان، مسیری نو آغاز کند؟ آیا ممکن است جهان عرب که به تازگی افراطگرایی را کنار زده، القاعده و داعش را شکست داده، حزب‌الله را به حاشیه رانده و اخوان‌المسلمین را دور کرده، در دمشق دوباره شاهد تولد افراطگرایی باشد؟

بدون شک نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و البته در میان خود سوری‌ها، وجود دارد که مبدا نیروهای افراطی به قدرت برسند و سوریه و منطقه را درگیر بحران‌ها و جنگ‌های تازه کنند. این در حالیست که ۲۳ میلیون نفر جمعیت سوریه به ثبات سیاسی، رشد اقتصادی و زندگی شایسته نیاز دارند. گروه «هیئت تحریر الشام» تا کنون نشانه‌هایی از سازگاری با نظام‌های اجتماعی و بین‌المللی نشان داده است. این گروه در مرادوه با تنوع قومی و مذهبی سوریه حساسیت‌هایی از خود بروز داده و رهبر آن، احمد الشرع (جولانی)، در بیانیه‌هایی اطمینان داده که هدف آنها برپایی کشوری برای همه مردم سوریه است و به دنبال تحمیل دیدگاهی افراطی به سوریه و جهان نیستند.

البته تصویر روشن‌تر زمانی نمایان خواهد شد که وضعیت سوریه تثبیت شود و حکومت جدید فعالیت‌های خود را آغاز کند. اما در حال حاضر، می‌بایست امیدوار بود که نیروهای درگیر در انقلاب سوریه از تجربیات سخت گذشته درس گرفته باشند. خود احمد الشرع نیز از قرار معلوم تغییرات فکری قابل‌توجهی را از سر گذرانده است. او که اکنون ۴۲ ساله است، آرام‌تر و پخته‌تر از زمانی به نظر می‌رسد که در دهه بیست زندگی‌اش بود. همچنین می‌توان فرض کرد که این نیروها با توجه به تجربه کشورهای همسایه، متوجه شده باشند که افراطگرایی چه عواقب مخربی می‌تواند داشته باشد.

تاریخ نشان داده که هیچ حکومت افراط‌گرای دینی موفق نبوده است. تمامی این حکومت‌ها یا پیش از تثبیت کامل سقوط کرده‌اند یا پس از مدتی فروپاشیده‌اند؛ رژیم خمینی در ایران نیز تا کنون، با وجود استمرار، نمونه‌ای از شکست و عبرت‌آموزی است.

رژیم جمهوری اسلامی، ایران را از کشوری آباد به کشوری فقیر تبدیل کرد و تمام منابع آن را صرف آرمان‌های مذهبی افراطی خود کرد. اکنون نیز با بحران‌های خارجی و اعتراضات

ظهور «الشرع» در دمشق و جام زهر حکومت‌های روسیه و ایران

● آیا «هیئت تحریر الشام» در دوره کمون خود در ادب تغییر کرده و آیا حالا آماده است با حقایق ترکیب اجتماعی سوریه، توازن‌های منطقه‌ای و شروط بین‌المللی کنار بیاید؟ بسیاری بر این باورند که سوریه می‌تواند با نسخه جدید احمد الشرع همراه شود، اما قطعاً نمی‌تواند زیر سایه نسخه‌ای که «ابو محمد الجولانی» نمایندگانش بود، دوام بیاورد.

● اگر در دوران اسد، حکومت ایران نقش هدایت‌کننده داشت، ممکن است در دوران احمد الشرع این نقش به ترکیه واگذار شود. اما باید منتظر ماند و دید اردوغان چه تضمین‌ها و قول‌های متقابلی به روسیه و جمهوری اسلامی داده است.

● پس از رفتن بشار اسد، اسرائیل با حملات نظامی واکنش نشان داد و آخرین ظرفیت‌های ارتش سوریه را نابود کرد. گویی پیش‌بینی می‌کند که سوریه جدید احتمال دارد منبع خطرات باشد نه ثبات. آیا ترکیه ارتش جدید سوریه را خواهد ساخت و مسلح خواهد کرد؟ آیا اسرائیل می‌پذیرد که ترکیه در نزدیکی مرزهایش حضور داشته باشد، پس از اینکه جنگی طولانی برای دور کردن جمهوری اسلامی از این مرزها به راه انداخت؟ آیا رژیم ایران نقش منطقه‌ای برتر ترکیه را خواهد پذیرفت یا منتظر بازگشت وضعیت جدید سوریه به آشفتگی است؟

غسان شریل (الشرق الاوسط) - به ندرت پیش می‌آید که همه نگاه‌ها، از محلی تا منطقه‌ای و جهانی، به سمت یک نفر معطوف شود. این اتفاق تنها در بزنگاه‌های مهم تاریخی رخ می‌دهد. ساده نیست که مردی چهل ساله در میدان مسجد اموی دمشق ظاهر شود و طومار بیش از نیم قرن حکومت خانواده اسد را در هم بپیچد. سرنگونی حزب بعث سوریه به دست خود سوری‌ها می‌تواند پیامدهایی داشته باشد که حتی از سرنگونی مجسمه صدام حسین به دست نیروهای آمریکایی در عراق نیز فراتر برود.

صحنه شگفت‌انگیز یا شاید وحشتناک بود. احمد الشرع در میدان مسجد اموی ایستاده، در حالی که بشار اسد دوران بازنشستگی‌اش را در تبعیدگاه روسی خود آغاز کرده است. هیجان این لحظه وقتی بیشتر می‌شود که الشرع مردی ناشناخته نیست؛ او پیشتر با نام «ابومحمد الجولانی» شناخته می‌شد. مردی که نام وی در میان خبرها و ماجراهای مربوط به ابومصعب الزرقاوی، ابوبکر البغدادی و

داخلی روبرو است. افراط‌گرایان همچنین در سودان حکمرانی کرده و آن را به ویرانی کشاندند.

در مصر، تنها یک سال قدرت را در دست گرفتند و مردم بار دیگر به خیابان‌ها ریختند تا آنها را کنار بزنند.

نمونه‌های دیگری از این دست در لبنان، لیبی، سومالی، یمن و سایر کشورها دیده می‌شود که گروه‌های مسلح افراطی باعث تخریب کشورشان شده‌اند.

بنابراین حاکمان جدید دمشق هیچ الگوی موفق برای الهام گرفتن ندارند.

سال ۱۹۷۹ نمادی شاخص از آغاز افراطگرایی و شکست محتوم آن به شمار می‌رود. این سال، نمایانگر فاجعه‌ای است که طی نیم‌قرن گذشته بر منطقه سایه انداخته است. خمینیسیم*، قطب‌گرایی**، سروریسم*** و حوثیسم همگی دنباله‌ای از جریان‌های ایدئولوژیک هستند که مانند کمونیسم، سوسیالیسم و بعثیسم فقط به دنبال قدرت بوده‌اند.

سوریه نیز تحت حکومت بعثی، سهم خود را از این جریان‌ها گرفت: حکومتی نظامی که برای دو نسل در خانواده اسد متمرکز بود. اگر حکومت جدید سوریه جای خود را به ایدئولوژی افراط‌گرای اسلامی بدهد، شب سوریه طولانی خواهد بود. به همین دلیل است که سازمان ملل و قدرت‌های بین‌المللی مختلف، از حکومت‌گران جدید دمشق می‌خواهند که سیاست مشارکت همگانی را اتخاذ کرده و همه را در حکومت دخیل کنند. این سیاست نه تنها بازتابی از تنوع اجتماعی و سیاسی سوریه خواهد بود، بلکه مهم‌تر از آن، تنها راه جلوگیری از هرج و مرج، جنگ داخلی و مداخله خارجی است.

*خمینیسیم: جریان اسلامگرایی پیرو تفکرات و سیاست روح‌الله خمینی

**قطبی‌گرایی: تفکرات و سیاست سیدقطب از «اخوان المسلمین» مصر که حکومت شریعت اسلامی را ترویج می‌کرد و سال ۱۹۷۹ خمینی نسخه شیعی آن را در ایران پیاده کرد.

***سروریسم: پیروان شیخ محمد سرور زین العابدین از اخوان المسلمین که جنبش الصحوه را پس از سال ۱۹۷۹ و آمدن خمینی در عربستان سعودی به راه انداخت. وی اهل حوران سوریه بود اما در دانشگاه ملک عبدالعزیز در عربستان سعودی تدریس می‌کرد

*منبع: روزنامه الشرق الاوسط
*نویسنده: عبدالرحمن الراشد
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

رژیم ایران نیز از گذرگاه سوریه به لبنان عقب نشست. اگر در دوران اسد، حکومت ایران نقش هدایت‌کننده داشت، ممکن است در دوران احمد الشرع این نقش به ترکیه واگذار شود. اما باید منتظر ماند و دید اردوغان چه تضمین‌ها و قول‌های متقابلی به روسیه و جمهوری اسلامی داده است.

پس از رفتن بشار اسد، اسرائیل با حملات نظامی واکنش نشان داد و آخرین ظرفیت‌های ارتش سوریه را نابود کرد. گویی پیش‌بینی می‌کند که سوریه جدید احتمال دارد منبع خطرات باشد نه ثبات. آیا ترکیه ارتش جدید سوریه را

پیوندند؟ سوریه‌ای که در مرزهای خود زندگی کند، بدون خیالپردازی درباره نقش‌های تحمیلی منطقه‌ای و صدور مدل‌هایی که همسایگانش نمی‌خواهند؟

الشرع در میدان اموی ظاهر و لرزش سوریه کامل شد: سوریه‌ای بدون اسد، بدون رژیم ایران، بدون حزب‌الله و محور مقاومت که دست کم در شرایط فعلی مجبور به بازنشستگی شده و راه تهران- بیروت که قاسم سلیمانی با خونریزی و میلیاردها دلار طی سال‌ها فعالیت آن را ساخته بود، به شکل کامل قطع شده است. سقوط اسد حزب‌الله را به مرزهای لبنان بازگرداند و رهبر فعلی این گروه اکنون به

اختلاف‌هایش با آنها در میان ماجراهای القاعده، داعش و جبهه‌النصره بارها شنیده شده بود، تا سرانجام به «هیئت تحریر الشام» رسید.

حالا این حق مردم سوریه، منطقه و جهان است که بپرسند این مرد چه در ذهن دارد و در شریان‌های فکری او چه می‌گذرد؟ اولین پرسش این است که احمد الشرع چه می‌خواهد؟ آیا تغییر لباس او نشان‌دهنده تغییر در مفاهیم و دایره واژگان اوست؟ سوریه‌ای که او می‌خواهد چگونه است؟ آیا او توان مدیریت سلاح‌هایی را دارد که او را به دمشق رسانده‌اند و به وی لقب «مرد قدرتمند سوریه» داده



محمد الجولانی در دمشق / ۸ دسامبر ۲۰۲۴

خواهد ساخت و مسلح خواهد کرد؟ آیا اسرائیل می‌پذیرد که ترکیه در نزدیکی مرزهایش حضور داشته باشد، پس از اینکه جنگی طولانی برای دور کردن جمهوری اسلامی از این مرزها به راه انداخت؟ آیا رژیم ایران نقش منطقه‌ای برتر ترکیه را خواهد پذیرفت یا منتظر بازگشت وضعیت جدید سوریه به آشفتگی است؟

جهان برای «جمهوری کپتاگون» اسد اشکی نریخت. وحشت ظلم، قتل و شکنجه در زندان صیدنایا هیچ مجالی برای تأسف باقی نگذاشته است. تصویر دستگاه‌های فشرده‌سازی اجساد در تلویزیون‌ها، حتی تخیلات بهترین نویسندگان داستان‌های بی‌رحمی و قساوت را به چالش کشیده است.

اکنون اگرچه ظهور الشرع جام زهر را به رژیم سوریه و متحدانش نشانده اما مهم‌ترین مسئله دور نگاه‌داشتن سوریه از زهر هرج و مرج، خشونت، تروریسم و جنگ داخلی میان قشرهای مختلف سوری است.

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: غسان شریل مدیرمسئول روزنامه الشرق الاوسط

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

از دست دادن مسیر لجستیک و تدارکاتی اذعان می‌کند که سوریه «محور» آن در منطقه بود. اینست که ما با سوریه‌ای جدید و لبنان دیگری روبرو هستیم.

ظهور الشرع زنگ هشدار را در پایتخت‌های منطقه نیز به صدا درآورده است. سوریه با شریان‌های منطقه‌ای پیوند خورده و آینده‌اش می‌تواند امنیت، ثبات و توازن‌های موجود را تحت تأثیر قرار دهد:

بغداد بیم دارد که تغییر معادلات در سوریه، هوس تغییر معادلات در عراق را دوباره بیدار کند.

اردن نگران است که سوریه در آستانه چالش‌های خطرناک باشد. دیدار وزیران خارجه عرب در بندر عقبه اردن بیانگر تمایل عربی و بین‌المللی برای پذیرش «یک فرآیند سیاسی فراگیر» است که منجر به سوریه‌ای شود که برای همه اقشار جای داشته باشد. ظهور الشرع طعم و بویی منطقه‌ای و صریح دارد.

ترکیه نقش خود را در سرنگونی بشار اسد پنهان نکرده و به نظر می‌رسد اردوغان نقشی کلیدی در متقاعد کردن روسیه و رژیم ایران برای پذیرش «جام زهر» ایفا کرده است روسیه از بشار اسد، مردی که برای نجات او مداخله نظامی کرده بود، دست کشید.

و شاید القاب جدیدتری در آینده به وی بدهند؟ آیا الشرع می‌تواند از خودسری رفقای جلویی کند که در پی جنگی جدید یا ماجراجویی‌های دیگر هستند؟ آیا «هیئت تحریر الشام» در دوره کمون خود در ادب تغییر کرده و آیا حالا آماده است با حقایق ترکیب اجتماعی سوریه، توازن‌های منطقه‌ای و شروط بین‌المللی کنار بیاید؟ بسیاری بر این باورند که سوریه می‌تواند با نسخه جدید احمد الشرع همراه شود، اما قطعاً نمی‌تواند زیر سایه نسخه‌ای که «ابو محمد الجولانی» نماینده‌اش بود، دوام بیاورد.

پرسش‌ها بی‌شمارند؛ آیا در حال حاضر شرایطی برای ساخت سوریه‌ای بر اساس حقوق شهروندی و دولت متکی بر نهادها فراهم است؟ سوریه‌ای که تحت حاکمیت قانون اساسی باشد که به تکررگویی و حق تفاوت‌ها احترام بگذارد؟ سوریه‌ای که بر پایه عدالت و قانون بنا شده باشد، بدون انتقامجویی و تسویه‌حساب؟ نقش اهل سنت، علویان، درویش‌ها و مسیحیان در این سوریه چیست؟ جایگاه عرب‌ها و کردها کجاست؟ حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی‌های فردی، و نظام‌های آموزشی چه جایگاهی خواهند داشت؟ آیا این سوریه متحد خواهد توانست فقر را ریشه‌کن کند و به قطار توسعه و پیشرفت

گفتگوی شکست خوردگان در نبرد سوریه و تاکتیک‌های بدون استراتژی جمهوری اسلامی



مزارع شیعا بود و نه برای حمله به الجلیل یا دست‌درازی به سکوی فعالیت‌های اسرائیل، بلکه برای تبدیل این کشور به یک سنگر پیشرفته در دریای مدیترانه برای امپراتوری حکومت ملایان در ایران بود.

در یمن اما حوثی‌ها به ابزاری تبدیل شدند که برای هر هدفی جز صلح داخلی و بازسازی به کار گرفته می‌شوند، درست مانند حشد الشعبی در عراق که وظیفه‌ای جز جلوگیری از تشکیل یک دولت مستقل و مقتدر عراقی ندارد رژیم ایران در مشرق عربی از تاکتیک‌های مشابهی استفاده کرد و شعارهای آزادی فلسطین را طبق شرایط زمانی و مکانی که به سود رژیم تهران باشد، سر داد. نتیجه این تاکتیک‌ها همان چیزی را ثابت کرد که ژنرال چینی «سان تزو» پنج قرن پیش از میلاد گفته بود: «تاکتیک‌های بدون استراتژی تنها هیاهوی پیش از شکست هستند».

آنچه ما اخیراً شاهد آن بودیم شکست بزرگ رژیم رژیم جمهوری اسلامی در غزه و لبنان در برابر اسرائیل و در سوریه در برابر ملت سوریه است. اکنون رژیم تهران از این هراس دارد که خود به عنوان هدف بعدی در فهرست نابودی قرار گیرد.

با این حال، رهبری رژیم ایران نمی‌خواهد روایت پیروزمندانه خود دست بکشد. به تعبیر رهبران جمهوری اسلامی، اسرائیل به «حزب‌الله» حمله کرد چون در غزه شکست خورد! و پیروزی انقلاب سوری‌ها نیز به عنوان پاسخی به شکست اسرائیل در غزه و لبنان و با برنامه‌ریزی آمریکایی-اسرائیلی-ترکیه‌ای شکل گرفت.

بر اساس گفته‌های علی خامنه‌ای، جوانان سوریه کشورشان را پس خواهند گرفت، یعنی انقلاب را سرکوب خواهند کرد و سوریه را به رژیم ایران و «محور مقاومت» کذايي ←

دگرگونی‌های آینده‌ی ناشی از این فروپاشی، انتظار داشت

تونی فرانسیس (ایندیپندنت عربی) - سقوط نظام بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه درها را به روی صحنه‌ای جدید در سوریه و خاورمیانه با «غرب آسیا»، آنطور که زمامداران جمهوری اسلامی در ایران می‌نامند، باز کرد؛ صحنه‌ای که در آن تهران با طرح‌های نابودی اسرائیل و بیرون راندن آمریکایی‌ها از منطقه ترسیم می‌شود.

اولین نشانه‌های صحنه جدید برخلاف آنچه ملاها آرزو کرده و دهه‌ها برایش تلاش کرده بودند، ظاهر شد. رژیم ایران مجبور به خروج از سوریه شد و گفتگوی شکست‌خوردگان میان متحدان «آستانه» آغاز گردید آنهم در حالی که آمریکایی‌ها به دمشق بازگشتند و «کشور جعلی اسرائیل» (به تعبیر رژیم ایران) تا حومه دمشق هم پیشروی کرد.

در این صحنه ثابت شد که تاکتیک‌های رژیم ایران در مشرق عربی بر پایه‌ی محکم و با هدف حمایت از نبرد عربی-فلسطینی برای آزادی استوار نبود، بلکه بیشتر تلاشی برای گسترش نفوذ از طریق بهره‌برداری از تنش‌های فرقه‌ای-دینی و قومی در سوریه بود. رژیم ایران بر روی شیعیان لبنان و سوریه تمرکز کرده و شعارهایی در حمایت از اماکن مذهبی شیعیان در دمشق سر داده بود. همین رویکرد را در عراق پیش گرفت و در بحرین نیز تحرکاتی انجام داد و در یمن نیز به همین منظور تلاش کرد. اما هیچکدام از این اقدامات در خدمت استراتژی‌ای که تهران ادعا می‌کند، یعنی «آزادی قدس»، نبوده است.

در سوریه، هدف اصلی رژیم تهران حفاظت از یک نظام دیکتاتور و خون‌آشام بود که فضای نفوذی برای ملاها فراهم می‌کرد. در لبنان، مسلح کردن «حزب‌الله» نه برای آزادی

● اولین نشانه‌های صحنه جدید برخلاف آنچه ملاها آرزو کرده و دهه‌ها برایش تلاش کرده بودند، ظاهر شد. رژیم ایران مجبور به خروج از سوریه شد و گفتگوی شکست‌خوردگان میان متحدان «آستانه» آغاز گردید آنهم در حالی که آمریکایی‌ها به دمشق بازگشتند و «کشور جعلی اسرائیل» (به تعبیر رژیم ایران) تا حومه دمشق هم پیشروی کرد.

● پوتین در مصاحبه اخیر خود پس از سقوط دمشق ضربه‌ای مهلک به بشار اسد و خامنه‌ای وارد کرد. او گفت: «۳۰ هزار نیروی ایرانی و سوری در حلب در برابر ۳۵۰ مخالف مسلح سوری که به این شهر حمله کرده بودند، شکست خوردند و این شکست به فرار نیروهای ارتش سوریه و شبه‌نظامیان ایرانی و تسلیم دومین شهر بزرگ سوریه منجر شد. او در این مصاحبه فاش کرد که تعداد مخالفانی که به حلب حمله کردند، حدود ۳۵۰ نفر مسلح بودند، در حالی که برای حفاظت این شهر ۳۰ هزار نیرو از ارتش سوریه و شبه‌نظامیان ایرانی حضور داشتند. همه این افراد فرار کرده و شهر بزرگ سوریه را تسلیم کردند.

● پوتین همچنین گفت: «پس از اینکه ایرانی‌ها از ما خواستند وارد سوریه شویم، اکنون از ما کمک می‌خواستند تا آنها را از آنجا خارج کنیم».

● نتیجه‌ی تاکتیک‌های جمهوری اسلامی در منطقه همان چیزی را ثابت کرد که ژنرال چینی «سان تزو» پنج قرن پیش از میلاد گفته بود: «تاکتیک‌های بدون استراتژی تنها هیاهوی پیش از شکست هستند».

● طعنه‌های پوتین نسبت به عملکرد جمهوری اسلامی در سوریه طی آخرین سخنرانی خود، شاخص مهمی است که می‌توان از سرنوشت توافق سه‌گانه آستانه (ترکیه، ایران، روسیه) که با فروپاشی رژیم اسد مدفون شد، برای

بازمی‌گرداند.

اما روسیه شریک حکومت ایران در حفظ وضعیت سوریه به نفع اسد، نگاه و نتیجه‌گیری مشابهی با رهبر این حکومت نداشت. ولادیمیر پوتین در کنفرانس مطبوعاتی سالانه خود در هفته گذشته، هم واقع‌بینانه‌تر به درس‌های سوریه نگاه کرد و هم انتقادات و تمسخر بیشتری نسبت به روایت‌های جمهوری اسلامی نشان داد.

پوتین فاش کرد که تعداد اعضای گروه‌های مسلح سوری که به حلب حمله کردند، حدود ۳۵۰ نفر بودند، در حالی که در این شهر ۳۰ هزار نفر از نیروهای ارتش سوریه و شبه‌نظامیان رژیم ایران برای حفاظت از آن شهر حضور داشتند. ولی این نیروها فرار کرده و دومین شهر بزرگ سوریه را تسلیم مخالفان اسد کردند.

پوتین همچنین گفت: «پس از اینکه ایرانی‌ها از ما می‌خواستند وارد سوریه شویم، اکنون از ما درخواست کمک می‌کنند تا آنها را از سوریه خارج کنیم».

او افزود که روسیه در خروج چهار هزار ایرانی از طریق پایگاه حمیمیم نقش داشته است، اینها بجز کسانی بودند که به لبنان و عراق گریختند.

زمامداران رژیم ایران پیشتر هیچگاه به این مسئله اشاره نکرده بودند و حضور هزاران نیروی نظامی خود در سوریه را انکار می‌کردند. آنها تنها از اعزام «مستشاران نظامی» صحبت می‌کردند تا اینکه یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کشته شدن شش هزار نظامی ایران در سوریه پرده برداشت.

واقع‌بینی روسی‌ها باعث شد که عملاً به شکست در سوریه اذعان کنند و اهداف اولیه دخالت خود یعنی «مبارزه با تروریسم» و نه تسلط بر سوریه را به عنوان یک دژ برای «مقاومت» به سبک جمهوری اسلامی، به وضوح مشخص نمایند.

این رویکرد می‌تواند روسیه را در هر زمانی به همکاری با ایالات متحده برای ادامه جنگ علیه داعش سوق دهد و در عین حال خطوط ارتباطی با «هیئت تحریر الشام» را تقویت کند.

به نظر می‌رسد این ارتباطات بلافاصله پس از یا حتی پیش از انتقال اسد به مسکو از سر گرفته شده است. این سیاست همچنین ممکن است شانس باقی ماندن دو پایگاه نظامی روسیه در سوریه را افزایش دهد؛ خواسته‌ای که پوتین آن را پنهان نکرده و به نظر می‌رسد مقامات جدید دمشق نیز با آن مخالفتی ندارند.

پوتین تلاش کرد تا شکست سوریه را در قالب لحنی آشتی‌جویانه با جهان و رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، دونالد ترامپ، هضم کند. تمرکز او بر اوکراین باعث شد که پیروزی در آن را با تقویت حس ملی‌گرایی و حاکمیت روسیه مرتبط سازد. در همین حال، پوتین اطمینان داد که گروه بریکس قصد به چالش کشیدن آمریکا یا دلار آمریکا را ندارد و این مسلماً هدف روسیه نیز نیست.

در مقابل، رهبری رژیم ایران کوشید فرصت پاسخ به پوتین را از دست ندهد، اما واکنش‌هایش آشفته، متزلزل و متناقض است. پس از آنکه خامنه‌ای وعده داد سوریه را به «جبهه مقاومت» بازگرداند، دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم، علی احمدیان، اعلام کرد: «ما اصلاً در سوریه نبودیم که بخواهیم از آنجا خارج شویم!»

در مطبوعات ایران، موضوع حضور جمهوری اسلامی در سوریه روشن‌تر مطرح شد. روزنامه «آرمان امروز» نوشت: «سوریه خط تأمین حزب‌الله و حماس بود، اما پس از تضعیف آنها و ممانعت عراق از دخالت حشد الشعبی، حضور ایران در سوریه از نظر استراتژیک توجیه‌پذیر نیست».

سخنگوی وزارت خارجه، اسماعیل بقایی نیز گفت: «خروج ما اقدامی مسئولانه است». با این حال افزود: «ما اصلاً آنجا نبودیم!» همانگونه که احمدیان گفته بود.

مباحث در تهران فراتر نیز رفت. روزنامه «اعتماد» به بازنگری در نظریه «عمق استراتژیک» پرداخت. فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی زمانی به دستاورد خود در کنترل چهار پایتخت عربی و گسترش نفوذشان تا ساحل مدیترانه در سوریه و لبنان افتخار می‌کردند. اکنون برخی در ایران بر این باورند که «عمق استراتژیک ایران نه در عراق، نه در سوریه، نه در لبنان و نه در هیچ‌جا دیگری، بلکه در داخل خود ایران به‌ویژه در برآوردن خواست‌های برحق مردم ایران نهفته است».

تأثیر تحولات سوریه بر وضعیت داخلی ایران قابل پیش‌بینی نیست. این نظام تنها به دلیل اخراج از سوریه آسیب ندیده، بلکه ائتلاف‌های شکننده‌اش، به‌ویژه با روسیه و ترکیه، نیز آشکار شده است.

در پاسخ به اتهام خامنه‌ای مبنی بر نقش ترکیه در اجرای طرح آمریکایی- اسرائیلی در سوریه، وزیر خارجه ترکیه، هاکان فیدان، گفت: «ما این موضوع (وضعیت سوریه) را شاید هزار بار با دوستان ایرانی خود بحث کرده‌ایم و به آنها گفتیم در هر حال حضور آنها در سوریه مانع از نسل‌کشی در غزه نشد».

این اظهارات ضربه مستقیمی به ادعاهای رژیم ایران بود. روزنامه «کیهان» چاپ تهران بلافاصله پاسخ داد و سخنان فیدان را «پاوه‌گویی» توصیف کرد.

موضوع «شکست‌خوردگان» در سوریه تنها به روسیه و

ایران یا ایران و ترکیه محدود نمی‌شود. مسکو و آنکارا نیز با نگرانی به آینده روابط و نقش خود در منطقه نگاه می‌کنند. به گفته پوتین، روسیه تلاش خواهد کرد پایگاه‌های خود را در سوریه حفظ کند، امری که مستلزم موافقت ترکیه است و به نظر می‌رسد این موافقت تا کنون فراهم بوده است. پوتین بر حفظ روابط خود با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه تأکید دارد زیرا ترکیه در نگاه او شریکی واقعی در اقتصاد و سیاست‌های منطقه‌ای پرتنش است و اهمیت نقش آن با توجه به تحولات سوریه و نیاز فوری به حل مشکلات ناشی از آن افزایش یافته است؛ به همین دلیل در نشست «والدای» ۱۶ سال پیش، زمانی که از پوتین درباره اولویت‌های روابط منطقه‌ای روسیه در خاورمیانه پرسیده شد، او دو کشور ترکیه و اسرائیل را به عنوان شرکای اصلی روسیه عنوان کرد و نه جمهوری اسلامی ایران یا دیگران. البته ممکن است این اولویت‌ها با گذشت زمان تغییر کرده باشد، اما جمهوری اسلامی ایران هرگز در رأس توجه روسیه نبوده است.

طعنه‌های پوتین نسبت به عملکرد جمهوری اسلامی در سوریه طی آخرین سخنرانی خود، شاخص مهمی است که می‌توان از سرنوشت توافق سه‌گانه آستانه (ترکیه، ایران، روسیه) که با فروپاشی رژیم اسد مدفون شد، برای دگرگونی‌های آینده‌ی ناشی از این فروپاشی، انتظار داشت

*منبع: ایندیپندنت عربی

*نویسنده: تونی فرانسس نویسنده و تحلیلگر سیاسی لبنانی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

سوریه و سوارکارِ بعدی!



© کیهان لندن / کارتونی‌های بهنام محمدی

گزارش ویژه؛ پدیده «نوزادفروشی» در ایران برای گذران زندگی



البته در همه موارد زوج‌های فروشنده بطور ناخواسته باردار نشده‌اند بلکه در مواردی زوجی که نیاز مالی دارد به صورت سفارشی برای یک زوج خواستار فرزند باردار می‌شود؛ به این ترتیب در مواردی زوج‌های خریدار نوزاد از زمان بارداری مادر و در موارد دیگری حتی پیش از بارداری مادر و به صورت سفارشی به توافق خرید نوزاد می‌رسند. بطور معمول، زوج‌های نابارور در ایران برای پذیرش سرپرستی یک کودک بی‌سرپرست باید از طریق سازمان بهزیستی درخواست کنند و در این میان چند نهاد و سازمان دیگر مانند نیروی انتظامی و پزشکی قانونی نیز دخیل خواهند بود تا در یک روند طولانی صلاحیت زوج خواستار کودک تأیید و مراحل سپرده شدن سرپرستی طی شود.

در آنسو اما همه کودکان بی‌سرپرستی که در سازمان بهزیستی تحت مراقبت قرار دارند نیز واجد شرایط برای سپردن سرپرستی نیستند و همین موضوع نیز سبب طولانی‌تر شدن انتظار برخی زوج‌ها برای یافتن کودک و واجد شرایط و واگذاری سرپرستی می‌شود. طولانی شدن این روند و شرایط سختگیرانه سازمان بهزیستی برای زوج‌های نابارور سبب شکل گرفتن بازار سیاه برای خرید و فروش نوزادان شده که بخشی از فعالیت آن نیز به صورت پنهانی در سازمان بهزیستی در جریان است.

منبع آگاه به «کیهان لندن» می‌گوید اگر زوج خواستار کودک از طریق بهزیستی مراحل را طی کنند، مدارک جدید هویتی کودک مثل شناسنامه را از سازمان ثبت احوال دریافت می‌کنند اما در «نوزادفروشی» دریافت مدارک هم به صورت غیرقانونی و با پرداخت رشوه‌های هنگفت صورت می‌گیرد تا مدارک هویتی جدید برای نوزاد صادر شود.

او توضیح می‌دهد که بازاری نیز برای «مدرک‌فروشی» وجود دارد که در سال‌های گذشته هم در ایران خیلی داغ شده و «اکثراً توسط سرهنگ‌های بازنشسته در ادارات راهنمایی و رانندگی و یا رؤسای سابق ادارات ثبت

باند‌های خرید و فروش نوزاد هم وجود دارند که نوزادان را برای امور خلاف و یا حتی صادرکردن به دیگر کشورها خریداری می‌کنند. این تجارت نوزاد نیز با عنوان «نوزادفروشی» مطرح می‌شود اما خریداری نوزاد توسط زوج‌های نابارور موضوعی دیگر است.

یک منبع آگاه شاغل در بهزیستی یکی از شهرهای شمال ایران در گفتگو با «کیهان لندن» درباره رواج پدیده «نوزادفروشی» می‌گوید که سازمان بهزیستی استان بطور میانگین روزانه با یک تا دو مورد فروش نوزاد روبرو می‌شود. او این آمار را «نشان‌دهنده عمق بحران اجتماعی و اقتصادی در کشور» ارزیابی می‌کند.

این منبع آگاه توضیح داده که برخی زوج‌های جوان به دلیل فشارهای مالی و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه زندگی، نوزادان خود را با مبالغی بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان به فروش می‌رسانند. این رقم گاهی به ۷۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد.

در آنسو اما زوج‌های خریدار نوزاد بجز پول‌هایی که به پدر و مادر نوزاد مورد معامله می‌پردازند، باید مبالغی را نیز به «دلالتان» این معامله پرداخت کنند. دلالتانی که برخی از آنها کارکنان سازمان بهزیستی هستند و به دلیل آشنایی با خانوارهای نیازمند و تحت پوشش، می‌توانند زوج‌های فروشنده و خریدار را با هم هماهنگ کنند. برخی از دلالتان نیز با نفوذ در کلینیک‌ها و بیمارستان‌ها فروشندگان را پیدا کرده و هماهنگی‌های لازم و در نهایت «معامله» را انجام می‌دهند.

منبع آگاهی که با «کیهان لندن» گفتگو کرده با این توضیحات، می‌افزاید: «برخی مسئولان این سازمان با دریافت رشوه و زیرمیزی از افراد ثروتمند، در این روند غیراخلاقی و غیرقانونی نقش دارند.»

او شبکه ایجادشده برای خرید و فروش نوزاد را «نشان از سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی و خلأهای قانونی» و «ناکارآمد بودن نظارت‌ها» می‌داند.

● زوج‌هایی که به دلیل مشکلات اقتصادی توان نگهداری از نوزادان خود را ندارند، آنها را به فروش می‌گذارند. نرخ خرید نوزاد از ۱۰۰ میلیون تومان آغاز می‌شود و گاهی تا ۷۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد.

● زوج‌های خریدار نوزاد بجز پول‌هایی که به پدر و مادر نوزاد مورد معامله می‌پردازند، باید مبالغی را نیز به «دلالتان» این معامله پرداخت کنند.

● در مواردی زوج‌های خریدار نوزاد از زمان بارداری مادر و در موارد دیگری حتی پیش از بارداری مادر و به صورت سفارشی به توافق برای خرید نوزاد می‌رسند.

● وزارت بهداشت اعلام کرده ۹۵ درصد سقط جنین‌ها در ایران غیرقانونی است و افزوده «۴۱ درصد از این افراد به دلیل خواست فرزند بیشتر، ۲۱ درصد به علت مشکلات اقتصادی و ۲۰ درصد به دلیل بد بودن زمان بارداری، اقدام به سقط می‌کنند.»

● در چنین شرایطی جمهوری اسلامی همچنان به دنبال افزایش جمعیت است، و تبلیغات و مشوق‌های طرح‌های فرزندآوری هم بطور مشخص اقشار کم‌درآمد را خطاب قرار می‌دهد.

روشنک آسترکی - بحران‌های معیشتی و درآمدی ناکافی در کنار هزینه‌های سرسام‌آور و فزاینده زندگی نه تنها سبب گسترش مشاغل کاذب مانند دستفروشی و زباله‌گردی در ایران شده بلکه پدیده‌هایی غیرمعمول نیز در جامعه شکل بگیرند. یکی از این پدیده‌ها که آمارهای غیررسمی از افزایش آن حکایت دارند «نوزادفروشی» است «نوزادفروشی» یکی از پدیده‌های رو به افزایش در ایران و از پیامدهای گسترش فقر و فلاکت است. زوج‌هایی که به دلیل مشکلات اقتصادی توان نگهداری از نوزادان خود را ندارند آنها را به فروش می‌گذارند. نرخ خرید نوزاد از ۱۰۰ میلیون تومان آغاز می‌شود و گاهی تا ۷۰۰ میلیون تومان هم می‌رسد.

درباره حقایق سوریه



انشعاباتی که در آن رخ داد، دیگر ارتشی وجود ندارد. بشار اسد به کمک رژیم ایران از شبه‌نظامیان افغانستان، پاکستان، عراق و حزب‌الله برای جایگزینی ارتش خود استفاده کرد. علاوه بر این، اکنون برخی از تقسیم و تجزیه‌ی سوریه هراس دارند، در حالی که سوریه از سال ۲۰۱۱ بین آمریکایی‌ها، روس‌ها، ایرانی‌ها، ترک‌ها، کردها و قبل از آنها اسرائیلی‌ها تقسیم شده بود.

بین برخی از سوری‌ها گفته می‌شود که تلاش برای بازگرداندن بشار اسد به آغوش جهان عرب از طریق اتحادیه عرب باعث تقسیم و تفرقه مخالفان سوری قبل از سقوط اسد شده است. اینهم درست نیست در واقع آنچه مخالفان سوری را تقسیم کرده، توافق «آستانه» با نظارت روسیه، رژیم ایران و ترکیه بود و اعراب در آن نقشی نداشتند.

همچنین گفته می‌شود چرا سوریه جدید به حملات اسرائیل پاسخ نمی‌دهد، در حالی که رژیم اسد حتی یک گلوله هم به سوی اسرائیلی‌ها شلیک نکرده است. بلکه اسد کسی بود که سیاست «پاسخ در زمان مناسب» را در پیش گرفت و البته آن زمان هرگز نرسید!

همچنین حزب‌الله توافق آتش‌بسی را پذیرفت که به اسرائیل حق هدف قرار دادن آن در خارج و داخل لبنان را می‌دهد. شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران نیز با وجود تمام حملات اسرائیل به آنها در خاک سوریه حتی یک گلوله از خاک این کشور به سوی اسرائیلی‌ها شلیک نکرده‌اند.

گفته می‌شود که الشرع از سوی آمریکا به عنوان «تروریست» طبقه‌بندی شده است، در حالی که اسد نیز تحت قانون سزار تحت پیگرد قرار دارد.

گفته می‌شود که ترکیه در سوریه نفوذ دارد و با پر آن تسلط یافته، در حالی که از اصول اولیه سیاست یکی این است که هر خلائی را می‌بایست پر کرد زیرا سیاست از خلأ بیزار است. برای کاهش نفوذ ترکیه، کوتاهی از سوی کسانی است که اکنون از کمک به دمشق خودداری می‌کنند.

به این ترتیب، این فهرستی از حقایق سوریه است که می‌توان آن را همچنان ادامه داد.

*منبع: الشرع الاوسط

*نویسنده: طارق الحمید

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● گفته می‌شد که مشکل سوریه راه حل نظامی ندارد؛ در حالی که بشار اسد طی ۱۲ روز با اقدام نظامی سقوط کرد آنهم با وجود حضور روسیه و رژیم ایران! و آنهم در حالی که پوتین می‌گوید که کشورش به تخلیه چهار هزار نیروی جمهوری اسلامی از این کشور کمک کرده است.

● همچنین گفته می‌شود چرا سوریه جدید به حملات اسرائیل پاسخ نمی‌دهد، در حالی که رژیم اسد حتی یک گلوله هم به سوی اسرائیلی‌ها شلیک نکرده است. بلکه اسد کسی بود که سیاست «پاسخ در زمان مناسب» را در پیش گرفت و البته آن زمان هرگز نرسید!

طارق الحمید (الشرق الاوسط) - از زمان فرار بشار اسد در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۲۴ به روسیه، سیلی از انتقادات و درخواست‌ها به سوی حاکمان جدید به ویژه احمد الشرع (جولانی) روانه شده است. مسئله درباره سازنده یا مثبت بودن یا نبودن این انتقادات و یا تصورات نیست، بلکه بیشتر این انتقادات بر اساس حقایق نیستند. در اینجا به برخی از آنها پیش از آنکه اسد سرنگون شود تا اکنون اشاره می‌کنم که تنها نمونه‌ای از بسیار هستند.

پیشتر مثلاً گفته می‌شد که مشکل سوریه راه حل نظامی ندارد؛ در حالی که بشار اسد طی ۱۲ روز با اقدام نظامی سقوط کرد آنهم با وجود حضور روسیه و رژیم ایران! و آنهم در حالی که پوتین می‌گوید که کشورش به تخلیه چهار هزار نیروی جمهوری اسلامی از این کشور کمک کرده است.

اکنون گفته می‌شود که باید به اجزای سوریه به‌ویژه اقلیت‌ها اطمینان داد. در حالی که رژیم‌های پدر و پسر در طول پنج دهه به اکثریت تشکیل دهنده سوریه بی‌نهایت ظلم کرده‌اند، دولت جدید اما به رعایت چندین شرط، از جمله آنچه در بیانیه عقبه آمده، ملزم شده است.

در حالی که اسد در طول ۲۴ سال به هیچ چیزی پایبند نبود و برخی اعراب سعی در متقاعد کردن او برای دوری از رژیم ایران داشتند، اما بشار اسد از این موضوع به بدترین شکل استفاده کرد و نه تنها دروغ می‌گفت بلکه دروغ را بخشی از سیاست می‌دانست و تمام سیاست‌اش تا لحظه فرارش به روسیه بر دروغ و فریب و ریا متکی بود.

اکنون گفته می‌شود که سوریه جدید باید به لبنان اطمینان خاطر بدهد. در حالی که اسد پدر بر لبنان مستقیم حکومت می‌کرد و به آن ظلم و ستم فراوان کرد و اسد پسر در لبنان با ترورها و سرکوب‌ها نقش اساسی بازی کرد و تمام نهادهای لبنان را مختل کرد. بیشتر کسانی که اکنون در لبنان درخواست اطمینان از حکومت جدید می‌کنند، با دمشق اسد پدر و پسر مناسبات حسنه داشتند!

گفته می‌شود که دولت جدید باید مرزهای خود به‌ویژه با عراق را تضمین کند، در حالی که جهان می‌داند که از زمان سقوط صدام حسین، سوریه گذرگاه سلاح و شبه‌نظامیان از طریق گذرگاه البوکمال عراق بوده است. همچنین گفته می‌شود که از شبه‌نظامیان در سوریه هراس وجود دارد، در حالی که شبه‌نظامیان در عراق به‌ویژه حشد الشعبی حضور علنی دارند برخی درباره ضرورت حفظ ارتش سوریه صحبت می‌کنند، در حالی که ویدیوهای قدیمی در یوتیوب از جمال عبدالناصر و انور سادات نشان می‌دهد که این ارتش فرقه‌ای است و تمام تارو پود آن را اقلیت علویان تشکیل می‌داد و برای همین ابزار قتل و قمع اسد پدر و پسر بوده است با این حال از زمان انقلاب سال ۲۰۱۱ به دلیل ریزش‌ها و

→ احوال و اسناد و یا ادارات مربوطه‌ی دیگر انجام می‌شود که از قبل برای خودشان در شبکه اداری جاهای خالی را تعریف کرده‌اند و به صورت کاملاً قانونی با استعلام به متقاضیان در برابر پول مدرک می‌فروشند.

این منبع آگاه همچنین با ابراز نگرانی از اینکه برخی زوج‌های خریدار نوزاد ممکن است به دلایل مختلف از جمله اعتیاد یا بیماری‌های روانی صلاحیت نگهداری از یک کودک را نداشته باشند، می‌گوید در روند قانونی گرفتن سرپرستی از سوی سازمان بهزیستی صلاحیت زوج خواهان کودک بررسی می‌شود تا کودک به خانواده سالمی سپرده شود.

او تأکید کرده که پدیده «نوزادفروشی» زنگ خطری جدی برای مسئولان و جامعه به شمار می‌رود و «فقر اقتصادی، بی‌توجهی به حمایت‌های اجتماعی و نبود نظارت دقیق بر عملکرد نهادهای مرتبط، عواملی است که به چنین فجایعی دامن زده است.»

در این میان اگرچه بطور کلی خرید و فروش نوزادان و کودکان غیرقانونی اعلام شده اما در عمل خلأهای قانونی سبب شده ساز و کاری برای جلوگیری از معاملات رایج خرید و فروش نوزادان وجود نداشته باشد. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین قوانین حمایتی از کودکان در جمهوری اسلامی «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» است که در سال ۱۳۹۹ تصویب شد. بر اساس ماده ۳ این قانون «هرگونه خرید، فروش و بهره‌کشی از کودکان به جهت اعمال خلاف مانند قاچاق و... جرم می‌باشد و شخص مرتکب به ۶ ماه تا یک سال حبس و یا پرداخت ۱۰ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

در این بند قانونی، خرید و فروش «جهت اعمال خلاف مانند قاچاق» جرم محسوب شده اما به مواردی که یک زوج نابارور اقدام به خرید یک نوزاد می‌کنند اشاره‌ای نشده است. همچنین معمولاً توافقی که بین دو زوج برای خرید و فروش نوزاد انجام می‌شود نیز از عبارت «هدیه» استفاده می‌شود و رقمی برای این «معامله» ذکر نمی‌شود تا از برخوردهای قانونی احتمالی در آینده جلوگیری شده و قوانین نیم‌بند موجود نیز دور زده شود.

در شرایطی که برخی زنان یا زوجها که بطور ناخواسته باردار شده‌اند نوزاد خود را می‌فروشند یا به بهزیستی می‌سپارند، جمهوری اسلامی همچنان به دنبال افزایش جمعیت است، و تبلیغات و مشوق‌های طرح‌های فرزندآوری هم بطور مشخص اقشار کم‌درآمد را خطاب قرار می‌دهد.

در آبان ۱۴۰۰ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی توسط ابراهیم رئیسی ابلاغ شد. با اجرای این قانون وسایل جلوگیری از بارداری از مراکز بهداشت جمع‌آوری شد و سقط جنین نیز ممنوع اعلام گشت.

در حالی که خانوارهای کم‌درآمد به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌های وسایل جلوگیری از بارداری به صورت «آزاد» در معرض بارداری ناخواسته قرار می‌گیرند، در آنسو قوانین و بخشنامه‌ها در جنبه‌های دیگر نیز ناکارآمدند بطوری که نه تنها نرخ باروری در ایران از ایده‌آل ۲/۵ درصد در برنامه ششم و هفتم توسعه کمتر است بلکه میزان سقط جنین غیرقانونی نیز در ایران به شدت افزایش یافته است.

وزارت بهداشت به تازگی اعلام کرده ۹۵ درصد سقط جنین‌ها در ایران غیرقانونی است و افزوده «۴۱ درصد از این افراد به دلیل نخواستن فرزند بیشتر، ۲۱ درصد به علت مشکلات اقتصادی و ۲۰ درصد به دلیل بد بودن زمان بارداری، اقدام به سقط می‌کنند.» البته خانواده‌های کم‌درآمد توان پرداخت هزینه سقط جنین را هم ندارند!

نوپهلوی‌گرایی و ایران‌گرایی؛ دو روی سکه‌ی پیشرفت ایران؛ اصول و اهداف پیش رو



حفاظت از مرزها و سرزمین‌های تاریخی ایران اشاره دارد، بلکه به نوعی نشان‌دهنده وحدت ملی و هویت جمعی ایرانیان است. ایران با تاریخی که به هزاران سال پیش بازمی‌گردد، همواره به عنوان یک کشور واحد شناخته شده است و تمامیت ارضی نمادی از این هویت مشترک است که در طول تاریخ، با وجود تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، حفظ شده است. بعلاوه حفظ تمامیت ارضی برای امنیت ملی ضروری است. تجزیه یا ضعف در این زمینه می‌تواند به ناامنی‌های داخلی و خارجی دامن بزند، به ویژه در منطقه‌ای که با تنش‌ها و منازعات زیادی روبروست. به این سبب، تمامیت ارضی به عنوان یک اصل، وحدت اقوام و مذاهب مختلف در یک کشور را تقویت می‌کند. این وحدت، به نوبه خود، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد.

برخی احزاب و افراد سخن از فدرالیسم می‌گویند. در حالی که این اسم رمزبست برای تجزیه‌طلبی. چرا که فدرالیسم قومی باعث تقویت هویت‌های قومی به قیمت ضعف در هویت ملی می‌شود و محلی برای سوء استفاده بیگانگان است. این امر می‌تواند به شکاف‌های اجتماعی و سیاسی عمیق‌تر منجر شود، جایی که وفاداری‌ها بیشتر به سمت قوم‌های جداگانه بجای وحدت ملی می‌رود. بعلاوه فدرالیسم قومی می‌تواند چالش‌هایی در زمینه مدیریت منابع، تقسیم قدرت، و حفظ یک نظام سیاسی منسجم ایجاد کند. این ساختار ممکن است منجر به نابرابری‌های منطقه‌ای در توسعه و دسترسی به منابع شود.

نزدیک شده‌اند و حال می‌توان گفت بایکدیگر به پیوندی ناگسستنی رسیده‌اند.

نوپهلوی‌گرایی به عنوان یک جریان سیاسی، بازنگری و اصلاح میراث دوران پهلوی و تداوم سیاست توسعه‌ای پهلوی را در دستور کار خود دارد و در پیوند با ایران‌گرایی به مدرنیزاسیون، سکولاریسم و ملی‌گرایی ایرانی در چارچوبی نوین توجه دارد که با حفظ جنبه‌های مثبت دوران پهلوی، تلاش می‌کند تا آن را با مقتضیات زمانه تطبیق دهد. اساسا هیچ ایرانی نمی‌تواند ایران‌گرا نباشد و امروز آنگاه که از ایران‌گرایی یاد می‌شود، معنایی مجزا از نوپهلوی‌گرایی نمی‌یابد. اما یکی از مهمترین پرسش‌ها در اذهان ایرانیان در خصوص ایران آینده، طبیعتا آن است که نظام سیاسی آینده که شاهزاده رضا، وعده گذار به آن را می‌دهند، چه اصول و چارچوبی خواهد داشت و پادشاهی مشروطه مورد نظر ایران‌گرایان، مبتنی بر چه اصول فکری و سیاسی خواهد بود؟ هرچند ایشان خود بارها در خصوص این اصول تصریح کرده‌اند، اما بد نیست به اهم این موارد کمی مشروح پرداخته شود.

مهمترین این اصول را می‌توان به این شرح برشمرد:

حفاظت از تمامیت ارضی

ایران‌گرایی بر اهمیت حفاظت از تمامیت ارضی ایران تاکید می‌کند. این شامل نگهداری، حفاظت و دفاع از همه بخش‌های سرزمینی ایران است که نشانه‌ای از وحدت ملی و هویت مشترک تمام ایرانیان است. تمامیت ارضی به عنوان یکی از اصول بنیادین در اندیشه ایران‌گرایی، نه تنها به

● نوپهلوی‌گرایی به عنوان یک جریان سیاسی، بازنگری و اصلاح میراث دوران پهلوی و تداوم سیاست توسعه‌ای پهلوی را در دستور کار خود دارد و در پیوند با ایران‌گرایی به مدرنیزاسیون، سکولاریسم و ملی‌گرایی ایرانی در چارچوبی نوین توجه دارد که با حفظ جنبه‌های مثبت دوران پهلوی، تلاش می‌کند تا آن را با مقتضیات زمانه تطبیق دهد.

● ایران‌گرایی بر این باور است که همه ایرانیان، فارغ از قوم، دین، جنسیت، زبان یا هر تفاوت دیگر، می‌بایست از حقوق برابر بهره‌مند باشند. این اصل به دنبال ایجاد یک جامعه یکپارچه و فراگیر است که در آن هر فرد به عنوان یک شهروند ایرانی شناخته شود، نه صرفاً به عنوان عضوی از یک گروه قومی یا مذهبی.

● در زمینه توسعه بخش خصوصی، ایران‌گرایی به ترویج فرهنگ کارآفرینی و نوآوری معتقد است؛ بخش خصوصی به عنوان موتور رشد اقتصادی دیده می‌شود که نه تنها مشاغل جدید ایجاد می‌کند، بلکه به کاهش نرخ بیکاری، افزایش تولید ناخالص داخلی و ارتقای سطح تکنولوژی و دانش کمک می‌کند. تشویق سرمایه‌گذاری خارجی بخش دیگری از این چشم‌انداز است، چون این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند به انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته، ایجاد اشتغال و تقویت اقتصاد ملی منجر شوند.

سیاوش پندار- نوپهلوی‌گرایی و ایران‌گرایی دو جریان فکری و سیاسی هستند که در بستر تاریخی و سیاسی ایران معاصر، ظهور کرده‌اند و از سال نود و شش خورشیدی، هر دو با علنی شدن حرکت خود، به دنبال تقویت هویت ملی ایران هستند اما با رویکردهای متفاوتی به این هدف



برابری حقوق شهروندی در اندیشه ایرانی‌گرایی

ایرانی‌گرایی پیوند یافته با نوپهلوی‌گرایی، به عنوان یک اندیشه که بر هویت ملی و تاریخی ایران همراه با اصولی تأکید دارد که پیش از این شاهنشاه آریامهر در انقلاب سفید به ملت ایران معرفی نمودند، برابری حقوق شهروندی را یکی از اصول بنیادین خود می‌داند.

ایرانی‌گرایی بر این باور است که همه ایرانیان، فارغ از قوم، دین، جنسیت، زبان یا هر تفاوت دیگر، می‌بایست از حقوق برابر بهره‌مند باشند. این اصل به دنبال ایجاد یک جامعه یکپارچه و فراگیر است که در آن هر فرد به عنوان یک شهروند ایرانی شناخته شود، نه صرفاً به عنوان عضوی از یک گروه قومی یا مذهبی. برابری در حقوق شهروندی شامل دسترسی برابر به آموزش، خدمات بهداشتی، فرصت‌های شغلی، و مشارکت سیاسی است. این به معنای آن است که هیچ شهروندی نباید به دلیل ویژگی‌های ذاتی یا اجتماعی خود از حقوق اساسی محروم شود.

ایرانی‌گرایی بر آزادی بیان، عقیده، و مذهب تأکید دارد. این آزادی‌ها باید به گونه‌ای تضمین شود که هر شهروند بتواند بدون ترس از تبعیض یا مجازات، خود را ابراز کند. این برابری حقوق شهروندی به تقویت هویت مشترک ایرانی کمک می‌کند، چرا که وقتی شهروندان احساس کنند که به طور برابر مورد احترام و توجه قرار می‌گیرند، وحدت ملی تقویت می‌شود و اجرای اصول برابری حقوق شهروندی به کاهش تبعیض سیستماتیک و نابرابری‌های اجتماعی که اغلب به تنش‌های اجتماعی و سیاسی دامن می‌زنند کمک می‌کند.

مهم‌ترین نکته‌ای که می‌توان آن را نکته‌ای کلیدی در تحقق برابری و تحقق حقوق شهروندی دانست، عدم نگاه امنیتی به اقوام و جایگزینی آن با نگاه امنیت‌ساز در اندیشه ایرانی‌گرایی است. ایران به عنوان کشوری با تنوع قومی گسترده، همواره با چالش‌هایی در زمینه مدیریت و هم‌زیستی اقوام مختلف روبرو بوده است. در اندیشه ایرانی‌گرایی، تغییر نگرش از دیدگاه امنیتی به دیدگاه امنیت‌ساز نسبت به اقوام، رویکردی است که می‌تواند به تقویت وحدت ملی و بهبود امنیت اجتماعی کمک کند.

نگاه امنیتی به اقوام مبتنی بر این فرض است که اقوام مختلف در ایران می‌توانند تهدیدی برای تمامیت ارضی، وحدت ملی یا امنیت ملی باشند، حال آنکه این اقوام ضامن بقای ایران در هزاره‌های گذشته بوده‌اند و در آینده نیز خواهند بود. این دیدگاه امنیتی که در جمهوری اسلامی تقویت شد، بجای تمرکز بر همبستگی و مشارکت، بر کنترل، محدودیت و گاهی سرکوب اقوام و حتی ایجاد شکاف‌های قومی با هدف کنترل بیشتر تأکید دارد. نتایج این رویکرد افزایش تنش‌های اجتماعی، نارضایتی جمعی و حتی شورش‌های محلی و در بلندمدت ایجاد نفرت‌های بین قومی است. بجای اینکه اقوام را به عنوان تهدید ببینیم، می‌توان از تنوع قومی به عنوان یک سرمایه فرهنگی استفاده کرد که به تقویت هویت ملی ایرانی کمک می‌کند. این امر نیازمند ترویج فرهنگ‌های مختلف در کنار تأکید بر وجوه اشتراک ملی است. اعطای حقوق برابر به تمام اقوام در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی، نقش بسزایی در ایجاد حس تعلق به ملت دارد و این شامل مشارکت در مناصب دولتی، فارغ از قومیت و مذهب و صرفاً براساس شایستگی‌های حرفه‌ای است تا به معنای واقعی کلمه شهروند ایرانی از دورترین نقاط مرزی تا پایتخت، به چیزی جز شهروند ایران شناخته نشود.

از سوی دیگر عدم توسعه یکپارچه که در جمهوری اسلامی، به شدت قابل مشاهده است، می‌تواند به نارضایتی‌های محلی و حتی جنبش‌های جدایی‌طلبانه منجر شود. توسعه

متوازن مناطق مختلف ایران، با توجه به نیازهای خاص هر منطقه، می‌تواند به کاهش تنش‌های قومی کمک کند و برابری حقوق شهروندان را در واقعیت به منصف ظهور برساند.

در اندیشه ایرانی‌گرایی، جایگزینی نگاه امنیتی به اقوام با نگاه امنیت‌ساز، نه تنها به کاهش تنش‌های داخلی کمک می‌کند، بلکه به رشد یک ملت یکپارچه، قوی و متحد می‌انجامد. این رویکرد بجای دیدن اقوام به عنوان تهدید، آنها را به عنوان بخشی از امنیت و پیشرفت ملی تلقی می‌کند. این تغییر پارادایم می‌تواند به ساختن ایرانی با هویت ملی قوی‌تر، که در آن تمام شهروندان بطور برابر احساس تعلق و مشارکت داشته باشند، منجر شود.

سکولاریسم و جدایی دین از سیاست

یکی از اصول کلیدی ایرانی‌گرایی نوین، سکولاریسم و تفکیک کامل دین از سیاست است که نه تنها به عنوان یک بنیان فکری برای حفظ آزادی‌های فردی و اجتماعی دیده می‌شود، بلکه به عنوان یک ضرورت برای توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و امنیت ملی نیز شناخته می‌شود. سکولاریسم در ایرانی‌گرایی به معنای جدایی صریح بین نهادهای دینی و دولتی است، بطوری که قوانین و سیاست‌های کشور بر اساس عقلانیت، منافع عمومی و حقوق بشر تدوین شوند، نه بر اساس تعالیم یک دین خاص. این تفکیک به دنبال ایجاد یک فضای عمومی است که در آن همه شهروندان، فارغ از گرایش‌های مذهبی یا عدم باورشان، از حقوق برابر و آزادی‌های یکسان برخوردار باشند. هدف از این جدایی، جلوگیری از تبعیض مذهبی، تقویت حاکمیت قانون، و تضمین آزادی‌های مذهبی و عقیدتی برای همه ایرانیان است. یکی از مهم‌ترین وجوه ایرانی‌گرایی در بحث سکولاریسم، عدم دشمنی با دینداری یا خداناباوری در حوزه خصوصی است. ایرانی‌گرایی بر این باور است که هر شهروندی باید آزاد باشد تا در زندگی شخصی خود، دین یا مذهب مورد نظر خود را داشته باشد یا از هرگونه باور دینی دوری کند. این اندیشه به دنبال جامعه‌ای است که در آن تنوع باورهای دینی و عقیدتی نه تنها محترم شمرده می‌شود، بلکه به عنوان یک ثروت فرهنگی و اجتماعی نگریسته می‌شود. این رویکرد تضمین می‌کند که دینداری یا خداناباوری فردی، به عنوان یک حق غیرقابل تعرض، در تعارض با سکولاریسم دولتی قرار نگیرد.

آزادی اقتصادی و توسعه بخش خصوصی در چشم‌انداز ایرانی‌گرایی

ایرانی‌گرایی نوین، بر این باور است که آزادی اقتصادی نه تنها به رشد اقتصادی پایدار کمک می‌کند، بلکه باعث توزیع بهتر ثروت، افزایش نوآوری، تشویق کارآفرینی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان می‌شود. در چشم‌انداز ایرانی‌گرایی، توسعه بخش خصوصی نه تنها به عنوان یک محرک اقتصادی، بلکه به عنوان یک اصل مهم برای تقویت استقلال اقتصادی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و ایجاد یک اقتصاد متنوع و مقاوم در برابر نوسانات بازار جهانی دیده می‌شود. این اندیشه با تأکید بر اصول بازار آزاد، حقوق مالکیت، شفافیت اقتصادی و تضمین فضای رقابتی، به دنبال ایجاد یک اقتصاد پویا، متنوع و مشارکتی است که بتواند به رفاه و پیشرفت عمومی بیانجامد. همچنین، مذاکرات شاهزاده رضا پهلوی با صاحبان صنعت، تکنولوژی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی، بخشی از تلاش‌ها برای ترسیم آینده‌ای روشن برای ایران است که شامل جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه زیرساخت‌ها، و ارتقای سطح علمی و تکنولوژیک کشور می‌شود.

ایرانی‌گرایی بر حمایت از یک بازار آزاد و رقابتی تأکید دارد، به این معنا که دولت باید به عنوان تنظیم‌کننده و حامی باشد نه تولیدکننده مستقیم. این شامل اتخاذ سیاست‌های تجاری که به کاهش موانع ورود و خروج به بازار کمک می‌کند، اجرای سیاست‌های تعرفه‌های منصفانه و اطمینان از اینکه بازار بطور طبیعی و بر اساس عرضه و تقاضا قیمت‌ها و کیفیت کالاها و خدمات را تعیین کند. تضمین حقوق مالکیت خصوصی به عنوان یکی از ملزومات آزادی اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، زیرا این امر به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، چه داخلی و چه خارجی، منجر می‌شود و زمینه‌ساز نوآوری‌های اقتصادی و تحقیق و توسعه است. شفافیت در قوانین و مقررات، همراه با کاهش بوروکراسی و مقررات دست و پا گیر، برای ایجاد محیطی که در آن کسب و کارها بتوانند به راحتی رشد کنند، فعالیت کنند و در رقابت باقی بمانند، ضروری است. این شامل تسهیل فرآیندهای ثبت شرکت، حل و فصل اختلافات تجاری، دسترسی به منابع مالی و بازارهای بین‌المللی می‌شود.

در زمینه توسعه بخش خصوصی، ایرانی‌گرایی به ترویج فرهنگ کارآفرینی و نوآوری معتقد است؛ بخش خصوصی به عنوان موتور رشد اقتصادی دیده می‌شود که نه تنها مشاغل جدید ایجاد می‌کند، بلکه به کاهش نرخ بیکاری، افزایش تولید ناخالص داخلی و ارتقای سطح تکنولوژی و دانش کمک می‌کند. تشویق سرمایه‌گذاری خارجی بخش دیگری از این چشم‌انداز است، چون این سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته، ایجاد اشتغال و تقویت اقتصاد ملی منجر شوند. همچنین توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) که نقش مهمی در توسعه محلی، نوآوری و انعطاف‌پذیری اقتصادی دارند، در این چارچوب بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. این شامل ارائه تسهیلات مالی، آموزش، و دسترسی به بازارهای جهانی برای این بنگاه‌ها است.

شاهزاده رضا پهلوی با برگزاری و شرکت در نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، به مذاکره با صاحبان صنعت، تکنولوژی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی پرداخته است که این مذاکرات با هدف جذب سرمایه‌گذاری برای ایران آینده، برجسته کردن ظرفیت‌های بالقوه ایران در زمینه‌هایی مانند انرژی، تکنولوژی، صنعت و کشاورزی، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری از طریق ارائه چشم‌اندازی از یک اقتصاد شفاف و قانونمند، بحث درباره پروژه‌های استراتژیک مانند توسعه زیرساخت‌های انرژی پاک، آب، فناوری اطلاعات، و ترغیب همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های علمی، آموزشی و اقتصادی صورت گرفته‌اند. این تلاش‌ها نشان‌دهنده تعهد به آزادی اقتصادی و توسعه بخش خصوصی است که می‌تواند ایران را به یک مقصد جذاب برای سرمایه‌گذاری‌های جهانی تبدیل کند و از طریق این سرمایه‌گذاری‌ها، زمینه‌های توسعه اقتصادی، تکنولوژیک و اجتماعی فراهم شود.

در پایان باید گفت ایرانی‌گرایی نوین به رهبری شاهزاده رضا پهلوی و یاران ایشان از جمله در پروژه ققنوس ایران و دیگر مشاورین و همراهان داخل ایران و خارج، در حال حاضر تنها و بهترین برنامه برای ایران آینده است که با توجه به اصول تصریح شده در تمام برنامه‌های اعلام شده شاهزاده و تیم ایشان، متضمن حفظ حقوق تمام شهروندان ایرانی و توسعه روزافزون ایرانی آزاد خواهد بود. حال آنکه در مقابل نه برنامه‌ای هست و نه اصولی. جمعی از طیف‌های گوناگون هستند که بدون برنامه و چشم‌اندازی مشخص برای ایران، به مبارزه با نوپهلوی‌گرایی مشغولند که ناشی از دشمنی ایشان با ایران مدرن است.

*سیاوش پندار استاد علوم سیاسی

بازنشر؛ مستندسازی با جعل سند؛ رونمایی یا لاپوشانی؟! بازنشر



هنرمند تهیه شده بازنشر می‌کند. یادآوری می‌شود که منوچهر هنرمند همکار قدیمی کیهان لندن که در تهیه این گزارش تحقیقی همکاری داشت، ۱۷ ژانویه ۲۰۱۹ در استانبول درگذشت. همچنین شماری از مطالبی که ۱۳ سال پیش در اینترنت در دسترس بودند و در این گزارش به آنها لینک داده شده بود، در این مدت از دسترس خارج شده‌اند و ممکن است در آرشیو اینترنت بتوان آنها را یافت.

نازنین انصاری، الهه بقراط، منوچهر هنرمند - این گزارش هشداری است به ایرانیان تا پیش از شرکت در هر طرحی، اطلاعات مستند درباره گردانندگان و منابع آن به دست آورند. «کتابخانه کنگره آمریکا» نقش خود را در مستند جعلی شبکه یک تکذیب کرد. مصاحبه شونده‌گان و برخی پژوهشگران از پخش آن «شوکه» شدند. مأموریت پنهان حسین دهباشی از سوی این شبکه برای مصاحبه با مقامات رژیم پیشین و جعل مدارک پناهندگی با یکدیگر نمی‌خواند مگر اینکه رژیم با جلب اطمینان نزدیکان «پهلوی‌ها» قصد مهم‌تری مانند ترور را دنبال می‌کرده که با دستگیری و اخراج دهباشی از آمریکا ناکام ماند.

در سی و سومین سالگرد انقلاب اسلامی فیلمی زیر عنوان «رونمایی از مجموعه ملی تاریخ شفاهی و تصویری ایران در عصر پهلوی دوم» از تلویزیون دولتی رژیم نشان داده شد که در آن با شماری از مقام‌های بلندپایه و نقش‌آفرینان رژیم پیشین گفتگو شده است. در سال ۲۰۱۱ یک پیش‌پرده ده دقیقه‌ای درباره این مجموعه زیر عنوان «تاریخ شفاهی و تصویری ایران» و «۵۸ مصاحبه عمیق با رجال عصر پهلوی» توسط فردی به نام «سهیل ۳۲۷» که ظاهراً همان «سهیل ایرانی» کارگردان این «پروژه» و دیگر پروژه‌های از جمله ضدآمریکایی برای رسانه‌های حکومتی مانند سیمای جمهوری اسلامی و «پرس‌تی‌وی» است، در یوتیوب منتشر گشت (شاید سهیل ایرانی همان سهیل کریمی ←

در کیهان لندن منتشر شد می‌گذرد. جمهوری اسلامی آن زمان بخش‌های گزینشی از این مستند جعلی را از دستگاه صداوسیما خود به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی پخش کرد و نمایش کامل آن به آینده وعده داده شد.

سه سال بعد سیمای حکومت دوباره به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی، با دست بردن در مستند جعلی خودش، و تکه پاره کردن مصاحبه‌ها، اقدام به پخش آن به شکل دیگری و زیر نام جدید «به روایت دربار» کرد، بدون آنکه بسیاری از مصاحبه‌شوندگان «درباری» بوده باشند: جعل در جعل! کیهان لندن همان زمان گزارش تحقیقی خود را به مناسبت پخش این مستند جعلی بازنشر کرد.

اکنون بار دیگر در حالی که جمهوری اسلامی در شرایطی اسفناک و پر از ابهام به سالگرد انقلابش نزدیک می‌شود و وابستگان آن پس از نابودی نیروهای نیابتی و «محور مقاومت» رژیم و سرنگونی بشار اسد در سوریه هیچ امیدی به استمرار نظام ندارند، مصاحبه‌کننده‌ای که برای این تهیه این مستند جعلی به غرب اعزام شده بود، اینبار با عنوان «تاریخ شفاهی ایران در عصر پهلوی دوم» به تبلیغ آن پرداخته و با وجود اثبات جعل سند، احتمالاً با تکیه بر فراموشی و ناآگاهی مخاطبان، مستند جعلی خود را هم‌ردیف «تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد به مدیریت حبیب‌الله لاجوردی و تاریخ شفاهی ایران در بنیاد مطالعات ایران به مدیریت غلامرضا افخمی» قرار داده و مدعی شده است که این جعل و سخنان گزینشی که خودش و سیمای جمهوری اسلامی مرتکب شده، «پس از حدود ۲۰ سال پیگیری و تلاش در خلال صدها ساعت مصاحبه صوتی و تصویری و هزاران برگ سند و عکس و صدها ساعت فیلم، ویدیو و آرشیوهای مختلف و معتبر جهان اکنون گنجینه‌ای دست اول، کم‌نظیر و ارزشمند از تجارب، کامیابی‌ها و ناکامی‌های دولت‌ها- در دوره یاد شده [محمدرضاشاه پهلوی] شمرده می‌شود.»

کیهان لندن در شرایطی که دست‌اندرکاران این پروژه همچنان بر جعل خود اصرار می‌ورزند، بار دیگر گزارش تحقیقی را که توسط الهه بقراط، نازنین انصاری و منوچهر

۱۳ سال از انتشار گزارش «مستندسازی با جعل سند، رونمایی یا لاپوشانی؟!» که در بهمن ۱۳۹۰ (فوریه ۲۰۱۲) در کیهان لندن منتشر شد می‌گذرد. جمهوری اسلامی آن زمان بخش‌های گزینشی از این مستند جعلی را از دستگاه صداوسیما خود به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی پخش کرد و نمایش کامل آن به آینده وعده داده شد. سه سال بعد سیمای حکومت دوباره به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی، با دست بردن در مستند جعلی خودش، و تکه پاره کردن مصاحبه‌ها، اقدام به پخش آن به شکل دیگری و زیر نام جدید «به روایت دربار» کرد، بدون آنکه بسیاری از مصاحبه‌شوندگان «درباری» بوده باشند.

اکنون بار دیگر در حالی که جمهوری اسلامی در شرایطی اسفناک و پر از ابهام به سالگرد انقلابش نزدیک می‌شود و وابستگان آن پس از نابودی نیروهای نیابتی و «محور مقاومت» رژیم و سرنگونی بشار اسد در سوریه هیچ امیدی به استمرار نظام ندارند، مصاحبه‌کننده‌ای که برای این تهیه این مستند جعلی به غرب اعزام شده بود، اینبار با عنوان «تاریخ شفاهی ایران در عصر پهلوی دوم» به تبلیغ آن پرداخته و با وجود اثبات جعل سند، احتمالاً با تکیه بر فراموشی و ناآگاهی مخاطبان، مستند جعلی خود را هم‌ردیف «تاریخ شفاهی ایران در دانشگاه هاروارد به مدیریت حبیب‌الله لاجوردی و تاریخ شفاهی ایران در بنیاد مطالعات ایران به مدیریت غلامرضا افخمی» قرار داده است!

مضمون پیش‌پرده و سرهم‌بندی بخش اول این «رونمایی» به روشنی ثابت می‌کند که رژیم در این «پروژه» به دنبال واقعیات تاریخی نبوده است چرا که حرف تازه‌ای در آن مطرح نمی‌شود. بسیاری از گفتگو‌شوندگان در طول سال‌های گذشته، در کتاب، خاطرات، مقاله و گفتگو همان چیزهایی را گفته‌اند که سازندگان این فیلم «مستند» از آنها شنیده‌اند. دست در کاران این «پروژه» خواسته‌اند از بی‌خبر نگاه داشته شدن مخاطبان سیمای رژیم از این انتشارات سوء استفاده کرده و اینگونه و افود سازند که مقامات رژیم پیشین برای نخستین بار این سخنان را، آنهم با فرستادگان صداوسیما جمهوری اسلامی، مطرح می‌کنند.

«بازتاب» همان زمان با پخش بخش‌هایی از این مستند جعلی از سیمای حکومت نوشت: «یکی از مهم‌ترین این گفتگوها که می‌توانست محل نقد پهلوی از زبان پهلوی‌ها بدون دیزالو و تقطیع باشد، گفتگو با فرح پهلوی بود که بعید است دیگر امکان انجامش محقق شود.» چرا که با پخش از صداوسیما رژیم، که قرار بود فعلاً انجام نشود، معلوم شد که این پروژه از کجا آب می‌خورد! پروژه‌ای که قرار بود به گفته‌ی «بازتاب» به «نقد پهلوی از زبان پهلوی‌ها» تبدیل شود!

به گفته آن مصاحبه‌شوندگانی که [از سوی کیهان لندن] با آنها تماس گرفته شد، انگیزه آنان ثبت و حفظ این خاطرات در یک مرکز معتبر مانند «کتابخانه کنگره آمریکا» بود و نه سیمای زرد و بیمار رژیمی که نه تنها سال‌هاست کتاب‌ها و خاطرات همین مصاحبه‌شوندگان را با سانسور و تحریف و اضافه کردن زین‌نویس‌های دروغ منتشر می‌کند بلکه از جانب برخی از آنان حتا «خاطرات» هم نوشته است!

۱۳ سال از انتشار گزارش «مستندسازی با جعل سند، رونمایی یا لاپوشانی؟!» که در بهمن ۱۳۹۰ (فوریه ۲۰۱۲)

→ مستندساز «متعهد» صدا و سیما جمهوری اسلامی باشد که تابستان ۱۳۸۲ در عراق به اسارت نیروهای آمریکایی در آمد و پس از چهار ماه آزاد شد.

این گزارش برای روشن شدن برخی از زوایای پروژه‌های است که سرمایه آن از سوی صدا و سیما جمهوری اسلامی تأمین شده و بیش از هر چیز هشدار به علاقمندان تاریخ ایران، پژوهشگران و مستندسازان به ویژه جوانانی است که بدانند نهادهای وابسته به حکومتی مانند رژیم ایران تنها زمانی برای تاریخ و فیلم مستند هزینه و سرمایه‌گذاری می‌کنند که قصد سوء استفاده سیاسی و تحریف واقعیت داشته باشند و همچنین هشدار به همه ایرانیان که پیش از هر مصاحبه و شرکت و حضور در هر برنامه، با اسناد و مدارک کافی از منابع و گردانندگان آن اطلاعات کافی به دست آورند و آبروی خود را هزینه پروژه‌های جعلی رژیم نکنند.

مضمون پیش‌برده و سرهم‌بندی بخش اول این «روغمایی» به روشنی ثابت می‌کند که رژیم در این «پروژه» به دنبال واقعیات تاریخی نبوده است چرا که حرف تازه‌ای در آن مطرح نمی‌شود. بسیاری از گفتگو‌شوندگان در طول سال‌های گذشته، در کتاب، خاطرات، مقاله و گفتگو همان چیزهایی را گفته‌اند که سازندگان این فیلم «مستند» از آنها شنیده‌اند. دست در کاران این «پروژه» خواسته‌اند از بی‌خبر نگاه داشته شدن مخاطبان سیما رژیم از این انتشارات سوء استفاده کرده و اینگونه واغود سازند که مقامات رژیم پیشین برای نخستین بار این سخنان را، آنهم با فرستادگان صداوسیما جمهوری اسلامی، مطرح می‌کنند. درواقع، هنر «مستندسازان» جمهوری اسلامی در این است که تلاش می‌کنند از یکسو با حواشی اضافه بر متن و گفتار دروغ (درست مانند زیرنویس‌هایی که به کتاب‌های چاپ خارج و یا حتی کتاب‌های تاریخی اضافه و بعد منتشر می‌کنند) و از سوی دیگر با بُرش جملات مصاحبه‌شوندگان، آنچه را به بیننده القا کنند که خود می‌خواهند.

پروژه مشترکی در کار نبود

متأسفانه برخی از مصاحبه‌شوندگان دیگر در قید حیات نیستند و امکان پیگیری این موضوع که گمان کرده‌اند با چه کسانی و با چه هدفی به مصاحبه نشسته‌اند وجود ندارد. آنچه اما در مورد برخی دیگر پیگیری شد نشان می‌دهد که حسین دهباشی، مستندساز رژیم، به عنوان «سرپرست پژوهشگران» با این ادعای جعلی که پروژه‌ای از «کتابخانه کنگره آمریکا» گرفته و هزینه‌اش نیز توسط آن کتابخانه پرداخت می‌شود، همکاری چند نفر را جلب می‌کند و آنگاه، همانگونه که در فیلم نیز گفته می‌شود، بر اساس ارتباطات نخستین و از طریق توصیه و رابطه، با دیگران که شمارشان گویا به ۵۸ نفر می‌رسد، تماس برقرار می‌کند.

در یک تماس مستقیم، هم با شماری از مصاحبه‌شوندگان و هم با تنی چند از افرادی که از آنها در همکاری با تهیه این «مستند» نام برده شده است معلوم شد حسین دهباشی و همکارانش واقعا با همین ادعا توانسته‌اند بسیاری از مصاحبه‌شوندگان را با تکیه بر احساس وظیفه و مسئولیت، به گفتگو با خود بنشانند. پروژه‌ای که همان پیش‌برده‌اش با لودگی ویژه جمهوری اسلامی همراه است و نشان می‌دهد تهیه کنندگانش به دنبال واقعیات تاریخ و ساختن یک مستند بی غرض نبوده‌اند. برخی از «شرکت‌کنندگان» و «پژوهشگران» به این اشاره کردند که به آنها گفته شد دانشگاه هاروارد و آکسفورد نیز با این پروژه همکاری می‌کنند و آنها هیچ اطلاعی از اینکه صداوسیما جمهوری اسلامی سرمایه‌گذار آن است، نداشتند.

این افراد، هم برخی مصاحبه‌شوندگان و هم برخی افرادی

که نام آنها به عنوان همکاری در این «مستند» آورده شده، پخش این فیلم از سیما جمهوری اسلامی را غیرمنتظره خواندند. نه به این دلیل که با آنها «توافق» شده بود این فیلم از صداوسیما نشان داده نشود، بلکه از این رو که هیچ حرفی از هیچ نهاد جمهوری اسلامی در میان نبود و همکاری آنها چه به عنوان مصاحبه‌شونده و چه همیاری در تهیه فیلم، فقط بر این اساس بود که همگی گمان می‌کردند در یک پروژه مهم از سوی «کتابخانه کنگره آمریکا» شرکت دارند! به گفته یکی از آنها، این پروژه تحقیقی برایش بسیار بارز بود و از اینکه پای صحبت کسانی می‌نشیند که در تاریخ معاصر ایران نقش داشته‌اند و می‌تواند همراه با آنها به مستند شدن این تاریخ یاری رساند، بسیار خوشحال بود. این خوشحالی اما با نشان دادن این «روغمایی» که با شتاب سرهم‌بندی شده بود تا در «دهه فجر» نه به رژیم گذشته، بلکه به تاریخ معاصر ایران دهان‌کجی کند، به «شوک» تبدیل شد.

همانگونه که در لابل و پایان این «روغمایی» می‌بینیم، ظاهراً در تهیه این «پروژه» از چهار نهاد ایرانی و آمریکایی و شماری استادان دانشگاه‌های خارجی نام برده می‌شود که ادعا می‌شود با سازندگان این «مستند» همکاری کرده‌اند. در یکسو «کتابخانه کنگره آمریکا» و دانشگاه هاروارد و در سوی دیگر «بنیاد مطالعات ایران» و «کتابخانه ملی ایران». یک-در پیگیری‌ها معلوم شد «کتابخانه ملی ایران» نقشی بیش از پشتیبانی معنوی و احیاناً در اختیار قرار دادن منابع که معلوم نیست اساساً در تهیه این «مستند» مورد استفاده قرار گرفته یا نه، نداشته است.

دو- آرشو تاریخ شفاهی «بنیاد مطالعات ایران» نیز که سال‌های متمادی روی آن زحمت کشیده شده منبعی نیست که در دسترس نباشد. این بنیاد تا کنون که این گزارش تهیه می‌شود [بهمین ۱۳۹۰]، پاسخی به پرسش ما درباره نحوه همکاری آن بنیاد با این «پروژه» نداده است.

سه- بر اساس اطلاعات موجود، نقش دانشگاه آمریکایی و معتبر هاروارد در تهیه این مصاحبه‌ها این بوده که ایده این «پروژه» از بخش خاورمیانه دانشگاه هاروارد سرقت شده است! لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۶۴ «انجمن مطالعات تاریخ شفاهی ایران» توسط ناخدای پیشین، حمید احمدی، در برلن بنیان گذاشته شد و تا کنون مجموعه ارزشمندی را، از جمله در همکاری با دانشگاه هاروارد، شامل صدها صدا و تصویر گرد آورده است.

چهار- و مهم‌تر از همه، در تماس با «کتابخانه کنگره آمریکا» مسئول روابط عمومی آن کتابخانه، اُدری فیشر، اطمینان داد که آن کتابخانه نقشی در این مصاحبه‌ها نداشته است. وی صریحاً گفت: «مصاحبه با مقام‌های رژیم پیشین در رابطه و زیر نظر کتابخانه کنگره آمریکا انجام نگرفته است».

به این ترتیب اساس این «مستند» بر جعل و دروغ بنا نهاده شده و پخش و «روغمایی» آن بیشتر با هدف لاپوشانی واقعیات تاریخی آغاز شده است.

استادانی هم که گویا در دانشگاه‌های خارجی به کار اشتغال دارند و همچنین افراد دیگری که از آنها با انتشار عکس‌شان در همکاری برای تهیه این مستند جعلی نام برده می‌شود، بر عهده خودشان است که توضیح دهند در چه چهارچوبی با این «پروژه» همکاری کرده‌اند. آیا می‌دانستند صداوسیما جمهوری اسلامی سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده آن است؟ آیا می‌دانستند این «مستند» با همکاری نهادهایی مانند دانشگاه «امام صادق» مروّج ایدئولوژی جمهوری اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی تهیه می‌شود؟ آیا می‌دانستند نتیجه همکاری آنها به قیچی بُرش و مونتاژ و

لودگی بی‌مسئولیت رژیم گرفتار می‌آید؟

نه «پژوهش» بلکه «پروژه» ناگام

شتابزدگی صداوسیما جمهوری اسلامی در پخش این مستند جعلی کار دست «پروژه» می‌دهد و آن را «ناگام» می‌گذارد. ظاهراً مسئولان سیما رژیم می‌خواستند در «دهه فجر» توجه بینندگان بی‌اعتماد را را که سی سال است حرف‌های تکراری می‌شنوند با یک برگ برنده جلب کنند. با توجه به فضا و نوستالژی عملاً موجود در جامعه، چه مضمونی بهتر از حرف‌ها و صحنه‌هایی از رژیم گذشته؟! این نکته همانگونه که بعد خواهیم دید بطور ضمنی مورد اعتراض سایت «بازتاب» (وابسته به محسن رضایی) قرار می‌گیرد.

مسئولان تلویزیون دولتی رژیم با طمع جلب مردم، پروژه را لو دادند و آن را که حتا «فرح پهلوی» را نیز به عنوان مصاحبه‌شونده در نظر گرفته بود، ناکام گذاشتند. گزارش سایت «بازتاب» که ۲۵ بهمن ۱۳۹۰ پس از پخش «روغمایی» این پروژه منتشر شد، از همین شتابزدگی و ناخردی سخن می‌گوید و حتا می‌نویسد: «همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از جدی‌ترین و موثرترین مستندهای تاریخی ایران از سیما پخش شد؛ مستندی که در فضای کنونی پخشش جای تامل داشت و به همین دلیل با اقبال کم‌سابقه مردم مواجه شد. تا آنجا که حدود هشت هزار پیامک در همان ساعات نخست برای این مستند ارسال شد که برای چنین ژانری قابل توجه بود.»

«بازتاب» نیز دروغ همکاری کتابخانه ملی ایران و کتابخانه «ملی» [کنگره] آمریکا را تکرار می‌کند و واقعیت «البته با همکاری شبکه اول سیما» را بر آن می‌افزاید. یعنی همانچیزی که از مصاحبه‌شوندگان و برخی همکاران پنهان نگاه داشته شد. «بازتاب» به «برش‌های معنادار» نیز در این فیلم اشاره می‌کند ولی معلوم نیست منظورش «برش» به سود رژیم کنونی است یا «برش» به سود رژیم پیشین! از آنجا که رسانه‌های وابسته به رژیم امکان ندارد از «برش‌های معنادار» به سود رژیم کنونی پرده بردارند، پس حتماً منظور از «برش‌های معنادار» آن چیزی است که «بازتاب» آن را به سود رژیم پیشین ارزیابی کرده است! در هر دو صورت، این «برش‌های معنادار» هر مستندی را از استاد تهی می‌سازد، و مهم این است که به وجود این «برش‌های معنادار» اعتراف می‌شود!

بازتاب» همچنین از قول حسین دهباشی که پروژه‌اش ناگام مانده می‌نویسد: «من شخصاً مخالف پخش این فیلم بودم، چرا که به مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌گران قول اخلاقی داده بودم که پس از انتشار متن کامل گفتگوهایشان در قالب کتاب، فیلم‌های این مجموعه به شکل کامل منتشر شود و با توجه به توافقی که با کتابخانه ملی آمریکا نیز صورت پذیرفته، پیش از پخش این مستند پژوهشی، نسخه کاملی از مجموعه تاریخ شفاهی در اختیار این کتابخانه نیز قرار بگیرد. چرا که اگر توافق کتابخانه ملی ایران و کتابخانه ملی آمریکا نبود، این پروژه به سرانجام نمی‌رسید و پیش نمی‌رفت.»

«بازتاب» با ناامیدی ادامه می‌دهد: «یکی از مهم‌ترین این گفتگوها که می‌توانست محل نقد پهلوی از زبان پهلوی‌ها بدون دیزالو و تقطیع باشد، گفتگو با فرح پهلوی بود که بعید است دیگر امکان انجامش محقق شود.»

مگر هیچ مصاحبه‌کننده‌ای پیشاپیش می‌داند مصاحبه‌شوندگان، از جمله «فرح پهلوی» چه می‌گویند که «بازتاب» مصاحبه‌ای را که هنوز صورت نگرفته است، «نقد پهلوی از زبان پهلوی‌ها» معرفی می‌کند؟! همه این دم‌

خروس‌ها نشان می‌دهد که نه پژوهش بلکه پروژه‌ای که «ناهام» ماند قرار بود جدا از آنچه مصاحبه‌شوندگان می‌گویند، به «نقد پهلوی از زبان پهلوی‌ها» تبدیل شود آنهم نه به صورت واقعیاتی که بیان می‌شوند بلکه به شیوه شناخته شده «مصاحبه‌های تلویزیونی» رژیم البته بدون آنکه مصاحبه‌شوندگان دستگیر شده و زیر فشار قرار گرفته باشند! وجود صدا و تصویر و اقناع بیننده به همکاری آنها با صداوسیما جمهوری اسلامی کافی است تا بقیه‌اش با بُرش‌های «معنادار» و مونتاژ و حواشی اضافه شده بر متن و سخن‌پراکنی تهیه‌کنندگان تنظیم شود.

حسین دهباشی اما هنوز امیدوار است پخش این مستند، باعث سلب اعتماد مصاحبه‌شوندگان و برخی مصاحبه‌کنندگان نشود و او بتواند این پروژه را به اتمام برساند، پس متذکر می‌شود: «بنده از تمام مصاحبه‌شوندگان و مصاحبه‌گران بابت پخش این مستند که خلاف قول بنده به ایشان بود عذرخواهی می‌کنم. به هر حال بنده متعهد بودم و هرچند به تعهداتم در خصوص نشر کامل گفتگوها عمل می‌کنم، اما انتظارم این بود که اجازه داده می‌شد این پروژه طبق زمان‌بندی و ترتیبی که میان ما و طرفین توافق شده بود، پیش می‌رفت. به هر حال اشخاص مصاحبه‌شونده با هر اعتقادی، حاضر شده بودند حاصل عمرشان را در اختیار ما بگذارند و باید از این فرصت استفاده مناسب و در چهارچوب اخلاق حرفه‌ای صورت می‌پذیرفت.»
ادعای دهباشی درباره «قول» و «تعهد» و «توافق» و «اخلاق حرفه‌ای» سبب می‌شود به جستجوی پیشینه و همچنین نقش او در این پروژه برآمد.

حسین دهباشی کیست؟

بر اساس خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی، حسین دهباشی پیش از سفر به آمریکا، برای رسانه‌های برون‌مرزی رژیم فیلم می‌ساخت (نام او را گوگل کنید).
بر اساس گزارش روزنامه منتشره در ایالت مریلند (تابستان ۲۰۰۹) حسین دهباشی در سال ۲۰۰۶ با ویزای آمریکا به عنوان « نماینده رسانه‌های خارجی» وارد آن کشور شد و دلیل مسافرت خود را تهیه یک فیلم مستند درباره پرونده‌های سازمان ملل بر اساس مدارک موجود در دادگاه‌ها عنوان کرد. او آپارتمان خود را با نام «حسین کاظمی» اجاره کرد بدون آنکه شماره تلفنی از او در دست باشد.

هنگامی که در ماه مارس ۲۰۱۰ محل سکونت دهباشی مورد بازرسی پلیس قرار گرفت، در کامپیوتر او یک نامه جعلی به نام مقامات بالای سازمان ملل در رابطه با پناهندگی پیدا شد که منجر به دستگیری دهباشی گشت. حسین دهباشی به مدت دو ماه در زندان بسر برد و سپس از ایالات متحده اخراج گشت. او پس از بازگشت به ایران به کار در تلویزیون «پرستی‌وی» پرداخت و ا فب‌بی‌آی و سازمان سیا را متهم کرد که وی را در سلول انفرادی شکنجه کرده‌اند (به لینک‌های زیر این گزارش توجه کنید [لینک‌هایی که اکنون پس از ۱۳ سال بطور مستقیم در اینترنت در دسترس نیستند!!]).

نکته مهم در مورد اقامت دهباشی در آمریکا این است که در هیچ‌کدام از اخبار و گزارش‌های مربوط به دستگیری و آزادی وی گفته نمی‌شود که پلیس آمریکا اساساً به چه دلیل به وی مشکوک شده که به بازرسی از خانه وی پرداخته است، چرا که مدرک جعلی پناهندگی که سبب دستگیری او شد، پس از بازرسی خانه دهباشی به دست آمد. بعید نیست تحركات وی برای تهیه همین «پروژه» سبب شک پلیس آمریکا نسبت به فعالیت‌های دهباشی شده باشد به ویژه آنکه همکاری او با رسانه‌های جمهوری اسلامی چیزی

نبوده که از چشم پلیس آمریکا دور مانده باشد. با اخراج حسین دهباشی از آمریکا، آن بیست نفری که در لیست او برای انجام مصاحبه قرار داشتند، از خطر شرکت در این «پروژه» (و شاید خطرات دیگر) جستند. اگر «پژوهش» دهباشی با پخش «روغایی» از سیمای جمهوری اسلامی لو نمی‌رفت، چه بسا انجام پروژه با خود دهباشی یا افراد دیگر و عمدتاً در اروپا ادامه می‌یافت و به «فرح پهلوی» نیز می‌رسید.

به هر روی، همزمان با اخراج دهباشی از ایالات متحده و بازگشت‌اش به ایران، خبرگزاری مهر به نقل از محمد شکیبانی، مستندساز صداوسیما که تهیه‌کننده همین مستند جعلی نیز هست، نوشت: «دهباشی حدود دو ماه پیش در حالی که در آمریکا مشغول ساخت مستندی با موضوع بررسی وضعیت دوره پهلوی دوم برای تلویزیون ایران بود، دستگیر و به اتهام جعل اسناد برای اخذ اقامت به زندان محکوم شد؛ پس از چندی بسر بردن در زندان، محل اقامت او نیز تغییر کرد و او را به زندانی فرستادند که شرایط بسیار بدی داشت. طی این مدت وکلا از او دفاع نمی‌کردند تا اینکه هفته پیش دهباشی در زندان سکنه کرد و دو تا سه روز در آی سی یو بستری شد و پس از این مدت او را آزاد کردند.»
شکیبانی بر خلاف ادعای دهباشی در برابر مقامات و رسانه‌های آمریکایی که گفته بود می‌خواهد فیلم مستندی درباره پرونده‌های سازمان ملل درست کند، به صراحت می‌گوید که هدف از سفر دهباشی به آمریکا «ساخت مستندی با موضوع بررسی وضعیت دوره پهلوی دوم برای تلویزیون ایران بود».

جام جم آنلاین با اشاره به همین سخنان از قول شکیبانی می‌نویسد: «دهباشی در حال ساخت مستند «راست‌ها و دروغ‌ها» بود و از آنجا که این مستند به دوره دوم پهلوی می‌پرداخت، به مصاحبه با شخصیت‌های مختلف سیاسی آن دوران که اکنون در آمریکا اقامت دارند، اقدام کرد که در همین حین دستگیر شد.» جام جم آنلاین به نقل از ایسنا می‌نویسد: «به گفته شکیبانی، مستند «راست‌ها و دروغ‌ها» در معاونت سیما ساخته می‌شود.»

حسین دهباشی یک سال پیش، به تاریخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ در صفحه «گوگل» خود می‌نویسد: «تیسمار عبدالله (شاپور) آذربیزین، معاون عملیاتی و جانشین فرماندهی نیروی هوایی ایران، یکی از خوشنام‌ترین و شریف‌ترین امیران ارتش و... باسوادترین و منصف‌ترین و مهربان‌ترین آدم‌هایی هست که در جریان پروژه تاریخ شفاهی ایران ملاقات کرده و یکی از ایران‌دوست‌ترین افرادی که در همه عمر دیدم، ساعتی قبل- در غربت- سکنه مغزی کرده است... حال بسیار بد و غمگینی دارم... خواهش می‌کنم محبت کرده و دعایش کنید.»

جلب اعتماد با دروغ

به این ترتیب دهباشی با امکانات حکومت ایران به نام «نماینده رسانه‌های خارجی» به آمریکا می‌رود و زیر این عنوان که می‌خواهد فیلمی درباره پرونده‌های سازمان ملل تهیه کند، شروع به برقراری رابطه با افرادی می‌کند که قرار است فیلم مستند «راست‌ها و دروغ‌ها» را بر اساس آنها تهیه کند. احتمالاً از آنجا که این فیلم خودش بر پایه دروغ تهیه شده، تصمیم گرفتند نام آن را برای رفع سوء تفاهم تغییر دهند!

دهباشی زمانی دستگیر شد که شمار زیادی مصاحبه را به پایان رسانده بود. قصد او از جعل مدارک پناهندگی که پلیس آمریکا در کامپیوتر او یافت معلوم نیست. خودش مدعی شده که بازرسی خانه او به دلیل «ناکامل» بودن مدارک

وی بوده است (به لینک‌ها در زیر این گزارش مراجعه کنید). به هر حال، سفر او به آمریکا به عنوان مستندساز صداوسیما جمهوری اسلامی برای انجام پروژه‌ای که شبکه یک سیما برایش سرمایه‌گذاری کرده با ماجرای پناهندگی همخوانی ندارد و ویژه آنکه دهباشی پروژه را به خوبی پیش می‌برد. مگر اینکه با انجام این مصاحبه‌ها و جلب اطمینان نزدیکان «پهلوی‌ها» قصد مهم‌تری مانند ترور دنبال می‌شده که با دستگیری و اخراج دهباشی ناکام ماند. پلیس آمریکا بی تردید «این‌تریل» و سازمان‌های امنیتی اروپا را از این دستگیری و اخراج بی‌خبر نمی‌گذارد. پس حتی اگر پروژه توسط شبکه یک سیما لو نمی‌رفت، باز هم امکان پیشبرد آن حتی با تیم دیگری، بسیار بعید به نظر می‌رسد اگرچه ناممکن نبود.

به هر روی، نخستین قسمت «راست‌ها و دروغ‌ها» به مدت ۴۶ دقیقه زیر عنوان «گزارش یک پژوهش ناام» و «روغایی از مجموعه ملی تاریخ شفاهی و تصویری ایران» در «دهه فجر» از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. مسئولان اصلی پروژه که در این «روغایی» ظاهر شده و توضیحاتی می‌دهند عبارتند از: حسین دهباشی، حسام‌الدین آشنا استاد دانشگاه «امام صادق»، مهدی فرجی مدیر شبکه اول سیما جمهوری اسلامی و حسن بهشتی پور ناظر کیفی مجموعه. تهیه‌کنندگان می‌دانستند با پخش این «روغایی» بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پرسشی که برای بینندگان پیش می‌آید این است که چگونه مقامات بلندپایه «پهلوی دوم» حاضر شدند با تهیه‌کنندگان سیما جمهوری اسلامی نشست و برخاست کنند! پس حسن بهشتی پور، ناظر کیفی مجموعه، در اینباره چنین توضیح می‌دهد:

«خوش خیال نباشیم که مصاحبه‌کنندگان راحت میان میشینن مصاحبه میکنن و از خداشونه صحبت کنن، نخبر آقا، کلی کار شده، کلی با اینا صحبت شده، کلی افراد واسطه قرار گرفتت تا حاضر، آماده بشه این فرد صحبت کنه. چون اعتماد لازم رو نداشته.»

حسن بهشتی پور واقعیت را لاپوشانی می‌کند و نمی‌گوید که با دروغ پروژه «کتابخانه کنگره آمریکا» توانستند نخستین افراد را به مصاحبه جلب کنند.

حسام‌الدین آشنا استاد دانشگاه «امام صادق» سهم دیگری را در جلب اعتماد بینندگان بر عهده می‌گیرد. او به عنوان «مشاور عالی مجموعه» به بینندگان اطمینان می‌دهد که آنچه می‌بینند، دروغ نیست، از مصاحبه‌شوندگان سالخورده سوء استفاده نشده و همه چیز در عین هوشیاری آنان و صداقت بیان شده است: «اینها بسیار آدم‌های باهوشی هستند. اصلاً نمیتونین آدمی پیدا کنین در میان اینها که آدم گیجی باشه حتی در سن هشتاد سالگی به بالا. متوجهن دارن چی کار میکنن. چالشی که بین محقق و مصاحبه‌شونده وجود داره یک معادله و یک معامله پایاپای است. اونم این هست که من به تو اجازه میدم در تاریخ ایران بچونی به شرطی که صداقت داشته باشی!»

پس بینندگان باید باور کنند که آنچه به عنوان مستند می‌بینند با «صداقت» تهیه شده و ضامن‌اش هم نه صداقت تهیه‌کنندگان، بلکه «صداقت» مصاحبه‌شوندگانی است که قرار است حرف‌هایشان با بُرش و مونتاژ به عنوان «مستند تاریخی» به خورد بینندگان «سیما» داده شود.

حسام‌الدین آشنا، استا دانشگاه، در جای دیگری آشکارا دروغ می‌گوید: «اینها بسیار بشون فکر میکردن دارن با فرزندانشون حرف میزنن و فکر میکردن اگر بمیرن و اینها رو نگفته باشن مثل سَری است که ناگفته باقی میمونه. میخواستن این حرفها را برزن!»

ولی در این مصاحبه‌ها کدام حرف‌ها گفته شد که

بد از درون تهی میشه؟ چرا؟ چطور میشه که یک سیستم از هم میپاشه؟!» دهباشی آگاهانه بجای واژه رایج «نظام» از واژه «سیستم» استفاده می‌کند تا «نظام» جمهوری اسلامی برای بیننده تداعی نشود.

حسام‌الدین آشنا استاد دانشگاه «امام صادق» حرف او را تکمیل می‌کند: «در یک دوره بد که حکومت کارآییش رو از دست میده، اول ملت از اش کنار میکشه، بعد مجلس کنار میکشه، بعد قوه قضاییه کنار میکشه، بعد قوه مجریه کنار میکشه و آخر ارتش کنار میکشه و حکومت تنها میمونه با امواج برخاسته داخلی یا خارجی و نمیتونه مقاومت بکنه.»

آن نظام، یا سیستم، یا حکومت که سی و سه سال پیش رفت و به تاریخ پیوست. بیش از هفتاد درصد جمعیت کنونی ایران هم آن را تجربه نکرده و به یاد نمی‌آورند. منطقی است که بینندگان به دلیل شرایط جامعه ایران و موقعیت حکومت، سخنان حسین دهباشی و حسام‌الدین آشنا را کاملا منطبق با رژیم فعلی و شرایط کنونی بیابند!

حسام‌الدین آشنا حتا از اینهم فراتر می‌رود و با علم به اینکه می‌داند رژیم پیشین نه مردم‌سالار بود و نه ادعای آن را داشت، بلکه این جمهوری اسلامی است که در اوج استبداد همه‌جانبه، ذم از «مردم‌سالاری» می‌زند، تیر آخر را چنین شلیک می‌کند: «اینکه چه وزنی در مردم‌سالاری به حکومت داده میشه، این تعیین کننده ماهیت رژیمه، نه اسمش، نه تاریخچه‌اش، نه شعارهاش، بلکه عملکردش به عنوان کارآمدی نظام در حل مشکلات واقعی، اون تعیین کننده بقا یا فنای یک حکومته!» مستند واقعی این است! در میان اینهمه لاپوشانی، سرانجام یک روغمایی واقعی صورت گرفت!

حسن بهشتی‌پور حتا از استاد دانشگاه «امام صادق» هم بی‌اعتمادتر است و می‌گوید: «من نمیتونم از طرف جوونا متعهد بشم به این اعتماد پیدا کنن ولی تمام کارهایی که لازمه برای اعتمادسازی، من فکر میکنم تو این برنامه انجام میشه.»

در کجای دنیا دیده شده که سازندگان یک فیلم مستند پیشاپیش درباره «اعتماد» بینندگان شک داشته باشند؟! واقعیتی که اینان لاپوشانی و پنهانش می‌کنند و نمی‌توانند آن را بیان کنند این است که اگر به مصاحبه‌شوندگان می‌گفتند داریم با همکاری سیمای جمهوری اسلامی و دانشگاه «امام صادق» و سازمان تبلیغات اسلامی، برنامه‌ای تهیه می‌کنیم که قرار است از تلویزیون رژیم پخش شود، آنوقت، به دلیل همان بی‌اعتمادی که مردم به رژیم دارند، هیچکس حاضر نمی‌شد آنها را به حریم کار و کاشانه و خاطرات خویش راه دهد!

پروژه‌ای که با دروغ و بدون جلب اعتماد شرکت کنندگان تهیه شده باشد، آیا می‌تواند اعتماد بینندگان را جلب کند؟! اگر چنین می‌بود، تهیه‌کنندگان پیشاپیش و ناشیانه برای جلب اعتماد بینندگان دروغ‌پردازی نمی‌کردند.

مستند واقعی این است!

در این «مستند» جعلی اما همزمان یک مستند واقعی جریان دارد و آن برخی حرف‌های دست درکارانش است که بیش از آنکه به رژیم گذشته مربوط شود، اتفاقا مرتب وضعیت نابسامان کنونی و موقعیت متزلزل رژیم فعلی را برای بیننده تداعی می‌کند!

حسین دهباشی با «چرا» هایش می‌پرسد: «چرا یک سیستم

قبلا گفته نشده بود؟! بسیاری از این مصاحبه‌شوندگان تا کنون ده‌ها کتاب و مقاله و گفتگو در مورد رژیم گذشته از جمله فساد دولتی و روند دیکتاتوری شدن کشور در کنار پیشرفت‌ها و نقش مخالفان و... منتشر کرده‌اند. آنچه تا حالا منتشر نشده و ممکن بود مانند «سری» ناگفته مانده باشد، همانا نحوه تدوین و بُرش و چسباندن سخنان به یکدیگر و حواشی اضافه بر متنی است که تهیه‌کنندگان به این «روغمایی» افزوده‌اند تا با لاپوشانی تاریخ، آن را به ابزار تبلیغاتی رژیم تبدیل کنند.

به گفته آن مصاحبه‌شوندگانی که [از سوی کیهان لندن] با آنها تماس گرفته شد، انگیزه آنان ثبت و حفظ این خاطرات در یک مرکز معتبر مانند «کتابخانه کنگره آمریکا» بود و نه سیمای زرد و بیمار رژیمی که نه تنها سال‌هاست کتاب‌ها و خاطرات همین مصاحبه‌شوندگان را با سانسور و تحریف و اضافه کردن زبرنویس‌های دروغ منتشر می‌کند بلکه از جانب برخی از آنان حتا «خاطرات» هم نوشته است!

تلاش برای جلب اعتماد بینندگان

روشن است که برای بینندگان این پرسش نیز پیش می‌آید که این افراد چگونه حاضر شدند پای صحبت فرستادگان رژیم بنشینند تا مستندی را برای تلویزیون آن تهیه کنند بدون اینکه هراسی از بلایی داشته باشند که بر سر حرف‌هایشان خواهد آمد! بر اساس همین بی‌اعتمادی به کل «پروژه» و دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم است که حسام‌الدین آشنا توضیح می‌دهد اگر مردم به کلیت رسانه اعتماد بکنند، به فیلم آنها هم اعتماد خواهند کرد! اما کیست که سطح اعتماد مردم را به صداوسیما جمهوری اسلامی نداند؟!

حجت الاسلام احمد نجمی حوزه علمیه قم

- اعضای شورای راهبردی: دکتر علی دارابی، مهدی فرجی، شهرام بلوریان
- مدیر برنامه: حبیب الله والی نژاد
- پژوهشگر اسناد: مهوش پیروش
- پژوهشگران آرشیو: مجید عزیزی، مظاهر محمودی فر، فاطمه عزیزاده، هاجر صدرهاشمی، نازنین اوقاتیان، مریم اصلانی
- تصویربرداران: ناصر محمودکلاویه، ساسان افسوسی
- صداپرداز: مؤمن صالح
- تدوین: طه فروتن
- صداگذار: علیرضا اکبرپور
- مدیر هنری: مهدیار خوانساری
- ویدئوگرافیک: مهدی جبین شناس، مهدی دوابی
- آهنگساز: علیرضا صالحی، حبیب خزانلی فر
- پشتیبانی فنی: محمدامین زینعلی
- مدیر پشتیبانی: حامد کلاهدوز
- مدیر تولید: محمدهادی حیدری کریم زاده
- تهیه کننده: محمد شکیبانی

• با تشکر از:

- معاونت سیما، معاونت سیاسی، اداره کل آرشیوها
- شبکه چهار سیما
- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی
- مؤسسه فرهنگی نقش جهان هنر
- معاونت هنری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- انتشارات سوره مهر
- کتابخانه کنگره آمریقا
- بنیاد مطالعات ایران
- مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد
- دکتر علی لاریجانی، محمد زین‌العابدینی، علی اکبر اشعری، سید کاظم بجنوردی، دکتر اسحق صالح، دکتر فریبرز خسروی، دکتر جواد ظریف، دکتر سیدصادق خرازی، دکتر حبیب الله لاجوردی، دکتر امیر مسعود شهادت‌نیا، محمد حمزه زاده، علی کاشفی پور
- با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- گروه حماسه و دفاع شبکه اول سیما بهمن ۱۳۹۰

در کیهان لندن:

- واکنش مجید تفرشی به گزارش کیهان لندن (۱۵ اسفند ۱۳۹۰ / ۵ مارس ۲۰۱۲): یادداشتی درباره مصاحبه تحریف شده با ایرانیان سرشناس
- واکنش نویسندگان «مستندسازی با جعل سند، روغمایی یا لاپوشانی؟!»: ما به یادداشت مجید تفرشی (۲۸ اسفند ۱۳۹۰ / ۱۸ مارس ۲۰۱۲): ما به وظیفه خود عمل می‌کنیم
- در پیش‌برده و «روغمایی» از این «مستند» بخش‌هایی از مصاحبه با ۴۵ نفر نشان داده می‌شود که عبارتند از: سپهد عبدالله آذربیزین، منوچهر آریانا، دریادار امیرهوشنگ آریانپور، داریوش آشوری، سیروس آموزگار، احمد احرار، مهندس احمدعلی احمدی، دکتر اکبر اعتماد، دکتر غلامرضا افخمی، مهناز افخمی، دکتر امیراصلان افشار، دکتر مصطفی الموتی، احمدعلی انصاری، مهندس عبدالرضا انصاری، دکتر ایرج امینی، امیرحسین امیرپرویز، دکتر جمشید بهنام، منوچهر بی‌بی‌یان، عباس پهلوان، پرویز حکمت، دکتر منوچهر رزم‌آرا، اردشیر زاهدی، مهندس حسین سپهری، سرلشکر خلیل شجاعی، شجاع الدین شفا، مهندس محسن شیرازی، دکتر عباس صفویان، دکتر علی‌نقی عالیخانی، نصیر عصار، حیدرقلی عمرانی، مهندس ابراهیم فرحبخشیان، مهندس خداداد فرمانفرمایان، اسکندر فیروز، محمود قربانی، دکتر منوچهر گنجی، دکتر عبدالمجید مجیدی، محمد مشیری بزدی، دکتر محمدحسین موسوی، دکتر فرهنگ مهر، دکتر احسان نراقی، دکتر سیدحسین نصر، دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر کاظم ودیعی، مهندس مرتضی وکیل زاده، داریوش همایون.
- مشخصات مستند جعلی «تاریخ شفاهی و تصویری ایران»: «کارگردان: سهیل ایرانی
- رییس شورای سیاست‌گذاری: دکتر حسین کریمی
- سرپرست پژوهشگران: حسین دهباشی

• پژوهشگران:

- دکتر مهدی آهویی دانشگاه ژنو
- دکتر ویدا طبرانی دانشگاه پاریس
- دکتر محمد فرزانه دانشگاه کالیفرنیا جنوبی
- دکتر سیدمحمد حسین منظورالاجداد دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر نجم‌الدین یوسفی دانشگاه ویرجینیا
- سیدمجید تفرشی دانشگاه لندن

* لینک‌هایی که در سال ۱۳۹۰ فعال بودند (شماره از مطالبی که ۱۳ سال پیش در اینترنت در دسترس بودند، در این مدت از دسترس خارج شدند و ممکن است در آرشیو اینترنت بتوان آنها را یافت)

* خبر دستگیری حسین دهباشی در روزنامه محلی ایالت مریلند آمریکا به دلیل جعل مدارک پناهندگی ۹ ژوئن ۲۰۱۰:

http://www2.gazette.net/stories/06092010/daman-ew215707_32566.php

* چهار لینک مربوط به اقامت و دستگیری و اخراج دهباشی از آمریکا و ورودش به ایران و مصاحبه او:

<http://www.highbeam.com/doc/1G1-233262939.html>
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1126153>

<http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?news-num=100881794592>

<http://www.middle-east-online.com/english/?id=40327>

* سایت «بازتاب»: تاملی بر پخش شتابزده یکی از موثرترین مستندهای تاریخ تلویزیون

http://www.kayhanpublishing.uk.com/Pages/archive/*khandaniha/Report/PahlawiII/Baztab_article.html

* پیش‌پرده مستند جعلی «گزارش یک پژوهش ناامام»

<http://www.lenziran.com/2012/02/who-is-hosein-deh-bashi-founder-of-iranian-oral-history-and-producer-of-anti-pahlavi-film-for-iranian-tv>

* بخش اول «تاریخ شفاهی و تصویری ایران- پهلوی دوم»

<http://www.lenziran.com/2012/02/how-france-prevented-arrest-of-khomeini-by-shapoor-bakhtiar-told-in-ex-ceptional-documentary-of-iranian-tv>

* انجمن مطالعات تاریخ شفاهی ایران از سال ۱۳۶۴ (۱۹۹۵)

http://www.iranianoralthistory.de/farsi/bedoune_login/khaneh.html

* صفحه حسین دهباشی در گوگل:

<https://profiles.google.com/104531090522489990395/buzz/JeKwyzsBps9>

* گزارش سایت مردمک در سال ۱۳۸۹ درباره دستگیری دهباشی:

http://www.mardomak.org/story/Documentarist_in_custody/

۳۰ بهمن ۱۳۹۰ تأسیس دانشگاه تهران در دوره رضاشاه بزرگترین پروژه علمی- فرهنگی تاریخ معاصر ایران



دانشگاه تهران پیش از انقلاب ۵۷

مدرسه علوم سیاسی، مدرسه طب، مدرسه فلاح مظهری، مدرسه صنایع مستظرفه، مدرسه حقوق و دارالمعلمین و دانشسرای عالی در دوره قاجار بر پا شدند. مدرسه دارالفنون که بیشتر دانش‌آموختگان آن از میان خانواده‌های سرشناس، درباریان، وابستگان به دربار یا دولتمردان و مامورین دولتی بودند به مرور زمان بنا به دلایل سیاسی و اقتصادی به ویژه پس از قتل ناصرالدین شاه و هزینه‌های گزاف تحصیل رو به ضعف و زوال و انحطاط گذاشت و رونق سابق خود را در پایان قاجاریه و آغاز حکومت پهلوی از دست داد.

باز گردیم به قصه مبارک تأسیس دانشگاه معظم تهران: فکر تأسیس یک دانشگاه جامع، مدرن و عمومی در تهران برای نخستین بار توسط دکتر اسماعیل سنگ نماینده مردم ساری در مجلس شورای ملی طرح شد.

در اسفندماه سال ۱۳۰۵ خورشیدی ضمن مذاکرات پیش از دستور مجلس، دکتر سنگ به سیدمحمد تدین وزیر وقت معارف چنین می‌گوید: «به واسطه نداشتن اونیورسیتیه (دانشگاه) است که محصل به اروپا می‌رود و دست ما به طرف خارجی‌ها برای جلب مستخدمین خارجی دراز است. تدین گفت: راجع به اونیورسیتیه کمال علاقه را دارم و مشغول تهیه لوازم مقدماتی آن هستم؛ نظر من این است که در یک فضای وسیعی که شاید هشتاد تا صد هزار ذرع مربع وسعت داشته باشد بنایی ساخته شود که شعب علوم و فنون مختلف در آن تأسیس گردد.»

تهیه مقدمات تأسیس دانشگاه با تغییر دولت به تاخیر افتاد و دچار افت و خیز شد تا اینکه کلیات طرح را در سال ۱۳۰۷ دکتر محمود حسابی به وزیر معارف، اعتمادالدوله قراگوزلو پیشنهاد داد که مجدداً به دلیل تغییر دولت به مرحله اجرا در نیامد. در سال ۱۳۱۰ عبدالحسین تیمورتاش از طرف رضاشاه به دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) که عازم سفر به آمریکا بود ماموریت داد تا در باب تأسیسات علمی دنیای جدید مطالعه کند. در نهایت تصمیم

علی اصغر حکمت* کفیل وزارت معارف در دولت محمدعلی فروغی درباره چگونگی تولد دانشگاه تهران چنین نوشته است: «در یکی از شب‌های فرخنده اواخر بهمن ۱۳۱۲ جلسه هیئت دولت در حضور شاه در عمارتی که اکنون مقر کاخ ملکه پهلوی است تشکیل شده بود. سخن از آبادی تهران و عظمت ابنیه و عمارت و قصور زیبای جدید در میان آمد، مرحوم فروغی رئیس‌الوزرا در این باب به شاهنشاه تبریک گفت و دیگر وزیران نیز هر یک به تحسین و تمجید زبان گشوده بودند. چون نوبت به بنده نگارنده رسید که به سمت کفیل وزارت معارف در آن میان حاضر بودم گویا خداوند تعالی به قلب من الهام کرد که عرض کردم در آبادی و عظمت پایتخت البته شکی نیست ولی نقصی که دارد این است که این شهر هنوز عمارت مخصوص اونیورسیتیه ندارد و حیف است که این شهر نوین از همه بلاد بزرگ عالم از این حیث عقب باشد. شاه بعد از اندک تاملی گفتند: «بسیار خوب آن را بسازید.» (یادداشت‌هایی از عصر پهلوی. علی اصغر حکمت. مجله خاطرات وحید. فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۴)

سابقه بنیان دانشگاه در ایران دست کم به دوران ساسانیان بازمی‌گردد. زمانی که شاهپور ساسانی فرزند اردشیر بابکان به سال ۲۶۰ میلادی در ۱۸ کیلومتری دزفول کنونی شهر گندی شاپور و دانشگاه گندی شاپور (جندی شاپور) را تأسیس کرد و خسرو انوشیروان آن را توسعه داد و به مرکزی علمی، پزشکی، فلسفی و هنری مبدل کرد. بیت الحکمه و مدارس نظامیه نیز استمرار این دانش‌خواهی در دوره پس از اسلام بود تا اینکه ایران در قرن نوزدهم با دنیای مدرن مواجه شد. میرزاتقی خان امیرکبیر پس از عباس میرزا نخستین ایرانی سرشناسی بود که به لزوم اخذ علوم جدید واقف شد و فرمان ساخت مدرسه دارالفنون را داد. بهره‌برداری از این مدرسه (دانشگاه) به عمر امیرکبیر قد نداد ولی نخستین گام را به درستی برای آشنایی ایرانیان با تمدن جدید برداشت. از پی این بنای بلندمرتبه بود که

فکر تأسیس یک دانشگاه جامع، مدرن و عمومی در تهران برای نخستین بار توسط دکتر اسماعیل سنگ نماینده مردم ساری در مجلس شورای ملی طرح شد. در اسفندماه سال ۱۳۰۵ خورشیدی ضمن مذاکرات پیش از دستور مجلس، دکتر اسماعیل سنگ به سیدمحمد تدین وزیر وقت معارف چنین می‌گوید: «به واسطه نداشتن اونیورسیتیه (دانشگاه) است که محصل به اروپا می‌رود و دست ما به طرف خارجی‌ها برای جلب مستخدمین خارجی دراز است. تدین گفت: راجع به اونیورسیتیه کمال علاقه را دارم و مشغول تهیه لوازم مقدماتی آن هستم؛ نظر من این است که در یک فضای وسیعی که شاید هشتاد تا صد هزار ذرع مربع وسعت داشته باشد بنایی ساخته شود که شعب علوم و فنون مختلف در آن تأسیس گردد.»

تهیه مقدمات تأسیس دانشگاه با تغییر دولت به تاخیر افتاد و دچار افت و خیز شد تا اینکه کلیات طرح را در سال ۱۳۰۷ دکتر محمود حسابی به وزیر معارف، اعتمادالدوله قراگوزلو پیشنهاد داد که مجدداً به دلیل تغییر دولت به مرحله اجرا در نیامد. در سال ۱۳۱۰ عبدالحسین تیمورتاش از طرف رضاشاه به دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) که عازم سفر به آمریکا بود ماموریت داد تا در باب تأسیسات علمی دنیای جدید مطالعه کند. در نهایت تصمیم نهایی و عملی بنیاد دانشگاهی نوین در تراز تاریخ بلندآوازه ایران و تهران مدرن در بهمن‌ماه ۱۳۱۲ در جلسه هیئت وزیران به ریاست محمدعلی فروغی و در حضور رضاشاه و علی اصغر حکمت که کفیل وزارت معارف بود، گرفته می‌شود.

از سوی دیگر با پیگیری‌های عیسی صدیق، علی اصغر حکمت و محمود حسابی طرح ایجاد دانشگاه در ۲۲ اسفند ۱۳۱۲ خورشیدی به مجلس شورای ملی رفت و نمایندگان مجلس در هشتم خرداد ۱۳۱۳ خورشیدی طرح تأسیس دانشگاه را تصویب کردند.

ساخت تالار تشریح دانشکده طب (پزشکی) نخستین کار عمرانی دانشگاه تهران بود. تا پیش از آن آموزش علم طب به صورت تئوری بود و ضرورت داشت این دانش به شکل عملی آموزش داده شود. به ویژه آنکه احساسات عمومی و خرافات مانع استفاده از اجساد مردگان در آموزش طب شده بود. پس از دانشکده پزشکی، ساخت دانشکده حقوق که طراحی داخلی آن را مهندس محسن فروغی بر عهده داشت و دانشکده فنی که با طراحی داخلی مهندس سیرو فرانسوی بود شروع شد.

حسین میرزانیان - ایران معاصر و مدرن و تاریخ تحولات علمی فکری فرهنگی معنوی سیاسی اجتماعی اقتصادی آن را نمی‌توانیم فهم و درک و تحلیل کنیم مگر آنکه سازندگان و پایه‌گذاران‌اش را واکاوی کنیم، بشناسیم و ره‌توشه برداریم. هم درس بیاموزیم هم عبرت؛ هم بهره ببریم هم بهره برسانیم؛ هم قدر بدانیم، هم ارج نهمیم. دانشگاه تهران را بی‌گمان می‌توان اصلی‌ترین پایه‌ی دانش و فرهنگ در عصر جدید دانست. برای آنکه بدانیم چگونه این خانه بزرگ علم و خرد و فرهنگ برافراشته شد، باید و بر تارک ایران درخشیدن گرفت، گام به گام راه طی شده را برای آموختن خود رونویسی و مرور می‌کنیم.

دانشگاه تهران پیش از انقلاب ۵۷

→ نهایی و عملی بنیاد دانشگاهی نوین در تراز تاریخ بلندآوازه ایران و تهران مدرن در بهمن‌ماه ۱۳۱۲ در جلسه هیئت وزیران به ریاست محمدعلی فروغی و در حضور رضاشاه و علی اصغر حکمت که کفیل وزارت معارف بود و در آغاز این نوشتار به آن اشاره شد، گرفته می‌شود. علی اصغر حکمت در ادامه‌ی توضیح این تصمیم می‌گوید:



دکتر اسماعیل سنگ

«در جلسه بعد رضاشاه به علی اکبر داور وزیر مالیه گفت در بودجه آینده ۲۵۰۰۰۰ تومان به وزارت معارف اعتبار دهد تا مصرف ساختمان مدرسه برسد. وزیر مالیه نیز در بودجه سال ۱۳۱۳ آن را گنجانده و ابلاغ کرد و من مامور شدم تا ساختمان دانشگاه را آغاز نمایم.» کمیسیون هم برای تشکیل دانشگاه تهران شکل گرفت که اعضای آن عبارت بودند: دکتر صدیق، دکتر رضازاده شفق، دکتر سیاسی، دکتر حسابی و محمدعلی گرگانی. حکمت می‌گوید کار یافتن مکان برای دانشگاه را «در فروردین ۱۳۱۳ به کمک آندره گدار معمار و مهندس فرانسوی که در خدمت وزارت معارف بود آغاز کردیم. نخست زمین بهجت آباد را مالکین اراضی آن پیشنهاد می‌دهند که گدار آن را به سبب کمی عرصه و قلت وسعت نمی‌پذیرد و زمین‌های باغ جلالیه را مناسب تشخیص داد ولی آنان موفق به رای مثبت وزیر مالیه به نفع خود می‌شوند». تا اینکه در جلسه هیئت وزیران رضاشاه نتیجه یافتن زمین برای دانشگاه را از مرحوم فروغی می‌پرسد و او می‌گوید که دو مکان بهجت آباد و باغ جلالیه پیشنهاد شده است که بهجت آباد در نظر گرفته شد. شاه پیشنهاد بهجت آباد را همچون آندره گدار مناسب ندانست و گفت که خود با سبب همه این زمین‌ها را از نزدیک مشاهده کرده است. زمین‌های بهجت آباد عرصه کمی دارند و سیل‌گیر هم هستند. در نتیجه باغ جلالیه مناسب‌ترین مکان است. باغ جلالیه به فرمان شاهزاده جلال‌الدوله فرزند سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان بنا شده بود و در مالکیت حاج رحیم آقای اتحادیه تبریزی بود. این اراضی با قیمت هر متر ۵ ریال و با قیمت تمام شده یکصد هزار تومان خریداری شد از سوی دیگر با پیگیری‌های عیسی صدیق، علی اصغر حکمت و محمود حسابی طرح ایجاد دانشگاه در ۲۲ اسفند ۱۳۱۲ خورشیدی به مجلس شورای ملی رفت و نمایندگان مجلس در هشتم خرداد ۱۳۱۳ خورشیدی طرح تاسیس دانشگاه را تصویب کردند. ساخت تالار تشریح دانشکده طب (پزشکی) نخستین کار

عمرانی دانشگاه تهران بود. تا پیش از آن آموزش علم طب به صورت تئوری بود و ضرورت داشت این دانش به شکل عملی آموزش داده شود. به ویژه آنکه احساسات عمومی و خرافات مانع استفاده از اجساد مردگان در آموزش طب شده بود. کار با جدیت تمام با طرح و نقشه آندره گدار پیش می‌رفت و در دی‌ماه ۱۳۱۳ بود که کار ساخت تالار تشریح به پایان رسید. وقتی خبر ساخت آن به شاه رسید با شگفتی اعلام کرد که شخصا از آنجا بازدید خواهد کرد و بلافاصله از آن بازدید نمود. دکتر امیر اعلم رییس کرسی تشریح، دکتر ابوالقاسم بختیار جراح و معاون دانشکده طب و دکتر بلر آمریکایی پزشک بیمارستان آمریکایی در این راه متحمل زحمات بسیار شدند و حتی دکتر بختیار بارها مجبور شد مخفیانه اجساد بی‌صاحب را از بیمارستان به تالار تشریح برای دانشجویان بیاورد.

۱۵ بهمن ۱۳۱۳ خورشیدی روزی تاریخی و ماندگار برای ایران

برای گشایش تالار تشریح (افتتاح رسمی دانشگاه تهران) قرار شد یک لوح تاریخی طلا تدارک دیده شود تا در داخل خاک به امانت گذاشته شود اما یک روز قبل از افتتاح، شاه اطلاع می‌دهد که لوح طلا لازم نیست و یک لوح فلزی کافیهست. روز ۱۴ بهمن باران سیل‌آسایی در تهران باریدن گرفت و بیم آن می‌رفت که مراسم افتتاح در ۱۵ بهمن لغو شود. خبر به شاه می‌رسد و پاسخ شاه این بود که اگر سنگ هم از آسمان ببارد برای افتتاح خواهد رفت.

روز ۱۵ بهمن باران بند آمد و هوا کاملا صاف شد. در ساعت ۳ بعد از ظهر با حضور نمایندگان مجلس شورای ملی اعضای هیئت دولت و صاحب‌منصبان رضاشاه به محل دانشکده طب می‌رود و از تالار و زیرزمین تالار تشریح بازدید می‌کند و علی اصغر حکمت توضیحات لازم را می‌دهد. پس از آن به جلوی محوطه ورودی دانشکده طب می‌رود تا مراسم نصب لوله تاریخی در محل حفرت شده واقع در پلکان ورودی جنوبی دانشکده پزشکی برگزار شود. لوله فلزی از جنس برنز و با خط نستعلیق تهیه شده بود و این متن روی آن حک شده بود: «هنگام پادشاهی شاهنشاه ایران رضاشاه پهلوی سر دودمان پهلوی ساختمان دانشگاه تهران به فرمان او آغاز و این نوشته که به یادگار در دل سنگ جا گرفته به زمین سپرده شد. بهمن ماه ۱۳۱۳ خورشیدی.»

نخستین دانشکده‌ای که بنا شد دانشکده پزشکی بود که با توجه به تکامل دانش طب نیاز به ساختمان جدیدی داشت و همچنین به علت نیاز کشور به پزشکانی که بتوانند در معالجه بیماری‌های همه‌گیر و کمک به بیماران و نجات جان مردم بشتابند، می‌بایست در اولویت قرار می‌گرفت.

روز سوم خرداد ۱۳۱۴ خورشیدی کلنگ احداث دانشکده پزشکی توسط محمدعلی فروغی نخست وزیر به زمین زده شد و دو سال بعد در چهارم اسفند ۱۳۱۶ خورشیدی دانشکده پزشکی و دو ساختمان فرعی آن داروسازی و دندانسازی افتتاح شد و بعدها تالار بزرگ ابن سینا به مناسبت بزرگداشت هزاره‌ی ابن سینا در سال ۱۳۳۱ بنا شد و در سال ۱۳۳۲ به اسم این دانشمند نامگذاری شد.

پس از دانشکده پزشکی، ساخت دانشکده حقوق که طراحی داخلی آن را مهندس محسن فروغی بر عهده داشت و دانشکده فنی که با طراحی داخلی مهندس سیرو فرانسوی بود شروع شد.

دانشکده معقول و منقول نیز با پشتکار و جدیت و مهارت علی اصغر حکمت به سرانجام رسید. دانشکده‌های علوم، ادبیات، هنرهای زیبا هم بین سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ بنا شدند.

تشکیل شورای دانشگاه تهران

اولین جلسه شورای دانشگاه تهران در ۲۵ اسفند ۱۳۱۳ خورشیدی با شرکت محمدحسین لقمان ادهم (لقمان‌الدوله) دکتر امیر اعلم، عیسی صدیق، دکتر سیاسی، میرزاغلامحسین خان رهنما، حاج سیدنصرالله تقوی، بدیع الزمان فروزانفر،



علی اصغر حکمت

دکتر حسابی و دکتر ولی خان نصر برگزار شد.

کوی دانشگاه تهران

در سال ۱۳۲۰ با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم ارتش آمریکا در روستای امیرآباد اردوگاهی برای سربازان خود بنا می‌کند که پس از تخلیه ایران بلااستفاده بودند. محمدرضاشاه این مجموعه بنا را با پیشنهاد علی اکبر سیاسی از اهالی روستا خریداری و در آذر ۱۳۲۴ به دانشگاه تهران اهدا کرد. از آن پس این مکان به نام کوی دانشگاه تهران شهرت یافت.

کلوپ دانشجویان دانشگاه تهران

۱۵ بهمن سال ۱۳۲۳ خورشیدی باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران دایر و به یکی از مکان‌های گرد آمدن دانشجویان در کنار رستوران و امکانات رفاهی دیگر تبدیل شد. این یکی از بندهای وصیت محمد مصدق هم بود که از عواید سود سال دوم مستغلاتی که ذکر کرده بود، قطعه زمینی برای ساخت باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران با نظر نماینده دانشجویان خریداری شود و اگر نیازی به خرید زمین نبود مبلغ مورد نظر صرف ساخت یا تعمیر باشگاه دانشجویان شود.

سه سال بعد، در سال ۱۳۲۶ زمین‌های ورزشی و زمین فوتبال دانشگاه تهران برای دانشجویان آماده بهره برداری شد.

استقلال دانشگاه تهران

دانشگاه تهران تا سال ۱۳۲۱ جزئی از وزارت فرهنگ و تحت پوشش و نظارت و اختیار آن بود تا اینکه در ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۱ خورشیدی در مراسم جشن سالگرد تاسیس دانشگاه تهران با همت و پیگیری دکتر علی اکبر سیاسی که وزیر فرهنگ در کابینه احمد قوام بود استقلال دانشگاه تهران از وزارت فرهنگ در حضور محمدرضاشاه اعلام شد و از آن پس امور اداری و سازمانی دانشگاه تهران ←

→ مستقل گشت. همچنین انتخاب رییس دانشگاه تهران که تا پیش از آن با معرفی وزیر فرهنگ و تأیید شاه بود به شورای دانشگاه تهران محول شد و این شورا دکتر سیاسی را به عنوان رییس دانشگاه تهران برگزید که تا سال ۱۳۳۳ این ریاست ادامه داشت. در سوم بهمن سال ۱۳۳۳ به پیشنهاد دکتر محمد مصدق نماینده تهران در مجلس شورای ملی طرح استقلال مالی دانشگاه تهران نیز به تصویب نمایندگان مجلس رسید تا دانشگاه تهران از نظر مالی هم بتواند در تعیین چگونگی تأمین هزینه‌های مالی و میزان نیازهای مالی خود نقش مستقیم داشته باشد.

انتشارات دانشگاه تهران

موسسه انتشارات دانشگاه تهران یکی از اقدامات فرهنگی و مهم در مجموعه دانشگاه تهران است که از سال ۱۳۲۵ خورشیدی کار خود را آغاز کرد. بانی این کار نیک پرویز ناتل خانلری بود و پس از وی ذبیح‌الله صفا، حسین مینوچهر، حافظ فرمانفرمایان، ایرج افشار و... عهده‌دار این مسئولیت شدند و در بسط و گسترش آن تلاش فراوان نمودند.

کتابخانه مرکزی و اسناد دانشگاه تهران

کتابخانه دانشگاه تهران بزرگترین کتابخانه دانشگاهی ایران است که گنجینه‌ای از کتاب‌ها، نسخه‌های خطی و اسناد مهم تاریخی به شمار می‌رود که خود بطور مستقل ارج و قرب و اعتبار ویژه‌ای برای ایران دارد. هسته اصلی این کتابخانه نفیس با اهدای مجموعه کتاب‌های سیدمحمد مشکوه استاد دانشگاه تهران شکل گرفت و بعدها محل نگهداری از ارزشمندترین میراث معنوی کشور شد. کتابخانه در مساحت ۲۲۰۰ متر مربع در ۹ طبقه ساخته شده و بنای فعلی آن در یکم مهرماه سال ۱۳۵۰ خورشیدی گشایش یافت. در سال ۱۳۵۳ علی اصغر حکمت به افتخار چهلمین سال تاسیس دانشگاه تهران پیشنهاد اهدای دو ساعت بزرگ برای نصب در دانشگاه تهران را می‌دهد که با استقبال از این پیشنهاد آن را بر بالای برج ساختمان مرکزی دانشگاه تهران نصب می‌کنند.

تشکیلات و سازمان دانشگاه تهران

همزمان با ساخت دانشگاه تهران طرح تشکیلات و سازمان دانشگاه تهران زیر نظر کمیسیونی متشکل از استادانی چون سیدنصرالله تقوی، بدیع‌الزمان فروزانفر، غلامحسین رهنما، علی اکبر دهخدا، دکتر عیسی صدیق، دکتر رضازاده شفق، دکتر امیر اعلم، دکتر لقمان‌الدوله، دکترعلی اکبر سیاسی و میرزا محمدعلی خان گرگانی تشکیل گردید.

مسجد دانشگاه تهران

ساخت مسجد دانشگاه تهران به سال ۱۳۳۵-۱۳۳۶ در زمان ریاست دکتر منوچهر اقبال رییس دانشگاه تهران آغاز شد و در ۲۲ مهر سال ۱۳۴۵ پایان و گشایش یافت. معمار مسجد عبدالعزیز فرمانفرمایان معمار بلندآوازه و فرهیخته و مشهور ایران است.

لوگوی دانشگاه تهران

طراحی لوگوی دانشگاه بزرگ، فاخر و برجسته‌ای مانند دانشگاه تهران که شایسته این نام و عظمت و سابقه تاریخی و تمدنی ایران بزرگ باشد یکی از اقدامات ماندگار این دانشگاه است. این کار به دست استاد دکتر محسن مقدم استاد دانشکده هنرهای زیبا انجام شد و نقشی ماندگار بر تارک دانشگاه مبارک تهران نشست. این لوگوی فاخر برگرفته از نقش گچ‌بری مکشوفه از شهر

ساسانی تیسفون است. دو بال که نشان از اوج گرفتن و پرورش ذهن است که نام پرافتخار «دانشگاه تهران» (به شیوه نشان‌های دوره ساسانی که از ترکیب حروف تشکیل می‌شود) در مرکز آن درج شده است. حاشیه تزئینی آن هم از دوایر ریزی تشکیل می‌شود که در دوره هخامنشی و ساسانی در سکه‌ها و گچ‌بری‌ها به کار می‌رفته است. شعار



دانشگاه تهران نیز این عبارت شد: «میاسای ز آموختن یک زمان». بعدها دکتر محسن مقدم خانه خود را با تمام وسایل موجود که میراث پدرش بود وقف دانشگاه تهران کرد که اکنون خانه- موزه مقدم شده است.

سردر دانشگاه تهران

سردر ورودی اصلی دانشگاه تهران در خیابان «شاهرضا» از دیگر نشانه‌های هویتی و منحصر به فرد دانشگاه تهران است. گفته می‌شود فراخوانی در سال ۱۳۴۵-۱۳۴۶ برای ارائه طرح سردر دانشگاه داده می‌شود که از میان طرح‌های ارائه شده طرح کوروش فرزانی دانشجو دانشکده هنرهای زیبا برنده شده و اجرای طرح به یک شرکت سوییسی واگذار می‌شود که به دلیل اشکالات و نواقص در قالب‌بندی طرح، اجرای آن به شرکت ایرانی «آرمه» واگذار شد که با موفقیت آن را اجرا می‌کند و به پایان می‌رساند.

طرح نقش پرنده در حال پرواز یا کتابی گشوده را تداعی می‌کند. محاسبه‌کننده‌ی طرح سردر دانشگاه نیز سیمون سرکیسیان بود. هزینه اجرای طرح ۲۴۵۰۰ تومان شد. کوروش فرزانی از شاگردان معمار پرآوازه و خوشنام ایران مهندس سیحون بود.

دیگر خدمات و امکانات مجموعه معظم دانشگاه تهران

با توجه به اطلاعات موجود در منابع خبری در پایگاه‌ها و وبسایت‌ها، دانشگاه تهران هم‌اکنون دارای ۲۵ دانشکده، ۶ دانشکدگان، ۳ پردیس خودگردان و بین‌المللی و ۱۶ مرکز پژوهشی و تحقیقاتی دارد.

دانشگاه تهران دارای ۱۳۹ نشریه تخصصی به شکل فصلنامه و دو فصلنامه است. ۹۲ کانون دانشجویی نیز در مجموعه دانشگاه تهران فعال‌اند.

مراکز پژوهشی تحت نظر دانشگاه تهران:

مرکز پژوهشی‌های کاربردی مدیریت
مرکز پژوهشی علوم و فناوری نانو
مرکز پژوهشی مشخصه یابی پیشرفته
مرکز تحقیقات بیوشیمی بیوفیزیک
مرکز تحقیقات بین‌المللی بیابان

مرکز تحقیقات حفاظت و خاک و آب کوهپایه
مرکز مطالعات سیاستگذاری عمومی
مرکز مطالعات حقوق انرژی
مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
مرکز مطالعات و همکاری‌های بین‌المللی
مرکز مطالعات و تحقیقات زنان
انستیتو مهندسی نفت
موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا

موسسات وابسته به دانشگاه تهران:

موسسه پژوهشی فرهنگ و هنر
موسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی
موسسه پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی انرژی
موسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی
موسسه حقوق تطبیقی
موسسه جغرافیا
موسسه باستان‌شناسی
موسسه لغت نامه دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی

موسسه ژئوفیزیک

موسسه حقوق عمومی

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

موسسه تحقیقات علوم جزا و جرم‌شناسی

پژوهشکده زبان بین‌المللی

پژوهشکده تحقیقات کاربردی فرهنگ ایرانی

پژوهشکده تاریخ علم

پژوهشکده خودرو، سوخت و محیط زیست

موزه‌های تحت پوشش دانشگاه تهران:

خانه- موزه مقدم

باغ موزه نگارستان

موزه جانورشناسی

موزه گیاه‌شناسی

موزه موسسه باستان‌شناسی

موزه زمین‌شناسی

در اینجا یادی از معماران نامداری که در طراحی، نقشه و اجرای مجموعه ساختمان‌های دانشگاه تهران نقش داشتند نیز لازم است؛ معمارانی چون آندره گدار، دوبرول، رولان، ماکسیم سیرو، مارکوف، الکساندر موزر، محسن فروغی و...

رؤسای دانشگاه تهران از آغاز تا کنون:

علی اصغر حکمت

اسماعیل مرات

عیسی صدیق اعلم

سیدمحمد تدین

مصطفی عدل

علی اکبر سیاسی

منوچهر اقبال

احمد فرهادمتمد

جهانشاه صالح

فضل‌الله رضا

علینقی عالیخانی

هوشنگ نهاوندی

احمد هوشنگ شریفی

عبدالله شیبانی

محمد ملکی

حسن عارفی

علی مهدی زاده شهری
ابوالقاسم گرجی
عباس شبیانی
بهمن یزدی صمدی
محمد فرهادی
اسماعیل آوینی

عزت‌الله نگهبان
حیدر غیایی
هوشنگ سیحون
محمد قریب
مهدی بازگان
عبدالحسین زرین کوب

و اجتماعی دانشگاه تهران برای ایرانیان ناشناخته مانده و این درد و غمی سنگین بر دل و جان آدمی می‌نشانند. آن هنگام که بنیاد چنین دانشگاهی برای نخستین بار بر زبان دکتر اسماعیل سنگ رانده شد و بعدها با همت و جد و جهد و کوشش دکتر علی اصغر حکمت و دستور و پیگیری رضاشاه بنای مقدس آن در ۱۵ بهمن نهاده شد، شاید کسی تصور نمی‌کرد در آینده این مکان چه جایگاه ستی در تاریخ علمی و فرهنگی و حیات سیاسی و اجتماعی ایرانیان خواهد داشت. بدون هیچ مبالغه و گزافه‌گویی باید اذعان کرد که دانشگاه تهران بزرگترین حادثه‌ی علمی و فرهنگی تاریخ معاصر ایران است. اگر روز ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ روزی همایون برای ایران است به جهت دردانه‌ای است که در این روز مبارک نهال آن در پلکان ورودی دانشکده طب کاشته شد و ثمری آن دانشگاه همایون تهران است.

دانشگاه تهران در خاک ایران ریشه دوانده و در سراسر این سرزمین کهن و تاریخی و پرشکوه شاخ و برگ و بال و پر گسترانده و با جوشش و کوشش دوستداران و دلسوزان و دلسوختگانش برای ایران و جز ایران انسان تربیت کرده، دانش آفریده، خادم ساخته و برای انسان ایرانی و زیست با کرامت ایرانی راه هموار کرده است. این دانشگاه عزیز آینه‌ی تمام‌نمایی از هنر، معماری، مهندسی، فکر و هوشمندی ایرانی، همکاری و همبستگی ملی فرهیختگان و دانایان سوخته‌جان و دانش‌خواه و سعادت‌جوی ایران در سال‌های آغازین قرن بیستم است.

از این خاک، از این مکان، در زمین باغ جلالیه شعله ایرانخواهی و ایرانسازی جرقه زد که هرچه گذشت و هرچه پیش رفت بارورتر شد و به فرموده آن فرزند برومند ایران ناصر خسرو قبادیانی:

درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را

و همچنین اوحدی مراغه‌ای:
نیست آب حیات جز دانش
نیست باب نجات جز دانش

این نوشتار ادای دین کوچکی است به این کار بزرگ و ستی و بر آن جان‌های شفته‌ای که برای سربلندی ایران و ایرانی کوشیدند و یادگاری مانا و جاوید از خود بجای گذاشتند تا فرزندان ایران راه هموار و گشوده را در پیش گیرند و استمرار دهند.

در تهیه این یادداشت نخستین و اصلی‌ترین منبع مورد وثوق بیشتر از هر منبع دیگری مورد استناد قرار گرفت و آن خاطرات دکتر علی اصغر حکمت با عنوان «یادداشت‌هایی از عصر پهلوی/ دانشگاه تهران چگونه به وجود آمد؟»/ مجله خاطرات وحید فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۴ شماره ۴۳ و ۴۲ بوده است.

* علی اصغر حکمت (۲۱ فروردین ۱۲۷۲- ۱ شهریور ۱۳۵۹) ادیب، استاد دانشگاه، نویسنده، مترجم، شاعر، وزیر معارف و بنیانگذار کتابخانه ملی ایران، نخستین رئیس دانشگاه تهران، وزیر وزارتخانه‌های خارجه، کشور، دادگستری، بهداری، پیشه و هنر، وزیر مشاور، سفیر ایران در هند و تایلند، از موسسین مدارس نوین و مدیر مجله «فروغ تربیت» در عصر پهلوی بود. حکمت از حامیان تأسیس موزه ایران باستان و نگهداری آرامگاه مشاهیر ایرانی بود و سال‌ها مسئولیت جمعیت شیروخورشید سرخ ایران، انجمن آثار ملی و سازمان ملی یونسکو را در کشور بر عهده داشت.



کوی دانشگاه یا کوی امیرآباد

محمدابراهیم باستانی پاریزی
آلنوش طریان
اوژن آفتاندلیانس
ناصر کاتوزیان
سیدجعفر شهیدی
یحیی عدل
جلال افشار
ژاله آموزگار
سیمین دانشور
حمید سمندریان
شیرین بیانی
پریرخ دارستان
محمدعلی موحد
محمدعلی اسلامی ندوشن
محمدرضا شفیعی کدکنی
حسن احمدی گیوی
حسن انوری
فردوسی پاکزاد فرموده است:
خرد باید و دانش و راستی
که کژی بگوید ار کاستی

حسین فروتن
محمد رحیمیان
غلامعلی افروز
محمدرضا عارف
منصور خلیلی عراقی
رضا فرجی دانا
عباسعلی عمیدزنجانی
فرهاد رهبر
محمدحسین امید
محمود نیلی احمدآبادی
محمد مقیمی

برخی استادان مشهور دانشگاه تهران:

علی اکبر دهخدا
سعید نفیسی
محمدتقی بهار
قاسم غنی
بدیع الزمان فروزانفر
ذبیح‌الله صفا
محمد معین
کریم ساعی
آندره گدار
محمود حسابی
غلامحسین صدیقی
محمدپروین گنابادی
محسن فروغی
جلال‌الدین همایی
محمد مقدم
محسن مقدم
علی اکبر سیاسی
احمد تفضلی
یدالله سحابی

اگر دانشگاه گندی شاپور بر تارک تمدن باستانی ایران می‌درخشد و انسان ایرانی در گریز به تاریخ به آن تکیه می‌کند و از نقش و سهم خود در کاروان بزرگ و دراز فرهنگ و تمدن بشری سخن می‌راند، بی‌هیچ شک و تردیدی چنین نقش فاخر و برجسته و باشکوهی را در تاریخ معاصر ایران در قامت ساختمان مبارک دانشگاه تهران می‌بیند. ثمرات و میوه‌های نیکویی که بنیانگذاران و کوشندگان دانشگاه تهران به ایران و ایرانی تقدیم کرده‌اند به قدری وسیع و پر و پیمان است که در زبان و قلم نمی‌گنجد. جایگاه علمی و پایگاه فکری و فرهنگی و معنوی و سیاسی

وعده‌ی بی‌عمل رفع فیلترینگ؛ اصلاح‌طلبان برای حمایت از پزشک‌ها به وزیرش حمله می‌کنند!



شده است.

غلامحسین کرباسچی از دیگر فعالان اصلاح‌طلب نیز پس از این سخنان ستار هاشمی در شبکه‌های نوشت: «وزیر ارتباطات شاید فیلترینگ به صورت گام به گام برداشته شود» شاید هم نشود؟ ممنون از اطلاع‌رسانی و این همه شفافیت»

ستار هاشمی در اظهار نظر دیگری درباره رفع فیلترینگ مدعی شده «ما وضعیت موجود را مناسب نمی‌دانیم اما اینکه چه باید کنیم، پیچیدگی‌های رویکردی دارد و روی آن صحبت می‌کنیم».

این سخنان نیز با واکنش کارشناسان اینترنت روبرو شد. سعید سوزنگر کارشناس اینترنت معتقد است که فیلترینگ نیاز به ابزار دارد و برای رفع فیلتر نیازی به فعالیت زیرساختی نیست.

این کارشناس اینترنت گفته «صحبت‌هایی که درباره سخت بودن رفع فیلترینگ می‌شود کاملاً اشتباه است. ایجاد فیلترینگ تجهیزات و زیرساخت می‌خواهد. باید در مسیر ترافیک درست شبکه، ابزارهایی را تعریف کنند که بتواند پردازش کند و فیلترینگ را انجام دهد. رفع فیلترینگ فقط باید مسیر را تغییر دهد و این سخت‌افزارها جمع‌آوری شود. مساله فیلترینگ سر بار زیادی به شبکه تحمیل می‌کند. شما زمانی که یک بسته را در حالت عادی ارسال می‌کنید، این بسته ممکن است ۱۰۰ کیلوبایت حجم داشته باشد اما با وی.پی.ان ۲۰۰ کیلوبایت می‌شود. ما در شرایط فعلی بیشتر از حالتی که فیلترینگ نبود، منابع را مصرف می‌کنیم و جمع‌آوری فیلترینگ استفاده از منابع را کاهش می‌دهد. همین میزان پهنای باندی که برای فیلترینگ مصرف می‌شود اگر به شبکه برگردد، کیفیت و سرعت و پایداری به شدت افزایش پیدا می‌کند.»

هرچند اصلاح‌طلبان نوک پیکان حملات خود را به سوی وزیر ارتباطات گرفته‌اند تا مبادا مسعود پزشک‌ها و

در حالی که می‌دانند برای فیلترینگ و رفع آن شورایی متشکل از سران اجرایی و امنیتی حکومت تصمیم می‌گیرند با گذشت پنج ماه از فعالیت دولت چهاردهم نه تنها این وعده عملی نشده بلکه بیش از پیش مشخص شده که رئیس دولت قادر به تصمیم‌گیری و اجرای آن نیست. به همین دلیل برخی جریان‌های حامی پزشک‌ها به دنبال نشان دادن «آدرس غلط» برای عملی نشدن این وعده، و به دنبال قربانی کردن وزیر ارتباطات هستند.

در همین ارتباط کارزاری با ۲۰ هزار امضا برای برکناری ستار هاشمی وزیر ارتباطات دولت پزشک‌ها به دلیل ناتوانی در رفع فیلترینگ آغاز شده است. این کارزار از سوی حسن آقامیری آخوند خلع لباس شده‌ی نزدیک به اصلاح‌طلبان به راه افتاده است.

در متن توضیحی این کارزار خطاب به پزشک‌ها آمده «از شما می‌خواهیم با احترام به قولی که داده‌اید، در اولین قدم وزیر ارتباطات را برکنار کرده و فردی را منصوب کنید که برنامه سیاسی مشخصی برای رفع فیلترینگ داشته باشد. بسیاری از مردم تصور می‌کنند وزیر فعلی هیچ‌گونه برنامه‌ای برای رفع فیلترینگ ندارد و بیشتر دنبال روزمرگی است. همچنین شما اختیاری در زمینه اقدام در حوزه شورای عالی فضای مجازی ندارید.»

این کارزار با حمایت بخشی از مدافعان مسعود پزشک‌ها از سوی روزنامه اصلاح‌طلب «سازندگی» برجسته شده است این روزنامه در مطلبی با عنوان «وزیر ناکارآمد» با اشاره به ۲۰ هزار امضا شدن کارزار علیه ستار هاشمی نوشته «ستار هاشمی گویی تنها وزیر است که اراده جدی برای رفع فیلترینگ ندارد و مابقی اعضای کابینه پزشک‌ها به طور جد پیگیر رفع فیلتر هستند.»

ستار هاشمی در آخرین اظهارات درباره رفع فیلترینگ ادعا کرده «پیگیری‌های جدی» در اینباره ادامه دارد و پیشنهاد رفع فیلترینگ به صورت گام به گام یا پلکانی مطرح

● کارزاری با ۲۰ هزار امضا برای برکناری ستار هاشمی وزیر ارتباطات دولت پزشک‌ها به دلیل ناتوانی در رفع فیلترینگ آغاز شده است!

● روزنامه اصلاح‌طلب «سازندگی» در حمایت از این کارزار در مطلبی نوشته «ستار هاشمی گویی تنها وزیر است که اراده جدی برای رفع فیلترینگ ندارد و مابقی اعضای کابینه پزشک‌ها بطور جد پیگیر رفع فیلتر هستند.»

● هرچند اصلاح‌طلبان نوک پیکان حملات خود را به سوی وزیر ارتباطات گرفته‌اند تا مبادا مسعود پزشک‌ها و مشاوران انتخاباتی او از سوی افکار عمومی درباره وعده‌ی بی‌مورد و روی هوای «رفع فیلترینگ» مورد پرسش قرار بگیرند اما خودشان هم می‌دانند که نه شخص وزیر ارتباطات و نه حتی رئیس دولت درباره موضوع فیلترینگ تصمیم‌گیرنده نیستند.

● «کیهان لندن» پیشتر تأکید کرده بود که مخالفت‌های پراکنده درباره رفع فیلترینگ دعوی زرگری جناحین حکومت است و کلیت حکومت اگرچه درباره بی‌اثر بودن سانسور و فیلترینگ به جمع‌بندی رسیده اما رفع آن به سود نظام نیست و اساساً در سیاست‌های سرکوبگرانه آن و محدودیت آزادی بیان نمی‌گنجد.

رفع فیلتر اینترنت به عنوان وعده‌ای که حامیان مسعود پزشک‌ها در خیالی خام منتظر بودند به سرعت عملی شود، همچنان در ابهام است. آنها حالا سعی دارند ستار هاشمی وزیر ارتباطات را مقصر عدم رفع فیلتر اینترنت نشان داده و حتی در نامه‌ای به رئیس دولت خواستار برکناری وی به دلیل ناتوانی در رفع فیلترینگ شده‌اند! در حالی که تصمیم درباره این موضوع که جمهوری اسلامی آن را جزو سیاست‌های کلان خود و در مقابله با آزادی بیان و اطلاع‌رسانی قرار داده، نه در دست وزیر و نه حتی در دست رئیس دولت است!

با اینهمه رفع سانسور اینترنت از سوی اطرافیان پزشک‌ها به عنوان اقدامی تحت اختیارات رئیس دولت قلمداد شده

۱۶ درصد از مردم در ایران برای مهاجرت برنامه‌ریزی کرده و ۴۶/۵ درصد به مهاجرت فکر می‌کنند اما هنوز اقدام نکرده‌اند



او در ادامه گفته «در کتاب ۱۹۸۹ (سقوط امپراتوری روسیه در اروپای شرقی)، به بسیاری از دانشمندان گفتند که از زندان آزادتان می‌کنیم و به شما پول و امکانات هم می‌دهیم اما آنها گفتند که شما باید بروید، این مملکت مال ماست و باید آنرا درست کنیم، در زندان می‌مانیم اما مملکت خود را رها نمی‌کنیم.»

این سخنان شعاری و توخالی در حالی از سوی رئیس دولت چهاردهم مطرح شده که تنها بخش کوچکی از شهروندان در ایران به مهاجرت «فکر نمی‌کنند» و اغلب شهروندان با تحصیلات و سطح درآمد مختلف به دنبال مهاجرت از ایران هستند.

بر اساس پژوهشی که با عنوان «گزارش مهاجرت ایرانیان: علل و انگیزه‌ها» انجام شده، از میان ۱۲ هزار پرسشنامه توزیع‌شده از ۹ تا ۲۰ تیر ۱۴۰۲، حدود ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که مهاجرت کرده و در خارج از ایران زندگی می‌کنند. ۸۱ درصد باقی‌مانده در داخل ایران زندگی می‌کنند.

نتایج این پژوهش که از سوی دو جامعه‌شناس، محمد فاضلی و بهرام صلواتی، انجام شده نشان می‌دهد ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان اصلاً به مهاجرت فکر نمی‌کنند، اما در مقابل ۱۶ درصد نیز به مهاجرت فکر و برای آن اقدام کرده‌اند. ۴۶/۵ درصد به مهاجرت فکر می‌کنند اما اقدام عملی برای آن انجام نداده‌اند و ۲/۵ درصد مهاجرت‌شان قطعی شده و به رفتن از کشور فکر می‌کنند.

همچنین، از ۲۱۰۰ پاسخ‌دهنده‌ای که از ایران مهاجرت کرده‌اند، تنها ۲۰ درصد قصد بازگشت به ایران را دارند.

بطور کلی نتایج پژوهش بیانگر اینست که در

● نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد ۱۶ درصد از مردم در ایران به مهاجرت فکر و برای آن اقدام کرده‌اند. ۴۶/۵ درصد به مهاجرت فکر می‌کنند اما اقدام عملی برای آن انجام نداده‌اند و ۲/۵ درصد مهاجرت‌شان قطعی شده و به رفتن از کشور فکر می‌کنند.

● آمارها نشان می‌دهد در یک دهه گذشته به صورت متوسط سالانه ۲۷ هزار ایرانی اقامت کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا را دریافت و بر اساس گزارش رصدخانه مهاجرت ایران، در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۵ هزار نفر از کشور مهاجرت کرده‌اند.

● در طول ۲۰ سال گذشته که در ۱۲ سال آن میانگین نرخ سرمایه‌گذاری منفی بوده است، حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده است.

نتایج یک پژوهش درباره تمایل شهروندان در ایران به مهاجرت نشان می‌دهد ۱۶ درصد از افراد اظهار کرده‌اند که اصلاً به مهاجرت فکر نمی‌کنند. مسعود پزشکیان معتقد است نخبگان حتی باید در زندان‌های جمهوری اسلامی بمانند اما کشور را ترک نکنند.

مسعود پزشکیان صبح امروز شنبه اول دی‌ماه در مراسم «تجلیل از نشان‌آوران المپیادهای علمی جهان» گفته «ایران را می‌توانیم بسازیم. کسانی می‌توانند این کشور را بسازند که باور و اراده داشته باشند. این مملکت را می‌توانیم بسازیم، ایران ما باید خیلی بالاتر از این باشد. ما باید مملکت را درست کنیم، مملکت را رها نمی‌کنیم؛ این مملکت و این جامعه نیاز به کسانی دارد که درد این مردم را داشته باشند. با افراد بی‌سواد و ریاکار نمی‌توان به جایی رسید.»

➔ مشاوران انتخاباتی او از سوی افکار عمومی درباره وعده‌ی بی‌مورد و روی هوای «رفع فیلترینگ» مورد پرسش قرار بگیرند اما خودشان هم می‌دانند که نه شخص وزیر ارتباطات و نه حتی رئیس دولت درباره موضوع فیلترینگ تصمیم‌گیرنده نیستند. در واقع مشکل در «وعده‌سازی» از رفع فیلترینگ در جریان انتخابات ریاست جمهوری برای بالا بردن آرای مسعود پزشکیان بوده است!

روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره امروز دوشنبه سوم دی‌ماه در مطلبی با عنوان «پرونده رفع فیلترینگ مختومه می‌شود؟» تأکید کرده که رفع فیلترینگ در محدوده‌ی اختیارات وزیر ارتباطات نیست.

در این مطلب با اشاره به کارزار برکناری ستار هاشمی آمده که «در حالی نویسنده این کارزار نقش وزیر ارتباطات را در رفع محدودیت‌های اینترنت پررنگ دانسته که فعالان و کنشگران اینترنت معتقدند که این موضوع به اختیارات ستار هاشمی مرتبط نیست و رفع فیلترینگ یک مساله حاکمیتی است و کل حاکمیت باید در این خصوص تصمیم بگیرد.»

«کیهان لندن» نیز پیشتر تأکید کرده بود که مخالفت‌های پراکنده درباره رفع فیلترینگ دعوی زرگری جناحین حکومت است و کلیت حکومت اگرچه درباره بی‌اثر بودن سانسور و فیلترینگ به جمع‌بندی رسیده اما رفع آن به سود نظام نیست و اساساً در سیاست‌های سرکوبگرانه آن و محدودیت آزادی بیان نمی‌گنجد.

در این مطلب آمده بود که به نظر می‌رسد «اختلاف نظرهای سیاسی» در رابطه با رفع فیلتر اینترنت بیشتر دعوی زرگری مقاماتی در رده‌ها متوسط حکومت باشد چرا که فیلترینگ و رفع فیلتر آن اساساً در دست دولت یا مجلس شورای اسلامی یا دیگر نهادها نیست و شورایی متشکل از مقامات ارشد حکومت و البته با نظارت و اجازه‌ی علی‌خامنه‌ای در این رابطه تصمیم‌گیری می‌کند.

مقامات دولت نیز اعلام کرده‌اند که ۱۶ عضو شورای عالی فضای مجازی با رفع فیلتر مخالف هستند و وبسایت «تجارت نیوز» نام این افراد را منتشر کرده بود.

هفته گذشته نیز سه وکیل دادگستری ساکن استان فارس علیه اعضای مخالف با رفع فیلتر اینترنت در شورای عالی فضای مجازی شکایت کردند. هادی شریف‌زاده، یاسر اینالو و محمد هادی جعفرپور سه وکیل دادگستری در استان فارس، شکایت خود از اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی فضای مجازی را با موضوع «ممانعت از حق» و به دلیل مخالفت این اعضا با رفع فیلتر اینترنت به ثبت رساندند.

در بخشی از شکوایته خطاب به دادستان تهران آمده است: «بنا بر ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد و اهمیت اجابت چنین تکالیفی برای دولت و مأمورین دولتی در تامین حقوق و آزادی‌های مشروع مردمی تا به آنجاست که اصل نهم قانون اساسی، مقرر می‌کند حتی مسئله‌ی مهمی مانند استقلال یا تمامیت ارضی کشور هم نمی‌تواند بهانه‌ای برای وضع قانون بر خلاف حقوق ملت تلقی شود. قانون مورد اشاره مقرر می‌کند: هر رفتاری که مانع حق دسترسی به اطلاعات شود و یا اعمال هرگونه سیاست‌گذاری که معیشت و حقوق اجتماعی و فرهنگی و سلامت جسمی - روانی مردم را با آسیب مواجه کند ممنوع است.»

تلاش‌های اصلاح‌طلبان برای اتهام‌زدایی از مسعود پزشکیان و وعده‌ی رفع فیلتری که از سوی او مطرح شده در حالیست که رضا عاملی، عضو شورای عالی فضای مجازی اعلام کرده این شورا ممکن است در جلسه این هفته درباره رفع فیلتر به نتیجه برسند.

بازداشت چچلیا سالا روزنامه‌نگار ایتالیایی در تهران

● چچلیا سالا روزنامه‌نگار ایتالیایی روز ۲۹ آذرماه توسط نیروی انتظامی در ایران بازداشت شده است اما اتهام او هنوز مشخص نیست.

● وزارت خارجه ایتالیا در بیانیه‌ای اعلام کرد که او در سلول انفرادی نگهداری می‌شود.

● پائولا آمادی سفیر ایتالیا در تهران صبح جمعه هفتم دی‌ماه در زندان با او ملاقات کرده است.

● بر اساس اطلاعاتی که شرکت «کورا مدیا»، شرکت تولیدکننده پاکت در ایتالیا که چچلیا سالا با آن همکاری می‌کند، منتشر کرده است، این روزنامه‌نگار ۲۲ آذرماه با ویزای عادی کار روزنامه‌نگاری با اعتبار یک هفته و قابل تمدید از رم به تهران پرواز کرد.

وزارت خارجه ایتالیا جمعه ۲۷ دسامبر (هفتم دی‌ماه) اعلام کرد چچلیا سالا سالا روزنامه‌نگار ایتالیایی روز ۲۹ آذرماه توسط نیروی انتظامی بازداشت شده است.

در این بیانیه آمده که این روزنامه‌نگار از ۹ روز پیش در سلول انفرادی بوده است. دلایل بازداشت سالا هنوز مشخص نیست و هیچ اتهام خاصی نیز علیه او مطرح نشده است وزارت خارجه ایتالیا همچنین اعلام کرده که «همه تماس‌های ممکن» با این روزنامه‌نگار برقرار شده و صبح جمعه پائولا آمادی سفیر ایتالیا در تهران در زندان با او ملاقات کرده است.

بر اساس اطلاعاتی که شرکت «کورا مدیا»، شرکت تولیدکننده پاکت در ایتالیا که چچلیا سالا با آن همکاری می‌کند، منتشر کرده است، این روزنامه‌نگار ۲۲ آذرماه با ویزای عادی کار روزنامه‌نگاری با اعتبار یک هفته و قابل تمدید از رم به تهران پرواز کرد. سالا که ۲۹ ساله است برای روزنامه «Il Foglio» نیز کار می‌کند.

او قرار بود ۳۰ آذرماه از تهران به رم بازگردد، اما صبح روز ۲۹ آذرماه، پس از تبادل پیام، تلفن‌اش خاموش شد و دیگر به هیچ پیامی پاسخ نداد. عصر همان روز این روزنامه‌نگار جوان با مادرش تماس گرفت تا فقط خبر بازداشت خود را به او بدهد. آخرین مطلبی که از حساب او در شبکه «ایکس» در دسترس است، به موضوع «پدرسالاری» در تهران اختصاص دارد. آخرین پست او در اینستاگرام نیز به دیدارش با زینب موسوی معروف به «امپراتور کوزکو» کم‌دین اختصاص دارد که خود قبلاً در ایران بازداشت و سپس آزاد شده بود. این پست یک روز قبل از دستگیری این روزنامه‌نگار منتشر شده است.

چچلیا سالا پیشتر در بهمن ۱۴۰۲ با حجت‌الاسلام محمد حسین مختاری سفیر جمهوری اسلامی در واتیکان به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی مصاحبه کرده بود.

روزنامه‌نگار ایتالیایی در حالی توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده است که طی ماه‌های اخیر دولت‌های اروپایی بارها به شهروندان خود هشدار دادند از سفر به ایران خودداری کنند.

جمهوری اسلامی با به گروگان گرفتن شهروندان خارجی و همچنین دوتابعیتی از آنها به عنوان ابزاری برای باج گرفتن و اخاذی از دولت‌های غربی سوء استفاده می‌کند.

شرایطی که نخبگان و دانش‌آموختگان دانشگاهی تمایل به مهاجرت از ایران دارند، موج مهاجرت حتی در میان کارگران و افراد دارای حرفه‌های فنی و هنرمندان و ورزشکاران نیز در حال افزایش بوده است.

تقی آزاد ارمکی جامعه‌شناس معتقد است مهاجرت یک پدیده چند وجهی است و می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی باشد و در ایران جریان مهاجرت کشورگشایی است، یعنی مهاجران ایرانی نیروی اجتماعی هستند که جهان را تصاحب می‌کنند و در جهت کسب قلمرو بهتر هستند.

این جامعه‌شناس گفته «مهاجرت ایرانیان از نوع نخبگان، سرمایه‌داران و صاحبان ایده است و تعداد مهاجران قابل کاهش نیست و مهاجران ایرانی را به این سادگی نمی‌توان کاهش داد.»

به گفته تقی آزاد ارمکی مهاجرت‌ها برای جامعه چالش فقر فرهنگی و انسانی ایجاد می‌کند زیرا وقتی نیروی صاحب اندیشه و ثروت که قصد ساختن دارد حذف می‌شود باقی افرادی که می‌مانند اکثراً خنثی هستند.

او همچنین به خروج سرمایه مالی در کنار سرمایه انسانی اشاره کرده و گفته در دو دهه اخیر کلی پول از کشور خارج شده و اگر این پول‌ها مانده بود نیازی نبود از بانک جهانی پول قرض کنیم.

آمارها نشان می‌دهد در یک دهه گذشته به صورت متوسط سالانه ۲۷ هزار ایرانی اقامت کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا را دریافت و بر اساس گزارش رصدخانه مهاجرت ایران، در سال ۱۴۰۱ حدود ۶۵ هزار نفر از کشور مهاجرت کرده‌اند.

گزارش بانک مرکزی هم حاکی از آنست که در طول ۲۰ سال گذشته که در ۱۲ سال آن میانگین نرخ سرمایه‌گذاری منفی بوده است، حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شده است؛ عددی که طبق برنامه هفتم توسعه معادل نیاز کشور برای رسیدن به رشد ۸ درصدی در یک سال است همچنین آمارهای سازمان نظام پزشکی نشان می‌دهد که تعداد گواهی «حُسن انجام کار» ا «گوداستندینگ» که برای مهاجرت پرستاران به برخی کشورها مورد نیاز است از حدود ۷۵۰ نفر در سال ۱۳۹۷ به ۶ هزار نفر در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است.

مرکز استراتژیک نهاد ریاست جمهوری در گزارشی مهاجرت گسترده ایرانیان کشور را به عنوان «ورود به فاز مهاجرت عام» یا «مهاجرت توده‌وار» خوانده است.

محمود نجفی عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران ماه گذشته درباره موج گسترده مهاجرت ایرانیان از کشور گفته بود که این موج، به عوامل متعددی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برمی‌گردد. ولی ریشه اصلی آن را به اعتقاد من باید در کاهش شدید اعتماد اجتماعی و سقوط سرمایه اجتماعی دنبال کرد.

رئیس اتاق بازرگانی تهران اگر روزی بیشتر شاهد مهاجرت دانشجویان و نخبگان علمی برای تحصیل به کشورهای دیگر بودیم حالا می‌بینیم از ورزشکاران مدال آور و فعالان استارت آپی گرفته تا کارمندان و کارگران آروزی مهاجرت دارند و حتی بسیاری از خانواده‌ها از کودکی فرزندانشان را در مدارس خارج از کشور می‌فرستند.

در کنار از دست دادن سرمایه‌های انسانی و جوانان خلاق و نیروی کار متاسفانه در سال‌های گذشته با موج بزرگی از خروج سرمایه و مهاجرت فعالان اقتصادی، مدیران و کارآفرینان هم مواجه شده‌ایم که این موضوع هم صدمات جبران‌ناپذیری به همراه داشته است؛ آن هم درحالی که کشور بیش از هر زمان دیگری تشنه جذب سرمایه‌گذاری است.

→ میان پاسخ‌دهندگان ساکن ایران، تنها حدود یک‌پنجم اصلاً به مهاجرت فکر نمی‌کنند، ۱۸.۸ درصد برای مهاجرت اقدام عملی کرده‌اند و ۳.۱ درصد نیز به‌زودی ایران را ترک می‌کنند.

عمده افرادی که مهاجرت‌شان قطعی شده یا برای مهاجرت اقدام عملی کرده‌اند (بین ۵۰ تا ۶۰ درصد)، در سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی کار می‌کنند. بنابراین، طبیعی است که مهاجرت این افراد فشار زیادی بر تأمین نیروی انسانی در شرکت‌ها و سازمان‌های ایران وارد می‌کند.

در گزارش منتشر شده از نتایج این پژوهش آمده نتایج حاکی از آن است که تحصیلات و درآمد بالاتر موجب تقویت تمایل به مهاجرت می‌شود. این به معنای آن است که سرمایه‌های انسانی ارزشمند کشور در حال مهاجرت هستند این گزارش افزوده در ایران مهاجرت نخبگان علمی و سایر گروه‌های اجتماعی، به یک مساله تبدیل شده است. این روند باعث کاهش ظرفیت نیروی انسانی متخصص در کشور می‌شود. همچنین مهاجرت به‌عنوان یک نیروی شبکه‌ای عمل می‌کند و می‌تواند بر دوستان و آشنایان مهاجر نیز تأثیر بگذارد. تشدید مهاجرت نشان‌دهنده مسائل اجتماعی جدی در ایران است که تحلیل آنها می‌تواند عواقب این پدیده را بهتر روشن کند.

این پژوهش همچنین نشان داده عدالت توزیعی محیط کار در ایران در حال کاهش است؛ «میانگین احساس عدالت توزیعی آن دسته از مهاجرانی که از ابتدای سال ۱۳۹۷ به بعد از کشور مهاجرت کرده‌اند، به طرز معناداری کمتر از کسانی است که پیش از این سال مهاجرت کرده بودند. همچنین نتایج حاکی از آن است که میزان احساس تهدید شغلی بین مهاجرانی که پس از سال ۱۳۹۶ مهاجرت کرده‌اند و مهاجرانی که قبل از سال ۱۳۹۲ مهاجرت کرده‌اند، تفاوت معناداری دارد. به عبارت دیگر، با نزدیک شدن به اواخر دهه ۱۳۹۰، میانگین احساس تهدید ناشی از فقدان امنیت شغلی افزایش یافته است.»

همچنین افرادی که پس از سال ۱۳۹۶ مهاجرت کرده‌اند، سهم عوامل سازمانی را در تصمیم‌گیری مهاجرتی خود بطور معناداری بیشتر از کسانی ارزیابی کرده‌اند که پیش از سال ۱۳۹۶ مهاجرت کرده‌اند. هرچه به سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ نزدیک‌تر می‌شویم، سهم عوامل سازمانی در تصمیم‌گیری مهاجرتی افراد افزایش پیدا می‌کند.

در بخش دیگری از گزارش بررسی نتایج این پژوهش با تأکید بر اینکه «بیشترین مهاجران جوانان و افراد تحصیلکرده هستند» آمده «امروز، شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران نسبت به زمان جمع‌آوری داده‌های این گزارش (تیر ۱۴۰۲) بحرانی‌تر شده است. کشور با کمبود برق و گاز، افزایش قیمت‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای دست‌به‌گریبان است. این مسائل باید هشداری جدی برای سیاستگذاران باشد.»

همچنین به عنوان پیام اصلی گزارش این دو جامعه‌شناس ایرانی، عنوان شده است که بدون اصلاح در شیوه حکمرانی و اجتناب از تکرار روش‌های گذشته و همچنین بدون تدوین برنامه‌های جامع برای بهره‌گیری از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور، ادامه وضعیت فعلی مهاجرت می‌تواند ایران را از سرمایه انسانی خالی کند. ایران مانند کشورهای توسعه‌یافته نیست که اگر مهاجرت به بیرون سرمایه انسانی دارند، به همان اندازه پذیرش سرمایه انسانی ارزشمند هم داشته باشند.

نرخ مهاجرت از ایران طی سال‌های گذشته با سرعت در حال افزایش بوده است. یکی از مهمترین نکات قابل توجه اینست که میل به مهاجرت در میان تمامی اقشار درآمدی و تحصیلی و مشاغل مختلف در حال افزایش بوده است. در

موج جدید افزایش قیمت مواد غذایی به علت افزایش قیمت ارز؛ وزیر جهاد کشاورزی هم تأیید کرد



● افزایش قیمت ارز در بازار ایران طی روزهای گذشته رکوردهای جدیدی بجا گذاشته و تا ظهر امروز شنبه هشتم دی ماه قیمت هر دلار آمریکا به ۸۱ هزار و ۶۵۰ تومان افزایش یافت.

● یک فعال بازار بندکداری مواد غذایی گفته: «بازار مواد خوراکی مدت‌هاست که درگیر تورم ناشی از سیاست‌های ارزی، تحریم و تورم بخش تولید شده و امروز نوسانات ناشی از سیاست ارزی دولت چهاردهم این موضوع را تشدید کرده است.»

مواد خوراکی در حالی از ابتدای سال جاری ۵۰ درصد افزایش یافته که به گفته فعالان صنفی اثرات افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته نیز نمایان شده و موج دیگری از افزایش قیمت‌ها در میان کالاهای خوراکی در راه است. افزایش قیمت ارز در بازار ایران طی روزهای گذشته رکوردهای جدیدی بجا گذاشته و تا ظهر امروز شنبه هشتم دی ماه قیمت هر دلار آمریکا به ۸۱ هزار و ۶۵۰ تومان افزایش یافته است.

قیمت هر یورو ۸۵ هزار و ۱۵۰ تومان، قیمت هر پوند بریتانیا نیز ۱۰۲ هزار و ۶۵۰، قیمت هر درهم امارات ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان و قیمت هر لیر ترکیه نیز ۲۳۲۰ تومان اعلام شد. افزایش ارز در بازار آزاد بطور مستقیم بر افزایش قیمت‌ها در بازار ارز جدید راه‌اندازی شده توسط دولت پزشکیان با عنوان «بازار ارز تجاری» که مبنای ارز مورد نیاز واردکنندگان قرار می‌گیرد نیز موثر است. در چنین شرایطی واردکنندگان کالا و مواد اولیه باید با دلار را با قیمت‌هایی بالاتر از هفته‌های گذشته تهیه و در نتیجه قیمت ریالی کالای وارداتی بیش از پیش خواهد بود.

از آنجا که تولید مواد خوراکی در ایران واردات‌محور است، در نتیجه افزایش قیمت ارز سبب افزایش قیمت خوراکی در بازارهای مصرفی می‌شود. غلامرضا نوری قزله‌جو وزیر جهاد کشاورزی نیز به تازگی افزایش قیمت مواد غذایی را تأیید کرده و گفته «تغییراتی که در نرخ ارز توافقی اتفاق افتاده یا کاهش ارز ترجیحی یک آثار تورمی خواهد داشت که موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد.»

وزیر جهاد کشاورزی ادعا کرده که این وزارتخانه تلاش دارد «با کنترل شرایط جلوی ایجاد هیجان و جو کاذب را گرفته و آثار این موضوع در محدوده واقعی باشد.» وی همچنین گفته «کاهش اثرات تورمی به عواملی، چون حمایت از تولید داخلی، بهبود شرایط اقتصادی کشور و کنترل تورم باز می‌گردد و باید توجه داشت در جایی که مربوط به کالاهای اساسی و سفره مردم باشد، منابع بطور قطع از طریق دیگری جبران خواهد شد و اجازه نمی‌دهیم قوت مردم به خطر بیفتد. تغییراتی که در نرخ ارز توافقی اتفاق افتاده یا کاهش ارز ترجیحی یک آثار تورمی خواهد داشت که موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد.»

فعالان در بازار مواد خوراکی می‌گویند نشانه‌هایی از موج جدید افزایش قیمت مواد غذایی، متأثر از افزایش نرخ ارز، آغاز شده است. در همین رابطه سبحان حسنی فعال بازار بندکداری مواد غذایی گفته «بازار مواد خوراکی مدت‌هاست که درگیر تورم ناشی از سیاست‌های ارزی، تحریم و تورم بخش تولید شده و امروز نوسانات ناشی از سیاست ارزی دولت چهاردهم این موضوع را تشدید کرده است.» به گفته این فعال صنفی «نگاه دولت هیچگاه به وضعیت

و قم، ۱۰۰ درصد مستأجران فقیر به دلیل درآمد ناکافی دچار فقرند و در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی نرخ فقر ناشی از هزینه‌های تأمین مسکن استیجاری و تورم بخش اجاره‌بها بالا است.

بهرام علیاری جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی درباره مشکلات اقتصادی جامعه و تأثیرات آن بر اعتماد اجتماعی و زندگی جمعی مردم گفته «مشکلات اقتصادی در کشور ما و بروز پدیده شاغل فقیر مسئله‌ای نیست که بگوییم حاصل یک ماه و چند ماه است. بطور مثال وقتی بر اساس آمارهای رسمی که از سوی دولت منتشر می‌شود بیش از ۷۰ درصد درآمد خانوارها برای تأمین مسکن آنها هزینه می‌شود، بروز چنین پدیده‌هایی در جامعه کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.» وی همچنین با اشاره به وضعیت نابسامان امنیت شغلی، ناهماهنگی بین هزینه و درآمد افراد و البته از هم گسستگی اجتماعی به دلیل همین فقر روزافزون، گفته «زندگی اجتماعی نیازمند ابزاری است که در آن افراد بتوانند از حداقل امکاناتی برابر برخوردار باشند. مسئله‌ای که الان در جامعه به سختی می‌توان آن را دید. شکاف طبقاتی که در جامعه ایجاد شده منجر به گسستگی اجتماعی شده است. مردم از هم فاصله گرفته‌اند. هر فردی به دنبال منافع شخصی خود است و این روحیه جمعی و کار تیمی برای رفع مشکلات را از بین برده است.»

بهرام علیاری تأکید کرده که «سال‌هاست که مسئولان از تاب‌آوری مردم در برابر مشکلات حرف می‌زنند اما مسئله اینجاست که همین مسئولان تاب مطالبه‌گری مردم را ندارند. هیچ پاسخ روشنی به مطالبات اجتماعی و اقتصادی مردم نمی‌دهند. مدام درگیر مسائلی هستند که برای مردم و معیشت آنها در اولویت نیست. همین فراقبتی‌ها و بی‌توجهی‌ها مردم را نسبت به مسئولان بی‌اطمینان می‌کند. همین مسئله باعث افزایش ناامیدی در جامعه می‌شود. درواقع این ما نیستیم که ناامیدی را به جامعه تزریق می‌کنیم؛ این مسئولان هستند که با بی‌تفاوت بودن نسبت به مسائل روز مردم آنها را ناامید می‌کنند.»

معیشت مردم منصفانه نبوده و نیست و اینکه هرگاه بخواهد تغییرات را اعمال می‌کند و نمی‌گذارد بخش بزرگی از مردم که در دهک‌های پایین و متوسط جامعه قرار دارند زندگی ایده آل و استانداردی داشته باشند.»

این فعال صنفی همچنین تأکید کرده با توجه به افزایش قیمت ارز و ایجاد بازاری جدید در حوزه ارزی از سوی دولت پزشکیان «قطعاً نمی‌توان انتظار تثبیت قیمت‌ها را با اعمال چنین سیاست‌هایی داشت. با چنین رویکردی باید منتظر تب تورمی بالا در بخش خوراکی باشیم.» او همچنین تأکید کرده که «در همین سال جاری، بازار مواد غذایی با ریزش بیش از ۳۰ درصدی تقاضا در بیشتر محصولات خوراکی ضروری و غیر ضروری مواجه شده است و از این پس تقاضای خرید مواد خوراکی به مراتب کمتر می‌شود و احتمال دارد این رقم به ۵۰ درصد تا پایان سال برسد که رقم بسیار تاسف بار و عجیبی است.»

در آنسو گزارش‌ها از تشدید بحران‌های معیشتی برای اقشار کارگری و بازنشسته حکایت دارد که پیش از موج‌های گرانی اخیر هم دستمزدهای آنها کفاف هزینه‌های ضروری یک ماه را هم نمی‌داد. سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، با بیان اینکه «فقر در زندگی کارگران بیداد می‌کند» گفته «با توجه به گرانی‌ها سبد کارگران بسیار کوچک شده است، دولت باید در کنار افزایش حقوق راهکاری برای تقویت قدرت خرید کارگران داشته باشد.»

وبسایت «دیده‌بان ایران» نیز در گزارشی میدانی به مشکلات اقشار بازنشسته پرداخته و نوشته اوضاع نامناسب معیشتی باعث می‌شود که تعداد زیادی از بازنشستگان حداقلی‌بگیر به این دلیل که هزینه‌های درمان بالا است، یا از ادامه معالجه صرف‌نظر کنند، یا بطور کلی به پزشک و بیمارستان مراجعه نکنند و همین مسئله باعث مزمن شدن بیماری‌های آنها می‌شود. وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی نیز به تازگی در گزارشی از افزایش ۴۸ درصدی مستأجران فقیر در ایران در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۱۴۰۱ خبر داده است در این گزارش تأکید شده بود که در استان‌هایی مثل البرز

نصف شدن رشد اقتصادی؛ شکست سپردن حاکمیت اقتصاد نفتی ایران به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی!



تولید به علت تورم فزاینده در اقتصاد کشور به شدت بر میزان فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی و خدماتی اثر داشته است. در یک نمونه طی روزهای گذشته علیرضا کلاهی رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران از زیان ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی صنایع از قطع برق در هفته‌های اخیر خبر داده و نسبت به موج اخراج کارگران به علت رکود و خسارت صنایع هشدار داده است.

در اوایل آذرماه نیز علی‌اکبر الوندیان دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان اعلام کرد که «تولید کارخانه‌های سیمان ۵۰ درصد کم شده زیرا گاز مصرفی آن‌ها به نصف کاهش پیدا کرده است.»

همچنین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی اعلام کرده که رشد اقتصادی بخش صنعت ایران از سال ۱۴۰۲ به شدت کاهش یافته و این روند در نیمه نخست ۱۴۰۳ تشدید شده است.

در این گزارش که با عنوان «رصد شاخص‌های بخش صنعت منتهی به شش‌ماهه اول ۱۴۰۳» منتشر شده بر «رکود عمیق بخش صنعت» تأکید شده و آمده که «بدون بازنگری جدی در سیاست‌های اقتصادی، روند رکودی می‌تواند تشدید شود.» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی «صنایع بورسی مهم نظیر چوب و کاغذ، محصولات فلزی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات و تجهیزات، خودرو و قطعات، دارو، کاشی و سرامیک، فلزات پایه، سیمان و منسوجات» را داری بیشترین رکود طی شش ماهه نخست امسال ارزیابی کرده و نوشته «این صنایع با رشد منفی در تولید و فروش مواجه بوده‌اند، به‌گونه‌ای که کاهش تقاضا عامل اصلی این روند نزولی تلقی می‌شود.»

این گزارش بیانگر شکست سیاست‌های جمهوری اسلامی در سپردن حاکمیت اقتصاد نفتی ایران به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدف دور زدن تحریم‌ها است.

در حالیست که نرخ رشد اقتصادی در نیمه ابتدایی پارسال ۵/۳ درصد اعلام شده بود.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، رشد اقتصادی در نیمه اول امسال در حالی به ۲/۹ درصد کاهش یافته است.

این گزارش نشان می‌دهد نفت همچنان پیش‌تاز صادرات و درآمدهای ارزی ایران بوده است.

دیگر بخش‌ها از جمله خدمات، صنعت، کشاورزی تولید ارزش افزوده‌ای به مراتب کمتر از نفت در اقتصاد ایران دارند. در آنسو اما این بخش‌ها اما بطور مستقیم با معیشت و سید مصرفی مردم مرتبط هستند.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، گروه کشاورزی که به دلیل خشکسالی چند سالی رشد اندکی داشته امسال و تا پایان شهریورماه به ۲/۸ درصد رسیده است. در نیمه نخست ۱۴۰۲ رشد این بخش را ۰/۹ درصد محاسبه کرده بودند.

همچنین ارزش افزوده گروه صنایع و معادن که در نیمه نخست ۱۴۰۲ بالغ بر ۴/۵ درصد بوده به ۲/۴ درصد کاهش یافته است. همچنین ارزش افزوده بخش خدمات هم ۲/۲ درصد محاسبه شده که در مقایسه با ارزش افزوده این گروه در نیمه نخست پارسال ۲/۷ واحد درصد کاهش یافته است به این ترتیب ارزش افزوده همه گروه‌ها نسبت به سال گذشته کاهش چشمگیر داشته و سبب شده نرخ رشد اقتصادی که در نیمه نخست پارسال ۵/۳ درصد بوده در نیمه نخست امسال به کمتر از سه درصد سقوط کند.

گزارش بانک مرکزی همچنین تأکید دارد که رشد اقتصادی بدون نفت ۲/۴ درصد بوده است. همچنین رشد بخش صنعت هم کمتر از یک درصد اعلام شده است.

هرچند بانک مرکزی و رسانه‌های داخلی تحریم‌های اقتصادی را عامل کاهش رشد اقتصادی عنوان می‌کنند اما عواملی چون نبود انرژی و قطع پی در پی برق و گاز صنایع، و قطع آب بخش کشاورزی، و همچنین افزایش هزینه‌های

بانک مرکزی جمهوری اسلامی در گزارشی از نصف شدن رشد اقتصادی ایران در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داده و اعلام کرده این رقم به ۲/۷ درصد سقوط کرده است.

عواملی چون نبود انرژی و قطع پی در پی برق و گاز صنایع، و قطع آب بخش کشاورزی، و همچنین افزایش هزینه‌های تولید به علت تورم فزاینده در اقتصاد کشور به شدت بر میزان فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی و خدماتی اثر داشته است.

خبرگزاری رویترز به تازگی در گزارشی اعلام کرده که سپاه پاسداران توانسته نفوذ خود بر صنعت نفت ایران را بیشتر کند و اکنون تا نیمی از صادرات نفتی کشور را تحت کنترل دارد.

در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ دولت پیش‌بینی صادرات یک میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه نفت در هر روز را داشته که از این میزان ۵۵۰ هزار بشکه به نیروهای مسلح می‌رسد.

بخشی از پول صادرات نفت ایران اصلاً به کشور باز نمی‌گردد و توسط شبکه‌ای که توسط مافیاهای احتمالا وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایجاد شده برای تنش‌زایی و جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی در منطقه و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت در کشورهای مختلف هزینه می‌شود!

روشنک آسترکی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی در گزارشی از نصف شدن رشد اقتصادی ایران در نیمه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته خبر داده و اعلام کرده این رقم به ۲/۷ درصد سقوط کرده است.

در این گزارش آمده است که رشد تولید ناخالص داخلی در شش ماه نخست امسال به ۲/۷ درصد و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این فصل به ۴/۶ درصد رسید. این

افزایش استخراج غیرقانونی بیت کوین در ایران



کشف ماینرهای استخراج ارز دیجیتال از یک سوله غیرمجاز در شهر ری

بر اساس گزارش منابع غیررسمی بخشی از مزارع استخراج رمز ارز متعلق به نهادهای حکومتی است که به صورت مخفیانه در پوشش اصناف دیگر فعال هستند. پیش از این نیز معاون هماهنگی انتقال و تجارت خارجی وزارت نیرو گفته بود که با وجود محدودیت‌های موجود در تامین سوخت نیروگاه‌ها، ماینرهای غیرمجاز به اندازه برق تولیدی نیروگاه اقی بوشهر مصرف داشته‌اند. به گفته محمد اله‌داد، یکی از چالش‌های جدی در برخی استان‌ها، به ویژه استان‌های ساحلی، استفاده غیرمجاز از ماینرهای رمز ارز در اماکن مختلف مسکونی، تجاری، دامداری‌ها و گلخانه‌ها است. در برخی موارد مشاهده شده که در یک منزل مسکونی ۱۵ دستگاه ماینر غیرمجاز با استفاده از برق غیرمجاز فعالیت می‌کنند. ماینرها مصرف برق بسیار بالایی دارند و بطور تقریبی مصرف یک ماینر در یک ساعت معادل یک لیتر گازوئیل است. بخش قابل توجهی از کسری برق کشور ناشی از استفاده غیرمجاز از ماینرها است و در سه سال اخیر حدود ۸۰۰ مگاوات ماینر غیرمجاز در کشور شناسایی و جمع‌آوری شده که این میزان معادل کل تولید برق استان بوشهر است. در شرایطی که ایران با بحران شدید و کمبود انرژی از جمله برق روبروست، نهادهای حکومتی با همکاری پیمانکاران نیمه‌دولتی یا در بخش خصوصی برای کسب درآمدهای نجومی بطور پیدای و پنهان اقدام به استخراج رمز ارز می‌کنند. پیشتر نیز برخی مقامات اعلام کرده بودند مزارعی که چینی‌ها در ایران برپا کرده‌اند یکی از مهمترین عوامل قطع برق است.

● **مجری «نظارت و ساماندهی استخراج رمز دارایی» شرکت توانیر می‌گوید، از وقتی قیمت بیت‌کوین افزایش یافت، روند استفاده غیرقانونی از ماینرها نیز افزایش پیدا کرده است.**

● **پیش از این نیز معاون هماهنگی انتقال و تجارت خارجی وزارت نیرو گفته بود، از چالش‌های جدی در برخی استان‌ها، به ویژه استان‌های ساحلی، استفاده غیرمجاز از ماینرهای رمز ارز در اماکن مختلف مسکونی، تجاری، دامداری‌ها و گلخانه‌ها است.**

● **در شرایطی که ایران با بحران شدید و کمبود انرژی از جمله برق روبروست، نهادهای حکومتی با همکاری پیمانکاران نیمه‌دولتی یا در بخش خصوصی برای کسب درآمدهای نجومی بطور پیدای و پنهان اقدام به استخراج رمز ارز می‌کنند. پیشتر نیز برخی مقامات اعلام کرده بودند مزارعی که چینی‌ها در ایران برپا کرده‌اند یکی از مهمترین عوامل قطع برق است.**

به گفته شماری از مدیران ارشد شرکت توانیر و وزارت نیرو، استفاده گسترده از ماینرهای استخراج رمز ارز به یکی از عوامل اثرگذار در افزایش مصرف برق تبدیل شده است. مجری «نظارت و ساماندهی استخراج رمز دارایی» شرکت توانیر ۹ دی‌ماه توضیح داد که از وقتی نرخ بیت‌کوین افزایش یافت، روند استفاده غیرقانونی از ماینرها نیز افزایش پیدا کرده است. او تأکید کرد: «از ابتدای سال تا پایان آذرماه تعداد ۹۶۵۰ دستگاه ماینر غیرمجاز شناسایی و توقیف شده است.»

آمار رسمی از میزان ماینرهای غیرمجاز وجود ندارد، اما

خبرگزاری رویترز به تازگی در گزارشی اعلام کرده که سپاه پاسداران توانسته نفوذ خود بر صنعت نفت ایران را بیشتر کند و اکنون تا نیمی از صادرات نفتی کشور را تحت کنترل دارد.

منابع آگاه شامل مقامات غربی و منابع امنیتی در جمهوری اسلامی که نخواستند نام‌شان فاش شود به رویترز گفته‌اند سپاه پاسداران در حال حاضر تا ۵۰ درصد از این صادرات را در اختیار دارد. این در حالی است که سه سال پیش این سهم حدود ۲۰ درصد بوده است.

رویترز مدعی شده که نفوذ فزاینده سپاه پاسداران در صنعت نفت ایران، علاوه بر تقویت جایگاه این نهاد در تمامی بخش‌های اقتصاد کشور، اجرای تحریم‌های غرب علیه ایران را نیز دشوارتر کرده است.

در لایحه بودجه امسال دولت اجازه فروش نفت خام و میعانات گازی تا سقف ماهانه ۱۳۴ هزار میلیارد تومان را به منظور تقویت بنیه دفاعی به ستاد کل نیروهای مسلح داد. در لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ نیز دولت پیش‌بینی صادرات یک میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه نفت در هر روز را داشته که از این میزان ۵۵۰ هزار بشکه به نیروهای مسلح، ۵۰ هزار بشکه به باز پرداخت تعهدات و یک میلیون و ۲۵۰ هزار بشکه به دولت، صندوق توسعه و شرکت ملی نفت اختصاص پیدا کرده است.

در اوایل تصویب تحریم‌های نفتی علیه جمهوری اسلامی به دلیل فعالیت هسته‌ای حکومت نیز دولت احمدی‌نژاد با هدف دور زدن تحریم‌های نفتی، فروش نفت را به افرادی با عنوان «اشخاص مورد تأیید دستگاه‌های اجرایی» واگذار کرد که فسادهای گسترده‌ای را رقم زد و پدیده‌هایی مانند بابک زنجانی را در درون اقتصاد ایران ایجاد کرد.

کارشناسان معتقدند تحویل نفت به نهادهای نظامی یا افراد حقیقی خارج از ساختار اجرایی، دولت را از انحصار در فروش نفت خارج می‌کند، اقدامی که احتمال بروز فساد و عدم شفافیت را بطور قابل توجهی افزایش می‌دهد، چرا که با افزایش تعداد طرف‌های فروشنده نفت، نظارت بر نحوه اجرای قراردادهای و تضمین برگشت سرمایه به خزانه کشور مبهم می‌شود.

آمارهای بانک مرکزی از رشد اقتصادی کشور در نیمه نخست امسال تأییدی بر نظر کارشناسان و هشدار آنها به تقویت اقتصاد غیرشفاف توسط جمهوری اسلامی است.

قابل توجه اینکه جواد اوجی وزیر نفت دولت ابراهیم رئیسی مدعی بود در دولت ابراهیم رئیسی تولید و صادرات نفت با افزایش سه برابری روبرو شده است؛ صادراتی که بخشی از آن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سپرده شده و گزارش بانک مرکزی نشان می‌دهد درآمد ارزی ناشی از این صادرات نیز وارد ساختار اقتصادی کشور نشده است! قابل توجه اینکه بهار امسال برایان نلسون، معاون وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در امور تروریسم و اطلاعات مالی از دور زدن تحریم‌ها با استفاده از شرکت‌هایی در سنگاپور و مالزی توسط جمهوری اسلامی خبر داد.

خبرگزاری رویترز نیز در گزارشی به نقل از منابع آگاه اعلام کرده بود که انتقال پول به ایران و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی، از جمله حماس، از طریق سیستم مالی مالزی طی ماه‌های اخیر افزایش یافته است.

این داده‌ها نشان می‌دهد بخشی از پول صادرات نفت ایران اصلاً به کشور باز نمی‌گردد و توسط شبکه‌ای که توسط مافیاهای احتمالاً وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایجاد شده برای تنش‌زایی و جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی در منطقه و پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت در کشورهای مختلف هزینه می‌شود!

اورشلیم پست:

مردم ایران رهبری را می‌خواهند که واقعاً بازتاب‌دهنده اراده آنها باشد



تظاهرات ایرانیان در لندن / ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

که به درگیری‌های مسلحانه و خروج رهبران از کشور انجامید.

در دهه ۱۹۸۰، سازمان مجاهدین با صدام حسین در جنگ ایران و عراق هم‌پیمان شد. این اتحاد به حملات مشترک علیه ایران منجر شد و جان بسیاری از جمله غیرنظامیان بی‌گناه را گرفت. اقدامات مجاهدین در این دوره تصویر این گروه را به عنوان سازمانی خائن به کشور و تروریستی تثبیت کرد.

وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۹۷ مجاهدین را به دلیل گذشته خشونت‌آمیزش در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد. اتحادیه اروپا نیز در سال ۲۰۰۲ آن را در فهرست سازمان‌های تروریستی گنجانید. با این حال، در دهه نخست سال ۲۰۰۰، مجاهدین ادعا کرد که از خشونت دست کشیده و تلاش‌هایی برای بهبود چهره خود آغاز کرد. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ و آمریکا در سال ۲۰۱۲ تحت فشارهای ژئوپلیتیک، نام مجاهدین را از فهرست تروریستی خود حذف کردند.

مشکلات ادامه‌دار مجاهدین

نویسنده تأکید می‌کند، با وجود تلاش‌های مجاهدین برای بازسازی وجهه‌اش، این گروه همچنان در میان ایرانیان بسیار منفور است. همکاری با صدام حسین و ایدئولوژی افراطی آن باعث شده که حمایت مردمی نداشته باشد. همچنین، رفتارهای فرقه‌ای این گروه ادعای نمایندگی مقاومت را بیش از پیش تضعیف کرده است.

نقد جریان‌های اصلاح‌طلب نمایشی

در بخش دیگری از این مقاله آمده، فراتر از گروه‌هایی مانند مجاهدین، برخی لایب‌نگران و روزنامه‌نگاران در غرب خود را بخشی از مخالفان معرفی می‌کنند، در حالی که مردم را از امکان تغییر کامل رژیم دلسرد می‌کنند. ←

روزنامه «اورشلیم پست» در مقاله‌ای که اول ژانویه ۲۰۲۵ (۱۲ دی‌ماه) منتشر شده، به تحلیل نقش گروه‌ها و جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی در شکل دادن به آینده ایران پس از سقوط رژیم جمهوری اسلامی پرداخته است. نویسنده این مقاله آیدین پناهی با اشاره به اینکه «ایران آزاد نه تنها آرزوی مردم آن، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای جامعه بین‌المللی است» توضیح داده است چرا گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق یا جریان‌های منتقد رژیم وابسته به جریان اصلاح‌طلب در ایران مورد استقبال مردم نیستند اما شاهزاده رضا پهلوی از جایگاه ویژه میان اغلب ایرانیان برخوردار است و می‌تواند رهبری دوران گذار به یک نظام دموکراتیک و سکولار را به عهده بگیرد.

در مقدمه این مقاله آمده، سقوط بشار اسد در سوریه و تأثیرات گسترده آن بر آینده ایران، بحث‌ها درباره نقش گروه‌های مخالف در شکل دادن به ایران پس از رژیم را دوباره زنده کرده است.

در میان گروه‌های رقابت‌کننده برای نفوذ، «شورای ملی مقاومت» که به نام مجاهدین خلق (MEK) شناخته می‌شود، به عنوان گروهی مناقشه‌برانگیز مطرح است که با وجود ادعایش مبنی بر نمایندگی مقاومت ایرانیان اما تاریخچه و وضعیت آن نشان می‌دهد که جایگاهی در میان مردم ایران ندارد.

تاریخچه مجاهدین خلق

مجاهدین خلق در سال ۱۹۶۵ به عنوان گروهی رادیکال علیه پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی شکل گرفت. با ترکیب ایدئولوژی‌های مارکسیستی و اسلامی، این گروه در دهه ۱۹۷۰ مسئول حملات خشونت‌آمیز از جمله ترور پرسنل نظامی و پیمانکاران آمریکایی در ایران است. پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، مجاهدین با جمهوری اسلامی تازه‌تأسیس به رهبری آیت‌الله خمینی دچار اختلاف شد

● روزنامه «اورشلیم پست» در مقاله‌ای که اول ژانویه ۲۰۲۵ (۱۲ دی‌ماه) منتشر شده، به تحلیل نقش گروه‌ها و جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی در شکل دادن به آینده ایران پس از سقوط رژیم جمهوری اسلامی پرداخته است.

● آیدین پناهی نویسنده این مقاله با اشاره به اینکه «ایران آزاد نه تنها آرزوی مردم آن، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای جامعه بین‌المللی است» توضیح داده است که چرا گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق یا جریان‌های منتقد رژیم وابسته به جریان اصلاح‌طلب در ایران مورد استقبال مردم نیستند اما شاهزاده رضا پهلوی از جایگاه ویژه میان اغلب ایرانیان برخوردار است و می‌تواند رهبری دوران گذار به یک نظام دموکراتیک و سکولار را به عهده بگیرد.

● «بررسی تاریخچه و سوابق مجاهدین خلق نشان می‌دهد جایگاهی در میان مردم ایران ندارد... آنها یک گروه مارکسیستی-اسلامی هستند که در دهه ۱۹۷۰ مسئول حملات خشونت‌آمیز از جمله ترور پرسنل نظامی و پیمانکاران آمریکایی در ایران است و در دهه ۱۹۸۰ با صدام حسین در جنگ ایران و عراق هم‌پیمان شد و بین مردم منفور هستند.»

● «فراتر از گروه‌هایی مانند مجاهدین، جریان‌های وابسته به اصلاح‌طلب با همکاری لایب‌نگران و برخی روزنامه‌نگاران در غرب هستند که خود را بخشی از مخالفان رژیم معرفی می‌کنند در حالی که مردم را از امکان تغییر کامل رژیم دلسرد می‌نمایند. این افراد اصلاحات سطحی را ترویج می‌دهند که ساختارهای اصلی قدرت رژیم را حفظ می‌کنند.»

● «مردم ایران اغلب خواهان رهبری هستند که وحدت، سکولاریسم و دیدگاه روشنی برای آینده‌ای دموکراتیک را نمایندگی کند. ایران‌نیازمند رهبرانی است که واقعاً بازتاب‌دهنده اراده مردم باشند و نه رهبرانی ساختگی که از سوی غرب تحمیل می‌شوند... شاهزاده رضا پهلوی به عنوان معتبرترین رهبر برای نمایندگی آرمان‌های ایرانیان شناخته می‌شود»



منصور برجی روحانی مسیحی: با ادامه این نظام از اسلام چیزی باقی نخواهد ماند

منصور برجی روحانی مسیحی و بنیانگذار و مدیر سازمان حقوق بشری «اصل ۱۸» یکی از سخنرانان مهمان در کنفرانس «جلوه‌های انسانیت» بود. جامعه بهائیان از ۲۶ سال پیش هر سال چنین کنفرانسی را در لندن برگزار می‌کند که امسال از هفتم تا نهم دی میزبان علاقمندان بود. در حاشیه این کنفرانس، احمد رأفت با منصور برجی که در این کنفرانس در رابطه با نقش اقلیت‌های مذهبی سخنرانی کرد، گفتگویی انجام داده است.



این افراد اصلاحات سطحی را ترویج می‌دهند که ساختارهای اصلی قدرت رژیم را حفظ می‌کند. این رویکرد اغلب به مسائل خاصی مانند آپارتاید جنسیتی یا حجاب اجباری محدود می‌شود و مشکلات سیستماتیک عمیق‌تر را نادیده می‌گیرد.

نویسنده تأکید می‌کند که «به نظر می‌رسد اولویت آنها بجای اصلاحات سیستماتیک در ساختار سیستم، محدود به حرکات نمادین برای ارتقای چهره‌های خاص شده و در اصل روی کمپین‌های رسانه‌پسند مانند برداشت حجاب متمرکز هستند. در عین حال، افرادی مانند نرگس محمدی که به موارد نقض حقوق بشر در داخل ایران می‌پردازند، به دلیل ارتباط با ایدئولوژی‌های اسلامگرایانه-مارکسیستی و اصلاح‌طلبان الیگارش حاکم مورد انتقاد قرار می‌گیرند.»

در همین ارتباط توضیح داده می‌شود «با وجود کسب جوایز بین‌المللی مانند جایزه نوبل صلح [نرگس محمدی] بسیاری از ایرانیان داخل کشور این افراد و نیروها را رد می‌کنند و خواهان حذف کامل جمهوری اسلامی و ناکارآمدی‌های سیستماتیک آن هستند. حمایت علنی همسر نرگس محمدی از شریعت و اظهارات ضدیهودی او نیز درک تعهد وی را به آینده‌ای سکولار و دموکراتیک پیچیده‌تر می‌کند.»

رهبری آینده ایران

در بخش دیگری از مقاله تأکید شده: «مردم ایران اغلب خواهان رهبری هستند که وحدت، سکولاریسم و دیدگاه روشنی برای آینده‌ای دموکراتیک را نمایندگی کند. ایران نیازمند رهبرانی است که واقعاً بازتاب‌دهنده اراده مردم باشند و نه رهبرانی ساختگی که از سوی غرب تحمیل می‌شوند.»

شاهزاده رضا پهلوی به عنوان معتبرترین رهبر برای نمایندگی آرمان‌های ایرانیان شناخته می‌شود. او آمادگی خود را برای هدایت انتقال قدرت در ایران اعلام کرده و بر وحدت، حکومت سکولار و مقاومت غیرخشونت‌آمیز تأکید کرده است. او در اجلاس IAC 2024 گفت: «اپوزسیون ایران از غرب نمی‌خواهد که رژیم را بجای ما سرنگون کند. ما خواستار همکاری با کشورهای دموکراتیک هستیم تا از مردم ایران در راه آزادی حمایت کنند.»

مواضع پهلوی، شامل احترام به تمامیت ارضی، پایبندی به حقوق بشر و نافرمانی و مقاومت مدنی و بدون خشونت، او را به یک چهره قابل احترام در ایران و میان دیاسپورای ایرانی تبدیل کرده است. او همچنین تأکید کرده که ایران آزاد نه تنها روابط خود را با اسرائیل تقویت خواهد کرد، بلکه صلح با همسایگان و غرب، از جمله ایالات متحده، را تضمین می‌کند.

نتیجه‌گیری

در پایان این نوشتار نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند: «ایران دموکراتیک نه تنها آرزوی مردم آن است، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود. ایران آزاد می‌تواند خاورمیانه را متحول کند، ثبات منطقه‌ای را تقویت نماید، تروریسم را کاهش دهد و امنیت عرضه انرژی در بازار جهانی را تضمین کند. غرب باید با دقت افرادی را که به عنوان صدای نمایندگی مردم ایران معرفی می‌کند، ارزیابی کند و مطمئن شود که این افراد با آرمان‌های واقعی مردم ایران همخوانی دارند، نه اینکه روایت‌های اصلاح‌طلبانه‌ای را تبلیغ کنند که از تغییر واقعی فاصله دارد.»

احضار سفیر سعودی در تهران به دنبال اعدام شش ایرانی در عربستان



بازداشت چند قاچاقچی مود مخدر توسط نهادهای امنیتی عربستان سعودی

● خبرگزاری رسمی عربستان سعودی چهارشنبه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۳ از اعدام شش ایرانی به اتهام قاچاق مواد مخدر در این کشور خبر داد.

● زمان دقیق اعدام این شش نفر مشخص نیست، اما در بیانیه وزارت کشور عربستان آمده آنها به اتهام قاچاق حشیش در شهر دمام واقع در سواحل خلیج فارس بازداشت شده بودند. همچنین مشخص نیست که آیا آنها جزو زائران بوده‌اند یا نه.

● مدیرکل کنسولی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به خبر اعدام اتباع زندانی ایرانی در عربستان سعودی به اتهام قاچاق مواد مخدر، از «اعتراض شدید» وزارت خارجه به این اقدام خبر داد. او گفته عبدالله بن‌سعود العنزی سفیر عربستان سعودی در تهران به وزارت خارجه احضار شده است. پیشتر ادعا شده بود تهران و ریاض توافق همکاری‌های قضایی امضاء کرده‌اند.

● اعتراض جمهوری اسلامی به عربستان درباره اعدام ایرانی‌ها به اتهام قاچاق مواد مخدر در شرایطی صورت می‌گیرد که خودش سالانه صدها نفر را به همین اتهام در ایران اعدام می‌کند.

خبرگزاری رسمی عربستان سعودی چهارشنبه ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۳ از اعدام شش ایرانی به اتهام قاچاق مواد مخدر در این کشور خبر داد.

زمان دقیق اعدام این شش نفر مشخص نیست، اما در بیانیه وزارت کشور عربستان آمده آنها به اتهام قاچاق حشیش در شهر دمام واقع در سواحل خلیج فارس بازداشت شده بودند. مشخص نیست که آیا آنها جزو زائران بوده‌اند یا نه شبکه سی‌ان‌ان عربی نام شهروندان ایرانی اعدام شده را جاسم محمد شعبانی، عبدالرضا یونس تنقاسیری، خلیل شهید سمری، محمد جواد عبدالجلیل، مهدی کنعان غامی و محمد شعبانی عنوان کرده است.

شصتی کریمی مدیرکل کنسولی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به خبر اعدام اتباع زندانی ایرانی در

عربستان سعودی به اتهام قاچاق مواد مخدر، از «اعتراض شدید» وزارت خارجه به این اقدام خبر داد. او گفته عبدالله بن‌سعود العنزی سفیر عربستان سعودی در تهران به وزارت خارجه احضار شده است. پیشتر ادعا شده بود تهران و ریاض توافق همکاری‌های قضایی امضاء کرده‌اند.

علیرضا عنایتی سفیر جمهوری اسلامی در عربستان دی‌ماه سال ۱۴۰۲ اعلام کرد در حال حاضر ۲۲ شهروند ایرانی در عربستان در زندان بسر می‌برند که اتهام بیشتر آنها مربوط به مواد مخدر است. او گفت در چند وقت اخیر چند زندانی ایرانی در عربستان مشمول عفو شده‌اند و اکنون ۲۲ ایرانی در این کشور در زندان هستند.

اعتراض جمهوری اسلامی به عربستان درباره اعدام ایرانی‌ها به اتهام قاچاق مواد مخدر در شرایطی صورت می‌گیرد که خودش سالانه صدها نفر را به همین اتهام در ایران اعدام می‌کند.

بازندگان در سوریه و شکست جبران‌ناپذیر رژیم ایران



دیدار پوتین و خامنه‌ای

بازگشته است.

بازنده دیگر در سوریه، روسیه و رئیس‌جمهورش ولادیمیر پوتین است که مجبور خواهد شد در محاسبات خود تجدید نظر کند، چرا که همان می‌کرد رژیم سابق علوی سوریه تضمینی برای حفظ کنترل بندر طرطوس در دریای مدیترانه توسط نیروی دریایی روسیه و فرودگاه حمیمیم در نزدیکی لاذقیه برای نیروی هوایی روسیه خواهد بود.

در حاشیه رویدادهای سوریه باید تأکید کرد که این رویدادها بدون شک توازن‌های منطقه‌ای را کاملاً تغییر خواهد داد؛ درست مانند تغییری که آمریکا ۲۱ سال پیش در عراق به وجود آورد و این کشور را «در سینی طلا» به رژیم ایران واگذار کرد.

اکنون اما جمهوری اسلامی از پذیرش ابعاد شکست بزرگ خود در سوریه سر باز می‌زند؛ شکستی که در اصل ناشی از ناآگاهی مقامات رژیم نسبت به هویت سوریه و مردم آن است.

در مقابل، ولادیمیر پوتین تلاش می‌کند شکست روسیه در سوریه را خنثی جلوه دهد و تظاهر کند که روسیه تحت تأثیر این رویداد قرار نگرفته است. او این کار را با تأکید بر این موضوع انجام می‌دهد که گویا به «اهداف خود» از مشارکت در جنگی که رژیم بشار اسد از سال ۲۰۱۱ علیه مردم‌اش آغاز کرد، رسیده است!

اظهارات اخیر علی خامنه‌ای رهبر رژیم ایران نیز مبنی بر اینکه «شما، صهیونیست‌ها پیروز نیستید، بلکه در سوریه شکست خوردید، جایی که حتی یک سرباز با تفنگ در برابر شما نبود شما توانستید چند کیلومتر پیشروی کنید. این پیروزی نیست و البته جوانان غیرتمند و شجاع سوری بدون شک شما را از آنجا بیرون خواهند کرد»، تنها تأکیدی بر این واقعیت است که رژیم تهران از پذیرش شکست خود امتناع و آن را انکار می‌کند.

حکومت ایران اساساً کنترل تقریباً کامل سوریه از جمله

● ولادیمیر پوتین تلاش می‌کند شکست روسیه در سوریه را خنثی جلوه دهد و تظاهر کند که روسیه تحت تأثیر این رویداد قرار نگرفته است. او این کار را با تأکید بر این موضوع انجام می‌دهد که گویا به «اهداف خود» از مشارکت در جنگی که رژیم بشار اسد از سال ۲۰۱۱ علیه مردم‌اش آغاز کرد، رسیده است!

● جمهوری اسلامی اما اساساً کنترل تقریباً کامل سوریه از جمله شهرهای بزرگ توسط «هیئت تحریر الشام» و سقوط اسد را نادیده می‌گیرد و آن را به عنوان «پیشروی چند کیلومتری» قلمداد می‌کند! کاملاً مشخص است که جمهوری اسلامی دست‌کم تا اطلاع ثانوی، آماده پذیرش واقعیت نیست.

● به وضوح آمریکا و دولت ترامپ می‌خواهند با اعطای یک امتیاز شبه‌پیروزی به پوتین در اوکراین، خسارت روسیه را در سوریه جبران کنند. اما هیچکس نه تنها نمی‌خواهد خسارت جمهوری اسلامی را به دلیل از دست دادن سوریه جبران کند بلکه به نظر می‌رسد این رژیم ایران است که باید به زودی هزینه‌ی کامل ماجراجویی‌های سوریه‌ای خود را بپردازد!

خبرالله خیرالله (روزنامه اردنی الرأی) - بزرگترین بازندگان در سوریه، حکومت‌های ایران و روسیه هستند و روشن است که «هیئت تحریر الشام» به رهبری احمد الشرع هرگونه حضور رژیم ایران را در سوریه، چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، از طریق شبه‌نظامیانی مانند «حزب‌الله» لبنان یا گروه‌های عراقی و افغانستانی به شدت رد می‌کند.

به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی بزرگترین بازنده در تغییرات جدید سوریه است؛ تغییری که می‌توان آن را یک رویداد تاریخی مهم دانست، چرا که سوریه پس از ۵۴ سال حکومت اقلیت موروثی در خاندان اسد، به اکثریت سوری‌ها

شهرهای بزرگ توسط «هیئت تحریر الشام» و سقوط اسد را نادیده می‌گیرد و آن را به عنوان «پیشروی چند کیلومتری» قلمداد می‌کند! کاملاً مشخص است که جمهوری اسلامی دست‌کم تا اطلاع ثانوی، آماده پذیرش واقعیت نیست. این امر طبیعی به نظر می‌رسد، زیرا رژیم ایران از سال ۱۹۷۹ که روی کار آمد، بر این باور بود که خانواده اسد برای همیشه در سوریه در قدرت باقی خواهد ماند.

اظهارات مقامات رژیم ایران نشان‌دهنده بحران عمیقی است که جمهوری اسلامی در پیامد سقوط رژیم اسد در سوریه با آن دست و پنجه نرم می‌کند. این همان نظامی است که حکومت اسلامی از زمان روی کار آمدن خود هرگز در شرط‌بندی روی آن نفوذ در منطقه عربی و دسترسی به دریای مدیترانه و جنوب لبنان تردید نکرده بود.

این راز پنهانی نیست که اولین گروه از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تابستان ۱۹۸۲ پس از تهاجم اسرائیل به لبنان، از طریق سوریه و با تسهیلاتی که حافظ اسد ارائه داد، وارد لبنان شد.

در آن زمان، عناصر سپاه پاسداران از سوریه وارد خاک لبنان شدند و اولین استقرار خود را در پادگان «شیخ عبدالله» متعلق به ارتش لبنان در بعلبک به انجام رساندند.

اکنون اما جمهوری اسلامی در برابر یک بحران عمیق قرار گرفته است؛ بحرانی که باعث طفره رفتن و فراق‌کنی رهبری آن از پاسخ به این پرسش می‌شود که چه بر سر سرمایه‌گذاری میلیاردها دلاری که در سوریه مصرف شد، آمده است؟ میلیاردها دلاری که از جیب ملت ایران برای بقای بشار اسد در دمشق هزینه شد. میلیاردها دلاری که از سوریه به عنوان پلی برای انتقال سلاح به حزب‌الله لبنان و قاچاق سلاح و مواد مخدر به اردن و از طریق اردن به کشورهای خلیج فارس مصرف استفاده می‌کرد.

رژیم ایران آنچه را که کاشته بود اکنون با سقوط ←

جنگ قدرت در کرانه باختری میان تشکیلات خودگردان فلسطین با نیروهای «حماس» و «جهاد اسلامی»



شبه‌نظامیان فلسطینی در کرانه باختری / رویترز

ماه گذشته که منجر به خلاء رهبری در آنجا شد، شدت گرفته است. تشکیلات خودگردان از حمایت غرب برخوردار است، در حالی که گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی هستند و در جامعه فلسطینی نفوذ عمیقی دارند. دولت بایدن و برخی دیگر، تشکیلات خودگردان فلسطین را بهترین گزینه برای مدیریت غزه پس از پایان جنگ می‌دانند. اما بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل با این نظر مخالف است و می‌گوید، که این تشکیلات ذاتاً اسرائیل‌ستیز است.

تشکیلات خودگردان از دهه ۱۹۹۰ با توافقاتی با اسرائیل، مراکز اصلی جمعیت فلسطینی در کرانه باختری را اداره می‌کند. نشان دادن توانایی مقابله با شبه‌نظامیان در این منطقه می‌تواند موقعیت آن را برای مدیریت غزه تقویت کند.

درگیری‌های اخیر نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان را در برابر شبه‌نظامیان حماس و جهاد اسلامی فلسطین، که گروهی هم‌پیمان است، قرار داده است. به گفته تحلیلگران، این نبردها که در دسامبر آغاز شد، شدیدترین درگیری‌ها از زمان نبرد ۲۰۰۷ میان فتح، جناح اصلی کنترل‌کننده تشکیلات خودگردان و حماس در غزه است. آن نبرد در نهایت به شکست فتح و کنترل حماس بر غزه انجامید.

درگیری‌های کنونی در اردوگاه پناهندگان جُنین رخ داده است؛ اردوگاهی که از دید فلسطینیان به عنوان مرکزی برای مقاومت علیه اسرائیل شناخته می‌شود و از سوی اسرائیل به عنوان پایگاهی برای شبه‌نظامیانی که حملات تروریستی انجام می‌دهند. به گفته مقامات فلسطینی و اسرائیلی، این درگیری‌ها تا کنون به کشته شدن حداقل ۱۱ نفر و بازداشت ده‌ها نفر انجامیده است.

درگیری‌ها از پنجم دسامبر ۲۰۲۳ پس از آن آغاز شد که شبه‌نظامیان دو ماشین وانت متعلق به نیروهای امنیتی فلسطین را سرقت کردند. شبه‌نظامیان نقابدار و

● روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی که دوم ژانویه ۲۰۲۵ (۱۳ دی‌ماه) منتشر شد، به بررسی درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین و شبه‌نظامیان حماس و جهاد اسلامی در کرانه باختری پرداخته است. درگیری‌هایی که به ویژه در اردوگاه پناهندگان جُنین به اوج خود رسیده و می‌تواند تعیین‌کننده آینده رهبری در فلسطین باشد.

● درگیری بین جناح‌های فلسطینی پس از حملات شدید نظامی اسرائیل به حماس در غزه طی ۱۵ ماه گذشته که منجر به ایجاد خلاء رهبری در این منطقه شد، شدت گرفته است. تشکیلات خودگردان از حمایت غرب برخوردار است، در حالی که گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی هستند و در جامعه فلسطینی نفوذ عمیقی دارند.

● ژنرال انور رجب سخنگوی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان می‌گوید وجود گروه‌های شبه‌نظامی به منافع فلسطین آسیب می‌زند، زیرا به اسرائیل بهانه‌ای برای انجام حملات در مناطق فلسطینی می‌دهد.

روزنامه «والاستریت ژورنال» در گزارشی که دوم ژانویه ۲۰۲۵ (۱۳ دی‌ماه) منتشر شد، به بررسی درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین و شبه‌نظامیان حماس و جهاد اسلامی در کرانه باختری پرداخته است. درگیری‌هایی که به ویژه در اردوگاه پناهندگان جُنین به اوج خود رسیده و می‌تواند تعیین‌کننده آینده رهبری در فلسطین باشد.

نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین با شبه‌نظامیان حماس و متحدان آن در کرانه باختری درگیر هستند، نبردی که می‌تواند سرنوشت مبارزه بلندمدت برای رهبری آرمان‌های فلسطین را تعیین کند.

درگیری بین جناح‌های فلسطینی پس از حملات شدید نظامی اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس در غزه طی ۱۵

بشار اسد برداشت می‌کند. می‌توان سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی در سوریه را از یک زاویه خاص نیز درک کرد. این زاویه همان پروژه توسعه‌طلبانه رژیم اسلامی است که نخستین و مهم‌ترین هدف آن همواره صدور مشکلات داخلی ایران به خارج از مرزهای خود به منظور دفاع از رژیم حاکم تحت شعار «صدور انقلاب» بوده است.

جمهوری اسلامی تفسیر و توجیه کاملی از سیاست خود در سوریه و اینکه این کشور تحت حاکمیت اکثریت قرار نگیرد دارد که به دلیل همان اهداف توسعه‌طلبانه قابل درک است. اما آنچه تا حد زیادی قابل درک نیست، سیاست انحرافی کامل روسیه به نفع رژیم اسد در جنگ علیه مردم سوریه است که توجیهی ندارد. چنین انحرافی به وضوح زمانی نمایان شد که نیروی هوایی روسیه از پایان سپتامبر ۲۰۱۵ وارد عمل شد تا از سقوط رژیم سوریه جلوگیری کند. این اقدام با توجه به این واقعیت کمی قابل درک می‌شود که روس‌ها بر اساس درخواست رژیم ایران چنین سیاست انحرافی را در پیش گرفتند؛ سیاستی که توسط قاسم سلیمانی فرمانده وقت «سپاه قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به مسکو منتقل شد.

مخالفان رژیم سوریه در آستانه تسلط بر سواحل این کشور بودند که نیروی هوایی روسیه که در پایگاه حمیمیم مستقر شده بود، مانع از این امر شد.

روسیه بقای رژیم اسد را که در آستانه سقوط بود، طولانی‌تر کرد. هدف اصلی روسیه حفظ پایگاه دریایی طرطوس و پایگاه هوایی حمیمیم و جلوگیری از ایجاد خط لوله گاز از طریق اراضی سوریه به سواحل ترکیه بود.

پوتین در عمل به دنبال تحقق رویای قدیمی کشورش از دوران تزارها بود: رویای حضور روسیه در آب‌های گرم.

حالا به نظر می‌رسد که روسیه بیش از هر زمان دیگری به حضور خود در سوریه نیاز دارد. این امر به این دلیل است که حضور نظامی در سوریه برای حفظ نفوذ مسکو در منطقه بسیار مهم است و همچنین به توقف هواپیماهای باری که مهمات، تجهیزات و نیروهای انسانی را به پایگاه‌های روسیه در آفریقا منتقل می‌کنند، کمک می‌کند.

در حالی که رژیم ایران و رهبران آن از پذیرش شکست در سوریه امتناع می‌کنند، همین وضعیت را در مورد پوتین نیز می‌توان صادق دانست. تفاوت تنها این است که رئیس جمهور روسیه ممکن است شکست خود را در سوریه در اوکراین جبران کند و بتواند با داد و ستد سیاسی احتمالی با دولت دونالد ترامپ، امتیازاتی کسب کند. اما رهبری رژیم ایران باید به دنبال چیزی باشد که تحمل فقدان سوریه را برای آن ممکن سازد؛ سوریه‌ای که به عنوان «میدان عمل» و مشابه لبنان در دوران تسلط حزب‌الله بر آن کشور و چه بسا مهمتر از آن برای تهران اهمیت داشت. حال این پرسش مطرح است: چه کسی می‌تواند برای جمهوری اسلامی جایگزینی پس از فقدان سوریه فراهم کند؟

به وضوح آمریکا و دولت ترامپ می‌خواهند با اعطای یک امتیاز شبه‌پیروزی به پوتین در اوکراین، خسارت روسیه را در سوریه جبران کنند. اما هیچکس نه تنها نمی‌خواهد خسارت جمهوری اسلامی را به دلیل از دست دادن سوریه جبران کند بلکه به نظر می‌رسد این رژیم ایران است که باید به زودی هزینه‌ی کامل ماجراجویی‌های سوریه‌ای خود را بپردازد! ماجراجویی‌ای که به پیروزی برای ترکیه منجر شد که ویژگی‌های آن هر روز بیشتر مشخص می‌شود.

* منبع: روزنامه اردنی الرأی

* نویسنده: خیرالله خیرالله

* ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

طرح استیضاح همتی به جریان افتاد؛ قالیباف می‌گوید در مقطع فعلی خلاف منافع مردم است

● قیمت دلار طی دو روز گذشته حدود دو هزار تومان کاهش یافته بود اما بار دیگر روز سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه در مرز ۸۲ هزار تومان قرار گرفت.

● هرچند دولت مدعی شده بود که هدف از راه‌اندازی این بازار تک‌نرخ کردن ارز با هدف از بین رفتن «فساد ارزی» است اما با گذشته بیش از یک ماه از راه‌اندازی این بازار اختلاف قیمت دلار در بازار ارز تجاری و بازار آزاد حدود ۲۵ درصد است.

● مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات اقتصادی گفته «ممکن است طرح سوال از رئیس جمهور را کلید بزنیم.»

● علت استیضاح وزیر اقتصاد «افزایش قیمت‌ها، تبعات روانی قیمت ارز و گران شدن کالاهایی که قیمت آن با ارز تعیین می‌شود» عنوان شده است.

● محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی: در مقطع فعلی وارد شدن به فرایند استیضاح خلاف منافع مردم است.

افزایش قیمت ارز در کنار مشکلات کمبود انرژی و بی‌برنامگی دولت در ساماندهی به بحران‌های اقتصادی با واکنش برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شده است. نمایندگان از احتمال به جریان افتادن «طرح سوال از رئیس جمهور» و «استیضاح وزیر اقتصاد» خبر داده‌اند.

قیمت دلار طی دو روز گذشته حدود دو هزار تومان کاهش یافته بود اما بار دیگر روز سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه در مرز ۸۳ هزار تومان قرار گرفت. قیمت‌ها در بازار ارز تجاری نیز روند افزایشی خود را ادامه می‌دهد و به مرز ۶۷ هزار تومان رسیده است.

دولت مسعود پزشکیان طی هفته‌های گذشته با حذف سامانه نیما که محل تأمین ارز برای واردکنندگان و محل ارائه ارز ناشی از صادرات برای صادرکنندگان بود، بازار جدیدی با عنوان بازار ارز تجاری راه‌اندازی کرد.

هرچند دولت مدعی شده که هدف از راه‌اندازی این بازار تک‌نرخ کردن ارز با هدف از بین رفتن «فساد ارزی» است اما با گذشته بیش از یک ماه از راه‌اندازی این بازار اختلاف قیمت دلار در بازار ارز تجاری و بازار آزاد حدود ۲۵ درصد است.

بسیاری از افراد دارای رانت پیشتر ارز را از سامانه نیما و به اسم واردات دریافت و بعد در بازار آزاد به فروش می‌رساندند و سود زیادی به جیب می‌زنند. این در حالیست که همچنان دو بازار اصلی متفاوت در حوزه ارزی با اختلاف قابل توجه در قیمت‌ها پابرجاست و رانتخواران نیز همچنان در ساختار فاسد جمهوری اسلامی حضور دارند!

است در مکان‌هایی مانند طولکرم و نابلس قدرت بیشتری پیدا کند.»

در سال‌های اخیر، تشکیلات خودگردان در حفظ کنترل خود بر مناطق شمالی کرانه باختری، به ویژه در اردوگاه‌های پناهندگان پرازدحام و فقیر که دهه‌ها پس از تأسیس



دولت اسرائیل ایجاد شده‌اند، دچار مشکل بوده است. این اردوگاه‌ها شاهد افزایش فعالیت شبه‌نظامیان و درگیری با نیروهای امنیتی اسرائیل بوده‌اند.

برخی فلسطینیان تشکیلات خودگردان را فاسد و ناتوان می‌دانند. حمایت از حماس در کرانه باختری پس از حملات حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که منجر به کشته شدن حدود ۱۲۰۰ نفر شد، افزایش یافت.

اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که این حمایت در طول جنگ به تدریج کاهش یافته است؛ جنگی که منجر به ویرانی گسترده در غزه شده است. بر اساس گزارش مقامات بهداشتی فلسطین، بیش از ۴۵ هزار نفر از زمان آغاز جنگ کشته شده‌اند که این آمار شامل شبه‌نظامیان کشته شده نمی‌شود.

پیشتر گروهی از بازرگانان، فعالان حقوق بشر و پیمانکاران ساختمانی غزه بطور عمومی حمایت خود را از نظارت تشکیلات خودگردان فلسطین بر غزه و بازسازی آن اعلام کردند. یکی از امضاکنندگان این نامه مشترک گفت که آنها احساس می‌کنند وظیفه دارند بگویند غزه نباید توسط افراد خارجی یا حماس اداره شود.

گروه‌های شبه‌نظامی تلاش کرده‌اند سرکوب جُین را به عنوان اقدامی از سوی تشکیلات خودگردان برای انجام دستورات اسرائیل جلوه دهند. حماس روز یکشنبه اعلام کرد: «این عملیات به سطوح خطرناک و بی‌سابقه‌ای رسیده است، صحنه‌هایی که مشابه اقدامات اشغالگران علیه مردم ما است.»

غسان خطیب استاد دانشگاه بیرزیت در کرانه باختری می‌گوید با وجود فراخوان گروه‌های شبه‌نظامی برای تظاهرات علیه این سرکوب، چنین تجمعاتی شکل نگرفته و درگیری‌ها به مناطق دیگر گسترش نیافته است.

او همچنین گفت که تصمیم برای آغاز این عملیات ناشی از تمایل فلسطینی‌ها برای جلوگیری از گسترش بی‌قانونی است. خطیب افزود که نگرانی‌هایی وجود دارد که اسرائیل با جسارت ناشی از جنگ در غزه، ممکن است کمپین‌هایی به همین اندازه ویرانگر را در کرانه باختری راه‌اندازی کند یا کنترل خود را بر این منطقه بیشتر تقویت کند.

خطیب در ادامه عنوان کرد: «تشکیلات خودگردان فلسطین متوجه شده است که اکثریت خاموش فلسطینی‌ها نیز همین نگرانی‌ها را دارند. به همین دلیل شما واکنش‌های عمومی شدید نمی‌بینید.»

سیاه‌پوش، این ماشین‌ها را در خیابان‌های تنگ اردوگاه که با پرچم‌های گروه‌های شبه‌نظامی اسلامی آراسته شده بود، به نمایش گذاشتند. همان شب، نیروهای امنیتی اردوگاه را محاصره کرده و عملیات سرکوب را آغاز کردند. نیروهای امنیتی تاکنون دست‌کم ۶ نفر را در داخل اردوگاه

کشته‌اند، ده‌ها شبه‌نظامی مشکوک را بازداشت کرده‌اند و تعداد زیادی دستگاه انفجاری و ماشین تله‌گذاری شده را خنثی کرده‌اند. به گفته ژنرال انور رجب سخنگوی نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین، یکی از کشته‌شدگان یزید جاسایضا از فرماندهان گردان جنین وابسته به جهاد اسلامی و مهم‌ترین دسته شبه‌نظامی شهر بوده است.

در همین حال، شبه‌نظامیان دست‌کم پنج نفر از نیروهای امنیتی را کشته‌اند. رجب در اعلام این عملیات ۱۴ دسامبر گفت: «هدف این عملیات بازگرداندن کنترل اردوگاه جنین از دست افرادی است که زندگی روزمره شهروندان را تلخ کرده‌اند.»

اواسط ماه دسامبر ۲۰۲۴ میان نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان و شبه‌نظامیان در جنین رخ داد.

رجب استدلال کرده است که وجود گروه‌های شبه‌نظامی به منافع فلسطین آسیب می‌زند، زیرا به اسرائیل بهانه‌ای برای انجام حملات در مناطق فلسطینی می‌دهد. ارتش اسرائیل در سال‌های اخیر بارها در جنین وارد نبرد شده است. در ماه اوت، این شهر مرکز عملیات گسترده‌ای بود که ارتش اعلام کرد برای جلوگیری از حملات تروریستی از مناطق فلسطینی انجام شده است.

بر اساس گزارش وزارت بهداشت فلسطین، بیش از ۸۰۰ فلسطینی در کرانه باختری از زمان آغاز جنگ در غزه توسط نیروهای اسرائیلی کشته شده‌اند. ارتش اسرائیل گفته است که اکثر کشته‌شدگان شبه‌نظامیان بوده‌اند، اما فلسطینیان این ادعا را رد می‌کنند.

یک مقام امنیتی اسرائیلی گفته است که اسرائیل از عزم و اراده نیروهای امنیتی فلسطینی در این نبردها شگفت‌زده شده است. این مقام گفته است که اسرائیل در این عملیات دخالتی نداشته، اما اعلام کرده که دشمنان مشترکی با تشکیلات خودگردان دارد. مقامات تشکیلات خودگردان نیز گفته‌اند که اسرائیل هیچ نقشی در این عملیات نداشته است.

به گفته تحلیلگران، خطرات برای تشکیلات خودگردان زیاد است. مایکل میلستین یکی از افسران ارشد سابق اطلاعاتی در امور فلسطینی ارتش اسرائیل می‌گوید: «اگر این عملیات موفق شود، می‌تواند نوعی تغییر ایجاد کند و نیروهای امنیتی فلسطین ممکن است برای ریشه‌کن کردن شبه‌نظامیان در سایر نقاط کرانه باختری اقدام کنند.»

او همچنین توضیح می‌دهد: «اما اگر عملیات شکست بخورد، می‌تواند یک اثر دومینویی ایجاد کند. حماس ممکن

قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به آنها تذکر دهد و بطور غیرمستقیم بگوید مجلس قرار نیست با دولت در بیفتد!

محمدباقر قالیباف در نطق پیش از دستور امروز سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه در سخنانی گفت: «ما کمک به دولت محترم و یاری به جناب رئیس جمهور برای حل مسائل مردم است البته روشن است که مجلس در راستای پیگیری خواسته‌های مردم از همه‌ی ابزارهای نظارتی خود از جمله سوال، استیضاح، تحقیق و تفحص و پیگیری قضائی در هر موضوعی که لازم باشد و هر زمانی که به حل مسئله‌ی مردم کمک کند، برای کارآمدتر شدن دولت استفاده خواهد کرد اما استفاده از این ظرفیت‌ها مشروط به این است که نتیجه‌ی آن کمک به دولت برای حل مسائل مردم باشد.»

رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین گفته «مسئله بی‌ثباتی در قیمت ارز غیرقابل حل نیست. اقداماتی مانند استیضاح در اوج بحران قیمت ارز، خطاست. دولت هیچ‌کس را برای مدیریت و اتخاذ تصمیمات لازم جهت ثبات بخشی به بازار ارز ندارد. در مقطع فعلی وارد شدن به فرایند استیضاح خلاف منافع مردم است.»

جالب اینجاست که امیر حسین ثابتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و از افراد نزدیک به سعید جلیلی که از جمله مخالفان و منتقدان مسعود پزشکیان و دولت چهاردهم به شمار می‌رود نیز دو روز پیش در یک سخنرانی در جمع مردم قرچک ورامین اعلام کرد که «همه ما باید به دولت کمک کنیم تا موفق شود و طرح استیضاح پزشکیان به فاصله ۵ ماه از شروع به کارش جز بی‌ثباتی کشور دست آورد دیگری ندارد و بالاخره شرایط امروز حاصل انتخاب کمتر از ۱۸۰ روز قبل خود مردم است.»

اینهمه در حالیکه اقتصاد ایران با بحران‌هایی زیرساختی روبروست که همه دولت‌های جمهوری اسلامی از اصلاح‌طلب تا اصولگرا در بوجود آمدن شرایط کنونی مسئول هستند و از سوی دیگر ساختار جمهوری اسلامی به دلیل جذب افراد «خودی» اما ناشایست نمی‌تواند مشکلات ریز و درشت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی را حل کند. راهکارهای ارائه شده نیز همواره به هدف دست‌نیافتده و در نهایت نتایجی معکوس داده و سبب توزیع بیشتر رانت و فساد شده‌اند.

بحران‌های اقتصادی سبب نارضایتی گسترده مردم، فعالان صنفی و فعالان صنعتی و تولیدی شده است. در این میان شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دنبال پاسخگو کردن مقامات دولت هستند.

مالک شریعتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان به تازگی گفته «ارز باید تک‌نرخ شود» و قائم پناه معاون اجرایی مسعود پزشکیان نیز گفته «به نظر می‌آید با توجه به برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته است، قیمت ارز به سمت کاهش می‌رود.»



عبدالنصر همتی وزیر اقتصاد در کنار محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی

اشاره به مشکلات اقتصادی گفته «ممکن است طرح سوال از رئیس جمهور را کلید بزنیم.»

تعداد دیگری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز امروز سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه طرحی برای استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد را راه‌اندازی کرده‌اند.

حسینعلی حاجی دلگانی نماینده شاهین شهر، برخوار، میمه و وزوان استان اصفهان امروز در صحن علنی مجلس گفته «افزایش قیمت‌ها، تبعات روانی قیمت ارز و گران شدن کالاهایی که قیمت آن با ارز تعیین می‌شود از تبعات افزایش قیمت ارز است.»

بر اساس گزارش‌ها در حالیکه استیضاح وزیر اقتصاد در سامانه داخلی مجلس بارگذاری شد و تعداد امضاها نیز در حال افزایش است علی‌بابایی کارنامی این امر را بی‌معنا خوانده و گفته «استیضاح وزیری که اختیاراتی در حوزه افزایش و یا کنترل نرخ ارز ندارد، مفهومی ندارد.»

جدید برخی نمایندگان برای استیضاح عبدالناصر همتی و یا طرح سوال از مسعود پزشکیان سبب شده محمدباقر

وی در توضیح عملکرد ارزی دولت چهاردهم گفته «ما در بانک مرکزی یک بازار ارز مبادله‌ای ایجاد کرده‌ایم یعنی صادرکننده که ارز دارد می‌آورد و در این بازار عرضه می‌کند. کسانی که نیاز به ارز قانونی دارند و کارخانه‌دار هستند صنایع هستند و جزو تاجر هستند در آنجا با یکدیگر ارز را بدون مداخله مبادله می‌کنند.»

قائم پناه با بیان اینکه بازار جدید راه‌اندازی شده سبب «جلوگیری از رانت‌های ۱۰۰۰ میلیاردی» می‌شود گفته «یکی از جنگ‌های ترکیبی ما جنگ اقتصادی ماست و هم معاندین و کسانی که دشمن ایران هستند به این تنش‌های ارزی دامن زده‌اند.»

در مقابل ادعاهای مقامات دولتی، آلبرت بغزیان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی اما معتقد است: «از نظر اقتصادی، تک‌نرخ شدن ارز سیاست مطلوب و مناسبی است، اما تا زمانی که یک کشور تحریم باشد، تک‌نرخ کردن و حذف رانت آن‌گونه که باید محقق نخواهد شد.»

این اقتصاددان تأکید کرده: «باید معنا و مفهوم دقیق و روشنی از تک‌نرخ شدن ارز از سوی مقامات ارائه شود تا اقتصاد و بخش فعال اقتصاد کشور بدانند که منظور و هدف سیاست‌گذاران اقتصادی از تک‌نرخ شدن ارز شامل چه مواردی می‌شود.»

تیم اقتصادی پزشکیان در حالی اقدام به «جراحی اقتصادی» کرد که امیدوار بود همزمان بازار بورس روند مثبت و سبز شدن نهادها مسیر خود را ادامه دهد. بازار بورس اما با ریزشی حدود ۵۰ هزار واحد در یک روز نشان داد در ساختار اقتصادی ایران بازار سرمایه نمی‌تواند مجزا از تحولات بازار ارز باشد.

در همین رابطه فردین آقابزرگی کارشناس بازار سرمایه در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «باید دقت کرد که در دو هفته گذشته دلار دست‌کم ۱۵ درصد افزایش قیمت داشته و طبیعی است که سیر سینوسی و صعود و نزول بورس توأم با برآیند مثبت، طبیعی‌ترین شکل ممکن بود. وقتی دلار کانال ۸۳ هزار تومان را هم لمس می‌کند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که هر روز روند مثبت بورس ادامه داشته باشد!»

افزایش بی‌سابقه قیمت ارز در کنار دیگر مشکلاتی چون کمبود انرژی و بی‌برنامگی دولت در ساماندهی به



۹۹ درصد تالاب گاوخونی خشک است؛ لزوم بازنگری در سند سازگاری با خشکسالی

استان تحت تأثیر خشکسالی قرار دارد. از این میزان، ۷/۶ درصد با خشکسالی خفیف، ۱۸/۷ درصد با خشکسالی متوسط، ۲۶/۶ درصد با خشکسالی شدید و ۴۴/۹ درصد با خشکسالی بسیار شدید مواجه هستند.»

احد وظیفه رئیس مرکز خشکسالی به تازگی از به پایان رسیدن پاییز با ۴۰ درصد بارش‌های کمتر از نرمال خبر داد و گفت: «بنا بر آمار ۲۵ درصد بارش‌های سال مربوط به پاییز است که از ابتدای سال آبی ۳۰ درصد بارش‌ها کمتر از نرمال است.»

رئیس مرکز خشکسالی با اشاره به اینکه بارش‌های پاییز ۲۵ درصد بارش سالانه را شامل می‌شود گفته بود «با توجه به اینکه برای فصل زمستان انتظار بارش‌های کمتر از نرمال تا نرمال بخصوص در مناطق غربی کشور دامنه‌های زاگرس داریم، تداوم کمبود می‌تواند در زمستان تشدید و دسترسی به آب محدودتر شود.»

خبرها همچنین از کاهش بارش‌ها در زمستان جاری نیز حکایت دارند. نوید حاجی بابایی معاون توسعه و پیش‌بینی اداره کل هواشناسی استان اصفهان گفته زمستان امسال پربارش نخواهد بود و نمی‌تواند کم بارشی پاییز را جبران کند. معاون اداره هواشناسی استان اصفهان با اشاره به اینکه میانگین بارشی استان اصفهان از ابتدای سال زراعی (یکم مهر ماه ۱۴۰۳) تا ۳۰ آذر به ۱۶ میلیمتر رسید، اظهار کرد: بارش‌های سه ماه پاییز امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۵ درصد و در مقایسه با دوره بلندمدت ۷۰ درصد کاهش یافته است.

او افزوده در برخی مناطق به ویژه نواحی مرکزی استان از جمله شهرهای اصفهان، زرین‌شهر و نجف آباد حدود ۱۰۰ درصد کاهش بارش را نسبت به بلند مدت داریم.

محمدصادق معتمدیان استاندار تهران در جلسه شورای حفاظت از منابع آب استان، بازنگری در سند سازگاری با خشکسالی را ضروری دانسته و گفته «با توجه به کاهش میزان بارندگی در سال‌های اخیر، تغییر اقلیم، عدم مدیریت مصرف آب و افزایش میزان ساخت و ساز، لازم است سند سازگاری با خشکسالی بازنگری و به‌روز رسانی شود.»

استاندار تهران گفته «یکی از مواردی که باید در بازنگری این سند به آن توجه داشت نقش اداره منابع طبیعی در حوزه آبخیز داری و آبخوان داری است که می‌تواند تأثیر بسزایی در تقویت سفره‌های زیر زمینی داشته باشد.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم به تازگی وضعیت آبی کشور را «فاجعه» خواند. عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب هم اعلام کرده بودجه کافی برای مدیریت بحران کم‌آبی در دست نیست!

سخنگوی صنعت آب گفته «همه بحران کم‌آبی را پذیرفته‌اند و وزارت نیرو هم طرح‌ها و برنامه‌های اثرگذاری دارد، اما برای انجام آن پول کمی در اختیار وزارت نیرو قرار دارد.»

او افزوده «در بودجه‌های کشور، رقمی متناسب با حل این بحران انعکاسی دیده نمی‌شود. ما از مسئولان سازمان برنامه و بودجه انتظار داریم در تدوین پیوسته‌های بودجه ۱۴۰۴ عنایت ویژه‌ای به بخش آب داشته باشند.»

عیسی بزرگ‌زاده با اشاره به «فاجعه» خواندن وضعیت آب کشور از سوی مسعود پزشکیان گفته «به رغم این تعابیر و احساس خطرناک شاهدیم که در اعتبارات و بودجه‌های جاری کشور، رقمی متناسب با حل این بحران بخش آب انعکاسی دیده نمی‌شود.»



مترمکعب تعیین شده است. پهنه ۴۷ هزار هکتاری تالاب گاوخونی برای اینکه بتواند کارکردهای اکوسیستمی و زیست محیطی خود را داشته باشد نیازمند دریافت چنین منابع آبی است اما در سال‌های گذشته نیاز آبی این تالاب حتی از برنامه منابع و مصارف وزارت نیرو حذف شده است.

سدسازی‌های غیراصولی و عدم تخصیص حقایبه بسیاری از تالاب‌ها و دریاچه‌ها و آبگیرها در ایران را با خشکی روبرو کرده است. بر اساس گزارشی که شهرویرماه امسال منتشر شد تالاب‌های انزلی، بامدر، هامون، جازموریان، طشک، بختگان، گاوخونی، مهارلو، حوض سلطان، شیمبار خشک شدند. همچنین دریاچه ارومیه که از ابتدای تابستان روند خشک شدن آن شدت گرفته بود در شهرویرماه بطور کامل خشک شد خشکی تالاب‌ها به علت تابستان گرم و بی‌سابقه‌ای بود که ایران امسال تجربه کرد. سازمان هواشناسی گزارش در تابستان امسال دمای هوا در بسیاری از نقاط ایران از جمله مناطق، شرق، جنوب شرق و مرکزی ایران رکوردشکنی داشته است. آمار «مؤسسه اقلیمی کوپرنیک» نیز گزارش داده بود که تابستان امسال تداوم گرما در ایران بی‌سابقه بوده و مردادماه ۱۴۰۳ گرم‌ترین مرداد نیم‌قرن اخیر بوده است.

این در حالیست که با آغاز پاییز نیز بارش‌ها نتوانسته به حل بحران خشکسالی کمک کند. محسن حیدری مدیرکل هواشناسی سیستان و بلوچستان روز گذشته اعلام کرد پاییز امسال، خشک‌ترین پاییز استان در هشت سال اخیر بوده است. به گفته محسن حیدری از ابتدای سال زراعی جاری تاکنون، میانگین بارش استان تنها یک میلی‌متر ثبت شده که این میزان، ۹۳ درصد کمتر از میانگین بلندمدت این دوره است او افزوده که میانگین بلندمدت بارش استان در این مدت ۱۳/۹ میلی‌متر بوده و استان سیستان و بلوچستان رکورددار کاهش بارش‌های پاییز در کشور بوده است.

مدیرکل هواشناسی سیستان و بلوچستان با اشاره به شاخص بارش، تبخیر و تعرق استاندارد شده (SPEI) در بازه یک‌ساله تا پایان آبان ۱۴۰۳، گفته «۹۷/۸ درصد مساحت

● معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل محیط زیست استان اصفهان: ۹۹ درصد سطح تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک بوده و تنها یک درصد در مصب تالاب به صورت لکه‌های کوچکی مرطوب است.

● مدیرکل هواشناسی سیستان و بلوچستان روز گذشته اعلام کرد پاییز امسال، خشک‌ترین پاییز استان در هشت سال اخیر بوده است.

● احد وظیفه رئیس مرکز خشکسالی به تازگی از به پایان رسیدن پاییز با ۴۰ درصد بارش‌های کمتر از نرمال خبر داد.

● عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب هم اعلام کرده بودجه کافی برای مدیریت بحران کم‌آبی در دست نیست!

کاهش بارندگی و عدم تخصیص حقایبه به خشکسالی‌ها دامن زده بطوری که ۹۹ درصد سطح تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک است و گزارش‌ها از خشک‌ترین پاییز در هشت سال اخیر سیستان و بلوچستان حکایت دارد.

حسین اکبری معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل محیط زیست استان اصفهان در خبری تکانهنده گفته «۹۹ درصد سطح تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک بوده و تنها یک درصد در مصب تالاب به صورت لکه‌های کوچکی مرطوب است.»

وی گفته با اینکه در سند تعیین تکلیف حقایبه‌های زاینده‌رود، برای تالاب گاوخونی ۱۵.۵ درصد لحاظ شده است اما این حقایبه تحقق پیدا نکرد و «در برنامه‌ریزی رهاسازی اخیر آب برای کشاورزی، سهم تالاب گاوخونی در کاغذ مکتوب و مستند نشد که الزامی برای توزیع حقایبه تالاب باشد.»

حسین اکبری با اشاره به اینکه میزان زه‌آبها و پساب حاصل از کشاورزی در فصل سرما یک کمی بیشتر می‌شود گفته «این میزان زه‌آب ورودی در فصل گرم به ۵۰ تا ۷۰ لیتر بر ثانیه می‌رسد و هوا که سرد می‌شود این میزان به حدود ۱۰۰ لیتر بر ثانیه می‌رسد که برای نیاز آبی تالاب بسیار ناچیز است و سطحی را نمی‌تواند آبدار کند و تنها سطح بسیار کمی از مصب تالاب را مرطوب می‌کند.»

از سوی دیگر علی ارواحی متخصص مدیریت زیست‌بوم‌های تالابی در گفتگو با روزنامه «پیام ما» گفته همین یک درصد آبی که در ورودی تالاب قرار گرفته، شامل فلزات سنگین ناشی از فعالیت کشاورزی است. این مواد به تالاب می‌ریزند و بعد در قالب غبار راهشان به هوا باز می‌شود و غباری با فلزات سنگین هوای اصفهان و شهرهای اطراف و حتی پایتخت را می‌پوشاند. این روند ویرانگر نتیجه بیش از دو دهه بی‌تفاوتی مسئولان به تأمین حقایبه تالاب بین‌المللی گاوخونی به عنوان یکی از معروف‌ترین تالاب‌ها در جلگه مرتفع مرکزی ایران است. تالاب بین‌المللی گاوخونی با ۴۷ هزار هکتار وسعت در انتهای رودخانه زاینده‌رود و در جنوب شرق استان اصفهان قرار دارد.

حقایبه تالاب گاوخونی بسته به میزان بارندگی سالانه در سرشاخه‌های حوضه زاینده‌رود متفاوت است و سناریوهای مختلفی برای میزان تأمین نیاز آبی تالاب تعریف شده است؛ ۱۷۶ میلیون مترمکعب حداقل حقایبه‌ای است که وزارت نیرو موظف است در سال‌های کم بارش و خشکسالی برای گاوخونی توزیع کند.

حقایبه گاوخونی در شرایط خشکسالی ۱۷۶ میلیون مترمکعب در سال و در سال‌های با بارش نرمال، ۴۶۰ میلیون

نرخ فرسایش خاک در ایران، هفت برابر میانگین جهانی!



ایران فروردین امسال در همین ارتباط گفته بود که «ایران از نظر حکمرانی منابع طبیعی از میان ۸۹ کشور صاحب منابع رتبه ۶۹ و شاخص ۳۸ از ۱۰۰ را کسب کرده است که بیانگر حکمرانی بسیار ضعیف است.»

این استاد دانشگاه با اشاره به ضرورت و جایگاه حفاظت آب و خاک در کشور گفته بود که «تنها ۳۰ درصد از ظرفیت آب‌های زیرزمین از نظر مطالعاتی قابل بهره‌برداری است و بقیه خارج از وضعیت طبیعی و بهره‌برداری قرار دارد.» رئیس انجمن آبخیزداری ایران با اشاره به روند نزولی وضعیت الگوی رشد جنگل‌های کشور در دهه گذشته گفته بود در ایران سالیانه ۷/۱۶ تن در هکتار خاک در معرض فرسایش آبی است که با تخمین ۱۰۰ هکتار فرسایش، زبانی معادل ۱۰ میلیارد دلار بر کشور تحمیل می‌شود.

علی طالبی افزوده بود که «وضعیت فرسایش خاک در ایران سه برابر میانگین کشورهای آسیایی و ۲۰ برابر میانگین جهانی است. برآوردها نشان می‌دهد بطور میانگین دو میلیارد تن در سال فرسایش خاک در کشور وجود دارد و با سیلی که در سال ۱۳۹۸ در کشور رخ داد ۳ تا ۴ میلیارد مترمکعب خاک از دست داده شد، و این در حالیست که تشکیل هر سانتی متر خاک از دست‌رفته حداقل صدها سال زمان نیاز دارد.»

دبیر کار گروه مدیریت جامع آبخیز وزارت کشور با اشاره به روند در حال افزایش وقوع سیلاب‌ها نسبت به دهه ۱۳۶۰ در کشور، ۴۵۰ شهر و ۸۶۵۰ روستا را در معرض تهدید سیل گفته بود که رشد سیلاب‌های مخرب حدود ۳۰۰ درصد رشد داشته است و سالانه خسارات زیادی را بر کشور تحمیل می‌کند.

او همچنین وضعیت حجم مخازن آبخوان‌های کشور را در شرایط «بسیار نزولی» ارزیابی کرده و گفته بود چنین شرایطی روند بسیار نزولی حجم مخازن آبخوان‌های کشور، ایران را در مسیر بیابان‌زایی ناشی از خشکسالی‌های مکرر دانسته بود.

۱/۲ هکتار از اراضی در چرخه کشاورزی تغییر کاربری پیدا می‌کند؛ چرا که برخی بخش‌ها به صورت مجاز تغییر کاربری پیدا کرده است.»

کامبیز بازرگان افزوده «از عوامل بعدی فرسایش خاک باید به کاهش ماده آلی، شور شدن، آلودگی، کاهش بنیه حاصل‌خیزی و کاهش تنوع زیستی خاک اشاره کرد. یک چهارم تنوع زیستی جهان در خاک وجود دارد و از بین رفتن سلامت خاک تنوع زیستی را که برای حیات بشر بسیار مهم است، تهدید می‌کند. برخی از آنتی‌بیوتیک‌ها و مواد مفید از این تنوع ژنتیکی به دست می‌آیند که بخشی از آن نیز در خاک است.»

بهمن یارقلی دکتری مهندسی محیط زیست نیز با اشاره به اینکه «در اقلیم ایران ۷۰۰ تا هزار سال طول می‌کشد تا یک سانتیمتر خاک تشکیل شود» گفته «مهمترین عوامل فرسایش خاک در ایران شامل پاک‌تراشی و نابودی سطح وسیعی از جنگل‌ها است، به طوری که یک سوم مساحت جنگل‌های کشور در نیم قرن اخیر از بین رفته است. تغییر کاربری اراضی در عرصه‌های مرتعی و جنگلی به کشاورزی و مسکونی نیز سبب نابودی گونه‌های مختلف گیاهی شده و بعنوان یکی از عوامل اصلی تشدید فرسایش خاک کشور محسوب می‌شود.»

بهمن یارقلی گفته «همچنین در مورد عوامل فرسایش خاک باید به چرای بی‌رویه و بیش از ظرفیت مراتع، کشاورزی غیراصولی و به ویژه شخم زدن اراضی شیب‌دار در جهت شیب زمین، تغییر اقلیم و کاهش نزولات جوی، گسترش شهرنشینی و فعالیت‌های عمرانی غیر اصولی و عدم رعایت حقایق محیط‌زیستی اکوسیستم‌های آبی و خشکی اشاره کرد.»

اداره منابع طبیعی کشور بر اثر ناکارآمدی و سوء مدیریت جمهوری اسلامی بسیار اسفبار است و سال‌هاست محیط زیست کشور با تهدیدهای جدی روبروست. علی طالبی استاد دانشگاه یزد و رئیس انجمن آبخیزداری

آمارها نشان می‌دهد ایران ۷/۷ درصد فرسایش خاک جهان را به خود اختصاص داده و خسارت سالانه از محل فرسایش خاک بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

وزارت جهاد کشاورزی ملزم به کاهش سالانه فرسایش خاک به میزان یک تن در هکتار بود و در اراضی کشاورزی این میزان باید به حداقل ۳ تن در هکتار در سال می‌رسید، اما این اتفاق نیفتاده است.

بر اساس برنامه ششم توسعه، باید سالانه ۵۰۰ هزار هکتار کشاورزی حفاظتی توسعه می‌یافت و مساحت اراضی تحت کشاورزی حفاظتی در پایان برنامه به ۲/۵ میلیون هکتار می‌رسید، که این برنامه نیز عملی نشد.

نرخ فرسایش خاک در ایران هفت برابر میانگین جهانی است بطوریکه ۷/۷ درصد فرسایش خاک جهان در ایران اتفاق می‌افتد. خسارت سالانه پدیده فرسایش خاک در ایران رقمی معادل ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نرخ فرسایش خاک در ایران ۱۶/۵ تن در هکتار در سال بوده که این مقدار بالغ بر ۷ برابر متوسط جهانی است. آمارها نشان می‌دهد ایران ۷/۷ درصد فرسایش خاک جهان را به خود اختصاص داده و خسارت سالانه از محل فرسایش خاک بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

اینهمه در حالیست که بر اساس ماده ۱۱ قانون بهره‌وری، وزارت جهاد کشاورزی ملزم به کاهش سالانه فرسایش خاک به میزان یک تن در هکتار بود و در اراضی کشاورزی این میزان باید به حداقل ۳ تن در هکتار در سال می‌رسید، اما این اتفاق نیفتاده است.

همچنین بر اساس برنامه ششم توسعه، باید سالانه ۵۰۰ هزار هکتار کشاورزی حفاظتی توسعه می‌یافت و مساحت اراضی تحت کشاورزی حفاظتی در پایان برنامه به ۲/۵ میلیون هکتار می‌رسید، که این برنامه نیز عملی نشد و روی کاغذ باقی ماند!

کامبیز بازرگان رئیس انجمن علوم خاک ایران در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» درباره وضعیت فرسایش خاک در ایران گفته «کشور ما حدود ۱۶۵ میلیون هکتار خاک شامل خاک‌های جنگلی، مرتعی، بیابانی و کشاورزی دارد. بخش کشاورزی آن حدود ۱۸/۵ میلیون هکتار است که تقریباً ۱۱ درصد مساحت کشور را شامل می‌شود و نشان‌دهنده این است که کشور ما ظرفیت افزایش سطح زیر کشت ندارد. این محدودیت به دلیل شرایط اقلیمی و منابع آب محدود است. داده‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران ظرفیت افزایش سطح کشت را ندارد.»

رئیس انجمن علوم خاک ایران گفته «میانگین جهانی خاک حاصلخیز به ازای هر نفر دو دهم هکتار است، ولی ما با ۱۸ صدم هکتار برای هر نفر جزو کشورهایی هستیم که از میانگین جهانی پایین‌تر است. با این حال در ایران توجهی به این مسئله نمی‌شود. نتیجه این بی‌توجهی از بین رفتن خاک است.»

او با اشاره به اینکه یکی از مهمترین عوامل تهدیدکننده خاک ایران، تغییر کاربری اراضی است، گفته که «بر اساس گزارش رسمی سازمان امور اراضی، در فاصله نزدیک به ۳۰ سال تا سال ۱۴۰۰، ساعتی ۰/۳ هکتار از اراضی کشاورزی تغییر کاربری پیدا کرده است. اما برآورد ما در انجمن علوم خاک ایران چهار برابر این مقدار است. در واقع ساعتی

فیلم «ده» کیارستمی بر صحنه تئاتر در فرانسه



نمایش «ده» بر صحنه تئاتر پاریس

فرهنگ خود. من برای آموختن زبان فارسی در دانشگاه ثبت نام کردم. نه فقط به خاطر دانستن زبان؛ من به زبان فارسی صحبت می‌کردم. ولی حالا می‌خواستم جدا از چیزی که در خانواده فرا گرفتم، نگاه مستقلی به تاریخ و فرهنگ کشورم داشته باشم. نتیجه این شد که من یک نمایش نقالی با دو داستان از شاهنامه فردوسی به نام «بهرام گور و لنیک آبکش» و «انوشیروان و بزرگمهر» را انتخاب کردم و به فارسی در فرانسه به روی صحنه بردم. سپس آن را به شهرها و کشورهای فارسی زبان مانند بخارا و سمرقند و ازبکستان تاجیکستان و کابل بردم. در سال ۲۰۰۳ زمانی که طالبان در افغانستان کمی آرام بود و مردم تشنه فراگیری بودند به کابل رفتم. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ در دانشگاه کابل بازیگری تدریس می‌کردم و یک لابراتوار هم داشتم که زنان هم در آن شرکت داشتند. همچنین در رادیو کابل با موضوع آگاه ساختن جامعه در مورد خشونت‌های خانگی برنامه می‌ساختم. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ مدیریت انستیتوی فرانسه در افغانستان را به عهده داشتم. در این میان در فرانسه هم فعال بودم و از نظامی گنجوی کاری را به روی صحنه بردم. همچنین در سال ۲۰۰۲ با جلال علوی‌نیا به روی کتابی در مورد منصور حلاج کار کردم. همه این کارها، شعر و زبان فارسی مرا به سرزمین‌ام نزدیک و نزدیکتر کرد.

گیلدا شاهوردی در پایان می‌افزاید: «همیشه اولین حس‌ها و اولین تجربه‌ها تاثیرگذار هستند و در خاطر انسان می‌مانند خصوصا در کودکی. این اولین‌های من در ایران اتفاق افتاد و تاثیرش را برای همیشه در زندگی من گذاشت و از این بابت بسیار خوشحالم. امروز به صراحت می‌توانم بگویم شما حتی اگر از کشور خود بیرون هم باشید جزئی از آن فرهنگ هستید و به آنجا تعلق دارید و هیچکس نمی‌تواند آن را از ما بگیرد.»

این نمایش با کارگردانی گیلدا شاهوردی از تاریخ ۵ نوامبر تا ۱۳ دسامبر در شهرهای حومه پاریس اجرا شد و کتابیون احمدی، همایون فیامور، مهسا کرم پور، سیمین کرامتی، سیما مبارک شاهی و توفان منوچهری در آن بازی کردند.

حق خود در جامعه و حتی در مقابل پرسش دفاع کند. نگاه فلسفی و عرفانی کیارستمی به جهان در بیشتر آثارش آشکار است. نگاه او به زندگی و تمرکز به روی زمان حال و بودن در لحظه و اینکه چگونه انسان می‌تواند اتفاقی را بپذیرد و آرام آرام پوست بیاندازد و سبک شود ستودنی است. او مرا به یاد عارف و شاعر ایرانی عطار نیشابوری و سفرش می‌اندازد. اینکه چگونه انسان با رسیدن به عشق خویش یاد می‌گیرد چطور به همه چیز و همه کس مهر بورزد. هیچ دستوری هم در کار نیست و اصلا دنبال نتیجه هم نمی‌گردد. این یک سفر درونی است که در عرفان ما و همینطور در تک تک ما وجود دارد. همین سفر فارغ از نتیجه‌اش زیباست. ما در این نمایش سعی کردیم این فضا را روی صحنه تئاتر ایجاد کنیم.»

گیلدا شاهوردی در سال ۱۳۵۴ در تهران و در خانواده‌ای هنرمند و علاقمند به ادبیات و فرهنگ به دنیا آمد. با وقوع انقلاب ۵۷ خانواده او مانند بسیاری دیگر از کشور خارج شدند و ساکن فرانسه شدند. گیلدا شاهوردی در دانشگاه در رشته ادبیات تحصیل کرد و سپس تئاتر آموخت و وارد عرصه کارگردانی و بازیگری شد.

این هنرمند سینما و تئاتر می‌گوید: «علاقه من به فرهنگ و تاریخ ایران برمی‌گردد به زمان کودکی‌ام. در سال‌های نخست که به کشور فرانسه آمدم خوب به یاد می‌آورم که در خانه‌ای کوچک مادر و پدرم مهمانی می‌گرفتند و شب‌های شعر داشتیم. گرمی آن روزهای دور از سرزمین همراه با دود سیگار، موزیک و شعر فارسی و غذای ایرانی در ذهن من ماند و امکان نداشت زمانی که به نوجوانی رسیدم تشنه این فرهنگ و سرزمین نباشم. اوایل بسیار ناراحت بودم و احساس می‌کردم چون بیرون از کشور ایران بزرگ شدم حقی از آن سرزمین ندارم. اولین بار که در ازبکستان، تاجیکستان و افغانستان نقالی کردم، فهمیدم من هم جزئی از این فرهنگ بزرگ و غنی هستم. امروز فکر می‌کنم شاید این دور بودن از ایران امکان‌های ویژه‌ای به من داد. اگر این حس جدا بودن را نداشتم شاید به دنبال شناخت بیشتر این فرهنگ نمی‌رفتم. زمانی فرا می‌رسد که دلتان می‌خواهد برگردید به زبان مادری و

گیلدا شاهوردی کارگردان و بازیگر در یک اقدام ابتکاری برای اجرای تئاتری فیلم «ده» عباس کیارستمی در پاریس انتخاب شد و آن را به روی صحنه برد.

گیلدا شاهوردی: «همیشه اولین حس‌ها و اولین تجربه‌ها تاثیرگذار هستند و در خاطر انسان می‌مانند خصوصا در کودکی. این اولین‌های من در ایران اتفاق افتاد و تاثیرش را برای همیشه در زندگی من گذاشت و از این بابت بسیار خوشحالم. امروز به صراحت می‌توانم بگویم شما حتی اگر از کشور خود بیرون هم باشید جزئی از آن فرهنگ هستید و به آنجا تعلق دارید و هیچکس نمی‌تواند آن را از ما بگیرد.»

«هدف ما در نمایش «ده» این نبود که چیزی را به فیلم اضافه و یا از آن کم کنیم. این فیلم یک سفر ذهنی است. سفری از ده به یک است. مسیری که شخصیت اصلی این فیلم طی می‌کند و گفتگوهایی که بین او با آدم‌ها در ماشین درمی‌گیرد، آرام آرام نگاه او را نسبت به مسائل پیرامونش تغییر می‌دهد.»

کتابیون حلاجان - گیلدا شاهوردی کارگردان و بازیگر در یک اقدام ابتکاری برای اجرای تئاتری فیلم «ده» عباس کیارستمی در پاریس انتخاب شد و آن را به روی صحنه برد.

عباس کیارستمی یکی از چهره‌های ماندگار و تاثیرگذار سینمای ایران در جهان است. این کارگردان با فیلم‌هایی مانند «طعم گیلان» و «خانه دوست کجاست» جایگاه خود را به عنوان کارگردانی جهانی تثبیت کرد.

علاقتمندی هنرمندان فرانسه به عباس کیارستمی پس از درگذشت وی نیز به قوت خود باقیست و آثار او همچنان در این کشور به نمایش درمی‌آید و مرجع اهالی سینما به شمار می‌رود. کیارستمی در سال ۲۰۱۶ به علت بیماری برای ادامه درمان با هزینه تهیه‌کننده فیلم‌اش با آمبولانس هوایی به فرانسه منتقل شد اما پس از چند روز و به دلیل عدم رسیدگی پزشکی لازم و مناسب در ایران، در سن ۷۶ سالگی در پاریس درگذشت.

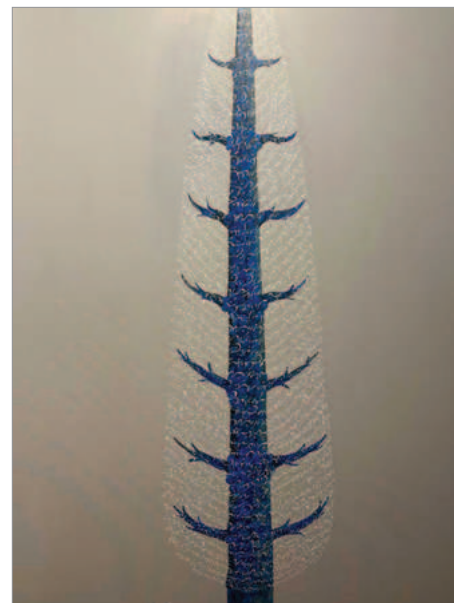
گیلدا شاهوردی در ارتباط با نمایش «ده» می‌گوید: «فستیوال تئاتر Festival les Théâtrales Charles Dullin (dans le 94) به چند کارگردان ایرانی پیشنهاد کار روی فیلم «ده» را دادند و من در نهایت انتخاب شدم. رئیس هنری این فستیوال عاشق سینمای عباس کیارستمی است و می‌خواست یک رسم نوین در تئاتر ایجاد کند و یک نمایش به زبان اصلی (فارسی) روی صحنه بیاورد. پیشنهاد را بلافاصله پذیرفتم زیرا به سینمای کیارستمی، فلسفه و نگاه او به زندگی بسیار علاقمندم. عباس کیارستمی سوالات زندگی و وجودی انسان را بین نیمه پنهان و آشکار آن بدون اینکه قصد داشته باشد در روان انسان نفوذ کند و یا لحنی شعاری به آن بدهد مطرح می‌کند و دنبال نتیجه گرفتند هم نیست.»

وی ادامه می‌دهد: «هدف ما در نمایش «ده» این نبود که چیزی را به فیلم اضافه و یا از آن کم کنیم. این فیلم یک سفر ذهنی است. سفری از ده به یک است. مسیری که شخصیت اصلی این فیلم طی می‌کند و گفتگوهایی که بین او با آدم‌ها در ماشین درمی‌گیرد، آرام آرام نگاه او را نسبت به مسائل پیرامونش تغییر می‌دهد. نگاه او به عشق و اینکه چطور یک نفر (یک زن) می‌تواند از

آثار کتایون روحی؛ سفری از شیراز تا دمشق در گالری «لیلیا بن صلاح» پاریس



مَایشگاه کتایون روحی



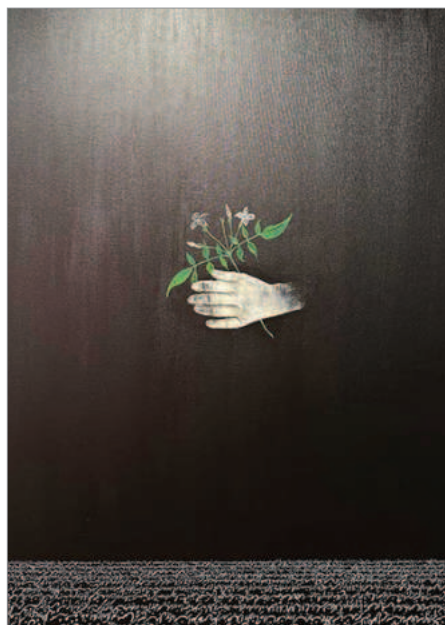
سلفیوم که در مصر قدیم از آن بسیار استفاده می‌کردند و در زیر آن دریای مدیترانه است که هزاران مهاجران با تمام خطرات از آن عبور می‌کنند. در تابلوی دیگر گل رز دمشق را می‌بینید و در تابلویی دیگر لاجورد شهر بدخشان روی سروهای معروف این شهر. رزمنده‌های کوچک زیر تابلوها را از مینیاتورهای ایرانی الهام گرفته‌ام. تنها تفاوت این است که رزمنده‌های من گاهی زن هستند.»

کتایون روحی در مورد کالیگرافی یا خوشنویسی آثارش و سخت خواندن نوشته‌ها برای مخاطب می‌گوید: «اینها دل‌نوشته‌های خودم هستند و هدف این نبوده که خواننده شوند. ما امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که همه می‌خواهند همه چیز را بدانند و من فکر می‌کنم زیبایی‌شناسی شرقی و ایرانی اصولاً بر مبنای پیدا و نهان است و من همیشه با این فلسفه در آثارم بازی کرده‌ام. فکر می‌کنم هنر جایگاهش خیلی درونی است؛ شما می‌توانید از محیط پیرامون خود الهام بگیرید اما در نهایت سرچشمه‌اش درون شماست. من سال‌هاست که خارج از ایران زندگی می‌کنم، اما آنچه از کودکی‌ام در ایران دیده و به یاد دارم همیشه در آثار من به شکلی پدیدار شده‌اند. زندگی گذشته شما و جایی که به دنیا آمدید مهم است. به عنوان مثال مینیاتور ایرانی برای من بسیار مهم است. اولین باری که از یک نقش خوشم آمد زمانی بود که با خانواده سفر می‌کردیم. وقتی توقف می‌کردیم تا چیزی بخوریم، من با پدرم وارد قهوه‌خانه‌های بین راه می‌شدم و محو نقش‌های قهوه‌خانه می‌شدم. بعضی اوقات نقاشی‌های شاهنامه بود و گاه آثاری مذهبی و من عاشق این تصاویر و صورت‌ها بودم. این نقش‌ها در من تاثیر گذاشته است.»

این هنرمند در پایان می‌گوید: «هر کسی با چمدانی از بوده‌ها و خاطرات و تجربیات شخصی خودش کار می‌کند و در چمدان من هم اینها هستند. انسان همیشه می‌خواهد به اصل خود برگردد و من این زبان را در کارهایم اختراع کردم که خودم را بدون شک به اصلام نزدیکتر کنم.» مَایشگاه «باهم زیر یک ابر» از ۱۵ اکتبر تا ۴ ژانویه در گالری «لیلیا بن صلاح» در پاریس برقرار است.

هنرهای زیبایی پاریس شد. این هنرمند طی سال‌ها در تهران، پاریس، آلمان، سوئیس و لندن مَایشگاه‌های متعدد برگزار کرده است.

کتایون روحی در مورد آثارش در این مَایشگاه می‌گوید: «سه اثر در این مَایشگاه از شهرهایی هستند که گذشته



بسیار غنی و پرباری دارند اما درگیر جنگ‌اند مانند بدخشان، دمشق و طرابلس.»

وی ادامه می‌دهد: «سه اثر دیگر نیز به یاد مادرم و دست‌های او و همچنین یاس‌های شیراز است که برای من همیشه نماد مادرم خواهند بود. او در سال ۲۰۱۷ درگذشت و من تازه حدود یک سال است که توانستم به عکس‌هایش نگاه کنم و کارهایی با الهام از او انجام دهم.»

وی سپس می‌گوید: «در تابلوی طرابلس پایتخت لیبی گیاهی با قدمتی ۲۰۰۰ ساله می‌بینید که گمشده بود و به تازگی در کنار مدیترانه پیدا شده است. گیاه دارویی به نام

● مَایشگاه «با هم زیر یک ابر» مجموعه‌ای از آثار چهار هنرمند از کشورهای مختلف است. محمد لکلتی، زلیخا بوعلی‌الله، نصرالدین بن ناصر و کتایون روحی که هر یک نگاه شخصی و درونی به پیرامون خود را با یکدیگر به اشتراک گذاشته‌اند. از تصویر دوختن بدنی پاره پاره تا سروهای کابل و دست‌های مادری در شیراز را که شاعرانه تصویر شده‌اند، در این مَایشگاه می‌بینیم.

● کتایون روحی تنها هنرمند ایرانی حاضر در این مَایشگاه است که حقیقت آشکار و پنهان خود را با خط و نقاشی پیوند زده و بیننده را به گذشته‌ی سرزمینی کهن می‌برد.

● کتایون روحی در مورد کالیگرافی یا خوشنویسی آثارش و سخت خواندن نوشته‌ها برای مخاطب می‌گوید: «اینها دل‌نوشته‌های خودم هستند و هدف این نبوده که خواننده شوند. ما امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که همه می‌خواهند همه چیز را بدانند و من فکر می‌کنم زیبایی‌شناسی شرقی و ایرانی اصولاً بر مبنای پیدا و نهان است و من همیشه با این فلسفه در آثارم بازی کرده‌ام.»

کتایون حلاجان - مَایشگاه «با هم زیر یک ابر» مجموعه‌ای از آثار چهار هنرمند از کشورهای مختلف در گالری «لیلیا بن صلاح» در پاریس است. محمد لکلتی، زلیخا بوعلی‌الله، نصرالدین بن ناصر و کتایون روحی هر یک نگاه شخصی و درونی به پیرامون خود را با مخاطبان به اشتراک گذاشته‌اند. از تصویر دوختن بدنی پاره پاره تا سروهای کابل و دست‌های مادری در شیراز را که شاعرانه تصویر شده‌اند، در این مَایشگاه می‌بینیم.

کتایون روحی تنها هنرمند ایرانی حاضر در این مَایشگاه است که حقیقت آشکار و پنهان خود را با خط و نقاشی پیوند زده و بیننده را به گذشته‌ی سرزمینی کهن می‌برد. وی متولد سال ۱۳۴۴ در شیراز است و از کودکی در کنار مادرش که گاهی نقاشی می‌کرده، شیفته‌ی این هنر شده و در دوران دبیرستان بطور جدی به آموختن آن پرداخت و سپس در سن نوزده سالگی به پاریس رفت و وارد دانشگاه

صنعت ایران در گما؛ غیرفعال شدن نیمی از ظرفیت شهرک‌های صنعتی به علت قطع انرژی



داخل کشور و کاهش رشد اقتصادی به علت کمبود تولید و صادرات نمایان خواهد شد.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به اختلال ایجاد شده در روند تولید شرکت‌های اتومبیل‌سازی به علت قطع انرژی پرداخته و نوشته است: «بحران انرژی در مسیر تولید سنگ‌اندازی بزرگ است چرا که بر همه پوشانده نیست، انرژی یکی از اصلی‌ترین ابزار و مولفه توسعه تولید است. این روزها دولت برای جبران کمبود انرژی تنها به تعطیلی مدارس و ادارات روی آورده که این مسکنی برای بی‌برنامگی در سیاست‌گذاری دولت‌های گذشته تا امروز است. با این حال تعطیلی صنعت و تولید به موجب کاهش مصرف، وضعیت جدیدی را در اقتصاد کشور رقم زده است. شاید امروز و فردا تبعات این پدیده در اقتصاد به شکل تورم در بازارهای مختلف نشان داده می‌شود.»

امیر حسین کاکایی تحلیلگر صنعت اتومبیل به «اقتصاد ۲۴» گفته «افزایش هزینه‌ها بزرگترین و مهم‌ترین مشکل صنعت خودروسازی کشور است. امروز بحث تامین انرژی لازم برای تولید در این بخش شاید مطابق با سایر صنایع سختگیرانه و محدود نشده باشد، اما به طبع برخی مشکلات، این صنعت هم باید در صرف انرژی صرفه‌جویی داشته باشد.»

این تحلیلگر صنعت اتومبیل افزوده: «زمانی که دولت نتواند به‌موقع و با سیاست‌های حمایتی به دنبال راهی جهت تامین انرژی لازم صنایع باشد، قطعاً گرانی باز هم تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد چرا که نمی‌توان به تولید گفت که برق و گاز نداریم پس متوقف شود!»

او در پاسخ به این سوال که «ناترازی انرژی چقدر در شکل گرفتن تورم جدید در صنعت و بازار خودرو نقش دارد؟» گفته: «هر موج منفی که در بخش تولید ایجاد شود قطعاً منجر به گرانی و افزایش قیمت می‌شود. نگرانی از کمبود انرژی همه بخش‌های صنایع و تولید را درگیر کرده و تبعات منفی آن حتماً به تولید خودرو هم می‌رسد.»

نیز امروز شنبه ۸ دی‌ماه در گفتگو با خبرنگاری «تسنیم» با اشاره به قطع گاز و برق واحدهای صنعتی و تولیدی به دلیل کمبود انرژی گفته «برای جلوگیری از تعطیلی کامل واحدهای صنعتی، در حال حاضر تنها ۵۰ درصد ظرفیت صنایع در شهرک‌های صنعتی فعال است. این مسئله در شرایطی رخ داده که کارفرمایان در سه ماه پایانی سال با هزینه‌های بالایی مواجه‌اند، چرا که پرداخت عیدی و حقوق پایان سال بار مالی زیادی به همراه دارد.»

این فعال صنعتی افزوده پس از آغاز فصل سرما و عدم ذخیره‌سازی مناسب سوخت در نیروگاه‌ها، شاهد قطعی برق بودیم؛ این در حالی است که دولت‌ها باید با برنامه‌ریزی، از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کنند.

وی با اشاره به ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار گفته: «مطابق این قانون در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابراتی، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برق یا گاز یا خدمات مخابراتی قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برق، گاز و خدمات مخابراتی موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه التزام قطع برق یا گاز یا خدمات مخابراتی را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند. هرگاه دولت به دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برق یا گاز یا خدمات مخابراتی دستور دهد موقتاً جریان برق یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی و تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه جبران خسارت‌های وارده به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم فوق را نیز تعیین و اعلام کند.»

صنایع مختلف در حالی در نیمه نخست سال با جیره‌بندی برق به علت کمبود برق در کشور روبرو بودند و سطح تولید آنها به شدت کاهش یافته بود، طی سه ماه گذشته نیز قطع مکرر گاز نیز به قطع برق افزوده شده و سبب خوابیدن بسیاری از خطوط تولید شده است؛ موضوعی که اثرات آن در آینده نزدیک با افزایش قیمت کالاها در

بسیاری از صنایع طی پاییز امسال با قطع گسترده برق و گاز روبرو بودند و ناچار به کاهش حجم تولید و اخراج نیروی کار شدند.

دبیر انجمن صنفی صنعت سیمان، با اشاره به اینکه محدودیت گاز از ۱۵ مهر آغاز شده که نسبت به سال گذشته یک ماه سریع‌تر اتفاق افتاد، گفته است ۳۰ کوره در صنعت سیمان کشور خاموش شده‌اند.

علی‌اصغر آهنی‌ها نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار با اشاره به قطع گاز و برق صنایع گفته: «برای جلوگیری از تعطیلی کامل واحدهای صنعتی، در حال حاضر تنها ۵۰ درصد ظرفیت صنایع در شهرک‌های صنعتی فعال است.»

نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار اعلام کرده در پی قطع برق و گاز، در حال حاضر فقط ۵۰ درصد ظرفیت صنایع در شهرک‌های صنعتی فعال است.

تحمیل بار کمبود انرژی بر صنایع کشور در ماه‌های گذشته زیان گسترده‌ای به واحدهای صنعتی و تولیدی وارد آورده است. بسیاری از صنایع طی پاییز امسال با قطع گسترده برق و گاز روبرو بودند و ناچار به کاهش حجم تولید و همچنین اخراج نیروی کار شدند.

علی اکبر الوندیان دبیر انجمن صنفی صنعت سیمان با اشاره به اینکه محدودیت گاز از ۱۵ مهر آغاز شده که نسبت به سال گذشته یک ماه سریع‌تر اتفاق افتاد، گفته ۳۰ کوره در صنعت سیمان کشور خاموش شده‌اند.

وی گفته: «توقف کوره‌ها به معنای توقف کامل تولید کارخانه‌ها نیست، اما تولید کلینکر در این کوره‌ها متوقف شده است. کارخانه‌ها برای ادامه فعالیت و تبدیل کلینکر موجود به سیمان نیازمند برق هستند، اما امسال محدودیت‌های برق نیز تشدید شده و بسیاری از کارخانه‌ها امکان تبدیل کلینکر به سیمان را ندارند.»

دبیر انجمن صنفی صنعت سیمان درباره تأثیر این محدودیت‌ها بر بازار سیمان افزوده است: «بازار بر اساس عرضه و تقاضا تنظیم می‌شود. اگر تولید ادامه پیدا کند، بازار متعادل می‌ماند. اما در شرایط فعلی، اگر تولید مختل شود، قیمت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.»

او همچنین گفته یکی از خسارت‌ها، عدم‌النتفع تولید است و وقتی کارخانه‌ها متوقف می‌شوند، علاوه بر هزینه‌های جاری، شوک‌های حرارتی وارد شده به کوره‌ها باعث ایجاد خسارت‌های پنهان سنگینی در بخش نسوزهای داخلی کوره‌ها می‌شود.

این فعال صنعتی توضیح داده که «کوره‌های سیمان در دمای بالا کار می‌کنند و لایه‌های نسوز داخلی آنها به یکدیگر جوش می‌خورند. توقف‌های مکرر و شوک‌های حرارتی موجب ترک‌خوردگی، کاهش عمر و افزایش هزینه‌های تعمیرات اساسی می‌شود.»

این در حالیست که به گفته علی اکبر الوندیان، بازسازی کوره‌های سیمان فرآیندی پر هزینه است و پس از تعمیرات اساسی، این کوره‌ها باید حداقل شش ماه بطور مستمر فعالیت کنند، اما توقف‌های پی در پی ناشی از محدودیت‌های سوخت و برق، مانع از عملکرد مداوم آنها می‌شود و هزینه‌های سنگینی برای اورهال این کوره‌ها به بار می‌آورد.

علی‌اصغر آهنی‌ها نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار

تداوم بحران انرژی و خروج ۸۰ نیروگاه برق از مدار تولید؛ بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل شدند

در سیمان آبیگ هر دو کوره این کارخانه خاموش است در حالی که سیمان آبیگ از تولیدکنندگان بزرگ سیمان کشور به شمار می‌آید.

علی‌اکبر الوندیان افزوده «علاوه بر استان تهران در خراسان‌های شمالی، رضوی و جنوبی نیز با توقف به کار کارخانه‌ها به دلیل قطعی برق مواجه هستیم.»

دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان با بیان اینکه «در هفته گذشته شرکت‌های سیمانی نتوانستند کف عرضه را در بورس کالا رعایت کنند» گفته «سیمان صنعتی مادر است و کاهش تولید در این صنعت به تضعیف عملکرد صنایع دیگر در بالادست و پایین دست آن می‌انجامد، صنایعی مانند ساخت و ساز و حمل و نقل از جمله این صنایع هستند.»

دیگر واحدهای تولیدی و صنعتی نیز مانند صنف تولیدکنندگان سیمان با بحران روبرو هستند. یکی از صاحبان صنایع در یکی از شهرک‌های صنعتی استان تهران در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته «قطع برق کل فعالیت صاحبان صنایع را مختل کرده است بطوری که دیگر نمی‌توانیم ثبت سفارشی قبول کنیم چرا که مشتری می‌داند خبری از تولید نیست و نمی‌خواهد در این بین سرمایه خود را تلف کند.»

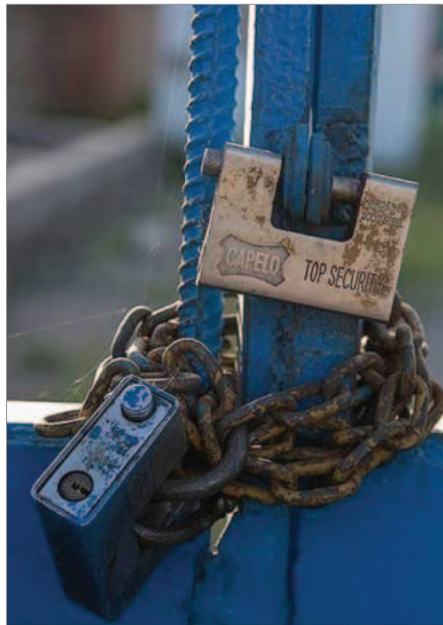
این فعال صنعتی با اشاره به اینکه از ۱۲ نیمه شب تا ۶ صبح برق واحدهای صنعتی فعال در شهرک‌های صنعتی کمتر قطع می‌شود و صاحبان صنایع به ناچار باید در این زمان فعال باشند، گفته هجوم تولید و مصرف برق در این زمان نیز مشکلات جدیدی برای واحدهای تولیدی-صنعتی ایجاد کرده است.

او توضیح داده که «به ناچار برای تامین سوخت مورد نیاز به سمت استفاده از دیزل ژنراتور رفته‌ایم، اما گازوئیل جهت سوخت این ژنراتورها نیز تامین نمی‌شود و بطور کلی تولید را از مدار خارج کرده‌اند.» با اینهمه به گفته این فعال صنعتی «تأمین گازوئیل نیز یک چالش دیگری است که صاحبان صنایع با آن روبرو شده‌اند و شرایط تولیدکننده را به شدت تحت تاثیر قرار داده است؛ یعنی خبری از هیچ نوع سوخت و انرژی برای تولید نیست! نه برق، نه گاز و نه گازوئیل!»

این صاحب کسب و کار صنعتی افزوده «عملا از تولیدکننده خواسته شده واحد صنعتی خود را ببندد و تولید را فراموش کند. قبول تولید را کنار می‌گذاریم، اما دولت با چه سیاستی از تولیدکنندگان حمایت می‌کند؟ آیا اصلا به تولید فکر می‌کند و قصد جبران این خسارات را دارد؟!»

فتح‌الله توسلی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز چند روز پیش که ۱۳ نیروگاه از مدار خارج بود، با بیان اینکه از مدار خارج شدن ۱۳ نیروگاه اتفاقی پرخاطر برای کشور است، گفته بود: «مردم می‌دانند کمبود سوخت منجر به تعطیلی کشور شد نه برودت هوا!»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده بود که «برخی از مسئولان ما را دچار «غافلگیری استراتژیک» کرد، در واقع از مدار خارج شدن ۱۳ نیروگاه حاصل یک کم‌کاری صرفا چند ماه نیست، بنابراین وزارتخانه‌های نفت و نیرو، به ویژه وزارت نفت موظف به ذخیره‌سازی سوخت بوده‌اند، به همین دلیل دولت سابق و فعلی باید بابت این کوتاهی پاسخگو باشند، چراکه این کوتاهی تا جایی پیش رفته است که ما امروز ناتوان در تأمین گاز و حتی مازوت برای نیروگاه‌ها هستیم.»



خبرگزاری «تسنیم» در گزارشی نوشته ظرفیت عملی تولید برق حرارتی حدود ۵۸ هزار مگاوات است، وقتی ۸ هزار مگاوات از آن به دلیل نداشتن سوخت معادل کافی، از مدار خارج است، درواقع حدود ۵۰ هزار مگاوات ظرفیت عملی تولید باقی می‌ماند.

این گزارش افزوده نیروگاه‌های حرارتی باید تعمیرات دوره‌ای و اساسی خود را در فصل سرد سال برای آمادگی حداکثری تولید در فصل گرم سال (تابستان) انجام دهند و حدود ۷۰۰۰ مگاوات از ظرفیت عملی تولید نیز به دلیل تعمیرات از مدار خارج است و چیزی در حدود ۴۳ هزار مگاوات توان عملی تولید برق فعلی نیروگاه‌های حرارتی است.

تولید برق در حالی به دلیل کمبود سوخت با کاهش روبرو شده که در آنسو کسری گاز نیز با سردتر شدن هوا افزایش یافته است. دولت برای جلوگیری از ایجاد موج اعتراضی از سوی شهروندان، تلاش کرده گاز منازل مسکونی قطع نشود و ساعات کمتری برق بخش خانگی قطع باشد. در مقابل اما بار سنگین قطع گاز و برق را روی صنایع انداخته و خسارت سنگینی را رقم زده است. علی‌اکبر الوندیان دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان روز پنجشنبه ششم دی‌ماه گفته «کوره‌ها در ۲۲ کارخانه سیمانی کشور خاموش هستند در حالی که کوره‌های کارخانه‌های سیمان باید در ۲۴ ساعت شبانه‌روز روشن بماند و قطعی مکرر چند ساعته به معنای توقف به کار کوره‌هاست و امکان تولید کلینکر را به کل از بین می‌برد بنابراین اکنون کارخانجاتی که تولید آنها به کل متوقف نشده تنها می‌توانند در ساعاتی که برق وصل است سیمان تولید کنند.»

این فعال صنفی افزوده: «گاز بسیاری از کارخانه‌های سیمانی قطع است و کارخانه‌هایی مانند سیمان تهران به دلیل همجواری با مناطق شهری اجازه استفاده از مازوت را هم ندارند در نتیجه تولید در تمام خطوط آن متوقف است، نه تنها در سیمان تهران در کارخانه‌های سیمان شمال، سیمان فیروزکوه و سیمان آبیگ هم کوره‌ها خاموش هستند،

تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد از مجموع بیش از ۶۰۰ واحد نیروگاهی، حداقل ۸۰ واحد نیروگاهی به دلیل کمبود یا نبود سوخت (گاز و سوخت مایع) از مدار بهره‌برداری خارج هستند.

دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان گفته است: «علاوه بر استان تهران در خراسان‌های شمالی، رضوی و جنوبی نیز با توقف به کار کارخانه‌ها به دلیل قطعی برق مواجه هستیم.»

مسعود پزشکیان روز پنجشنبه ۶ دی‌ماه بار دیگر خواستار صرفه‌جویی انرژی از سوی مردم برای عبور از بحران کمبود انرژی شده است. تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد ۸۰ نیروگاه برق به دلیل کمبود سوخت از مدار تولید خارج شده‌اند. فعالان صنعتی نیز می‌گویند خطوط تولید به علت قطع گاز و برق کارخانه‌ها در عمل خاموش و متوقف شده است.

مسعود پزشکیان در سفر استانی به خراسان شمالی و در سخنرانی در شهر بجنورد خواستار صرفه‌جویی در مصرف برق و گاز از سوی مردم شد و گفت: «اکنون با کسری بودجه مواجهیم؛ در حوزه انرژی بسیار بد مصرف می‌کنیم بعد مجبوریم گاز و برق را قطع کنیم؛ عادت بدی داریم که مراعات نمی‌کنیم.»

او افزود که «بیشترین انرژی را داریم، اما مصرف خوب نداریم؛ اگر همه یک چراغ اضافی را خاموش کنند قطعا کمبود انرژی نخواهیم داشت و اگر همه ما با هم متحد شویم قطعا دیگر قطعی برق نخواهیم داشت.»

مسعود پزشکیان در بخشی از سخنانش مشکلات موجود را ناشی از اقدامات «دشمن» خواند و گفت: «دشمن نمی‌خواهد ثبات و امنیت در ایران داشته باشیم و مشکلات را ایجاد کرده‌اند تاروی خوش نبینیم؛ مطمئن باشید اگر باهم باشیم و پشت سر مقام معظم رهبری حرکت کنیم مشکلات برطرف می‌شود.» رئیس دولت چهاردهم همچنین در سخنانی تهدیدآمیز گفت: «اسرائیل امروز همه منطقه را به جان هم انداخته است؛ اما مسلمانان با هم دعوا دارند و با هم متحد نیستند، این وضعیت اثر همین دعوهاست؛ باید دست در دست هم دهیم؛ اگر شیر گاز و نفت منطقه را ببندیم دشمنان با مشکلات فراوان مواجه خواهند شد.»

بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن با آغاز فصل زمستان برجسته‌تر شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد از مجموع بیش از ۶۰۰ واحد نیروگاهی، حداقل ۸۰ واحد نیروگاهی به دلیل کمبود یا نبود سوخت (گاز و سوخت مایع) از مدار بهره‌برداری خارج هستند.

محمد محمدی سرپرست تولید و بهره‌برداری نیروگاه برق ری در نزدیکی پالایشگاه تهران نیز امروز ششم دی‌ماه با اشاره به کاهش ۸۷ درصدی تأمین گازوئیل نیروگاه برق ری اعلام کرد: «تخصیص سهمیه گاز حداقلی و اتمام ذخایر گازوئیل نیروگاه موجب خروج واحدهای این مجموعه از مدار تولید شده است.»

سرپرست تولید و بهره‌برداری نیروگاه برق ری توضیح داده که «از ۱۰ آذرماه نیز سهمیه گاز طبیعی نیروگاه به حداقل کاهش یافته و در بسیاری از روزها هیچ سهمیه‌ای به نیروگاه ری اختصاص داده نشده است. حتی در روزهایی که گاز تخصیص یافته، مقدار آن به حدی کم بوده که عملا برای تولید برق کافی نبوده است.»

دولت پزشکیان با «افزایش قیمت» به فکر «قدرت خرید مردم» است!

به اینکه «بازار ارز تجاری» پیرو قیمت‌ها در بازار آزاد است، در نتیجه قیمت ارز مورد استفاده برای واردات کالاها و مواد اولیه نیز فعلا افزایشی خواهد بود.

در چنین شرایطی مشخص دولت پزشکیان چطور قرار است به گفته سخنگوی دولت، مراقبت کند که قیمت‌ها به اندازه قدرت خرید مردم افزایش پیدا کند. آن هم در شرایطی که بیش از نیمی از جمعیت کشور از جمله کارگران و بازنشستگان در حال حاضر نیز توان پرداخت هزینه‌های هنگفت زندگی را ندارند و دستمزدهای ناچیز آنها تنها برای یک هفته الی ده روز از هزینه‌های زندگی کفایت می‌کند.

اینهمه در حالیست که دولت پزشکیان حتی به دنبال اجرای طرح‌های مسکوت مانده از دولت‌های پیشین از جمله حذف چهار صفر از پول ملی است.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خبری مدعی شد که دولت پزشکیان لایحه «حذف چهار صفر از پول ملی» را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده است. چنین موضوعی در دولت‌های پیشین نیز هربار مطرح شده بود.

این خبرگزاری نوشت که این لایحه مرداد ۱۳۹۸ به تصویب هیئت دولت دوازدهم به ریاست جمهوری حسن روحانی رسید و اکنون در دولت چهاردهم به عنوان لایحه یک‌فوریتی به مجلس ارائه شده است.

شهرام دبیری معاون پارلمانی مسعود پزشکیان با تکذیب ارسال این لایحه به مجلس توسط دولت چهاردهم، تأکید کرد: «این لایحه در دولت دوازدهم و در سال ۱۳۹۸ با یک فوریت به مجلس ارائه شده و اتفاق جدیدی برای آن صورت نگرفته است.»

با اینهمه گزارش‌های غیررسمی از تلاش دولت برای در دستور کار قرار گرفتن و تصویب این لایحه است تا دولت پزشکیان آن را اجرا و چهار صفر را از پول ملی حذف کند.

در همین رابطه کامران ندری تحلیلگر اقتصادی گفته «اگر چالش‌های اقتصادی را اولویت‌بندی کنید حذف صفر از پول ملی در انتهای جدول قرار می‌گیرد. اینکه چرا دولت باوجود این همه مسائل و مشکلات اقتصادی که با آن مواجه هستیم روی حذف صفر دست گذاشته، یک مقدار عجیب است و در شرایط فعلی توجیهی ندارد. به نظر می‌رسد دولت، چون از حل مسائل جدی و مهم کشور ناامید شده به این مسئله روی آورده است.»

این اقتصاددان گفته «هی‌دانم نیت دولت از حذف صفرها چیست ولی معمولا در کشورهایی که برای مدت طولانی تورم بالا دارند، به دلیل اینکه قیمت‌ها بسیار افزایش پیدا کرده و حسابداری قیمت‌ها دشوار بوده، واحد پول را با حذف صفرها تغییر می‌دهند تا مقداری محاسبات حسابداری آسان شود. این اقدام را زمانی انجام می‌دهند که تورم متوقف شده یا آندر نرخ تورم زیاد شده که کار کردن با اعداد بزرگ مشکل‌آفرین است؛ اما در حال حاضر هیچ کدام از این دو شرط در اقتصاد ما وجود ندارد.»

این تحلیلگر اقتصادی افزوده که «درست است که با تورم مزمن دو رقمی مواجه هستیم ولی هنوز مشکلات حاد حسابداری به آن شکل نداریم که دست به این اصلاحات بزنیم. از سوی دیگر نرخ تورم‌مان هم هنوز متوقف نشده است و اقتصاد ما هنوز با یک تورم مزمن بالا مواجه است. از این رو هنوز به نظر نمی‌رسد که حذف صفر در اقتصاد ما ضرورت یا اولویت داشته باشد.»



گفت: «اگر شرایط عادی بود قیمت دلار الان باید ۷۳ هزار تومان بود». بیان این رقم به عنوان قیمت ارز در شرایط عادی، اعتراف وزیر نسبت به شرایط بحرانی اقتصاد ایران است؛ شرایطی که به عقیده بسیاری از کارشناسان در ماه‌های آینده و با توجه به لایحه بودجه تنظیم شده از سوی دولت «بحرانی‌تر» هم خواهد شد مگر اینکه معجزه‌ای برای جمهوری اسلامی رخ دهد و تحریم‌ها لغو شود.

عبدالناصر همتی در جلسه با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفته اینکه انتظار دارند با وجود تورم ۴۰ درصدی، نرخ ارز ثابت باشد درست نیست. وزیر اقتصاد توضیح نداده که اصلا چرا تورم اقتصاد کشور باید روی ۴۰ درصد باشد!

او همچنین گفته «سال گذشته کسری تجاری غیر نفتی ۱۷ میلیارد دلار شد که بی‌سابقه است. دوستان می‌گویند نرخ ارز را ثابت نگه داریم تورم کاهش پیدا می‌کند ولی سال گذشته ارز نیما می‌ما ثابت بود ولی تورم بالای ۴۰ درصد داشتیم.»

تیم اقتصادی دولت پزشکیان با هدایت عبدالناصر همتی اقدام به حذف سامانه ارزی نیما و تشکیل یک بازار ارزی جدید کرده تا به بهانه «اصلاح بازار ارز» بخشی از کسری بودجه دولت را پوشش دهد.

در «بازار ارز تجاری» که قیمت‌ها در آن به نرخ بازار آزاد نزدیک است، واردکنندگان باید کالاها و مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی و صنعتی را گرانتر وارد کنند و در نتیجه قیمت کالاها و وارداتی، و تولیداتی که به واردات مواد اولیه وابسته است، با افزایش قیمت روبرو می‌شوند.

از سوی دیگر با توجه به عواملی چون رکود عمیق در اقتصاد ایران، کاهش تولید و صادرات به دلیل قطع مداوم برق و گاز صنایع و کارخانه‌ها، تنش‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی که خامنه‌ای نیز به ادامه آن اصرار دارد و سایه خطر جنگی که جمهوری اسلامی بر سر کشور انداخته است، قیمت ارز در بازار آزاد ایران همچنان افزایشی خواهد بود. بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند در صورت تداوم شرایط کنونی، قیمت دلار تا پایان زمستان امسال به ۸۰ و در سال آینده به مرز ۱۰۰ هزار تومان خواهد رسید. با توجه

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت: تلاش دولت این است که مراقبت کند توان خرید مردم کمتر نشود و در صورت نیاز با توجه به شرایطی که وجود دارد بسته‌های حمایتی متناسب با شرایط داده خواهد شد.

عبدالناصر همتی گفته اینکه انتظار دارند با وجود تورم ۴۰ درصدی، نرخ ارز ثابت باشد درست نیست. وزیر اقتصاد توضیح نداده که اصلا چرا تورم اقتصاد کشور باید روی ۴۰ درصد باشد!

دولت پزشکیان اقدام به حذف سامانه ارزی نیما و تشکیل یک بازار ارزی جدید کرده تا به این ترتیب بخشی از کسری بودجه دولت را پوشش دهد اما همه این اقدامات موجی از گرانی در کالاها و خدمات مختلف ایجاد کرده است.

در حالی که وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی افزایش قیمت ارز را با توجه به شرایط اقتصادی کشور طبیعی ارزیابی کرده، سخنگوی دولت نیز افزایش قیمت‌ها را تأیید کرده اما گفته دولت تلاش می‌کند افزایش قیمت‌ها متناسب با قدرت خرید مردم باشد!

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت روز سه‌شنبه چهارم دی‌ماه در نشست خبری با خبرنگاران گفت: «تلاش دولت این است که مراقبت کند توان خرید مردم کمتر نشود و در صورت نیاز با توجه به شرایطی که وجود دارد بسته‌های حمایتی متناسب با شرایط داده خواهد شد.»

بر اساس ادعای فاطمه مهاجرانی، «پایه پولی، نقدینگی و شفاف کردن بازار ارز به عنوان سه موضوع اساسی در تیم اقتصادی دولت در دستور کار قرار گرفته است. شفاف کردن ارز یکی از موضوعاتی است که بانک مرکزی آغازگر آن بود و بازار مبادله ارزی را اقدام کرد تا بتواند تقاضای القایی را که شکل می‌گیرد، مدیریت کند. در خصوص سایر موضوعات نیز رئیس جمهور برای کارگروه‌های اقتصادی دستور داده است.»

سخنگوی دولت با اشاره به سیاست‌های ارزی دولت که سبب تحریک افزایش قیمت‌ها در بازار ارز شده گفته «دولت به همراه بانک مرکزی تلاش کرده است تا با یکپارچه‌سازی ارزها و کاهش فاصله آنها، به ثبات ارزی کشور کمک کند. این اقدام یکی از اولویت‌های دولت است که نه تنها به حذف رانت و فساد می‌انجامد، بلکه از تولید نیز حمایت می‌کند.»

فاطمه مهاجرانی در ادامه ادعاهای خود از عملکرد دولت گفته «یکی از آثار مثبت این سیاست، حمایت از تولید داخلی است. کالاهایی که پیش‌تر با ارز ارزان وارد کشور می‌شدند، حالا با تغییرات ارزی، امکان صادرات برای کالاهای ایرانی فراهم شده است.»

سخنگوی دولت پزشکیان همچنین گفته «با دستور رئیس‌جمهور پنج بسته عملیاتی برنامه‌های ملی در حوزه اقتصاد آغاز شده است که یکی از آنها برنامه ملی کاهش تورم است. برنامه‌های دیگر هم شامل تولید و اشتغال، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و برنامه ملی رفع ناترازی‌ها می‌شود. این ناترازی‌ها شامل انرژی، بودجه، بانکی، صندوق‌های بازنشستگی و آب می‌شود. با کمک کارشناسان دانشگاهی جلسات به صورت خیلی مشخص و مرتب در حال انجام است و امیدواریم که شاهد وضعیت بهتری در طول مدت زمان معناداری باشیم.»

عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان هفته جاری در نشستی در کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

خبری تکراری که باز هم تکذیب شد؛ لایحه حذف چهار صفر از پول ملی ایران

اعتماد به نفس خود را در ارز ملی از دست دهند، استفاده از ارزهای خارجی را آغاز می‌کنند، به ویژه آنها که اعتبار بیشتری دارند. این امر فشارهای اقتصادی و روانی زیادی را بر دولت‌ها وارد می‌کند، بنابراین سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها تحت تأثیر بازارهای مالی بین‌المللی قرار خواهد گرفت و بانک‌های مرکزی خارجی بر سیاست‌های اقتصادی کشور مورد نظر تأثیر می‌گذارند، بنابراین حذف صفرها به نوعی مانع ورود ارزهای خارجی در اقتصاد و عواقب آن می‌شود.»

این اقتصاددان تأکید کرده بود: «ضروری است دولت بجای طرح‌های اصلاحی که تأثیری در بهبود وضعیت اقتصادی خانوار ندارد، برای کاهش گرانی‌ها و هزینه‌های زندگی مردم لایحه تنظیم و به مجلس ارسال کند.»

این تحلیلگر اقتصادی افزوده بود که «تحقیقات نشان می‌دهد حذف صفر از پول ملی فقط در مواقعی مؤثر است که حوزه اقتصاد کلان دارای ثبات باشد، تورم رو به کاهش باشد، نرخ ارز پایدار باشد و دولت از هزینه‌های بیش از حد خودداری کند. اگر یک دولت فقط به حذف صفر از ارز ملی اکتفا کند و اصلاحات اقتصادی جامع و گسترده را انجام ندهد، نه تنها سیاست حذف صفرها از پول ملی مؤثر نخواهد بود، بلکه به زودی تغییر ارزش ارز نیز اتفاق خواهد افتاد.»

او همچنین گفته بود: «اثر تورم ناشی از گرد کردن قیمت‌ها به مقادیر بالاتر و تأثیر روان‌شناختی از کاهش حقوق و بروز مشکلات در تعیین قیمت‌ها در کوتاه‌مدت، مانند سردرگمی مردم در کوتاه‌مدت و سردرگمی جامعه تا اینکه با شرایط جدید سازگار شوند، از مهم‌ترین معایب این طرح است.»

در سال ۱۳۹۸ در دومین دولت حسن روحانی که طرح حذف چهار صفر از پول ملی به شکل لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، عبدالناصر همتی رئیس وقت بانک مرکزی از جمله حامیان اصلی چنین اقدامی بود.

او در همان سال گفته بود «تبدیل واحد پولی برای ما هزینه‌ای ندارد. زیرا سالانه ۷۰۰ میلیون اسکناس امحا و چاپ مجدد می‌شود. علاوه بر این ۷ میلیارد قطعه اسکناس رایج در کشور داریم که با این کار به سه میلیارد قطعه تبدیل خواهد شد. در واقع هزینه امحا و چاپ جایگزین می‌شود و هزینه خیلی زیادی تحمیل نمی‌شود.»

بانک مرکزی در ابتدای سال ۱۳۹۸ از «دوره گذار از ریال به تومان» دفاع کرده و در توضیحاتی نوشته بود «از تاریخ رواج قانونی «تومان» در کلیه قوانین خاص و عام، «تومان» جایگزین «ریال» به عنوان واحد رسمی پول جمهوری اسلامی ایران خواهد شد، «تومان» بر مبنای نرخ برابری جایگزین می‌شود. همچنین مبالغ مندرج در کلیه تعهدات و اسناد و دفاتر و قراردادهای تاریخ رواج قانونی «تومان» باید به این پول تقویم و ثبت و مطالبه گردد و هر جا که در تعهدات و اسناد و دفاتر تجاری و قراردادهای تا قبل از تاریخ رواج «تومان» از واحد «ریال» استفاده شده است، تقویم این مبالغ بر اساس نرخ برابری به تومان الزامی خواهد بود.»

ر چنین شرایطی ممکن است عبدالناصر همتی که اکنون در دولت مسعود پزشکیان به عنوان وزیر اقتصاد حضور دارد، به دنبال این باشد که لایحه حذف چهار صفر از پول ملی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار بگیرد و بدین ترتیب یکی از برنامه‌های معلق مانده‌اش در دورانی که ریاست بانک مرکزی جمهوری اسلامی را به عهده داشت پیش ببرد!



غیراینصورت اثری نخواهد داشت. ضمن اینکه با توجه به شرایط منطقه و اثرگذاری متغیرهای سیاسی فعال بر اقتصاد ایران و روند صعودی نرخ تورم، چنین اقداماتی نمی‌تواند گره‌گشا باشد. در چندین سال اخیر شاهد انجام یکسری امور مقدماتی بودیم مانند کم‌رنگ کردن چهار صفر روی اسکناس‌ها، اما هیچکدام اثری که باید را نگذاشت.»

این کارشناس اقتصادی در پاسخ به اینکه طرح یاد شده تا چه اندازه هزینه بر خواهد بود، گفت: «بدون شک این طرح بسیار پرهزینه خواهد بود و معلوم نیست این هزینه با توجه به کسری بودجه دولت ارزنده خواهد بود یا خیر؟» برداشت صفر از پول ملی برای نخستین بار در آلمان و پس از جنگ جهانی دوم انجام شد. تحت فشارهای اقتصادی جنگ جهانی دوم و آسیب‌های ایجاد شده و باقی مانده، آلمان تومی شدید را از سر می‌گذراند و سیاست‌گذاران اقتصادی این کشور تصمیم به حذف صفرها از ارز ملی این کشور گرفتند.

طی نیم قرن گذشته نیز ۱۹ کشور صفر را از پول‌های ملی خود حذف کردند. صفرهای پول ملی چهار بار در آرژانتین، پنج بار در یوگسلاوی سابق، شش بار در برزیل، دو بار در بولیوی، سه بار در اوکراین، روسیه، لهستان، بلژیک و یک بار در ترکیه، ایسلند، کره و غنا از ارزهای ملی حذف شده است در برخی کشورها حذف پول ملی به مدیریت تورم کمک کرده اما در برخی کشورها مانند زیمبابوه سبب تشدید بحران‌ها شد.

با اینهمه بسیاری از کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد ایران و با توجه به ساختارهای اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی که سبب تحریک عوامل کاهش ارزش پول ملی می‌شوند، حذف صفر از پول ملی صرفاً صورت مسئله را پاک می‌کند و صرفاً هزینه بالایی باید صرف اقدامات اجرایی آن از جمله چاپ اسکناس و ضرب سکه شود.

پیش از این آلبرت بغزبان اقتصاددان و تحلیلگر گفته بود: «حذف صفر از پول ملی ابزاری برای حمایت دولت‌ها از قدرت سیاست‌های ارزی است. این اقدام نقش مهمی در تقویت اعتماد عمومی به دولت‌ها دارد. در مقابل، اگر مردم

● خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خبری مدعی شده دولت پزشکیان لایحه «حذف چهار صفر از پول ملی» را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده است.

● معاون پارلمانی مسعود پزشکیان با تکذیب ارسال این لایحه به مجلس توسط دولت چهاردهم گفته «این لایحه در دولت دوازدهم و در سال ۱۳۹۸ با یک فوریت به مجلس ارائه شده و اتفاق جدیدی برای آن صورت نگرفته است.»

انتشار خبری از سوی خبرگزاری «تسنیم» درباره ارسال لایحه حذف چهار صفر از پول ملی توسط دولت پزشکیان، در حالی از سوی مقامات دولت و نمایندگان مجلس شورای تکذیب شد که بار دیگر موضوع «ارزش پول ملی ایران» را که همچنان مسیر سقوط نجومی را طی می‌کند مورد توجه قرار داده است.

خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خبری مدعی شد که دولت پزشکیان لایحه «حذف چهار صفر از پول ملی» را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده است. چنین موضوعی در دولت‌های پیشین نیز هربار مطرح شده بود.

این خبرگزاری نوشت که این لایحه مرداد ۱۳۹۸ به تصویب هیئت دولت دوازدهم به ریاست‌جمهوری حسن روحانی رسید و اکنون در دولت چهاردهم به عنوان لایحه یک‌فوریتی به مجلس ارائه شده است.

چند مقام دولتی و نماینده مجلس شورای اسلامی هم توضیح داده‌اند این لایحه از زمان دولت حسن روحانی در مجلس شورای اسلامی است و دولت پزشکیان لایحه جدیدی ارائه نکرده است.

شهرام دبیری معاون پارلمانی مسعود پزشکیان با تکذیب ارسال این لایحه به مجلس توسط دولت چهاردهم، تأکید کرد: «این لایحه در دولت دوازدهم و در سال ۱۳۹۸ با یک فوریت به مجلس ارائه شده و اتفاق جدیدی برای آن صورت نگرفته است.»

مجتبی یوسفی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نیز اعلام کرده که «این لایحه از زمان دولت آقای روحانی به مجلس دهم تحویل داده شده است. در دولت جدید هم با وجود اینکه برخی لوایح از طرف دولت مسترد شده لایحه حذف ۴ صفر جزو آن نبوده و همچنان در دستور کار کمیسیون مربوطه برای بررسی قرار دارد. بنابراین لایحه‌ای جدیدی در کار نیست و این جزو لوایح قدیمی در مجلس است.» با اینهمه بار دیگر موضوع حذف صفر از پول ملی به دلیل ریزش شدید ارزش آن مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. مرتضی افقه کارشناس پولی و بانکی در پاسخ به اینکه «حذف چهار صفر از پول ملی» تا چه اندازه بر کاهش «تورم» و «نقدینگی» مؤثر است، به «اقتصادنیوز» گفت: «با چنین اقدامات صوری و قانونی نمی‌شود تورم را کنترل کرد. تورم ایران ریشه در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و به اندازه‌ای عمیق است که با اقدامات اقتصادی از جمله کاهش میزان نقدینگی طی سالیان اخیر هم کنترل نشده است.»

مرتضی افقه با کنایه به یکی از بندهای قید شده در طرح «حذف چهار صفر از پول ملی» که «بازگرداندن حیثیت به پول ملی» ارزیابی شده توضیح داد: «حذف چهار صفر فقط می‌تواند تا حدودی حیثیت را به ریال بازگرداند و در

در ساختار بهداشت و درمان ایران چه خبر است؟ تزریق آب مقطر بجای داروی شیمی‌درمانی، تزریق سم به بیماران کلیوی و کور شدن بیماران!

محمد رئیس‌زاده رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران درباره این حادثه توضیح داده که «کمیت‌های برای بررسی ابعاد دقیق حادثه تشکیل شده و طبق اطلاع بنده، انتقال عفونت از تجهیزات رخ داده که جزو فیلد جراحی نبوده است.»

حسین شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی هم گفته «بر اساس نظریه اولیه بررسی‌کنندگان این حادثه یک «کاست» که برای همه این مریض‌ها استفاده شده آلوده بوده و ایجاد عفونت کرده است، اما این قطعی نیست.»

رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی افزایش پرسرعت قیمت ارز را در بروز چنین حوادثی موثر دانسته و گفته «اینکه قیمت ارز ترجیحی بالا برود و به ۳۸ تومان یا ۴۵ هزار تومان برسد مشکلات بسیاری را به دنبال دارد. این «کاست»‌ها همه خارجی هستند و ارزبری دارند و قیمت آنها بالا است و با افزایش قیمت ارز ترجیحی قیمت این اقلام هم بالا می‌رود، در نتیجه با بالا رفتن قیمت محصولات همانند «کاست»، نه بیمه‌ها هزینه تامین آن را قبول می‌کنند و نه بیمار توان تأمین هزینه خریدش را دارد.» یکی دیگر از تهبکاری‌های اخیر در ساختار بهداشت و درمان کشور توزیع داروی آلوده دیالیز «صفاقی» تولید شرکت «ثامن» و تزریق این دارو به بیماران کلیوی بوده است. این موضوع سبب شده دست کم ۷۰ بیمار نیازمند دیالیز جان خود را از دست بدهند. گزارش‌ها نشان می‌دهد محلول‌های آلوده به آلومینیوم دیالیز «صفاقی»، تولید شرکت «ثامن» از زمستان ۱۴۰۲ بین بیماران توزیع شده که نه تنها جان ۷۰ نفر را گرفته بلکه صدها بیمار دیگر دچار عوارض جدی از جمله فلج، فراموشی و عفونت‌های شدید شده‌اند.

خانواده‌های قربانیان خواستار رسیدگی جدی به این پرونده، مجازات عاملان این فاجعه و ارائه پاسخ شفاف از سوی مسئولین هستند. در ارتباط با این اقدام کشنده کارزاری با عنوان «درخواست پیگیری ویژه فاجعه سرم‌های آلوده تولید داخل» راه‌اندازی شده است.

در متن این کارزار آمده «ما خانواده‌های قربانیان و بیماران خواستار رسیدگی جدی به این پرونده، مجازات عاملان این فاجعه و ارائه پاسخ شفاف از سوی مسئولان هستیم و علی‌رغم پیگیری‌های مکرر و با توجه به آنکه آمار نگران‌کننده تعداد قربانیان و آسیب‌دیدگان مشخص نیست، هنوز هیچ اقدام مؤثر و قاطعی برای رسیدگی به این جنایت انسانی که نمونه‌ای آشکار از ضعف در نظارت و قصور در نظام سلامت کشور است، صورت نگرفته است.»

در ادامه نوشته شده «ما مصرانه خواستار تشکیل کارگروهی ویژه برای بررسی سریع، شفاف‌سازی و نظارت دقیق همه‌جانبه در این پرونده، شناسایی و برخورد قاطع با مسئولان متخلف و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از تکرار این حوادث هستیم. همچنین، جبران خسارات وارد شده به بیماران با نگاه انسانی و دلسوزانه و به دور از منافع شرکت‌های دارویی سودجو مورد پیگیری قرار گیرد.»

وقوع چنین موارد مجرمانه‌ای در کنار کمبود شدید دارو و تجهیزات پزشکی، ناراضیاتی کادر درمان و مهاجرت گسترده پزشکان و پرستاران و دیگر اعضای کادر درمان نشان از فروپاشی ساختار بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی دارد که مدت‌هاست آغاز شده است.



از داروهای گران‌قیمت صورت گرفته است.

در نخستین روزهای دی‌ماه نیز خبر نابینا شدن دست‌کم ۹ بیمار که برای جراحی به بیمارستان «نگاه» تهران مراجعه کرده بودند منتشر شد. این بیماران پس از عمل جراحی با عفونت شدید چشم به بیمارستان مراجعه کردند و همگی آنها در پی همین عفونت بینایی خود را از دست دادند. افراد نابینا شده بیماران میانسال و مسن، اهل استان‌های خوزستان، سمنان و تهران و بیشتر آنها مرد هستند. مشکل اغلب این بیماران بیماری آب مروارید بود که بعد از چند مرتبه رفت و آمد به بیمارستان و انجام اقدامات درمانی اولیه، پزشک معالج تصمیم به انجام جراحی گرفته بود.

گزارش‌ها نشان می‌دهد همگی این بیماران روز هفدهم مهرماه جراحی شدند. پزشک معالج بیماران متفاوت بود اما همگی در یک اتاق تحت عمل جراحی قرار گرفتند. شمار دیگری از افرادی که در این بیمارستان تحت جراحی قرار گرفته‌اند نیز دچار عفونت چشم شدند اما روند درمانی آنها با بستری ادامه پیدا کرد و نابینا نشدند. برخی از بیماران حاضر نشدند درمان عفونت چشم را در بیمارستان «نگاه» پیش ببرند و به بیمارستان‌های دیگر مراجعه کردند.

اکنون پرونده‌ای در دادگستری برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شده است. به گزارش «همشهری» بر اساس آنچه در این پرونده وجود دارد شاکیان پرونده دو گروه هستند. اولین گروه ۹ بیمار نابینا شده هستند که هر کدام بینایی یک چشم خود را از دست داده‌اند و از بیمارستان و کادر درمان بابت قصور پزشکی شکایت کرده‌اند. شاکي دوم، مسئولان بیمارستان هستند که از ۲ نفر از تکنیسین‌های اتاق عمل شکایت کرده و آنها را در حادثه تلخی که اتفاق افتاده مقصر می‌دانند. حتی یکی از آنها چند روز قبل در گفتگویی مدعی عمدی بودن ایجاد عفونت در بیمارستان شد. تحقیقات مقدماتی در اینباره آغاز شده است.

● در بیمارستان بین‌المللی تبریز برای مدت طولانی به بیماران سرطانی بجای داروهای شیمی‌درمانی آب مقطر تزریق شده و دست‌کم ۲۰ بیمار سرطانی به علت وخیم شدن بیماری جان خود را از دست داده‌اند.

● در بیمارستان «نگاه» تهران دست‌کم ۹ بیمار پس از جراحی با عفونت شدید چشم به بیمارستان مراجعه کردند و همگی آنها در پی همین عفونت بینایی خود را از دست دادند.

● توزیع و تزریق داروی آلوده دیالیز «صفاقی» تولید شرکت «ثامن» از زمستان گذشته سبب شده دست‌کم ۷۰ بیمار دیالیزی جان خود را از دست بدهند و تعداد زیادی نیز با عوارض جدی مانند فلج، فراموشی و عفونت‌های شدید روبرو شدند.

در روزهای گذشته خبرهایی درباره آنچه در ساختار بهداشت و درمان ایران می‌گذرد منتشر شد؛ در بیمارستان بین‌المللی «ولیعصر» تبریز برای مدت طولانی بجای تزریق داروی شیمی‌درمانی به بیماران سرطانی آب مقطر تزریق شده است. در بیمارستان «نگاه» تهران ۹ بیمار که برای جراحی چشم مراجعه کرده بودند نابینا شدند و محلول‌های آلوده دیالیز «صفاقی» تولید شرکت «ثامن» تا کنون جان دست‌کم ۷۰ بیمار کلیوی را گرفته است!

در بیمارستان بین‌المللی «ولیعصر» شهر تبریز شبکه‌ای از کارکنان بیمارستان که داروهای بیمارستان را به سرقت می‌بردند، داروهای شیمی‌درمانی را با آب مقطر تعویض کرده و در نتیجه برای مدت طولانی به بیماران سرطانی بجای داروهای شیمی‌درمانی آب مقطر تزریق شده است. در پی این فساد گسترده، دست‌کم ۲۰ بیمار سرطانی به علت وخیم شدن بیماری جان خود را از دست داده‌اند.

شهرام دبیری اسکویی از دوستان مسعود پزشکیان و معاون امور مجلس ریاست جمهوری در دولت چهاردهم، موسس اولیه و سهامدار اصلی بیمارستان بین‌المللی «ولیعصر» تبریز است. او پیشتر در خرداد ۱۳۹۹ به اتهام فساد مالی در مقام عضو شورای اسلامی شهر تبریز از سوی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد اما در این پرونده حکمی علیه او صادر نشد اصغر جعفری روحی معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی تبریز درباره ابعاد تخلفات صورت گرفته در بیمارستان بین‌المللی تبریز گفته «اینکه این اتفاق در این بیمارستان و در حوزه شیمی‌درمانی بیماران سرطانی صورت گرفته و کادر درمان مرتکب خطا و تخلف شده اند محرز است.»

سرهنگ محمدتقی سلطانی رئیس پلیس آگاهی آذربایجان شرقی گفته «در پی اعلام وقوع سرقت داروهای بیماران خاص در یکی از بیمارستان‌های شهرستان تبریز یکی از کمک‌بیماران به‌عنوان مظنون دستگیر شد که نام ۳ نفر از همدستان خود را اعلام کرد. همگی این افراد دستگیر و به بزه منتسب اعتراف و اعلام داشتند که داروها بعد از سرقت به بازار آزاد خرید و فروش دارو در تهران منتقل و به فروش می‌رسانند. در این خصوص تعداد ۲۰ فقره پرونده قضایی با دعوت از اولیای دم متوفیان تشکیل و به مراجع قضایی ارسال شد.»

روزنامه «اعتماد» نیز در گزارشی اعلام کرده که تعداد مرگ‌های مشکوک در بخش شیمی‌درمانی بیمارستان «ولیعصر» بطور قابل توجهی افزایش یافته است. بر اساس این گزارش، تخلفات در بخش شیمی‌درمانی با سوء استفاده

۲۰ درصد از جمعیت ایران بی‌سواد یا کم‌سواد هستند؛ فقر عامل اصلی ترک تحصیل دانش‌آموزان

را تقویت می‌کند. نیروی کار کم‌سواد و کم‌مهارت، مانعی برای رشد اقتصادی و توسعه کشور است. ترک تحصیل می‌تواند منجر به بروز مشکلات اجتماعی مانند افزایش جرم و جنایت، اعتیاد و بی‌نظمی اجتماعی شود.

او همچنین معتقد است که «ارائه کمک‌های مالی به خانواده‌های فقیر برای تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان، تأمین تغذیه مناسب برای دانش‌آموزان به ویژه در مناطق محروم، توسعه و بهبود کیفیت و کمیت امکانات آموزشی در مناطق محروم، ایجاد برنامه‌های حمایتی از دانش‌آموزان در معرض خطر ترک تحصیل از جمله ارائه خدمات مشاوره‌ای، روانشناسی و آموزشی به این دانش‌آموزان، و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای فارغ‌التحصیلان می‌تواند انگیزه تحصیل را در دانش‌آموزان افزایش دهد.

محمد مهدی سیدناصری حقوقدان و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته «بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان در تمام مقاطع تحصیلی افزایش یافته است. در این سال تحصیلی نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی با افزایش ۰/۲۵ واحد درصدی به ۱/۲ درصد رسیده است.» این حقوقدان با بیان اینکه «افزایش میزان ترک تحصیل با افزایش نرخ فقر و تورم و مشکلات اقتصادی در سال‌های گذشته رابطه تنگاتنگی دارد» گفته «ترک تحصیل کودکان در ایران یک مسئله پیچیده و چندبعدی است که هم از منظر حقوقی و هم از نظر اجتماعی و اقتصادی نیازمند توجه جدی است. به‌ویژه در سال‌های اخیر با افزایش بحران‌های اقتصادی پدیده ترک تحصیل کودکان در ایران روند رو به رشدی را تجربه کرده است. سؤال بسیار مهم این است که تعهدات دولت در قبال حق آموزش برابر کودکان چیست؟» در این میان دختران بیش از پسران با ترک تحصیل روبرو هستند. محمد مهدی سیدناصری با بیان اینکه ازدواج زودهنگام دختران از جمله عوامل ترک تحصیل آنها است گفته «طبق آمار سازمان ملل، ۱۸ درصد دختران ایرانی قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند که خود عامل اصلی ترک تحصیل است. عامل بعدی نگرش‌های سنتی به تحصیل برای پسران است. در برخی خانواده‌ها، به ویژه در مناطق محروم، تحصیل پسران از اهمیت بیشتری برخوردار است و دختران ممکن است به دلیل مسئولیت‌های خانه‌داری یا کارکردن برای تأمین درآمد خانواده، از تحصیل باز بمانند.»

این حقوقدان تأکید کرده که «کودکان بازمانده از تحصیل در معرض طیف وسیعی از آسیب‌های اجتماعی هستند که می‌توان به استثمار اقتصادی، بزهکاری و جرائم اجتماعی، ازدواج زودهنگام، افزایش فقر و نابرابری اجتماعی اشاره کرد.» او همچنین با اشاره به آسیب استثمار اقتصادی کودکان گفته «این کودکان به‌ویژه در محیط‌های غیررسمی وارد کارهایی می‌شوند که ممکن است با استثمار نیروی کار همراه باشد. این کارها اغلب در شرایط دشوار و بدون نظارت‌های قانونی انجام می‌شوند. او افزود: از طرفی برخی از کودکان بازمانده از تحصیل به دلیل فقدان سرگرمی و نبود مسیر مناسب برای رشد و پیشرفت، به سمت رفتارهای ضداجتماعی و بزهکاری سوق داده می‌شوند. این امر ممکن است به دزدی، خشونت، اعتیاد و سایر جرائم اجتماعی منتهی شود.»



ترک تحصیل را دارند. طبق برآوردها، سیستان و بلوچستان با بالاترین نرخ ترک تحصیل در میان استان‌های کشور روبرو هستند. گزارش‌ها نشان می‌دهد فقر به عامل اصلی بازماندگی از تحصیل در میان کودکان ایرانی تبدیل شده است. علی حسین شهریور دبیرکل «خانه تعاونگران» گفته فقر و ترک تحصیل ارتباطی تنگاتنگ دارند و فقر یکی از مهم‌ترین دلایل ترک تحصیل به ویژه در مناطق محروم است.

این فعال مدنی با اشاره به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی افزوده سال ۱۳۹۹ حدود ۷۰ درصد کودکان بازمانده از تحصیل در دهک یک تا پنج قرار داشتند. بنابراین، فقر و ترک تحصیل دو پدیده‌ای هستند که به شدت با هم مرتبط‌اند.

علی حسین شهریور توضیح داده که «خانواده‌های فقیر اغلب قادر به تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان خود نیستند. این هزینه‌ها شامل شهریه، هزینه‌های تحصیلی، هزینه‌های رفت‌وآمد، هزینه‌های تهیه لوازم التحریر و... می‌شود.»

به گفته او در خانواده‌های فقیر، کودکان اغلب مجبورند برای کمک به تأمین مخارج خانواده به کار مشغول شوند و از تحصیل باز بمانند.

او گفته «تغذیه نامناسب و سوء تغذیه می‌تواند بر توانایی یادگیری کودکان تأثیر منفی گذاشته و باعث افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل شود. در مناطق محروم و فقیرنشین، امکانات آموزشی اغلب نامناسب و ناکافی است و همین امر باعث کاهش انگیزه تحصیل در دانش‌آموزان می‌شود.»

دبیرکل «خانه تعاونگران» درباره پیامدهای ترک تحصیل ناشی از فقر گفته «ترک تحصیل به معنای محروم شدن افراد از آموزش‌های لازم برای زندگی در جامعه است و در نتیجه منجر به افزایش نرخ بی‌سوادی می‌شود. ترک تحصیل باعث افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی می‌شود و چرخه فقر

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی گفته تعداد بی‌سوادان و کم‌سوادان در ایران ۱۸ میلیون نفر است که در جمعیت هدف ۱۰ تا ۴۹ سال قرار دارند. این افراد حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

در ایران به دلیل مشکلات اقتصادی و همچنین فراهم نبودن فضای آموزشی کافی به ویژه در مناطق محروم و روستایی، هر ساله بر آمار افراد ترک تحصیل کرده افزوده می‌شود. محمد مهدی سیدناصری حقوقدان و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان گفته در سال تحصیلی گذشته نرخ ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی با افزایش ۰/۲۵ واحد درصدی به ۱/۲ درصد رسیده است.

آمار ارائه شده از سوی رئیس سازمان نهضت سوادآموزی نشان می‌دهد ۱۸ میلیون نفر معادل حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور «بی‌سواد» یا «کم‌سواد» هستند. این آمار همچنین از وجود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل فقط در دوره ابتدایی خبر می‌دهد.

عبدالرضا فولادوند رئیس سازمان نهضت سوادآموزی با ارائه آخرین آمار از بی‌سوادی و کم‌سوادی در ایران گفته تعداد بی‌سوادان و کم‌سوادان در ایران ۱۸ میلیون نفر و در جمعیت هدف ۱۰ تا ۴۹ سال قرار دارند. این افراد حدود ۲۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.

او همچنین گفته در حال حاضر ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل فقط در دوره تحصیلات ابتدایی وجود دارد. او افزوده «سال به سال به تعداد بازماندگان از تحصیل اضافه می‌شود، بنابراین باید سازمان نهضت سواد ماموریت‌های خود را ارتقا دهد.»

رئیس سازمان نهضت سوادآموزی با بیان اینکه «استان‌های مرزی از جمله سیستان و بلوچستان بیشترین میزان بی‌سوادی را دارند» گفته شهروندان بی‌سواد و کم‌سود در همه شهرها و استان‌ها حتی پایتخت پراکنده هستند. عبدالرضا فولادوند افزوده که «مشکل در حوزه بازماندگان از تحصیل، شناسایی است و لیست این افراد در مدارس ابتدایی است و مدیران در حوزه ابتدایی دانش‌آموزان را شناسایی می‌کنند، هر جا که این معاونت توانسته فعالیت کند، ما در کنار معاونت ابتدایی هستیم.»

این آمار از سوی رئیس سازمان نهضت سوادآموزی در حالی مطرح شده که فقط شامل افرادی است که قدرت خواندن و نوشتن را ندارند اما بر اساس استانداردهای اعلام شده از سوی سازمان یونسکو «سواد» شامل مواردی از خواندن و نوشتن، استفاده از کامپیوتر و آشنایی با زبان و در نهایت یادگیری مهارت است. در چنین شرایطی بسیاری از افرادی که قدرت خواندن و نوشتن را دارند به علت آشنا نبودن با کامپیوتر و یک زبان غیرمادری، به آمار افراد کم‌سواد در ایران افزوده می‌شوند. از سوی دیگر همانطور که رئیس سازمان نهضت سوادآموزی تأکید کرده، در ایران به دلیل مشکلات اقتصادی و همچنین فراهم نبودن فضای آموزشی کافی به ویژه در مناطق محروم و روستایی، هر ساله بر آمار افراد ترک تحصیل کرده افزوده می‌شود.

بر اساس گزارشات وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بیش از یک میلیون کودک در ایران از تحصیل بازمانده‌اند. استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، هرمزگان، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و خوزستان بیشترین نرخ

کاهش بارندگی‌ها در ایران و تشدید بحران کم‌آبی

«تمام تالاب‌های ایران» خبر داده و گفته منابع طبیعی و آب ایران با «مدیریت و سیاست‌های غلط» از بین می‌روند عیسی کلانتری با تأکید بر اینکه «فقط یک‌سوم حقایق آنها از خارج از مرزها تأمین می‌شود» گفته دعوی آب در ایران «داخلی» است و ۶۰ میلیارد مترمکعب حقایق داخلی است که وزارت نیرو نمی‌دهد و فقط دو میلیارد مترمکعب آب حقایق در خارج از مرزها داریم که تأثیر چندانی در حفظ تالاب‌ها ندارد.

رئیس پیشین سازمان محیط زیست همچنین گفته «ما زمانی می‌توانیم حقایق هیرمند را از طالبان و حقایق هامون و هورالعظیم را از عراق و ترکیه طلب کنیم که حقایق هیرمند، جازموریان، ارومیه، دشت ارژن و گاوخونی، شادگان و بختگان را از وزارت نیرو گرفته باشیم.»

عیسی کلانتری معتقد است وزیر امور خارجه باید «دیپلماسی محیط زیست» را بلد باشد. بخشی از کارشناسان نیز معتقدند اساساً جمهوری اسلامی به الگوهای مدیریت آب به شیوه تاریخی در ایران که قرن‌ها کشور را از بحران خشکسالی و کم‌آبی در امان نگه داشته بود بی‌اعتنا هستند کمبود ذخائر آبی حتی برای تأمین آب آشامیدنی و مورد مصرف شهری نیز با هشدار روبروست. مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم به تازگی وضعیت آبی کشور را «فاجعه» خواند. عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب هم اعلام کرده بودجه کافی برای مدیریت بحران کم‌آبی در دست نیست!

سخنگوی صنعت آب گفته «همه بحران کم‌آبی را پذیرفته‌اند و وزارت نیرو هم طرح‌ها و برنامه‌های اثرگذاری دارد، اما برای انجام آن پول کمی در اختیار وزارت نیرو قرار دارد.» او افزوده «در بودجه‌های کشور، رقمی متناسب با حل این بحران انعکاسی دیده نمی‌شود. ما از مسئولان سازمان برنامه‌بودجه انتظار داریم در تدوین پیوست‌های بودجه ۱۴۰۴ عنایت ویژه‌ای به بخش آب داشته باشند.»

عیسی بزرگ‌زاده با اشاره به «فاجعه» خواندن وضعیت آب کشور از سوی مسعود پزشکیان گفته «به رغم این تعابیر و احساس خطرها شاهدیم که در اعتبارات و بودجه‌های جاری کشور، رقمی متناسب با حل این بحران بخش آب انعکاسی دیده نمی‌شود.»

عباس محمدی کنشگر محیط زیست نیز معتقد است: «وزارت نیرو و مسئولان آن مقصر اصلی بحران عظیم آبی کشور هستند. مسئولان این وزارتخانه عملاً هیچ نظارتی بر مصرف آب ندارند و کارشان فقط این است که آب را از جایی به جای دیگر منتقل کنند. وزارت نیرو با صرف ده‌ها میلیارد دلار در سال‌های گذشته و به منظور بهره‌وری، سدهای زیادی ساخته، اما بی‌فایده بوده و وضعیت آبی ما روز به روز بدتر می‌شود.»

این پژوهشگر درباره نقش مخرب سدسازی‌های پی در پی و صدمات ناشی از آن در نابودی منابع آبی گفته که «بدون تردید عامل اصلی خشک‌شدن دریاچه ارومیه نیز ساختن مداوم و پی‌درپی سدهاست. ده‌ها سد روی رودخانه‌هایی که به این دریاچه می‌ریزند، بسته شده و مسیر آبی که باید این دریاچه را تغذیه کند، مسدود کرده است. از طرفی خود فرآیند تبخیر و چاه‌های متعددی که در اطراف وجود دارند، کاری با زمین کرده‌اند که آب را می‌مکد و چیزی برای تقویت دریاچه باقی نمی‌ماند. مجموعه این عوامل منجر به خشکیدن دریاچه ارومیه شده‌اند.»



اصفهان گفته زمستان امسال پُربارش نخواهد بود و نمی‌تواند کم‌بارشی پاییز را جبران کند.

معاون اداره هواشناسی استان اصفهان با اشاره به اینکه میانگین بارشی استان اصفهان از ابتدای سال زراعی (یکم مهر ماه ۱۴۰۳) تا ۳۰ آذر به ۱۶ میلیمتر رسید، اظهار کرد: بارش‌های سه ماه پاییز امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۵ درصد و در مقایسه با دوره بلندمدت ۷۰ درصد کاهش یافته است.

او افزوده در برخی مناطق به ویژه نواحی مرکزی استان از جمله شهرهای اصفهان، زرین‌شهر و نجف آباد حدود ۱۰۰ درصد کاهش بارش را نسبت به بلندمدت داریم.

حسین اکبری معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی اداره کل محیط زیست استان اصفهان در خبری تک‌اندنده گفته «۹۹ درصد سطح تالاب بین‌المللی گاوخونی خشک بوده و تنها یک درصد در مصب تالاب به صورت لکه‌های کوچکی مرطوب است.»

وی گفته با اینکه در سند تعیین تکلیف حقایق‌های زاینده‌رود، برای تالاب گاوخونی ۱۵.۵ درصد لحاظ شده است اما این حقایق تحقق پیدا نکرد و «در برنامه‌ریزی رهاسازی اخیر آب برای کشاورزی، سهم تالاب گاوخونی در کاغذ مکتوب و مستند نشد که الزامی برای توزیع حقایق تالاب باشد.»

علت عدم تخصیص حقایق تالاب‌ها و دریاچه‌ها صرفاً کاهش بارندگی نیست و سدسازی‌های غیرکارشناسی و غیراصولی جمهوری اسلامی بر مسیر رودخانه‌ها طی سه دهه گذشته نیز از عوامل اصلی تشدید خشکسالی و عمیق کردن اثرات تغییرات اقلیمی در محیط زیست ایران است.

بر اساس گزارشی که شهریورماه امسال منتشر شد تالاب‌های انزلی، بامدژ، هامون، جازموریان، طشک، بختگان، گاوخونی، مهارلو، حوض سلطان، شیمبار خشک شدند. همچنین دریاچه ارومیه که از ابتدای تابستان روند خشک شدن آن شدت گرفته بود در شهریورماه بطور کامل خشک شد عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان محیط زیست خردامه امسال در گفتگو با خبرنگاری «رکنا» از خشکی

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی: بارندگی‌های سال آبی جاری به ۳۴ میلیمتر رسیده است، در حالی که تا پایان پاییز باید بطور میانگین ۶۰ میلیمتر بارش دریافت می‌کردیم، بنابراین بارش‌ها طی این مدت ۴۳ درصد کمتر از حد نرمال بوده است.

بیشترین کاهش بارش‌ها در این مدت با ۹۳/۵ درصد مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. استان‌های هرمزگان، اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد در رده‌های بعدی کم‌بارش‌ترین استان‌ها قرار دارند.

نوید حاجی بابایی معاون توسعه و پیش‌بینی اداره کل هواشناسی استان اصفهان گفته زمستان امسال پُربارش نخواهد بود و نمی‌تواند کم‌بارشی پاییز را جبران کند.

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی اعلام کرده بارندگی‌های سال جاری تا کنون ۴۳ درصد کمتر از حد عادی و معمول بوده است.

احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی اعلام کرده که بارندگی‌های سال آبی جاری به ۳۴ میلیمتر رسیده است، «در حالی که تا پایان پاییز باید بطور میانگین ۶۰ میلیمتر بارش دریافت می‌کردیم، بنابراین بارش‌ها طی این مدت ۴۳ درصد کمتر از حد نرمال بوده است.»

او همچنین به دمای هوای کشور اشاره کرد و گفت: «میانگین دما طی هفته گذشته کمتر از حد نرمال بوده، اما از اول پاییز تا کنون بطور متوسط بیش از یک درجه بالاتر از میانگین بلندمدت قرار داشته است.»

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی پیش‌بینی کرده: «در دو هفته آینده، امواجی از غرب کشور وارد می‌شوند که موجب بارش در دامنه‌های جنوبی البرز و سواحل شمالی و غرب کشور خواهد شد، اما متأسفانه جنوب و مرکز کشور بارش نخواهند داشت.»

بر اساس داده‌ها و جدول اطلاعات پهنه‌ای بارش سازمان هواشناسی، بیشترین کاهش بارش‌ها در این مدت با ۹۳/۵ درصد مربوط به استان سیستان و بلوچستان است. استان هرمزگان با کاهش ۸۴/۴ درصد در رتبه دوم کم‌بارش‌ترین استان کشور قرار دارد.

استان‌های اصفهان و کهگیلویه و بویراحمد نیز به ترتیب با کاهش ۷۲/۳ درصد و ۷۱ درصد در رده‌های بعدی کم‌بارش‌ترین استان‌ها قرار دارند.

در بین استان‌های کشور، تنها استان مازندران رشد مثبت بارش‌ها را در بازه زمانی مذکور داشته است. در این استان از ابتدای سال آبی جاری ۵ دی‌ماه، بارش‌ها ۱۳/۴ درصد نسبت به دوره بلندمدت افزایش یافته است.

در استان تهران نیز بارش‌ها ۳۷/۷ درصد کاهش یافته است. میزان بارش بلندمدت پایتخت ۷۶/۵ میلی‌متر بوده که این میزان به ۴۷/۷ میلی‌متر کاهش یافته است.

در مجموع، بارش‌ها در کشور از ابتدای سال آبی جاری تا ۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ نسبت به دوره بلندمدت ۴۵/۸ درصد کاهش پیدا کرده است. در دوره بلندمدت، ۶۳/۲ میلی‌متر بارش در کشور ثبت شده که در بازه زمانی اشاره‌شده به ۳۴/۳ میلی‌متر کاهش یافته است.

همانطور که احد وظیفه اشاره کرده وضعیت بارش‌ها زمستان هم چندان امیدبخش نخواهد بود. نوید حاجی بابایی معاون توسعه و پیش‌بینی اداره کل هواشناسی استان

دفاع آموزش و پرورش از معدل ۱۰ دانش‌آموزان: «بحرانی نیست»!



● معدل دانش‌آموزان دبیرستانی در خرداد ۱۴۰۳ برای مدارس دولتی عادی ۸/۹۶، مدارس غیردولتی ۱۰/۳۷، مدارس شاهد ۱۱/۰۹، مدارس نمونه دولتی ۱۴/۱۷، و مدارس سمپاد ۱۶/۱۴ است.

● محسن زارعی رئیس مرکز ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش گفته «دلیل معدل پایین مدارس غیردولتی این است که تمرکز آنها بر کنکور است نه امتحانات نهایی، همچنین میانگین معدل ۱۰ نشان‌دهنده وضعیت بحرانی نیست.»

● فروغ تیموریان کارشناس آموزش: «وقتی میانگین معدل یک درس یا رشته در سطح کشور پایین است و چیزی حدود ۱۰ الی ۱۱ اعلام می‌شود یعنی فاجعه، یعنی دانش‌آموزان سواد کافی ندارند.»

کیفیت آموزشی و محتوای غیرجذاب سبب کاهش میانگین معدل دانش‌آموزان در ایران شود بطوری که در برخی رشته‌های تحصیلی میانگین معدل به زیر ۱۰ سقوط کرده است. کارشناسان وضعیت معدل دانش‌آموزان را «فاجعه» می‌دانند اما رئیس مرکز ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش معتقد است که معدل ۱۰ وضعیت بحرانی نیست گزارش‌ها از وضعیت معدل دانش‌آموزان محصل در مدارس مختلف ایران بیانگر پایین آمدن میانگین معدل دانش‌آموزان است بطوری که میانگین معدل دانش‌آموزان دبیرستانی در خرداد ۱۴۰۳ برای مدارس دولتی عادی ۸/۹۶، مدارس غیردولتی ۱۰/۳۷، مدارس شاهد ۱۱/۰۹، مدارس نمونه دولتی ۱۴/۱۷، و مدارس سمپاد ۱۶/۱۴ است.

از سوی دیگر بر اساس گزارش مرکز ارزشیابی و تضمین نظام آموزش و پرورش، در خرداد ۱۴۰۳ میانگین معدل دانش‌آموزان در رشته تجربی پایه دهم، ۱۲/۶۴، یازدهم ۱۱/۵۲ و دوازدهم ۱۲ شد.

میانگین معدل دانش‌آموزان در رشته ریاضی و فیزیک پایه دهم ۱۲/۶۹، یازدهم ۱۱/۲۶ و دوازدهم ۱۱/۸۲ است و میانگین نمرات دانش‌آموزان در رشته علوم انسانی در پایه دهم ۹/۴۴، در پایه یازدهم ۹/۰۷ و در پایه دوازدهم ۹/۱۳ است.

محسن زارعی رئیس مرکز ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش گفته که «دلیل معدل پایین مدارس غیردولتی این است که تمرکز آنها بر کنکور است نه امتحانات نهایی، همچنین میانگین معدل ۱۰ نشان‌دهنده وضعیت بحرانی نیست.»

محسن زارعی گفته که «میانگین نمرات دانش‌آموزان به فرض مثال ۱۰ است، به معنای آن است که ۵۰ درصد اهداف کتاب‌های درسی محقق شده است. این میانگین نشان‌دهنده وضعیت بحرانی نیست؛ چون سقف انتظار ما نمره ۲۰ است، می‌توان گفت اهداف به طور کامل محقق نشده است.»

فروغ تیموریان کارشناس آموزش برخلاف رئیس مرکز ارزشیابی وزارت آموزش و پرورش معدل دبیرستانی‌ها را «فاجعه» می‌داند: «وقتی میانگین معدل یک درس یا رشته در سطح کشور پایین است و چیزی حدود ۱۰ الی ۱۱ اعلام می‌شود یعنی فاجعه، یعنی دانش‌آموزان سواد کافی ندارند.» این کارشناس آموزش گفته «دانش‌آموزانی که ده هفتاد سرکلاس درس بودند پدرها و مادرهایشان با بی‌سواد بودند یا تحصیل ششم ابتدایی داشتند، اما همان دانش‌آموزان رتبه‌های بالای کنکور آوردند و در دانشگاه‌های مطرح

آموزشی و وضعیت علمی مدارس، جزو ضعیف‌ترین کشورها در سطح منطقه است. آزمون پرلز هر ۵ سال یکبار انجام می‌شود تا روند تغییرات آموزشی و میزان کاهش و افزایش عملکرد دانش‌آموزان کشورهای شرکت‌کننده مشخص شود.

ایران در آزمون پرلز ۲۰۲۱ در انتهای جدول قرار داشت و فقط کشورهای اردن، مصر، مراکش و آفریقای جنوبی بعد از ایران قرار داشتند. در سطح منطقه، کشورهای ترکیه، قطر، امارات، بحرین، عربستان، جمهوری آذربایجان، ازبکستان و عمان، وضعیت بهتری در مقایسه با ایران داشتند.

بر اساس نتایج منتشر شده آزمون «تیمز ۲۰۱۹» در ریاضیات پایه چهارم ایران با نمره ۴۴۳ بین ۵۸ کشور در جایگاه ۵۰ قرار دارد؛ در علوم پایه چهارم نیز ایران با نمره ۴۴۱ در جایگاه ۴۸ قرار دارد. در آزمون ریاضی حدود ۳۲ درصد دانش‌آموزان پایه چهارم نمره کمتر از ۴۰۰ گرفته‌اند یعنی در وضعیت بسیار ضعیفی قرار دارند.

در علوم پایه هشتم نیز بین ۳۹ کشور، ایران جایگاه ۳۲ را دارد! در این آزمون ۲۸ درصد دانش‌آموزان ایرانی موفق به کسب نمره حداقلی (۴۰۰) نشده‌اند که این میانگین در سطح بین‌المللی ۱۵ درصد بوده است.

وبسایت «الف» خردادماه سال گذشته در گذشته عوامل کیفیت آموزشی پایین در ایران را مورد بررسی قرار داد. در این مطلب «ضعف‌های زیرساختی نظام آموزشی»، «تاخر تاریخی در نظام آموزشی»، «نبود چشم‌انداز روشن برای آینده» و «نابرابری‌های آموزشی» به عنوان مشکلاتی عنوان می‌شوند که سبب کاهش کیفیت آموزشی در ایران شده‌اند برای نمونه اشاره شده بود که در ایران هیچ سامانه‌ای برای سنجش ملی در بحث آموزش در کشور وجود ندارد و کشور در حوزه سخت‌افزاری و چه نرم‌افزاری حوزه آموزشی، با چالش‌های زیادی روبروست.

این مطلب افزوده بود که نظام آموزشی ایران از روند پیشرفت‌های بین‌المللی در این حوزه عقب می‌ماند و این نوعی عدم توازن را در رقابت ایران با دیگر کشورها به ویژه در سطح منطقه در باب ارتقای کیفیت نظام آموزشی‌اش ایجاد می‌کند.

تحصیل کردند. والدین دانش‌آموزان امروز هرکدام تحصیل کرده هستند، درجات بالای تحصیل را سپری کرده‌اند اما معدل فرزندشان پایین است، چنین وضعیتی به سیستم غلط آموزش و مدیریت اشتباه برمی‌گردد.»

فروغ تیموریان درباره علت پایین آمدن میانگین معدل دانش‌آموزان طی سالهای گذشته گفته «اول این‌که دانش‌آموزان امروز برای درس خواندن بی‌انگیزه هستند چراکه آینده تحصیل‌کرده‌ها در کشور را خوب آینده خوبی ندیدند. دوم این‌که این میانگین پایین معدل عوامل زیادی از درون نظام آموزش و پرورش دارد، مانند کیفیت تدریس در کلاس، سخت بودن مطالب کتاب، طرح سوالات نامناسب در امتحانات، عدم استفاده از دبیر مرتبط با همان رشته برای تدریس، عواملی هستند که سبب کاهش این معدل شده است.»

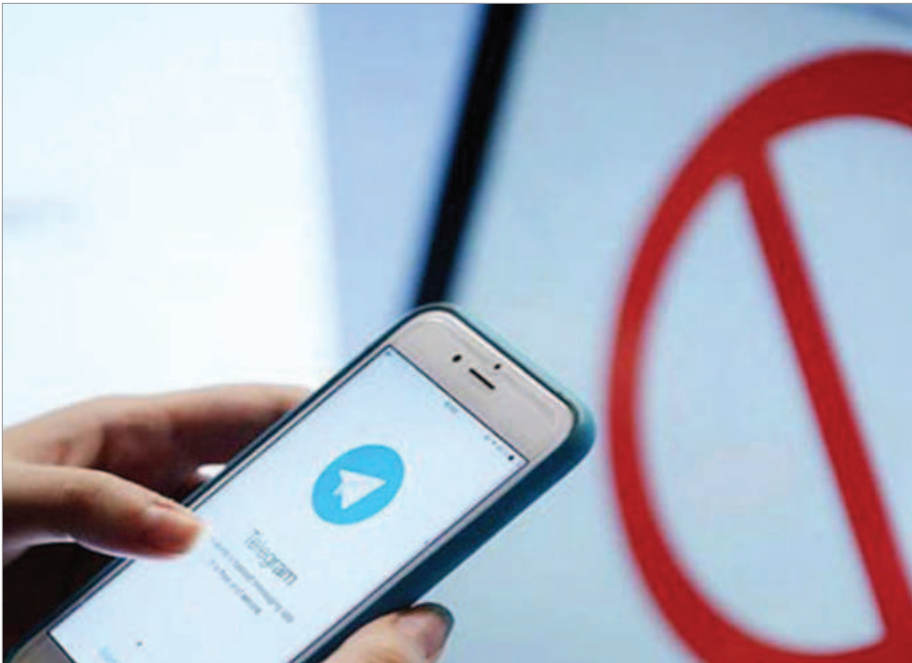
او افزوده که «معلم‌های قدیمی برای تدریس کلی دوره آموزشی را سپری می‌کردند بعد سر کلاس می‌رفتند به دانش‌آموزان درس می‌دادند، امروز آن دوره‌ها وجود ندارد و سبب می‌شود معلم‌ها آمادگی لازم را نداشته باشند، امروز بسیاری از مدارس برای اینکه بودجه ندارند از معلم‌های باسابقه به عنوان حق التدریس استفاده نمی‌کنند تا پول بیشتر هزینه یادگیری دانش‌آموز نکنند، در نتیجه از معلم موظفی یا دو سال سابقه خودشان استفاده می‌کنند، مشخص است در این وضعیت دانش‌آموز یاد نمی‌گیرد.»

احمد بیگدلی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز هفته گذشته از مهاجرت سالانه ۵۰ هزار دانش‌آموزی که در کنکور موفق نشده‌اند از کشور خبر داده است.

او گفته ۲۵ هزار دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی فقط در شهر استانبول ترکیه ساکن هستند و گفته هر کدام هزینه‌های تحصیلی و رفت و آمدشان حدود ۲ میلیارد تومان می‌شود حال این ۲۵ هزار را در ۲ میلیارد ضرب کنید ببینید چه عدد ارز از کشور خارج می‌شود و جالب این است که این همه ارز غیررسمی خارج می‌شوند.

نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ نشان می‌داد که ایران در کیفیت

تصمیم جمهوری اسلامی رفع فیلتر «قطره چکانی» اینترنت است



● اعضای شورای عالی فضای مجازی به رفع فیلتر تلگرام و گوگل پلی رأی مثبت دادند. این موافقت در ازای تخصیص بودجه ۵۰ میلیارد تومانی به پیام‌رسان‌های داخلی صورت گرفته است.

● «تجارت نیوز» تأکید کرده که در زمان وزارت عیسی زارع‌پور در دولت سیزدهم تلاش‌هایی برای رفع فیلتر گوگل پلی صورت گرفت که البته با تغییر دولت‌ها این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند.

● از ماه‌ها پیش موضوع رفع فیلتر اینترنت مطرح بود و در حالی که این موضوع باید در سطح بالای مقامات جمهوری اسلامی پیش می‌رفت، اما رفع فیلترینگ به عنوان یکی از وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان مطرح و تبلیغ شد.

اعضای شورای عالی فضای مجازی به رفع فیلتر تلگرام و گوگل پلی رأی مثبت دادند. این موافقت در ازای تخصیص بودجه ۵۰ میلیارد تومانی به پیام‌رسان‌های داخلی صورت گرفته و سانسور و فیلترینگ گسترده اینترنت همچنان به عنوان یکی از نمادهای سرکوب در جمهوری اسلامی پابرجا خواهد ماند.

جلسه شورای عالی فضای مجازی عصر روز سه‌شنبه چهارم دی‌ماه با حضور رؤسای سه قوه و دیگر اعضای حقوقی و حقیقی شورای عالی فضای مجازی برگزار شد.

در این جلسه، موضوع بازنگری در سیاست‌های مسدودسازی [فیلترینگ] مورد بررسی قرار گرفت. اعضای این شورا با تأکید بر «اهمیت حکمرانی قانونمند در فضای مجازی» به رفع محدودیت‌های دسترسی به برخی سکوها پرکاربرد خارجی شامل واتساپ و گوگل پلی، با اجماع رأی مثبت دادند.

خبرگزاری «ایسنا» نوشته این اقدام، گام اول طرح رفع محدودیت و فیلترینگ در دولت چهاردهم است که بر اساس وعده مسئولان دولت پزشکیان، به صورت مرحله به مرحله اجرایی خواهد شد.

وبسایت «تجارت نیوز» نوشته محدودیت برخی از پلتفرم‌ها مثل گوگل پلی آسیب جدی به اکوسیستم برنامه‌سازان و بازی‌سازان وارد کرده است. از سمت دیگر دسترسی نداشتن به گوگل پلی، سطح امنیت عموم کاربران را به‌خاطر ناتوانی در به‌روزرسانی برنامه‌ها یا اپلیکیشن‌ها کاهش داده است.

«تجارت نیوز» تأکید کرده که در زمان وزارت عیسی زارع‌پور در دولت سیزدهم تلاش‌هایی برای رفع فیلتر گوگل پلی صورت گرفت که البته با تغییر دولت‌ها این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند.

خبرگزاری «مهر» نیز سندی را منتشر کرده که نشان می‌دهد بر اساس طرح شورای عالی فضای مجازی قرار است یک «بسته حمایتی تبلیغات» به ارزش ۵۰ میلیارد تومان به پیام‌رسان‌های داخلی اختصاص یابد.

خبرگزاری «مهر» نوشته مرحله اول طرح شورای عالی فضای مجازی شامل ۵ اقدام است که اقدام نخست اختصاص زیرساخت به سکوها محتوایی منتخب داخلی برای مدت ۳ ماه، دوم تصویب بسته حمایتی تبلیغات رسانه‌ای برای پیام‌رسان‌های داخلی منتخب (به میزان ۵۰۰ میلیارد ریال)، سوم ابلاغ سند سیاست‌ها و الزامات تعرفه‌گذاری ترافیک شبکه و تسهیم درآمد محتوا و مقدمات اجرایی سازی آن را شامل می‌شود. در چهارمین و پنجمین اقدام، به موضوع

و ارائه پالایش شکن قانونی، شدت عمل قضایی در برخورد با تخلفات کاربران در سکوها خارجی غیرمجاز برنامه‌هایی است که در مرحله چهارم در نظر گرفته شده است.

همزمان با برگزاری نشست شورای عالی فضای مجازی، ۱۳۶ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه چهارم دی‌ماه در نامه‌ای خطاب به شورای عالی فضای مجازی، از این شورا درخواست کردند که نسبت به افشای پشت پرده فیلتر شکن فروش‌ها و حکمرانی قانونمند در فضای مجازی اقدام کند.

با فیلتر اینترنت بخشی از مافیاهای حکومتی بازار فروش و عرضه فیلتر شکن‌ها در ایران را به صورت انحصاری در دست گرفتند و سود کلانی به جیب زدند. این گروه که به «کاسبان فیلترینگ» معروف بودند گردش مالی

از ماه‌ها پیش موضوع رفع فیلتر اینترنت مطرح بود و در حالی که این موضوع باید در سطح بالای مقامات جمهوری اسلامی پیش می‌رفت، اما رفع فیلترینگ به عنوان یکی از وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان مطرح و تبلیغ شد. در ماه‌های گذشته شماری از حامیان پزشکیان منتظر بودند او به سرعت این وعده را عملی کند اما با مقاومت شماری از اعضای شورای عالی فضای مجازی او نتوانست وعده‌ای که داده بود را عملی کند.

اصلاح‌طلبان طی روزهای گذشته به دنبال نشان دادن «آدرس غلط» برای عملی نشدن وعده رفع فیلترینگ از سوی پزشکیان بودند و ستار هاشمی وزیر ارتباطات را هدف حملات خود قرار دادند.

ستار هاشمی در آخرین اظهارات درباره رفع فیلترینگ ادعا کرده بود «پیگیری‌های جدی» در اینباره ادامه دارد و پیشنهاد رفع فیلترینگ به صورت گام به گام یا پلکانی مطرح شده است.

غلامحسین کرباسچی از دیگر فعالان اصلاح‌طلب نیز پس از این سخنان ستار هاشمی در شبکه‌های نوشت: «وزیر ارتباطات شاید فیلترینگ به صورت گام به گام برداشته شود» شاید هم نشود؟ ممنون از اطلاع‌رسانی و این همه ←

بازگشایی گوگل پلی و واتساپ اشاره شده است.

همچنین مرحله دوم از این برنامه، ۱۱ اقدام را شامل می‌شود که موضوعاتی چون ارائه یوتیوب از طریق درگاه‌های حکمرانی‌پذیر، تصویب لایحه مقابله با اخبار جعلی در هیئت دولت و اقدام به بررسی دو فوریت آن در مجلس، اجرایی سازی سند سیاست‌ها و الزامات تعرفه گذاری ترافیک شبکه و تسهیم درآمد و محتوا، ایجاد زیست بوم پایدار تولید محتوای مردمی در سکوها داخلی، تسهیل و ترغیب سرمایه گذاری برای ایجاد و تقویت سکوها متنوع محتوایی و خدماتی توسط نهادهای حاکمیتی، بخش خصوصی را در برمی‌گیرد.

در مرحله سوم نیز ۹ برنامه اقدام پیش‌بینی شده است که موضوعاتی چون افزایش کیفیت دسترسی با مزیت بخشی فنی به سکوها محتوایی داخلی، ارائه خدمات الکترونیکی مرتبط با یارانه، کارت سوخت، پلیس و قوه قضاییه به صورت انحصاری در سکوها داخلی منتخب، اعمال بخش دوم از سیاست‌های تعرفه‌ای با هدف گذاری مشترکان پرمصرف، ارائه سرویس‌های جدید تحریم شکن و تدوین و پیاده‌سازی طرح امنیت خانواده در فضای مجازی را شامل می‌شود.

برنامه‌های دیگر در مرحله سوم عبارت است از تدوین و پیگیری تصویب قانون مسئولیت سکوها، افزایش کیفیت شبکه (شناسا نمودن ترافیک و IP، توسعه ظرفیتی و عملکردی سامانه‌های پالایش)، بازگشایی تلگرام بعد از مذاکره مشروط به پذیرش شرایط مصوب کارگروه ماده ۴ و ارائه تلگرام از طریق سکوها داخلی در صورت عدم توافق (مطابق مصوبه جلسه در شورای عالی فضای مجازی).

خبرگزاری «مهر» افزوده تقویت دانش فنی و مقابله موثر با ابزارهای پالایش شکن و تشدید برخورد با پالایش شکن‌های غیرمجاز، تدوین و پیگیری تصویب قانون مالکیت فکری، تدوین لایحه جرم انگاری عرضه و فروش ابزارهای حاکمیت گریز و اقدام به بررسی دو فوریت آن در مجلس، جلوگیری از فرار مالیات بر درآمد حاصل از فعالیت اقتصادی و محتوایی در سکوها خارجی، ساماندهی اینترنت اقصا

خسرو علی‌گردی وکیل خانواده‌های دادخواه و فاطمه سپهری بازداشت شد



این وکیل دادگستری دی‌ماه سال گذشته خبر محکومیت خود را در شبکه «ایکس» اعلام کرد و همراه با بیتی از حافظ نوشت: «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم، با پادشه بگوی که روزی مقدر است.»

این وکیل دادگستری در ادامه نوشته بود: «طبق رأی شعبه ۴ دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری خراسان، به جرم! انتشار اخبار دادرسی موکلینم؛ فاطمه سپهری و خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و دیگر زندانیان سیاسی، به دو سال ممنوعیت از شغل وکالت محکوم شدم.»

او همچنین با انتشار تصویر حکم صادر شده نوشته بود که حکم دو فقره مجازات نقدی «نشر اکاذیب» و «افشای اسرار» در شعبه ۱۳۱ دادگاه کیفری دو علیه او در دادگاه تجدید نظر قطعی شده است.

او افزوده بود که در خصوص مجازات‌های یک سال زندان، دو سال تبعید به نهبندان، و دو سال منع اشتغال به وکالت و... حکم صادره توسط قاضی هادی منصور، پرونده در مرحله تجدید نظر است و قطعی نشده است.

این وکیل دادگستری اواسط بهمن‌ماه سال گذشته برای پرونده دیگری به دادرسی عمومی و انقلاب مشهد احضار و سپس بازداشت شد. او برای گذراندن دوران محکومیت به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد و بعد از مدتی با رأی باز از زندان آزاد شد.

او همزمان در بهمن‌ماه گذشته خبر داده بود که از سه مقام قوه قضاییه به دلیل «تخلفات انتظامی قضات» شکایت کرده است.

این وکیل دادگستری خطاب به رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نوشته بود «آقای محسنی اژه‌ای، سه شکایت خسرو علی‌گردی در خصوص تخلفات انتظامی قضات؛ هادی منصور، حسین ایزدخواه، رؤسای شعب اول و پنجم دادگاه انقلاب مشهد به دلیل «ممانعت از دفاع وکیل انتخابی متهم سیاسی در جلسات دادگاه» و بازپرس محسن گلمهدی تولایی به دلیل «غرض‌ورزی نسبت به وکیل» در دادرسی انتظامی قضات ثبت شد.»

● بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا»، این وکیل دادگستری با رأی باز در حال سپری کردن دوران محکومیت خود بوده است.

● او وکالت خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱، و فاطمه سپهری فعال مشروطه‌خواه و برادرانش محمدحسین و حسین سپهری را بر عهده داشته است.

● خسرو علی‌گردی بهمن‌ماه گذشته خبر داده بود که از سه مقام قوه قضاییه به دلیل «تخلفات انتظامی قضات» شکایت کرده است.

خسرو علی‌گردی وکیل پایه یک دادگستری که به دلیل پذیرش وکالت خانواده‌های دادخواه محاکمه و محکوم شده بود، پس از احضار توسط قاضی ناظر زندان وکیل آباد مشهد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

خبرگزاری هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده که خسرو علی‌گردی روز سه‌شنبه ۴ دی‌ماه ۱۴۰۳، توسط قاضی ناظر زندان وکیل آباد مشهد احضار و بازداشت شده است. تا کنون از محل نگهداری او اطلاعی در دست نیست.

بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا»، این وکیل دادگستری با رأی باز در حال سپری کردن دوران محکومیت خود بوده است. رأی باز به معنای اجازه خروج زندانی متهم از زندان است در حالی که روزهایی که او در زندان نیست به عنوان روزهای تحمل کیفر محاسبه می‌شوند. با احضار دوباره زندانی، وی برای تحمل ادامه حبس به زندان منتقل می‌شود. محکومان مشمول رأی باز می‌توانند، با سپردن تأمین مناسب، محکومیت خود را با حرفه‌آموزی یا اشتغال به کار در حوزه‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی بگذرانند. خسرو علی‌گردی وکیل دادگستری ساکن مشهد، وکالت خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جانب‌اختگان اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ را بر عهده داشته است. او همچنین وکالت فاطمه سپهری فعال مشروطه‌خواه و برادرانش محمدحسین و حسین سپهری را نیز پذیرفته است.

همچنین کارزاری با ۲۰ هزار امضا برای برکناری ستار هاشمی وزیر ارتباطات دولت پزشکیان به دلیل ناتوانی در رفع فیلترینگ از هفته گذشته آغاز شد. این کارزار از سوی حسن آقامیری آخوند خلع لباس شده‌ی نزدیک به اصلاح‌طلبان به راه افتاده است.

از سوی دیگر سه وکیل دادگستری ساکن استان فارس علیه اعضای مخالف با رفع فیلتر اینترنت در شورای عالی فضای مجازی شکایت کردند. هادی شریف‌زاده، یاسر اینالو و محمد هادی جعفرپور سه وکیل دادگستری در استان فارس، شکایت خود از اعضای حقیقی و حقوقی شورای عالی فضای مجازی را با موضوع «ممانعت از حق» و به دلیل مخالفت این اعضا با رفع فیلتر اینترنت به ثبت رساندند.

در بخشی از شکوائیه خطاب به دادستان تهران آمده است: «بنا بر ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد و اهمیت اجابت چنین تکالیفی برای دولت و مأمورین دولتی در تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع مردمی تا به آنجاست که اصل نهم قانون اساسی، مقرر می‌کند حتی مسئله‌ی مهمی مانند استقلال یا تمامیت ارضی کشور هم نمی‌تواند بهانه‌ای برای وضع قانون بر خلاف حقوق ملت تلقی شود. قانون مورد اشاره مقرر می‌کند: هر رفتاری که مانع حق دسترسی به اطلاعات شود و یا اعمال هرگونه سیاست‌گذاری که معیشت و حقوق اجتماعی و فرهنگی و سلامت جسمی - روانی مردم را با آسیب مواجه کند ممنوع است.»

هرچند اصلاح‌طلبان نوک پیکان حملات خود را به سوی وزیر ارتباطات گرفته‌اند تا مبادا مسعود پزشکیان و مشاوران انتخاباتی او از سوی افکار عمومی درباره وعده‌ی بی‌مورد و روی هوای «رفع فیلترینگ» مورد پرسش قرار بگیرند اما خودشان هم می‌دانند که نه شخص وزیر ارتباطات و نه حتی رئیس دولت درباره موضوع فیلترینگ تصمیم‌گیرنده نیستند. درواقع مشکل در «وعده‌سازی» از رفع فیلترینگ در جریان انتخابات ریاست جمهوری برای بالا بردن آرای مسعود پزشکیان بوده است!

روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره روز دوشنبه سوم دی‌ماه در مطلبی با عنوان «پرونده رفع فیلترینگ مختومه می‌شود؟» تأکید کرده بود که رفع فیلترینگ در محدوده‌ی اختیارات وزیر ارتباطات نیست.

در این مطلب با اشاره به کارزار برکناری ستار هاشمی آمده بود که «در حالی نویسنده این کارزار نقش وزیر ارتباطات را در رفع محدودیت‌های اینترنت پررنگ دانسته که فعالان و کنشگران اینترنت معتقدند که این موضوع به اختیارات ستار هاشمی مرتبط نیست و رفع فیلترینگ یک مسأله حاکمیتی است و کل حاکمیت باید در این خصوص تصمیم بگیرد.»

«کیهان لندن» نیز پیشتر تأکید کرده بود که مخالفت‌های پراکنده درباره رفع فیلترینگ دعوی زرگری جناحین حکومت است و کلیت حکومت اگرچه درباره بی‌اثر بودن سانسور و فیلترینگ به جمع‌بندی رسیده اما رفع آن به سود نظام نیست و اساساً در سیاست‌های سرکوبگرانه آن و محدودیت آزادی بیان نمی‌گنجد.

در این مطلب آمده بود که به نظر می‌رسد «اختلاف نظرهای سیاسی» در رابطه با رفع فیلتر اینترنت بیشتر دعوی زرگری مقاماتی در رده‌ها متوسط حکومت باشد چرا که فیلترینگ و رفع فیلتر آن اساساً در دست دولت یا مجلس شورای اسلامی یا دیگر نهادها نیست و شورایی متشکل از مقامات ارشد حکومت و البته با نظارت و اجازه‌ی علی‌خامنه‌ای در این رابطه تصمیم‌گیری می‌کند.

صدای منوچهر بختیاری باشید!

روز چهارشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۳ سارا عباسی همسر منوچهر بختیاری پدر پویا بختیاری که به «جرم» دادخواهی قتل پدرش توسط مأموران جمهوری اسلامی در زندان بسر می‌برد با انتشار این ویدئو بار دیگر از مردم خواست که صدای وی باشند. او با شرح وضعیت منوچهر بختیاری از جمله می‌گوید که باز ۶ روز است که همسرش حق تماس با خانواده ندارد و «با وجود نامه کمیسیون پزشکی بیمارستان و پزشکی قانونی و شرایط روحی و جسمی همسرم ایشان از مرخصی محروم و در سلول روزگار سپری می‌کند».

وی ادامه می‌دهد: «ظلمی که در این سال‌ها بعد از به قتل رساندن پویا بر همسر، من و فرزندم روا داشتند، آنقدر زیاد است که تاریخ فراموش نخواهد کرد. او دادخواه فرزند و سرزمینش است، کجای دنیا وطن‌پرستی جرم تلقی می‌شود و حبس دارد؟! کجای دنیا فرزندت را بکشند و تو حق نداری بگویی دادخواه فرزندم هستم؟!»

سارا عباسی بار دیگر از مردم کمک می‌خواهد و می‌گوید: دادخواهی جرم نیست. جان منوچهر بختیاری در خطر است. صدای او باشید که صدای ملت مظلوم ایران بوده و هست.»

دادگاه انقلاب اسلامی برای دومین بار مجاهد کورکور را به اعدام محکوم کرد

مجاهد کورکور زندانی سیاسی اهل ایذه در ۲۹ آذر سال ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات ۲۵ آبان در این شهر به اتهام تیراندازی و قتل کیان پیرفلک کودک ۹ ساله دستگیر شد.

پدر و مادر کیان پیرفلک همان زمان به اشکال مختلف این اتهام را رد کردند و گفتند خودشان دیده‌اند که مأموران امنیتی و انتظامی به پسرشان شلیک کرده‌اند و آنها هیچ شکایتی از مجاهد کورکور ندارند.

با اینهمه دادگاه که اتهام «قتل عمد» را به «محاربه و افساد فی الارض» تغییر داده بود، وی را به اعدام محکوم کرد. این حکم اما در دیوان عالی کشور لغو و پرونده برای بررسی مجدد



به شعبه هم‌عرض ارسال شد. روز شنبه ۸ دی ۱۴۰۳ از استوری اینستاگرام نگار کورکور خواهر مجاهد کورکور اعلام شد که دادگاه انقلاب این شهر باز هم حکم اعدام علیه برادرش صادر کرده است. خواهر وی که گویا در بیمارستان بستری است از مردم خواسته است تا صدای مجاهد کورکور باشند و نگذارند اتفاقی برای او بیفتد.

تخریب مزار «پسر بارون»

پوریا روحی برادر حمیدرضا روحی از جانباختگان خیزش ملی ۴۰۱ عکسی را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کرده که نشان می‌دهد، کتیبه‌ی مزار وی تخریب شده است. او خطاب به تخریب‌کنندگان نوشته: «از چی می‌ترسید؟ چطور می‌تونید آنقدر بی‌ذات باشید. آخه مکه شما از کجا اومدید. خانواده ندارید. چه دینی دارید!!!»

حمیدرضا روحی که با ویدئوی مشهور آواز خواندنش سوار بر موتورسیکلت به «پسر بارون» معروف شده، تنها ۱۹ سال داشت که در جریان اعتراضات سراسری، شامگاه جمعه ۲۷ آبان ۱۴۰۱ در شهرداری تهران با اصابت گلوله نیروهای سرکوبگر به سینه‌اش کشته شد.

جیمی کارتر در ۱۰۰ سالگی درگذشت

کارتز پیش از مرگ به علت بیماری و کهولت بیش از ۲۲ ماه تحت مراقبت‌های پزشکی در خانه‌اش در شهر کوچک پلینز (ایالت جورجیا) قرار داشت. جیمز اِرل کارتز که عضو حزب دموکرات بود در سال ۱۹۷۷ به قدرت رسید و در فهرست رؤسای جمهوری قرار دارد که تنها یک دوره در کاخ سفید حضور داشت. کارتز نقش زیادی در توافق تاریخی صلح خاورمیانه میان انور سادات رئیس جمهوری مصر و مناحم بگین نخست وزیر اسرائیل در سال ۱۹۷۸ داشت. این توافق پس از ۱۳ روز مذاکره سخت در کمپ دیوید به دست آمد که البته یک سال بعد با روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، به جایی نرسید!

البته سیاستی که دولت کارتز همزمان با بهانه قرار دادن موضوع «حقوق بشر» در ایران پیش از ۵۷ و همچنین «کمر بند سبز» با تقویت اسلامگرایان به دور «خطر سرخ» اتحاد شوروی در پیش گرفت، به قیمت شکست‌های سیاسی خودش نیز تمام شد. یکی از نخستین پیامدهای انقلاب ۵۷ در ایران برای دولت کارتز، اشغال سفارت آمریکا در تهران و بحران ۴۴۴ روزه گروگانگیری بود.



قدردانی محمد خاکپور از محمدرضا شاه

پهلوی به دلیل ساخت استادیوم

محمد خاکپور کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال ایران در یک مصاحبه زنده تلویزیونی از محمدرضا شاه پهلوی بابت ساخت ورزشگاه آریامهر (آزادی) قدردانی کرد.

این مصاحبه روز دوشنبه دهم‌دی‌ماه ۱۴۰۳ قبل از مسابقه دو تیم پیشکسوتان فوتبال انجام شد.

خاکپور با «میهن‌پرست» خطاب کردن سازنده استادیوم گفت: «باید قدردانی کنم از شخصی که ۵۰ سال قبل این استادیوم را ساخت و باعث آبروی ملت ما شد... واقعاً میهنش را دوست داشت.»

شاهزاده رضا پهلوی:

اعتصابات و نافرمانی‌های مدنی، در کنار اعتراضات خیابانی راهی مؤثر برای به زانو در آوردن این رژیم است

دلا ۸۲ هزار تومانی تازه‌ترین دستاورد رژیم بی‌کفایت جمهوری اسلامی و دولت دست‌نشانده علی خامنه‌ای است.

در حالی که تاثیرات افزایش قیمت ارز همین امروز نیز در زندگی مردم ایران به وضوح احساس می‌شود، کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که با افزایش قیمت بنزین و انرژی در هفته‌ها و ماه‌های پیش رو، شرایط معیشتی مردم به مراتب بحرانی‌تر خواهد شد.

در این اوضاع، بازاریان شریف که حاضر نیستند بار گرانی بیشتر را بر دوش مردم بگذارند، با اعتصاب و تعطیلی کسب و کار، صدای اعتراض خود را به گوش همگان رسانده‌اند. همزمان، بازنشستگان فولاد، معدن، مخابرات، آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی، پرستاران و کارکنان بخش درمان، و کارگران بخش‌های انرژی و پتروشیمی نیز برای احقاق حقوق پایمال شده خود به اعتراض برخاسته‌اند.



همانگونه که همیشه توصیه کرده‌ام، اعتصابات و نافرمانی‌های مدنی، در کنار اعتراضات خیابانی راهی مؤثر برای به زانو در آوردن این رژیم است. در همین راستا، از همه هم‌میهنان می‌خواهم که فراتر از خواسته‌های صنفی، پشتیبان و حامی اعتراضات یکدیگر باشند. با همبستگی و اتحاد همه اقشار ملت ایران است که می‌توان به هدف بزرگتر که آزادی و نجات ایران است، دست یافت.

سرنگونی هواپیمای مسافربری

«آذربایجان ایرلاینز» توسط پدافند روسیه

ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه به دلیل سرنگونی هواپیمای مسافربری جمهوری آذربایجان در حریم هوایی چین، از الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان عذرخواهی کرد. منابع روسی شنبه ۲۸ دسامبر (هشتم دی‌ماه) گزارش دادند، پوتین در یک گفتگوی تلفنی سقوط هواپیما را «تأسف‌بار» خواند و به علی‌اف گفت که فعالیت پدافند به دلیل حملات پهبادی اوکراین بوده است. رئیس سازمان هوانوردی روسیه پیشتر ادعا کرده بود: «در روز سقوط هواپیمای آذربایجان، هدف حمله پهبادی اوکراین بودیم». بعد از سرنگونی هواپیمای جمهوری آذربایجان در آسمان روسیه، علاوه بر دولت باکو، ترکمنستان، قزاقستان و اسرائیل نیز پروازهای خود را بر فراز روسیه موقتاً متوقف کردند.

موج گرانی اتومبیل به علت افزایش

قیمت ارز در راه است

محمدرضا نجفی‌منش عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی از افزایش ۲۵ درصدی قیمت اتومبیل در پی افزایش نرخ ارز خبر داد. عضو اتاق بازرگانی گفته «تغییر ارز تخصیصی به واردات مواد اولیه تولید خودرو از ارز نیمایی به ارز بازار توافقی می‌تواند قیمت تولید خودرو و محصول نهایی را ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش دهد.» محمدرضا نجفی‌منش گفته «ما از این افزایش به عنوان اصلاح قیمت خودرو یاد می‌کنیم!»

سقوط ارزش پول ملی ایران؛

ممکن است ارزش اسکناس از هزینه چاپ آن هم کمتر شود! طهماسب مظاهری خورزنی که یک سال، از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۷، ریاست بانک مرکزی جمهوری اسلامی را به عهده داشته، هشدار می‌دهد: «با تورم‌های بالایی که وجود دارد، حذف چهار صفر از پول ملی کارساز نیست و حداقل باید شش صفر را حذف کرد.» او افزوده: «اگر دولت تصمیم بگیرد



ممکن است ارزش اسکناس از هزینه چاپ آن هم کمتر شود!

یک ناکارآمدی دیگر از جمهوری اسلامی؛

حذف ایران از اکسپوی ۲۰۲۵ ژاپن

حسین سلاح‌ورزی رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ژاپن گفته: «آنچه سبب حذف ایران از اکسپوی ۲۰۲۵ ژاپن شد ناکارآمدی دولت سیزدهم در مدیریت درست این رویداد بود. طراحی پلویون در موعد مقرر انجام نشد، ضمن اینکه مدل پلویون آن را گران و هزینه‌بر کرده و مبلغی بین ۲۰ میلیون تا ۳۰ میلیون دلار برای اجرای آن نیاز بود.» به گفته رئیس اتاق مشترک بازرگانی ایران و ژاپن «طراحی دیر هنگام و پرهزینه پلویون ایران، همراه با تغییر دولت و تحریم‌ها، باعث شد تا ایران نتواند در این رویداد مهم حضور یابد.»

فاطمه سپهری و محمدحسین سپهری به خامنه‌ای:

تو که از مقاومت جوانان سوری می‌گویی، چرا از مقاومت جوانان ایرانی وحشت داری؟!

فاطمه سپهری و محمدحسین سپهری زندانیان سیاسی در زندان وکیل آباد مشهد به ادعاهای رهبر جمهوری اسلامی در ارتباط با رویدادهای سوریه واکنش نشان داده‌اند. پیام آنها که روز پنجشنبه ۶ دی ۱۴۰۳ توسط اصغر سپهری در رسانه‌های اجتماعی منتشر شده به شرح زیر است: «علی خامنه‌ای، مزدور واقعی تو هستی و دار و دست‌ها که سال‌ها منابع این کشور را غارت کرده‌اید و زندگی مردم را به تباهی کشانده‌اید. تو که شعار میدی مردم ایران مزدوران را لگدمال خواهند کرد، بدان که به زودی خودت و نظام پوسیده‌ات زیر پای همین مردم لگدمال خواهید شد. از نیروی نیابتی و سیاست‌های منطقه‌ای حرف می‌زنی؟ اینها چیزی جز بهانه‌هایی برای نابودی ثروت و فرصت‌های این کشور نیستند. مردم ایران دیگر حاضر نیستند هزینه جنگ‌ها و جاه‌طلبی‌های تو را بپردازند. آنها می‌خواهند در کشور خود آزاد و با عزت زندگی کنند، نه در فلاکت و سرکوب. تو که از مقاومت جوانان سوری می‌گویی، چرا از مقاومت جوانان ایرانی وحشت داری؟ چرا هر صدای اعتراضی را



تو که از مقاومت جوانان سوری می‌گویی، چرا از مقاومت جوانان ایرانی وحشت داری؟!

بریتانیا به اسماء اسد اجازه ورود نمی‌دهد

اسماء اسد همسر بشار اسد رئیس جمهور سوریه که پس از سرنگونی، هر دو به مسکو فرار کرده‌اند، پس از انقضای تاریخ گذرنامه بریتانیایی‌اش عملاً از بازگشت به بریتانیا منع شده است.

روزنامه «ساندی تایمز» نهم دی‌ماه ۱۴۰۳ گزارش داد که اسماء اسد بدون داشتن گذرنامه معتبر نمی‌تواند به زادگاه خود، لندن، بازگردد.

برخی منابع ادعا کردند اسماء اسد به دلیل ابتلا به بیماری سرطان خون در شرایط بحرانی بسر می‌برد و شانس زنده ماندن او ۵۰ درصد است.

منابع دولتی بریتانیا تأیید کرده‌اند که تاریخ پاسپورت بریتانیایی او منقضی شده و دیگر اعتبار ندارد و همچنین ایوت کوپر وزیر کشور بریتانیا اجازه ورود او را به این کشور به بهانه بیماری نخواهد داد.

این روزنامه افزوده است که دیوید لمی وزیر امور خارجه نیز پیشتر به نمایندگان مجلس گفته بود که اسماء که سابقاً در شهر لندن به عنوان بانکدار سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کرد، «اینجا جایی ندارد.»

۶ دی ۱۳۹۶ و یکی از زیباترین حرکات

اعتراضی در ایران علیه جمهوری اسلامی و حجاب اجباری

آنچه در ایران به اعتراض «دختر خیابان انقلاب» معروف شد، حرکت ابتکاری و نمادین زن جوانی بود که روسری اجباری خود را بر سر چوب کرد و در سکوت بر یک بلندی در خیابان «انقلاب» تهران ایستاد. ویدا موحد که بعداً نیز با حرکاتی مشابه به حجاب اجباری و نقض حقوق زنان در ایران اعتراض کرد، بازداشت و پس از مدتی آزاد شد. اما این حرکت وی که تصویر آن به سرعت پخش شد، الهام‌بخش زنان و دختران بسیاری در تلاش و مبارزه برای پس گرفتن آزادی و حقوق خود گشت



۶ دی ۱۳۹۶ و یکی از زیباترین حرکات اعتراضی در ایران علیه جمهوری اسلامی و حجاب اجباری

که جمهوری اسلامی در سال ۵۷ از آنها گرفت. مبارزه‌ای که در سال‌های پس از آن از جمله اعتراضات ۹۸ و همچنین انقلاب ملی که آتش آن از شهریور ۱۴۰۱ با قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد اسلامی شعله‌ور شد، ادامه یافت و اکنون نیز در کمین است تا سرانجام برای تعیین تکلیف نهایی با رژیم سرکوبگر و ضدزن و ضدبشر دوباره اوج بگیرد.

با سرکوب و خشونت خاموش کردی؟ تو بهتر از هر کسی می‌دانی که این نظام دیگر هیچ مشروعیتی ندارد. تهدید واقعی، خشم مردمی است که از فساد، دروغ و سرکوب به ستوه آمده‌اند. این خشم فرصتی برایت نمی‌سازد، بلکه پایان تو و رژیمت را رقم خواهد زد. واقعیت را بپذیر. اوضاع تو از یک ماه پیش بشار اسد هم وخیم‌تر شده و دیگر نه توان سرکوب داری و نه فرصتی برای فریبکاری باقی مانده است.»



عکس هفته | آخرین روزهای ریاست جمهوری جو بایدن

نخستین روز ژانویه ۲۰۲۵ در آمریکا همزمان با آخرین روزهای ریاست جمهوری بایدن مصادف با یک حمله تروریستی در شهر نیواورلئان در ایالت لوئیزیانا شد که با رانده شدن یک ماشین به درون جمعیت و تیراندازی راننده به سوی مردم، دست کم ۱۵ تن کشته و دهها تن زخمی شدند. مهاجم تروریست با شلیک پلیس کشته شد.